



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قانون
پروگرام ماستری فقه و قانون



امارت اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معینیت امور علمی

نرخ کذاری از دیدگاه شریعت و قانون

(رساله ماستری)

محقق: امان الله مفوض

استاد رهنما: دکتور مصباح الله عبدالباقي - حفظه الله -

سال: ۱۴۰۰ هـ ش و ۱۴۴۲ هـ ق



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قانون
پروگرام ماستری فقه و قانون



امارت اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معینیت امور علمی

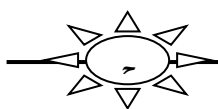
نرخ کداری از دیدگاه شریعت و قانون

(رساله ماستری)

محقق: امان الله مفوض

استاد رهنما: دکتور مصباح الله عبدالباقي - حفظه الله -

سال ۱۴۰۰ هـ ش - ۱۴۴۲ هـ ق



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پوهنتون سلام



پوهنځی شریعات و قانون

دپارتمنت فقه و قانون

بورد ماستری

تصدیق نامه

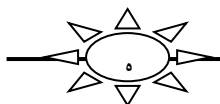
محترم امان الله فرزند منگباشی ID: نمبر SH-MSF-97-333 محصل دور ششم فقه و قانون که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: نرخ گذاری از دیدگاه شریعت و قانون به روز چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۰/۷/۲۸ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق ۹۰ (نمره به عدد) نود پورا (نمره به حروف) گردید، موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	استاد وزیر محمد سعیدی	عضو هیات	
۲	دکتور رفیع الله عطاء	عضو هیات	
۳	دکتور مصباح الله عبدالباقي	استاد رهنما و رئیس جلسه	

..... معاون علمی

..... امر بورد ماستری

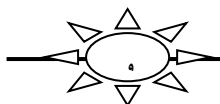


چکیده

این رساله پیرامون مداخله دولت در امور نرخ گذاری بازار از دیدگاه شریعت و قانون به رشته تحریر درآورده شده است که از تعریف، انواع، حالات و بر طریقه شرعی نرخ گذاری آغاز و حکم آن از دیدگاه شریعت در دو فصل علی حده بیان گردیده است، که در این مورد سه رأی عمده از علماء اسلام نقل گردیده است: جواز مطلق نرخ گذاری، جواز با تفصیل آن و منع نرخ گذاری، در ضمن دلیل های نقلی و عقلی با ذکر اقوال عمده علماء در مورد جواز و عدم آن و اسباب عمده جواز نرخ گذاری بیان گردیده است و از دیدگاه قانون، نرخ گذاری در کشور ما افغانستان متأثر از قانون اساسی -نظام قبلی (جمهوری اسلامی افغانستان)- می باشد که نوعیت اقتصاد کشور را تعیین کرده است. و این تأثیر در نرخ گذاری تمام امور اقتصادی کشور نبوده، در بعضی موارد نرخ گذاری و مداخله دولت صورت گرفته است. و ماده دهم قانون اساسی که مرتبط موضوع است، از طرف بعضی قانون دانان و اقتصاد دانان مورد بررسی قرار گرفته که قابل تأمل است و همچنان در این رساله در باره نرخ گذاری در قوانین کشور های پاکستان و ایران بخاطر وضاحت بیشتر موضوع نیز اشاره شده است که آنها در این مورد از خود طرز العمل ها دارند. و در مبحث اخیر رساله مقایسه بین شریعت و قانون در مورد نرخ گذاری صورت گرفته است که تفاوت ها در شریعت و قانون در رابطه به موضوع بسیار اندک بوده که اکثراً موضوع نامبرده در شریعت و قانون همسان می باشد و علت هم این می باشد که کشور های مورد بحث اسلامی هستند و مصدر و منبع قانون های شان فقه اسلامی می باشد، این همه در چهار فصل، پانزده مبحث، سی و یک مطلب، در نو نکات و با دو مناقشه بیان می گردد.

نکات کلیدی:

نرخ گذاری، تسعیر، قیمت، شریعت، فقه، قانون، اقتصاد، بازار، کالا و جالب.



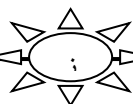
سازگاری

- حمد و ثنا مر خدایی را که ما را مسلمان آفرید و به وظیفه مقدس تعلیم و تحصیل مشغول نمود، درود و سلام بر منجی بشریت و معلم انسانیت محمد-صلی الله علیه وسلم- که رسالت الهی را بگونه کامل رسانید و ما را مستفید ساخت و رحمت بی پایان بر حق آن عده علماء و دعوت گران اسلامی که در راه دعوت شبانه روز تلاش ورزیدند و حتی جان های شان را در این مسیر قربان نمودند.

- سپاس و تشکر از وزارت محترم تحصیلات عالی که زمینه تحصیل را در قلمرو کشور مهیا ساخته تا هزاران تن از فرزندان وطن به عوض اینکه با مصارف گزاف به بیرون از کشور رفته تحصیل کنند؛ همینجا در داخل کشور تحصیل می کنند و تشکر از مؤسسين و اداریون علیای پوهنتون سلام که چنین پوهنتون ناب را تأسیس و اداره نموده اند تا فرزندان این کشور تریه سالم شوند و برای دهها تن امثال بنده مهد خوبی برای فراگیری علم باشد.

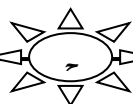
- تشکری فراوان از استاد گرامی ام دکتور مصباح الله عبدالباقی -حفظه الله- که رهنمائی رساله هذا را پذیرفته و در زمینه رهنمائی لازم نمودند تا رساله ماستری به پایه تکمیل برسد.

- و سپاس و امتنان از آن عده اشخاص که در زندگی ام مهم بوده و بنده را در راه علم تشویق و همکاری نمودند، خاصتا از پدر و مادرم که سبب به وجود آمدنم هستند و بالاخص مادر که کامیابی ها و موفقیت هایم را از اثر دعاء های او می دانم ﴿كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾^(۱).

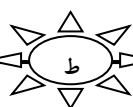


فهرست محتویات

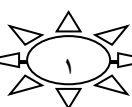
۱	مقدمه
۶	اهمیت موضوع:
۶	سبب اختیار موضوع:
۷	مشکل بحث:
۸	تحقیقات سابقه:
۹	سوالات موضوع:
۱۰	روش تحقیق:
۱۵	فصل اول: کلیات و مفاهیم
۱۵	مبحث اول: تعریف تسعیر:
۱۵	مطلب اول: معنای لغوی تسعیر:
۱۷	مطلب دوم: معنای علمی (اصطلاحی) تسعیر (نرخ گذاری):
۲۰	مطلب سوم: تعریف شریعت:
۲۱	مطلب چهارم: تعریف قانون:
۲۱	مبحث دوم: اشخاص و اشیای قابل نرخ گذاری:
۲۲	مطلب اول: اشخاص قابل نرخ گذاری و اشخاص غیر قابل نرخ گذاری:
۲۶	مطلب دوم: نرخ گذاری اموال:
۲۷	اول- نرخ گذاری اموال منقول:
۲۹	دوم- نرخ گذاری اموال غیر منقول (عقار):
۳۰	سوم- نرخ گذاری مال متلی و قیمی:
۳۰	مطلب سوم- نرخ گذاری اعمال (اجره یا مزد):
۳۲	مطلب چهارم: نرخ گذاری ارز های خارجی:
۳۵	مبحث سوم: صور (انواع و حالت های) نرخ گذاری:
۳۵	مطلب اول: نرخ گذاری در حالات عادی ^۱ :
۳۶	مطلب دوم: نرخ گذاری در هنگام بلند بودن قیمت ها از جانب فروشندگان:
۳۷	مطلب سوم: نرخ گذاری در مقابل ارزان فروختن، نسبت به قیمت عادی بازار:
۳۸	مبحث چهارم: نرخ گذاری در نظام های دیگر:
۳۹	مطلب اول: نرخ گذاری در نظام سرمایه داری (Capitalism):



- ۳۹ مطلب دوم: نرخ گذاری در نظام اشتراکی (Socialism): ۳۹
- ۳۹ مبحث پنجم: طریقه تعیین نرخ: ۳۹
- ۴۱ مطلب اخر فصل اول: عقوبت مخالفت از تسعیر: ۴۱
- ۴۴ فصل دوم: جواز نرخ گذاری ۴۴
- ۴۷ مبحث اول- مجوزین مطلق نرخ گذاری: ۴۷
- ۴۹ مبحث دوم- مجوزین مقید نرخ گذاری: ۴۹
- ۴۹ مطلب اول- مجوزین نرخ گذاری در طعام: ۴۹
- ۵۰ مطلب دوم- مجوزین نرخ گذاری در مکیلات و موزونات: ۵۰
- ۵۱ مطلب سوم- مجوزین نرخ گذاری در وقت بلند شدن قیمت ها: ۵۱
- ۵۶ مبحث سوم- دلیل های مجوزین نرخ گذاری: ۵۶
- ۵۷ مطلب اول: جواز نرخ گذاری در نصوص: ۵۷
- ۶۲ مطلب دوم- جواز نرخ گذاری از دیدگاه عقل و قیاس: ۶۲
- ۶۴ مبحث چهارم: اسباب عمده ای که مجوزین، نرخ گذاری را ضرورت می دانند: ۶۴
- ۶۴ یک- بلند شدن نرخ کالا تا قیمت فاحش^۱ از طرف فروشندگان: ۶۴
- ۶۴ دو- ضرورت مردم به کالا: ۶۴
- ۶۵ سه- ضرورت مردم به گروه از صنعت کار ها: ۶۵
- ۶۵ چهار- خاص کردن اشخاص معین بر فروش کالا: ۶۵
- ۶۶ پنج- احتکار: ۶۶
- ۷۱ شش: سد ذرایع: ۷۱
- ۷۵ هفت: مصلحت مسلمانها: ۷۵
- ۸۰ فصل سوم : نرخ گذاری در نزد مانعین آن ۸۰
- ۸۰ مبحث اول: مانعین نرخ گذاری و آرای آنها: ۸۰
- ۸۰ مطلب اول: مانعین نرخ گذاری از اصحاب کرام و آرای آنها: ۸۰
- ۸۱ مطلب دوم: مانعین نرخ گذاری از تابعین: ۸۱
- ۸۲ مطلب سوم: مانعین نرخ گذاری از علماء دین بعد از تابعین: ۸۲
- ۸۸ مبحث دوم- دلیل های مانعین نرخ گذاری: ۸۸
- ۸۸ مطلب اول- منع نرخ گذاری در نصوص: ۸۸



مطلب دوم- دلیل های عقلی مانعین نرخ گذاری:	۹۴
خلاصه حکم نرخ گذاری از دیدگاه مجوزین و مانعین آن:	۹۵
مبحث سوم: مناقشه دلیل های مجوزین و مانعین نرخ گذاری:	۹۶
مطلب اول: مناقشه دلیل های مجوزین نرخ گذاری توسط مانعین:	۹۶
مطلب دوم: مناقشه دلیل های مانعین توسط مجوزین نرخ گذاری:	۹۸
مطلب سوم: خلاصه هر دو مناقشه و نتیجه بدست آمده:	۱۰۲
فصل چهارم- نرخ گذاری در قانون	۱۰۷
مبحث اول: نرخ گذاری در قوانین نافذه کشور:	۱۰۷
مطلب اول: نرخ گذاری در قانون اساسی کشور:	۱۰۸
مطلب دوم: نرخ گذاری در سایر قوانین نافذه کشور:	۱۱۱
مبحث دوم: نرخ گذاری در قوانین کشور های پاکستان و ایران:	۱۱۵
مطلب اول- نرخ گذاری در کشور جمهوری اسلامی پاکستان:	۱۱۵
مطلب دوم: نرخ گذاری در قانون جمهوری اسلامی ایران:	۱۱۸
مبحث سوم: مقایسه بین شریعت و قانون در موضوع نرخ گذاری:	۱۲۳
مطلب اول: نقاط اتفافی شریعت و قانون در باره نرخ گذاری:	۱۲۳
مطلب دوم: نقاط اختلافی شریعت و قانون در مورد نرخ گذاری:	۱۲۵
خاتمه و نتایج بحث	۱۲۶
پیشنهاد ها	۱۲۹
فهرست ها	۱۳۰
فهرست آیات قرآنی	۱۳۱
فهرست احادیث نبوی	۱۳۴
فهرست اعلام	۱۳۵
فهرست اصطلاحات	۱۳۸
فهرست منابع و مآخذ	۱۳۹
Abstract	146



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ، نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّهِ وَأَنْفُسَنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ وَ مَنْ يَضَلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. قَالَ تَعَالَى: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ (١) و قَالَ تَعَالَى: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾ (٢). وَقَالَ تَعَالَى: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾ (٣) يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾ (٤) و قَالَ رسول- صلى الله عليه وسلم-: «فَإِنَّ خَيْرَ الْحَدِيثِ كِتَابُ اللَّهِ، وَخَيْرَ الْهَدْيِ، هَدْيِ مُحَمَّدٍ -صلى الله عليه وسلم- وَ شَرُّ الْأُمُورِ مُحَدَّثَاتُهَا، وَكُلُّ مُحَدَّثَةٍ بَدْعَةٌ، وَكُلُّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ، وَكُلُّ ضَلَالَةٍ فِي النَّارِ» (٤). أَمَا بَعْدُ.

احکام شریعت اسلامی عموماً برای مصلحت های بندگان بشکل فردی و اجتماعی و به هدف جلب خیر عاجل و آجل و دفع شر دنیا و آخرت و بالآخره برای تحقق سعادت دارین وضع شده است که حامل شریعت پیامبر اسلام-صلى الله عليه وسلم- خیری نبود، مگر امت را بر آن دلالت کرد و شر و بدی وجود ندارد، مگر امت را از آن بر حذر داشته است و این شریعت الهی فارمول مکمل زندگی افراد و جامعه ها و در تمام زمانه و شهر هاست که شامل اساس عقیدوی، تشریح مدنی و اصول اخلاقی می باشد که هیچ زمینه ی زندگی را نگذاشته مگر آن را قانون گذاری کرده و منظم نموده است.

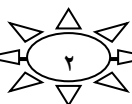
از جمله مهم ترین مجالات زندگی که شریعت اسلامی آن را تنظیم نموده است، معاملات می باشد که از جمله مهم ترین مجال ها در زندگی افراد و جامعه را تشکیل می دهد؛ زیرا که این بخش همه گیر بوده و هر فرد جامعه و حتی جامعه بر آن ملموس می باشد و در این مجال منازعات و کشمکش های فراوانی رخ می دهد، همین بود که خلافت عثمانی بخش معاملات دین اسلام را قانونگذاری نموده و آن را (مجلة الأحكام العدلیة) نامگذاری کرده بود که در قلمرو اسلامی در محاکم از آن کار گرفته می شد و این احکام معاملات چه خرید و فروش باشد

١ - آل عمران: ١٠٢

٢ - النساء: ١

٣ - الأحزاب: ٧٠ - ٧١

٤ - رواه أبو داود و الترمذی، وَقَالَ: ((حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ))



یا داد و ستد با شمول تمام عقودات و تصرفات در بین مردم در شریعت اسلامی بر مبنای و اساس حریت و آزادی استوار می باشد، مگر شریعت اسلامی استفاده سوء و تعسف از این آزادی را منع فرموده است: «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارٌ»^(۱). ترجمه: «[در اسلام] ضرر وجود ندارد و نه ضرر رسانیدن [به قصد و اراده]»^(۲) پس اقتصاد بازار و یا بازار آزاد مانع دخالت دولت در امور نرخ گذاری بازار می شود که از آن مردم های استفاده جو و مغرض سوء استفاده و تعسف بی شماری نمودند که یکی در بازار می سوزد و دیگری از آن سود می برد، پس در چنین شرایط بعضی از علماء بالای حکومت ها در بعضی حالات واجب می داند تا در امور بازار مردم مداخله کند که این هم از وظیفه حکومت است تا نظم را در بین مردم بر قرار نماید، پس خواستم در رساله خویش حکم تسعیر را از دیدگاه شریعت اسلامی و قوانین نافذه کشور و بعضی از کشور های دیگر بیان نمایم.

واژه ی تسعیر (نرخ گذاری) در اصل دین مبین اسلام وجود دارد که در روزهای نخستین حکومت پیامبر اسلام -صلی الله علیه وسلم- در بازار مدینه منوره حین بلند شدن بهای کالا^(۳) های بازار به کار برده شده است، در این مورد چندین روایت از پیامبر -صلی الله علیه وسلم- نقل شده است که نرخ کالاها بلند شده بود، اصحاب کرام -رضی الله عنهم- از پیامبر -صلی الله علیه وسلم- تقاضای نرخ گذاری کالا های بازار را نمودند و به "سعر لنا یا رسول الله!"^(۴) تعبیر کردند و پیامبر -صلی الله علیه وسلم- در جواب ایشان فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمُسَعِّرُ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ الرَّازِقُ وَإِنِّي لَأَرْجُو أَنْ أَلْقَى اللَّهَ وَلَيْسَ أَحَدٌ مِنْكُمْ يُظَالِمُنِي بِمَظْلَمَةٍ فِي دَمٍ وَلَا مَالٍ»^(۴) ترجمه: [یعنی] «یقیناً الله تعالی خود نرخ گذار است، تنگ کننده، فراخ کننده [روزی] و روزی دهنده است و من امید وارم خداوند را طوری روبرو شوم که کسی از من طلب مظلومی را نکند که در خون و مالش ستم کرده باشم» یعنی پیامبر اسلام -صلی الله علیه وسلم-

۱ - الأنعام: ۱۰۸

۲ - (ای مؤمنان!) به معبودها و بتهایی که مشرکان بجز خدا می پرستند دشنام ندهید تا آنان (مبادا خشمگین شوند و) تجاوزکارانه و جاهلانه خدای را دشنام دهند.

۳ - "کالا" در اصل: رخت و تکه را گویند، به وسایل خانه (اثاث البیت) نیز کالا اطلاق شده است و کالا شامل چیزهای است که در عربی آن را سلعة گویند و در انگلیسی goods، یا اموال تجارتي منقوله را کالا گویند. فرهنگ ده خدا نوشته علی اکبر دهخدا» موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۲ هـ ش، واژه کالا و Persian Dectionary. لذا در بحث هذا در اجناس بازار از لفظ "کالا" استفاده صورت گرفته است.

۴ - امام ترمذی این حدیث را در "باب ما جاء في التسعير" به شماره (۱۳۱۴) در سنن ترمذی خود نقل کرده و آن را "حسن صحیح" گفته است، امام ابن حبان نیز صحیح گفته است، حافظ در التلخیص خود این حدیث را به شرط مسلم صحیح گفته است، سنن أبو داود در کتاب البیوع (۳۴۵۱)، سنن ابن ماجه در کتاب التجارات (۲۲۰۰)، مسند أحمد بن حنبل (۲۸۶/۳)، سنن الدارمی در کتاب البیوع (۲۵۴۵) نقل کرده است. و امام البانی در تخریج ابن ماجه (۲۱۹۱)، غایة المرام فی تخریج أحادیث الحلال و الحرام (۳۲۳) و مشکاة المصابیح (۲۸۹۴) این حدیث را صحیح گفته است.

وسلم - بلند شدن نرخ ها بدون علت را کار الله تعالی قلمداد نموده - و این موضوع را علم اقتصاد «تورم»^(۱) می گویند که نرخ کالاها بنا بر قلت کالا و تقاضای بیشتر آن بلند می شود - و از نرخ گذاری دست برداشتند؛ چونکه بلند شدن نرخ ها کار الله تعالی بوده و تاجرهای صادق وقت، هیچ نوع دست دخل در بلند شدت قیمت ها را نداشتند، چون همه شاگردان مکتب پیامبر اسلام - صلی الله علیه وسلم - بودند که در صداقت و راستکاری و راستگوی الگو برای بشریت اند، که در فضایل ایشان نصوص زیادی ذکر شده است. و بعدها فقهای اسلام روی این موضوع بحث و مناقشه زیاد نمودند و به صفت یک موضوع اختلافی در کتاب های فقهی تدوین گردیده است که بعضی ها آن را بنا بر همین حدیث وارده و دلایل واضح دیگر از قرآن و سنت ممنوع و ناجایز می دادند که از اصحاب پیامبر، تابعین و علماء برجسته امت هستند و برخی از علماء که مشمول اصحاب کرام، ائمه امت و علماء بزرگ صدر اسلام و حتی علمای معاصر^(۲) هستند بر جواز آن قایل اند و ایشان هم بر بعضی دلایل نقلی و عقل استدلال می کنند که در آن راه حل احتکار، سد ذریعه و مصلحت مسلمانان شامل است.

روی این ملحوظات می خواهم بحث نمایم که روی کالا های تولیدی کشور های ترقی یافته اسلامی نرخ گذاری صورت گرفته است و اما کشور ما با وجودیکه تا گلو در ظلم و استبداد غرق است، نرخ گذاری ندارد، بعضی ها ماده دهم قانون اساسی را مانع نرخ گذاری بازار می دانند، او اینکه:

قبل از سال ۱۳۸۲ اصطلاح «اقتصاد بازار» در نظام حقوقی کشور شناخته شده نه بود و کدام تعریف خاص حقوقی از اقتصاد بازار ارائه نه شده بود و از طرف دیگر جامعه بازرگانان و مصرف کنندگان نیز معاملات روزانه خویش را با توجه به عرضه و تقاضا در بازار انجام می دادند و همچنین دولت با توجه به قیمت تولید و مصارف ایجاد شده در بازار قیمت ها را تعیین و نظارت می کرد.

در نظام حقوقی فعلی کشور، نیز از اقتصاد بازار تعریفی ارائه نه شده است و تعدادی از اقتصاد دانان و بازرگانان پس از سال ۱۳۸۲ از اقتصاد بازار مفهوم جدید خلق کرد و این نظام اقتصادی را بنام «بازار آزاد» معرفی کردند. این تعداد تعریف غیر مدون که از بازار آزاد ارائه نموده، به معنی عدم نقش دولت در تجارت می باشد.

۱ - از نظر علم اقتصاد اشاره به افزایش سطح عمومی تولید پول، درآمدهای پولی یا قیمت است. تورم عموماً به معنی افزایش غیرمتناسب سطح عمومی قیمت در نظر گرفته می شود. (ویکیپدیا)

۲ - واژه معاصر به معنای هم عصر و هم زمانه می باشد، تاریخ معاصر: عبارت است از حوادث زمان ما یا منسوب به ازمنه که هنوز شواهد و آثار آن موجود باشد. علماء معاصر (فرهنگ دهخدا) علماء معاصر: علمای را گویند وجودشان از ۱۰۰ سال به این طرف باشند.

بر اساس این تعریف، دخالت دولت در ایجاد شرکت های تجاری دولتی، نظارت و کنترل از قیمت ها در بازار و نظارت از کیفیت کالا توسط دولت و همچنین رقابت تجاری دولت را امر خلاف قانون اساسی می داند.

به عبارت دیگر تعریفی که از نظام اقتصاد بازار مندرج ماده ۱۰ قانون اساسی از طرف این تعداد از متفکرین اقتصاد ارائه شده است، بیشتر معنی یک بازار «بی نظم» یا «Anarchism» اقتصادی را تداعی می کند تا اینکه تعریف علمی یک نظام اقتصادی را ارائه کند.

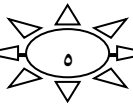
ولی تعداد دیگری از اقتصاددانان و علمای حقوق نظام اقتصاد بازار در تجارت را نمی پذیرد و استدلال می کند که قانون اساسی کشور در تجارت اقتصاد بازار را نپذیرفته است. با توجه به دو دیدگاه ارائه شده نکات ذیل برای مطالعه بیشتر تقدیم می گردد:

"دولت، سرمایه گزارها و تشبثات خصوصی را مبتنی بر نظام اقتصاد بازار، مطابق به احکام قانون، تشویق، حمایت و مصونیت آن ها را تضمین می

نماید" پس اگر فرض کنیم این ماده مانع نرخ گذاری است، ظلم و جور بارازها را چطور مهار گردد، پس به صراحت گفت که اساس ماده دهم قانون اساسی است و این ظلم بر می گردد به آن عده قانون نویسان که در حکومت انتقالی رئیس جمهور اسبق حامد کرزی، و این ماده از جمله ماده های جنجال بر انگیز در بین مردم قرار گرفته است، تغییر این ماده کار دشوار و نا ممکن نبوده؛ چرا که احکام معلول بر علت هم در صورت ضرورت تغییر حکم می کند، پس تغییر ماده های قانون اساسی افغانستان در کتاب های قانون گذاری ذکر شده است که بجز از ماده ۱ و ۲ و ۳ قانون اساسی کشور^(۱) که قابل تغییر نبوده و متباقی را می توان تغییر داد که قانون بر آن تصریح دارد. این موضوع در فصل چهارم در بحث قانون بیشتر بحث خواهد شد.

و در زندگی عملی اصحاب رسول الله - صلی الله علیه وسلم - نظر اندازی نمایم در مورد نرخ گذاری واقعه دیگری را مشاهده می کنیم که نقل شده است: عمر - رضی الله تعالی عنه - تاجری را دید که می خواست مال خود را از نرخ بازار ارزان تر بفروش برساند، گفت: «بیع علی سعر السوق وإلا فلا» یعنی: "به نرخ بازار به فروش برسان والا نه فروش" چون وی فکر کرد که هدف تاجر مذکور برهم زدن نظم بازار است. و همچنان عده بر نرخ گذاری

۱ - ماده اول: افغانستان، دولت جمهوری اسلامی، مستقل، واحد و غیر قابل تجزیه می باشد.
ماده دوم: دین دولت جمهوری اسلامی افغانستان، دین مقدس اسلام است. پیروان سایر ادیان در پیروی از دین و اجرای مراسم دینی شان در حدود احکام قانون آزاد می باشند.
ماده سوم: در افغانستان هیچ قانون نمی تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد.



قایل اند که در تفصیل بحث خواهد آمد، طرف داران این رأی دلیل زیادی را پیش کرده بر جواز تسعیر قایل اند که احتکار، سد ذریعه و مصلحت مسلمانان را دلیل بر جواز تسعیر می دانند.

روی این موضوع بحث مفصل در فقه اسلامی صورت گرفته است که علماء در آن اختلاف عمیق دارند، بعضی ها مطلق بر جواز آن قول کرده اند و بعضی ها در حالات خاص نرخ‌گذاری جائز می دانند و بعضی ها نرخ‌گذاری را نا جائز و ظلم گفته اند که بر آنها بحث صورت گیرد تا حقیقت برملا گردد و از اختلاف تا حد ممکن دوری شود.

بنده ضمن بیان مفصل موضوع در فقه اسلامی به قوانین و حتی بر قوانین کشور های بیرونی مراجعه می نمایم و در اخیر تا حد ممکن موضوع را بشکل مقارنه در شریعت و قانون بحث خواهم کرد، امید است از نبشته هذا استفاده خوبی شود و دعا می کنم الله تعالی همه ما را در راه راست که راه انبیاء، صدیقین و شهداء است، رهنمائی کند.

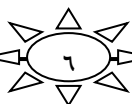
آمین

وصلی الله تعالی علی نبینا محمد و علی آله و صحابته و من تبعهم بإحسان إلی یوم الدین

امان الله مفوض

کابل - افغانستان

بهار ۱۳۹۸



اهمیت موضوع:

نرخ گذاری در زمانه پیامبر-صلی الله علیه وسلم- از طرف وی مورد منع قرار گرفت، این در حالی بود که اهالی شهر مدینه منوره همه شاگردان پیامبر-صلی الله علیه وسلم- و مردمان صادق و راستکار بودند و علت بلند شدن قیمت ها همانا قانون کثرت تقاضا و کمبود کالا بود، مگر به مرور زمان انواع ظلم و استبداد در بازار به وجود آمد و این موضوع نظر به علت آن نزد علماء اسلام تغییر حکم کرد که عده‌ی زیادی از علماء بر جواز آن نظر دادند و ادله بی شمار نقلی و عقلی را ارائه نمودند، در همین سلسله کشور اسلامی پاکستان و ایران که جزء از این بحث می باشند در کالا های تولیدی خویش نرخ گذاری دارند، مگر در بازارهای امروز ما ظلم و جور تاجران اوج گرفته و کالا های مصرفی همه وارداتی می باشد نه تولیدی، بدبختانه از نرخ گذاری صرف نظر و غفلت صورت گرفته است.

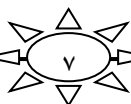
در جهت دیگر می بینیم که عده ی با استناد از حدیث منع تسعیر نرخ گذاری را منع قرار می دهند و عده ی هم نرخ گذاری را مصلحت مسلمانها و سد ذریعه می دانند پس چطور است که نص در مقابل مصلحت قرار بگیرد در حالیکه هیچ نصی خلاف مصلحت نیست؛ پس دانستن چنین احکام بخاطر تعدیل بازار بر همه گان ضروری بوده تا از شر اهل بازار در روشنی شریعت راه یابد.

علاوه بر آن نرخ گذاری ضمن موضوع فقهی بودن موضوع اقتصادی نیز می باشد با عملی شدن نرخ گذاری و عدم آن، در بازار تغییرات وارد می شود و همچنان فیصله به جواز و عدم آن تحقیق عمیق دارد تا حکم نرخ گذاری واضح تر بیان گردد و تجار محترم ملی و بین المللی ما در حرام واقع نشوند.

سبب اختیار موضوع:

اختیار این موضوع برای بنده ناشی از عوامل و اسباب درونی بنده بوده است و مهم ترین آن قرار ذیل می باشد که ذکر می نمایم:

- ۱- برای مدت زیادی در بخش مالی کار کردم و تجربه کافی در این بخش دارم و بخش اعظم فقه اسلامی را امور مالی تشکیل می دهد؛ لذا خواستم در رساله ماستری خویش - که در فقه و قانون است- موضوعی را انتخاب کنم که در آن معلومات و تجربه کافی دارم.



۲- چندی پیش در بیره های دندانم تکلیفی بود، نزد داکتر رفته بودم، داکتر کریمی را توصیه کرد که از دوا خانه بگیرم، نزد دوا فروش رفتم یک صد و پنجاه افغانی قیمت گذاشت و چونکه با او تعارف داشتم برای من به ۱۰۰ افغانی داد، وقتیکه از دوا خانه بیرون آمده متوجه شدم که قیمت آن ۸۰ روپیه پاکستانی بود، یعنی تقریباً سه چند قیمت اصلی از مردم پول میگیرند که این نوع مشکل، بازار را احاطه کرده است و هیچ کس از چل و فریب مردم در امان نیست، که این چنین معامله را در فقه اسلامی قیمت فحش گویند که از نظر علماء حرام می باشد که در این باره امام زلیعی و دیگر علماء اسلام اظهار نظر نموده اند که شامل بحث هذا می باشد که در جای خود وضاحت داده خواهد شد، این علت دیگری است که این موضوع را بحیث بحث رساله خود انتخاب کردم.

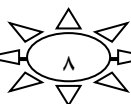
۳- از نظر بنده، نرخ گذاری در بازار امروزه یک نیاز مبرم است که تاجران به دل خود می فروشند و خریداران به هر نرخ که برایشان میسر شود باید خریداری کنند که فایده همه یک طرفه است، اگر احتکار هم صورت بگیرد خریدار بیچاره بی خبر است. و اکثراً تولیدات خارجی عرضه بازار می گردد و تاجر به هر نرخیکه آورده باشد و به چند ضرب و جمع می کند و می فروشد، اصلاً مصلحت عامه مدنظر گرفته نمی شود.

۴- کشور های پیشرفته و در حال پیشرفت اسلامی نرخ گذاری را جزء از قوانین شاروالی خود ساختند ولی در کشور ما بازار را آزاد گذاشته شده است، علت منع تسعیر در کشور ما چه است باید بدانیم و کشور های اسلامی به کدام دلیل استناد کرده بازار خود را نرخ گذاری نمودند؟

۵- نرخ گذاری یکی از موضوعات اختلافی آن هم اختلاف چند نوعی بین علماء اسلام می باشد، عده ی بر منع آن و عده ی بر جواز مطلق و عده ی هم به جواز بر تفصیل قایل اند، پس خواستم موضوع را علمی بحث کرده و رساله خود را تکمیل کنم، تا از این راه توانسته باشم در حل مشکل این بازار بی پرسیان راه پیدا کرده و توسط این بحث به سمع منسوبین برسانم.

مشکل بحث:

بخاطر نوشتن هر نوع بحثی، محقق با یک سلسله مشکلات روبرو می شود، بیان این نوع مشکلات محققین بعدی را آگاه می سازد که با مشکلات چگونه پنجه نرم کرد، عمده ترین مشکل بنده در این تحقیق حسب ذیل می باشد:



- ۱- قانون اساسی کشور در ماده دهم آن چنین تصریح کرده: " دولت، سرمایه گزاریها و تشبثات خصوصی را مبتنی بر نظام اقتصاد بازار، مطابق به احکام قانون، تشویق، حمایت و مصونیت آن ها را تضمین می نماید" این ماده دلالت بر آزادی بازار که همانا نظام کاپیتالیزم است، دلالت می کند. و قوانین دیگر نافذ کشور در باره موضوع سکوت کرده است، مشکل همین جاست که موضوع هذا در قوانین نافذ کشور چندان مصادر و مراجع ندارد و موضوع بنده نرخ گذاری در شریعت و قانون است. پس در قانون به کمبودی مواد و مصادر دچار شدم.
- ۲- معلومات موضوع این رساله در کتاب های عربی و دیگر زبان های زنده دنیا است که هرکس از آن استفاده درست کرده نمی تواند.
- ۳- اختلافات علماء در موضوع اختلاف تضادی است نه تنوعی، بخاطریکه عده ی بر جواز آن قایل و عده ی هم بر عدم جواز آن قایل اند.
- ۴- و غیره...

تحقیقات سابقه:

موضوع نرخ گذاری در کتاب های حدیث و فقه به "التسعیر" تعبیر شده است مگر در این باره در فقه قدیم کدام کتاب مستقلی نوشته نه شده است و در تحقیقات فقه معاصر رساله ها و مقالات زیاد در این موضوع نوشته است اما نه در قلمرو حاکمیت زبان های پشتو و دری و موضوع در کشور ایران شکل قانونی را گرفته و نویسندگان آن کشور نوشتار زیادی در رابطه به این موضوع دارند و لکن موضوع بشکل کلی و همه جانبه بررسی نه شده است، از آن جمله: «دستور العمل نرخ گذاری کالاها و خدمات صنفی» که از طرف مرکز امور اصناف و بازرگانان ایران نوشته شده است، و «ضوابط قیمت گذاری کالاهای تولید داخل» و غیره.

مقالات هم به زبان فارسی از راه انترنت دریافت می شود اما تشنه موضوع را سیراب نمی کند و نویسندگان های عربی زبان تحقیقاتی را در این باره انجام دادند، مگر خالی از اشکال نیست. اول اینکه به زبان عربی است و برای عموم مردم ما قابل استفاده نیست چونکه به زبان عربی آشنایی کم تر دارند و یا هم اصلاً نمی فهمند و دوم اینکه به موضوع به طور فراگیر پرداخته نه شده است. در ادامه به برخی از این پژوهش ها اشاره می کنم:

«التسعیر و حکمه» نوشته پروفیسور عبدالله الزبیر عبدالرحمن «حکم التسعیر الجبری فی الفقه الإسلامی» نوشته دکتور ابراهیم عبد الله جویر القیسی.

أحكام التسعير في الفقه الاسلامي، تأليف: محمد ابوالهدى يعقوبى الحسنى.

التسعير شروطه و حكمه دراسة فقهية مقارنة، تأليف: د.ماهر حامد محمد الحولى، الأستاذ المشارك في الفقه وأصوله في الجامعة الإسلامية - غزة.

این کتاب ها و چندین مجله های علمی عربی موضوع تسعیر را همه جانبه بحث کرده است که میتوان استفاده بهتر نمود، که عبارت است از: مجلة البحوث الإسلامية در جزء چهارم، الموسوعة الفقهية الكويتية در جزء یازدهم و البحوث العلمية لهيئة كبار العلماء بالمملكة در جزء سوم خود در این موضوع بحث مفصل نموده است، مگر تفاوت های چندی با این رساله دارد، من جمله: این رساله شامل قانون است که در کتاب های متذکره از قانون بحث نه شده است و لازم دیدم که در این موضوع به صورت گسترده و فراگیر تحقیق و پژوهش انجام گیرد تا مشکلات که در این خصوص فرا روی جامعه ما قرار دارد، حل و برطرف گردد.

تحقیق حاضر نیز به دنبال پاسخ به احکام نرخ گذاری از دیدگاه فقه اسلامی، آشنایی به بازار و محرمات آن و آثار آن بالای مصرف کنندگان پرداخته است تا با در نظر داشت دیدگاه های دانشمندان فقه اسلامی و مصرف کنندگان و فروشندگان به نتایج مثبتی برسد.

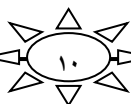
سوالات موضوع:

سوال اصلی:

۱- حکم اصلی نرخ گذاری در شریعت اسلامی و قانون چه می باشد؟

سوالات فرعی:

۱. نرخ گذاری با کدام دلایل منع ثابت شده است؟
۲. و به کدامین دلیل ها جواز قلمداد می گردد؟
۳. چرا قوانین نافذ کشور از نرخ گذاری چیزی نگفته در حالیکه کشور های همسایه همچو پاکستان و ایران در این باره قوانین خاص دارند؟
۴. قوانین افغانستان بر عدم جواز نرخ گذاری قایل است، چنین گذاشته شود و یا تغییر داده شود؟



روش تحقیق:

روش تحقیق در این بحث استنباطی استقرائی (inductive inference method) بوده، طوریکه نخست به جستجوی حکم تسعیر در شریعت از مصادر اصلی آن (قرآن و سنت) باز در زندگی عملی پیامبر-صلی الله علیه وسلم- و یارانش و بعد از آن به ارائه نظریات علماء بزرگ اسلام پرداخته شده است.

در این بحث کوشش صورت گرفته که نصوص را اصل قرار داده شود و در اطراف نصوص بحث صورت گیرد. و بعد از آن تطبیق و مناقشه دلایل و داخل شدن به جزئیات و...

در این بحث تلاش صورت گرفته تا از دلایل قوی تری از نصوص و باز از سیرت سلف کار گرفته شود، دلیل های عقلی نیز مدنظر گرفته شده است.

در ترجمه آیت کریمه از تفسیر نور استفاده صورت گرفته و در ترجمه حدیث از ترجمه صحیح مسلم که توسط عبدالقادر ترشابی ترجمه گردیده است استفاده صورت گرفته است، و آن عده احادیث را که ترجمه آن در کتاب های ترجمه شده معتبر یافت نه شده در بدل کلمه «ترجمه» کلمه‌ی «یعنی» که تعبیر از ترجمه محصل می باشد، استفاده شده است.

در پاورقی ترجمه اعلام: اولاً تخلص ذکر گردیده و بعد از آن اسم و ولد و نسب و دیگر فعالیت های وی بیان می گردد.

و در کتاب، در شروع نام کتاب و بعد از آن تخلص نویسنده و بعد از آن نام و نشان و دیگر مواصفات وی ذکر می گردد، و همچنان سال، نوبت و جای چاپ نوشته می گردد. در این بحث نکات ذیل بررسی شده است:

مقدمه:

فصل اول: کلیات و مفاهیم:

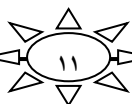
مبحث اول: مفهوم تسعیر:

مطلب اول: معنای لغوی تسعیر.

مطلب دوم: معنای علمی نرخ گذاری.

مطلب سوم: تعریف شریعت.

مطلب چهارم: تعریف قانون.



مبحث دوم: اشخاص و اشیای قابل نرخ گذاری:

مطلب اول- اشخاص قابل نرخ گذاری و اشخاص غیر قابل نرخ گذاری:

یک: اشخاص قابل نرخ گذاری.

دو: اشیای قابل نرخ گذاری:

مطلب دوم: نرخ گذاری اموال:

نرخ گذاری اموال منقوله

نرخ گذاری عقار

مطلب سوم: نرخ گذاری اعمال (کارها).

مطلب چهارم: نرخ گذاری ارزش های خارجی.

مبحث سوم: حالت های نرخ گذاری:

مطلب اول: نرخ گذاری در حالات عادی.

مطلب دوم: نرخ گذاری در هنگام بلند رفتن قیمت ها از جانب فروشندگان.

مطلب سوم: نرخ گذاری در مقابل ارزان فروختن جنس نسبت به قیمت تعیین شده.

مبحث چهارم: طریقه تعیین نرخ.

فصل دوم- نرخ گذاری نزد مجوزین آن:

مبحث اول: مجوزین مطلق نرخ گذاری.

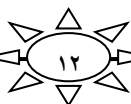
مبحث دوم- مجوزین تفصیلی نرخ گذاری:

مطلب اول: مجوزین نرخ گذاری در طعام.

مطلب دوم: مجوزین نرخ گذاری در موکولات و موزونات.

مطلب سوم: مجوزین نرخ گذاری در وقت بلند شدن قیمت ها و قحطی.

مبحث دوم- دلیل های جواز نرخ گذاری:



مطلب اول- ثبوت جواز نرخ گذاری از نصوص:

اول: جواز نرخ گذاری در قرآن کریم.

دوم: جواز نرخ گذاری در احادیث نبوی.

سوم: جواز نرخ گذاری به اثر سلف الصالحین.

مطلب دوم: جواز نرخ گذاری از دیدگاه عقل و قیاس.

مبحث سوم- اسباب عمده ی که علماء نرخ گذاری را ضرورت می پندارند:

یک: بلند نمودن نرخ کالا تا قیمت فاحش از طرف صاحب کالا/تجار.

دو: ضرورت مردم به کالا.

سه: خاص کردن اشخاص بر فروش کالا .

چهار: احتکار .

پنج: سد ذرایع.

ششم: مصلحت مسلمانها.

فصل سوم- نرخ گذاری نزد مانعین آن:

مبحث اول- آراء مانعین نرخ گذاری:

مطلب اول: مانعین نرخ گذاری از اصحاب کرام.

مطلب دوم: مانعین نرخ گذاری از تابعین.

مطلب سوم: مانعین نرخ گذاری از علماء دین بعد از تابعین.

مبحث دوم- دلایل مانعین نرخ گذاری:

مطلب اول: دلیل های منع نرخ گذاری در نصوص.

مطلب دوم: دلیل های منع نرخ گذاری از اثر سلف صالح.

مطلب سوم: دلیل های منع نرخ گذاری در عقل و قیاس.

مبحث سوم- مناقشه دلایل مانعین و مجوزین نرخ گذاری:

مطلب اول: مناقشه دلایل مانعین نرخ گذاری توسط مجوزین آن.

مطلب دوم: مناقشه دلایل مجوزین نرخ گذاری توسط مانعین آن.

مطلب سوم: نتیجه بدست آمده از مناقشه مجوزین و مانعین.

فصل چهارم- نرخ گذاری در قانون:

مبحث اول- نرخ گذاری در قوانین افغانستان:

مطلب اول: نرخ گذاری در قانون اساسی کشور.

مطلب دوم: نرخ گذاری در سایر قوانین نافذه کشور.

مبحث دوم- نرخ گذاری در قوانین کشور های پاکستان و ایران:

مطلب اول: نرخ گذاری در قانون پاکستان.

مطلب دوم: نرخ گذاری در قوانین ایران.

مبحث چهارم: مقایسه بین شریعت و قانون در مورد نرخ گذاری:

مطلب اول- نقاط اتفاقی بین شریعت و قانون در مورد نرخ گذاری.

مطلب دوم- نقاط اختلافی بین شریعت و قانون در مورد نرخ گذاری.

خاتمه و نتیجه بحث

فهرست ها:

فهرست آیات قرآن کریم

فهرست احادیث نبوی-صلی الله علیه وسلم-

فهرست اعلام

فهرس اصطلاحات

Abstract

فصل اول

کلیات و مفاهیم

مبحث اول: تعریف مفاهیم

مبحث دوم: اشخاص و اشیای قابل نرخ گذاری

مبحث سوم: حالت های نرخ گذاری

مبحث چهارم: طریقه نرخ گذاری

فصل اول

کلیات و مفاهیم

در این فصل چهار مبحث و تحت هر مبحث چند مطلب بخاطر وضاحت موضوعات آن قرار دارد، که حسب ذیل بیان می گردد:

مبحث اول: تعریف مفاهیم:

افتتاح هر بحث از تعریف عنوان آن آغاز می گردد و تعریف موضوع قدم نخست باحث است که به معرفی موضوع در لغت و در اصطلاح در راستای تحقیق خویش بر میدارد، پس درین مبحث دو مطلب را بیان می کنم: مطلب اول دلالت لفظ تسعیر (نرخ گذاری) و مطلب دومی تعریف علمی (اصطلاحی) تسعیر می باشد:

مطلب اول: معنای لغوی تسعیر:

تسعیر در اصل لغت از ماده "س ع ر=سعر" ترکیب شده است و به چهار معنا می باشد: قیمت گذاری کردن، فروختن جنگ و آتش، دیوانه و گرسنگی، که با افزودن "ت" در اول و "یاء" در ما قبل آخر آن، به معنای تعیین نرخ (نرخ گذاری کردن) می باشد.

یک: قیمت گذاری کردن کالاها را گویند، اصل آن سعر یسعر است که به اسعار جمع می شود. و «سَعْر» در حدیث شریف: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ الرَّازِقُ الْمَسْعُرُ...» ترجمه: "الله تعالی قبض کننده گشاده کننده و روزی دهنده و مسعر و... می باشد" صفتی از صفات الله - تعالی - قرار داده شده است، که امام شوکانی در ذیل این حدیث لفظ "مسعر" را صفتی از صفات الله متعال، لکن بیرون از ۹۹ مشهور خوانده است^(۱) و این صفت می تواند صفت مشترک و عام باشد، یعنی والی، نائب او و یا مسئول بازار و قتیکه بازار را نرخ گذاری می کند، به او هم لفظ «مسعر» اطلاق می گردد، لکن حسب دلالت حدیث شریف، بلند کننده و پایین کننده حقیقی نرخ الله تعالی بوده و به دست بلا کیف اوست. وَالْمِسْعُرُ شَخْصِيٌّ رَا كُوْنِيْدُ كِه بِالَايِ اُو نَرُخ كَذَارِي شُدِه بَاشْد و لَفْظ هَايِ "تَسْعِيرُ، اَسْعُرُوْا، وَسَعَّرُوْا تَسْعِيرًا" فَعْل اَنْ اَسْت، هَمِه بِه مَعْنَايِ اِيْن اَسْت كِه اِتْفَاق كَرْدِنْد تَا نَرُخ كَذَارِي نَمَايْنْد،^(۲).

۱ - نيل الأوطار من اسرار منتقى الاخبار، تأليف: محمد بن علي بن محمد الشوكاني، ط: المطبعة العثمانية المصرية: ۲۳۳/۳.

۲ - المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي، تأليف: احمد بن محمد بن علي المقرئ القيومي متوفى ۷۷۰هـ، مكتبة المعارف الطبع الثاني. لسان العرب از علامه ابوالفضل جمال الدين محمد بن مكرم ابن منظور الافريقي المصري، طبع:

دو: در قرآن کریم لفظ "سُعر" به معنای افروختن آتش آمده است، الله تعالی می فرماید: ﴿وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِرَتْ﴾^(۱) ترجمه: «و هنگامی که دوزخ کاملاً برافروخته و شعله ور می شود».^(۲) و می فرماید: ﴿وَكُنْ بِمَنْزِلَةِ سَعِيرٍ﴾^(۳) ترجمه: «آتش فروزان و زبانه کشان دوزخ (برای چنین افراد روگردان و بازدارنده) بسنده است». و می فرماید: ﴿فَسُحِقًا لِّالصَّحَابِ السَّعِيرِ﴾^(۴) ترجمه: «پس دوری (از رحمت خدا) بهره دوزخیان باد!» یعنی دوری باد برای اهل دوزخ. یعنی "سعر" و "سعیر" به معنای افروختن جنگ و آتش است.^(۵)

سه: باز هم "سعر" در نص قرآن کریم به معنای دیوانه آمده است، الله تعالی می فرماید: ﴿إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ﴾^(۶) ترجمه: «قطعاً گناهکاران، گمراه و دیوانه گی اند» شیخ محمداکرام الدین در تفسیر خود در ذیل آیت کریمه می گوید: «مشرکان در قیامت دیوانه حشر می شوند»^(۷) امام قرطبی لفظ شعر این آیت کریمه را به دیوانگی معنا نموده است^(۸)، در آیت دیگری قرآن کریم، از قوم ثمود نقل شده است که آنها پیروی از پیغمبر را دیوانگی فکر می کردند، الله تعالی می فرماید: ﴿فَقَالُوا أَبَشْرًا مِّمَّنَّا وَجِدْنَا نَبِيَّهُمْ وَإِنَّا إِذَا لَفِيَ الضَّلَالِ وَسُعُرٍ﴾^(۹) ترجمه: «آنان گفتند: آیا از انسانی از خودمان پیروی کنیم که تنها (و بدون قوم و عشیره) هم هست؟ در صورت پیروی از او، ما گمراه و دیوانه خواهیم بود» پس در این صورت "مَسْعُور" به معنای مجنون است.^(۱۰)

= دار صادر بیروت: ۳۶۵/۴ - ۳۶۷، تاج العروس من جواهر القاموس تألیف: السید محمد مرتضی الحسینی تحقیق: الدكتور نواف الجراح، ط: دار صادر- بیروت. ماده "سعر".

- ۱ - سوره تکویر: ۱۲.
- ۲ - ترجمه از تفسیر نور، نوشته: دکتر مصطفی خرم دل، نشر انترنتی.
- ۳ - سوره النساء: ۵۵
- ۴ - سوره الملك: ۱۱
- ۵ - تاج العروس من جواهر القاموس، تألیف: محمد بن محمد بن عبد الرزاق الحسینی، أبو الفیض، الملقب بمرتضی، الزبیدی، تحقیق مجموعه‌ی از محققین، الناشر دار الهدایة، واژه شعر ۲۸/۱۲.
- ۶ - القمر: ۴۷
- ۷ - از هر البیان فی تفسیر کلام الرحمن، تألیف: فضیلة الشیخ محمد اکرام الدین بدخشانی، تحشیه و تعلیق استاد معتصم بالله، محل چاپ: مکتبه اسلامیة، لاهور، چاپ اول، سال: ۱۳۹۴ جلد ۸ ص: ۲۵۶. و پوهاند دکتور محمداسماعیل لیبیب بلخی در ترجمه خویش لفظ "سعر" را دیوانگی ترجمه کرده است.
- ۸ - تفسیر قطب، تفسیر سوره قمر آیت ۴۷.
- ۹ - القمر: ۲۴
- ۱۰ - تاج العروس من جواهر القاموس: ۲۸/۱۲.

چهار: فراء^(۱) گفته است: السُّعْرُ - به ضم سین - به معنای گرسنگی است، سَعِرَ الرَّجُلُ، فهو مَسْعُورٌ به کسی گفته می شود که گرسنه و تشنه باشد^(۲).

در معنی های فوق، معنای اولی به موضوع رساله ربط دارد که سعر به معنای نرخ و بهاء است و با اضافه کردن "ت" در اول و "ی" در ما قبل آخر، به معنای نرخ گذاری و تعیین نرخ کالا می باشد^(۳).

* جاه دارد که در باره اصطلاح "نرخ گذاری" هم از نگاه لغت بحث داشته باشیم:

نرخ: در لغت به معنای قیمت و بها می باشد^(۴).

گذار: گرفته شده از واژه گذار است که به معنای عبور و ماندن و نصب کردن می باشد، مثل: واگذار و نرخ گذار کسیکه نرخ ها را تعیین کرده و بر کالاها نرخ گذاری می کند.

اگر "گزار" - به "ز" - باشد، به معنای اداء نمودن و انجام دادن است، مثل: نماز گزار و سپاسگزار^(۵).

مطلب دوم: معنای علمی (اصطلاحی) تسعیر (نرخ گذاری):

علماء تسعیر را به عبارت های گوناگون تعریف نموده اند، مگر همه تعریف ها در معنا و مفهوم یک چیز را افاده می کند و جامع ترین تعریف^(۶) ها که مفهوم کلی تسعیر را افاده کند و تعریف همه علماء را شامل شود او همانا تعریف امام شوکانی - رحمه الله -^(۷) است که می گوید:

۱- "هو أن يأمر السلطان و نوابه أو كل من ولي من أمور المسلمين أمراً أهل السوق أن لا يبيعوا أمتعتهم إلا بسعر كذا فيمنعوا من الزيادة أو النقصان لمصلحة"^(۸) "سلطان یا نایب او - یا هر او کسیکه زمام امور مسلمانها

۱ - علی بن علی، ابوالحسن العباسی الفراء، مورخ مصری است که از فقهاء مالکی می باشد، سال تولدش معلوم نیست سال وفاتش ۳۵۲ هـ می باشد، کتابی در تاریخ نوشته اما نام کتابش ذکر نه شده است.

۲ - مصدر قبلی.

۳ - معجم مقاییس اللغة: ۷۵/۳-۷۶. لسان العرب: ۲۶۶/۶.

۴ - فرهنگ معین، (نشر انترنیتی) واژه نرخ.

۵ - فرهنگ ده خد، واژه "گذار و گزار".

۶ - التسعیر شروطه و حکمه دراسة فقهية مقارنة، إعداد: د.ماهر حامد محمد الحولي، الأستاذ المشارك في الفقه وأصوله بكلية الشريعة والقانون بالجامعة الإسلامية - غزة نشر: ۱۴۲۷ هـ ص: ۴.

۷ - الشوکانی، محمد بن علی بن محمد الیمنی، فقیه، مجتهد و از علماء بزرگ یمین بود که در سال ۱۱۷۳ هـ در شوکان یمین تولد شده و در صنعاء زندگی کرده است، علم را از شیخ های زمانش آموخت، تا اینکه از علماء انگشت شمار به حساب آمد، پیشه قضاء و فتوا را پیش می برد و بعد از اینکه شروط اجتهاد در او پیدا شد تقلید را ترک گفته به اجتهاد روی آورد و از جمله دعوت گران اصلاح و تجدید شد، وی تألیفات زیادی را از خود به ارث گذاشته است از جمله: نیل الأوطار در حدیث، فتح القدیر در تفسیر می باشد. و در سال ۱۲۵۰ هـ در صنعاء وفات نموده است.

بدست او است - اهل بازار را امر کند تا کالا های خود را به جز از نرخ تعیین شده، نه فروشند و از گران فروشی از آن نرخ و همچنان از ارزان فروشی بخاطر مصلحت، آنها را منع کنند. یعنی سلطان و یا نایب او بالای کالاهای بازار نرخ را تعیین کند و مردم مجبورا کالا های خود را به آن نرخ بفروشند، نه از آن بلند فروخته می توانند و نه هم - بخاطر مصلحت - از آن نرخ ارزان و پائین تر..

۲- الدرینی^(۲): "هو أن يصدر موظف عام مختص بالوجه الشرعي أمرا بأن تباع السلع أو تبذل الأعمال أو المنافع التي تفيض عن حاجة أربابها وهي محتبسة أو مغالی في ثمنها أو أجرها على غير الوجه المعتاد والناس أو الحيوان أو الدولة في حاجة ماسة إليها، بثمن أو أجر معين عادل بمشورة أهل الخبرة"^(۳) یعنی: او اینکه موظف عام (حاکم) از باب شرعی به فروش کالا و یا تقدیم خدمات یا منافع ضروری به مردم یا حیوان و یا دولت که ضرورت مبرم داشته باشد، به قیمت مناسب و اجره عادلانه با مشوره اهل خبره صادر نماید.

۳- ابن عرفه - رحمه الله -^(۴) از فقهاء مالکی است، می گوید: "تَحْدِيدُ حَاكِمِ السُّوقِ لِبَائِعِ الْمَأْكُولِ فِيهِ قَدْرًا لِلْمَبِيعِ بِدِرْهَمٍ مَعْلُومٍ"^(۵) یعنی: مسئول بازار بالای فروشنده های مواد خوراکی اندازه ی از مبیع را به اندازه مشخصی از مبلغ تعیین نماید، یعنی حاکم مسلمانها مقدار از خوراک، خوراکه فروشی های بازار را به نرخ معین تحدید (نرخ گذاری) کند.

۴- ابن قدامه - رحمه الله -^(۶) می گوید: «هو أن يقدر السلطان أو نائبه سعرا للناس ويجبرهم على التبايع بما قدره»^(۱) یعنی: سلطان و یا نایب او نرخ را بالای مردم تعیین کند و مردم را جبرا به خرید و فروش، به آن نرخ نماید."

۱ - نیل الأوطار من أسرار منتقي الأخبار: ۲۳۳/۳.
 ۲ - الدرینی، علامه دكتور محمد فتحی الدرینی، یکی از علماء معاصر است در مجال های علم انسانی و شرعی چندین دکترا دارد که ایشان در سال ۱۹۲۳ تولد شده و در سال ۲۰۱۳ وفات یافته است.
 ۳ - بحوث مقارنة في الفقه الإسلامي وأصوله، ج ۱، ص ۵۴۲.
 ۴ - الورغمی، محمد بن محمد ابن عرفة الورغمی (ورغمه قریه ی در افریقا می باشد)، ابو عبدالله، امام تونس، عالم و خطیب در عصر خودش بود که سال تولدش: ۷۱۶ و وفاتش ۸۰۳ در تونس بوقوع پیوسته است، از تألیفاتش: المختصر الكبير، المختصر الشامل، مختصر الفرائض و المبسوط، الحدود و الطرق الواضحة فی عمل المناصحة می باشد. (الأعلام للزرکلی ج ۷، ص: ۴۳).
 ۵ - شرح حدود ابن عرفة الموسوم الهداية الكافية الشافية لبيان حقایق ابن عرفة الوافية، ط: دار العرب الاسلامی، باب في التسعیر: ۳۵/۲. والموسوعة الكويتية: ۳۰۱/۱۱.
 ۶ - ابن قدامة، عبدالرحمن بن محمد بن احمد بن قدامة المقدسی الحنبلی فقیه و از بزرگان حنبلی می باشد، ایشان در سال ۵۹۷ در دمشق تولد شده و در سال ۶۸۲ در همان جا وفات یافته است، وی اولین کسی بود که از حنابله در دمشق قاضی تعیین شده و مدت ۱۲ سال را سپری کرده و بعد از استعفا داده است. او تصنیفات نیز دارد از جمله: الشافی و غیره می باشد. (الأعلام للزرکلی ج ۱ ص: ۱۷۳).

۵- شیخ الاسلام-ابن تیمیه-رحمه الله-(۲) می گوید: « وحقیقته: إلزامهم أن لا یبیعوا أو لا یشتروا إلا بمثل الثمن»^(۳) حقیقت تسعیر این است که مردم را مجبور کرده شود تا کالا های خود را نه فروشند و خریداری نکنند مگر به قیمت مثل. از همین تعریف در حکم تسعیر اختلاف عمیقی بین فقهاء اسلام واقع شده است که حکمروای مسلمانها را جایز است که مردم را مجبور بسازد و یا خیر و در بعضی کتاب ها همین نوع نرخ گذاری "تسعیر الجبری" نامیده ده است.

یاد داشت: هر کالا در بازار حتمی بهایی را دارا می باشد، برابر است که خود فروشنده به آن نرخ تعیین کرده باشد، یا سیستم نرخ گذاری سوپر مارکت ها که در کالا ها خود شان قیمت تعیین می کنند که آن را در انگلیسی Fix price گویند و یا هم حاصل رضای جانبین (خریدار و فروشنده) باشد، این نوع نرخ گذاری شامل بحث ما نمی باشد و این را بازار آزاد و یا عدم تسعیر گویند. نرخ گذاری که مورد بحث قرار می گیرد همان نرخ گذاری است که از طرف دولت در کالا های مردم نرخ گذاری می شود و مردم مجبورا از آن پیروی می کنند، که بعضی از علماء از آن به "تسعیر جبری" تعبیر کرده اند، یعنی هدف بحث تعریف اصطلاحی تسعیر می باشد.

از تعریف های فوق می توان ارکان و ظوابط تسعیر را بشکل ذیل بدست بیاوریم:

المستور: یکی اسمی از اسماء الله می باشد البته بیرون از ۹۹ مشهور^(۴)

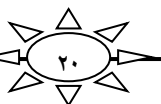
المسعر علیهم: اهل بازار و یا عامه مردم می باشد.

۱ - المغنی، ج ۶، ص ۳۱۲.

۲ - ابن تیمیه، تقی الدین ابوالعباس احمد بن عبدالحلیم بن عبدالسلام الحرانی، حنبلی و دمشقی-رحمه الله-. شیخ الاسلام در زمان خویش از بارزترین علماء زمانش بوده است، فقیه، اصولی و مفتی دین و صاحب آثار بزرگ در علوم دینی و فکر اسلامی بوده است، که در حران ترکیه در سال ۶۶۱ تولد شده است، و از ترس جنگ تاتار با فامیلش به دمشق رفته و در آنجا زندگی کرده است، ذاکره قوی داشته و سریع الحفظ بوده است، از منتقدین فلسفه و علم کلام بوده است، خواستش پیش کردن نقل بر عقل بود که در این باره کتاب بزرگ را تألیف نمود بنام، درء تعارض العقل والنقل یا موافقة صحیح المنقول لصریح المعقول، در آن شطحات فلاسفه و مذاهب ضاله را رد کرده است، وی صالح و مصلح بودند که مردم به برگشت به سوی قرآن و سنت دعوت می کرد، وی به زبان عربی و علوم و فنون دیگر مهارت زیاد داشته است، تألیفات وی را به ۳۰۰ جلد برآورده ساختند که در علوم مختلف اسلامی نوشته شده است، از جمله: اقتضاء الصراط المستقیم فی الرد علی أهل الجحیم، السیاسة الشرعیة فی إصلاح الراعی والرعیة، الصارم المسلول علی شاتم الرسول، الواسطة بین الخلق والحق، العقیة التدمریة، الکلام علی حقیقة الإسلام والإیمان، العقیة الواسطیة، بیان الفرقان بین أولیاء الشیطان وأولیاء الرحمن، تفسیر سورة البقرة، درء تعارض العقل والنقل، منهاج السنة و مجموعة الفتاوی می باشد. در سال ۷۲۸ در مصر وفات نموده است. (الأعلام للزکلی ج: ۱ ص: ۱۴۴).

۳ - رسالة الحسبة: ۱۶.

۴ - نیل الاوطار من احادیث سیدالاخیر شرح مننقی الأخبار ج ۵ ص: ۲۷۶.



کالا های قابل تسعیر: ابن عرفه تسعیر را تنها به مأكولات محصور می کند، امام شوکانی همه کالاها را شامل تسعیر می بیند و نزد الدرینی اعمال و منافع هم قابل تسعیر می باشد.

تعریف شریعت:

شریعت در لغت: به دو معنا می آید: ۱- **راه مستقیم** را گویند، الله تعالی می فرماید: ﴿نُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعَهَا﴾^(۱) ترجمه: «سپس ما تو را (مبعوث کردیم و) بر آئین و راه روشنی از دین (خدا که برنامه تو و همه انبیاء پیشین بوده است و اسلام نام دارد) قرار دادیم. پس، از این آئین پیروی کن و بدین راه روشن برو (چرا که آئین رستگاری و راه نجات است)». **جای جریان آب** را گویند که از آنجا آب می گیرند یا می نوشند، عرب ها گویند "«شرعت الابل» وقتیکه شترها به نوشیدن آب روان شود»^(۲).

و در اصطلاح:

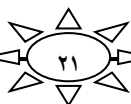
۱- احکام کلی الهی بالای بنده ها توسط پیغمبری از پیغمبران او تعالی می باشد که دربر گیرنده تمامی امور و مسایل زندگی بشر به هدف سعادت دنیا و آخرت که شامل احکام اعتقادی، عملی و اخلاقی می باشد، که کامل ترین آن دین مبین اسلام است که بر محمد-صلی الله علیه وسلم- نازل گردیده است. الله تعالی می فرماید: ﴿* شَرَعَ لَكُم مِّنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَهُ اللَّهِ يَجْتَبِئُ إِلَيْهِ مِن يَشَاءَ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَن يُنِيبُ﴾^(۳) ترجمه: «خداوند آئینی را برای شما (مؤمنان) بیان داشته و روشن نموده است که آن را به نوح توصیه کرده است و ما آن را به تو وحی و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نموده ایم (به همه آنان سفارش کرده ایم که اصول) دین را پابرجا دارید و در آن تفرقه نکنید و اختلاف نورزید. این چیزی که شما مشرکان را بدان می خوانید (که پابرجا داشتن اصول و ارکان دین است) بر مشرکان سخت گران می آید. خداوند هر که را بخواهد برای این دین برمی گزیند و هر که (از دشمنانگی با دین دست بکشد و) به سوی آن برگردد، بدان رهنمودش می گرداند»^(۴).

۱ - الجاتیة: ۱۸

۲ - تاریخ تشریح اسلامی، تألیف: استاد دکتور مناع القطان، ص: ۷.

۳ - الشوری: ۱۳

۴ - تاریخ تشریح اسلامی، تألیف: استاد دکتور مناع القطان، ص: ۸.



تعریف قانون:

قانون: در لغت: به معانی ذیل اطلاق میگردد:

۱- مقیاس ۲- میزان ۳- معیار ۴- قاعده ۵- ترتیب^(۱)

و در اصطلاح:

۱- تعریف عام:

قانون: نظامی است که در نتیجه ای تکرار یکرنگ یک امر معین به وجود آمده و بر ظواهر طبیعی اقتصادی و اجتماعی حکمفرمایی می کند.

یا عبارت از مجموعه ای قواعد کلی و الزام آور حقوقی است که بخاطر نظم انکشاف جامعه و تأمین عدالت وضع گردیده و دولت ضمانت اجراء آن را بدوش داشته باشد^(۲).

۲- تعریف خاص:

عبارت از مجموعه ای قواعدی است که قوه ای مقننه آن را به منظور تنظیم روابط مردم و شخصیت‌های حقوقی، ترتیب می نماید و دولت در آن طرف نمی باشد. این تعریف ها را استاد ما دکتور عبدالباقی امین^(۳) در کتاب خود ذکر کرده است.

مبحث دوم: اشخاص و اشیای قابل نرخ گذاری:

در مبحث هذا اشخاص و کالا های قابل نرخ گذاری بشکل تفصیلی حسب ذیل بیان می گردد:

۱ - تقنین شریعت اسلامی، تألیف: استاد دکتور عبدالباقی امین-رحمه الله- ص: ۳۳-۳۵.

۲ - نفس مصدر ص: ۱۴ نقل از المدخل لدارسة القانونية.

۳ - امین، عبدالباقی فرزند عبدالکبیر در سال ۱۳۴۴ هجری شمسی در قریه دالان ولسوالی دایمیرداد ولایت وردک چشم به دنیا گشود، در سال ۱۹۹۰ میلادی لیسانس شرعیات از پوهنتون اسلامی مدینه منوره کسب کرد و در سال ۱۹۹۶ میلادی ماستری را در فقه مقایسوی از پوهنتون ام درمان اسلامی در کشور سودان کسب نمود. داکتر عبدالباقی امین در سال ۲۰۰۱ میلادی درجه دکتورا در فقه مقایسوی از همان پوهنتون به تقدیر امتیاز نائل گردید. این استاد دانشگاه از سال ۲۰۱۱ تا سال ۲۰۱۸ به عنوان استاد دانشگاه سلام در سطح ماستری و رئیس مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی و ریاست هیئت تحریر ژورنال انجام وظیفه می کرد و وی همچنین رئیس تقنین و مشاوره حقوقی وزارت معارف در دانشگاه بین المللی اسلامی اسلام آباد، تدریس در دانشگاه اسلامی اسمریه لیبیا و دانشگاه بین المللی افریقا در سودان را در کارنامه داشت، بالآخره حوالی ساعت ۸:۳۰ صبح روز ۲۹ اسد ۱۳۹۹ حین رفتن به وظیفه خویش (ریاست شورای علمی وزارت معارف) در مربوطات حوزه پنجم امنیتی شهر کابل هدف مابین مقتاطیسی قرار گرفت و به - اذن الله تعالی - شهادت نایل گردید.

مطلب اول: اشخاص قابل نرخ گذاری و اشخاص غیر قابل نرخ گذاری:

در این مطلب آن عده اشخاص ذکر می گردد که بالای کالاهای آنها نرخ گذاری کرده می شود و آنهای که بالای کالاهای آنها نرخ گذاری کرده نمی شود، حسب تفصیل ذیل بیان می گردد:

یک: اشخاص که بالای کالاهای ایشان نرخ گذاری صورت می گیرد:

نرخ گذاری بالای اهالی (خریداران و فروشندگان) بازار و یا عامه مردم بازار وضع می گردد^(۱) و بازار را به زبان عربی "السوق" و به انگلیسی: "Market" گویند، که در آن خریداران و فروشندگان به هدف خرید و فروش، ارائه خدمات بشکل مستقیم و یا با واسطه دیدار می کنند. و بازار بخاطر فراهم کردن حاجات اهل منطقه مثل: نان و لباس و ضرورت های دیگر دور مهم را بازی کرده و به سلطه های گردن نهاده است که مردم ها در آن حکومت کردند. و بازار تاریخ قدیم دارد، حتی بعضی ها شروع بازار را به شروع حیات انسان نسبت می دهند، بازار انواع مختلف دارد، مثل: بازار روزانه که بازار دائمی نیز گویند، بعضی بازار ها هفته یک بار دایر می گردد و یا هم روز های معین و بعضی بازار ها هم به مناسبات عیدها و غیره دایر می گردد، بعضی بازار ها بخاطر حفاظت از گرمی آفتاب و رطوبت باران سربسته می باشد و بعضی بازار ها در هوای باز می باشد، بعضی بازار ها حضوری می باشد و بعضی غیر حضوری می باشد که آن را بازار آنلاین گویند، می باشد. بازار ها حسب ظروف و محیط مختلف به شیوه های گوناگون در اطراف و اکناف جهان انکشاف یافته است.

و در علم اقتصاد از نظر کاتلر^(۲) مجموعه از خریداران بالقوه و بالفعل یا خدمت اطلاق می شود. و از دیدگاه بازاریابی: مجموعه خریداران، بازار را تشکیل می دهند. و در عین حال کلمه بازار بعضا به مجموعه های غیر از مشتریان یا خریدان نیز اطلاق می شود مانند بازار نیروی کار یا بازار رای^(۳). از همینجاست که ما تسعیر را بر تسعیر اموال، اعمال و غیره تقسیم بندی کردیم. و آنهاییکه بالای آن تسعیر وضع نمی گردد حسب ذیل در شماره دو بیان می گردد:

۱ - الموسوعة الكويتية، باب من یسعر علیه و من لا یسعر علیه: ۳۰۸/۱۱.

۲ - فیلیپ کاتلر به انگلیسی Philip Kotler: زاده ۲۷ می ۱۹۳۱ در شیکاگو، ایلینوی (از اساتید مطرح دانش بازاریابی جهان و پدر بازاریابی مدرن است. وی ۳۴ جلد کتاب و بیش از یکصد مقاله در این حوزه منتشر کرده که بسیاری از آنها به زبان های مختلف ترجمه شده است. کتاب اصول بازاریابی، همچنان به عنوان یکی از معتبرترین مراجع در این رشته به شمار می رود. Wikipedia.org.

۳ - کاتلر: ۱۳۵۸ ص: ۵۰-۵۱.

دو: اشخاص که بالای ایشان تسعیر وضع نمی گردد قرار ذیل است:

۱- الجالب^(۱):

جالب کسی را گویند که کالاهای را در بازار جلب (وارد) کرده و به فایده اندک به فروش می رساند^(۲) و یا تاجر دست اول است که بار نخست مال خود را عرضه بازار می کند، همین معنی از علماء لغوی نیز نقل گردیده است که می گویند: «جلب الشيء جاء به من بلد إلى بلد للتجارة جلباً والجلب المجلوب ومنه نهى عن تلقى الجلب»^(۳) یعنی: جلب چیزی، یعنی کالای را از یک کشوری به کشور دیگر بخاطر تجارت آورده است، در حدیث شریف از تعقیب جالب منع آمده است "در قاموس دیگر آمده است: «جلب البضایع من الخارج: استوردها» ترجمه: "کالاها را از خارج جلب کرده یعنی وارد کرده است" و در قاموس محیط می آید: «الجلب: سوق الشيء من موضع إلى آخر» انتقال چیزی (کالا) از یک جای به جایی دیگر را گویند.

و ابن فارس می گویند: «الجلب: الإتيان بالشيء من موضع إلى موضع» ترجمه: آوردن کالا از یک جای به دیگر را گویند^(۴).

از تعریف های فوق دانسته می شود که جلب به معنای آوردن و انتقال دادن کالا از یک جای به جای دیگر را گویند. خلاصه اینکه جلب به معنای آوردن است و در اصطلاح تجارتنی وارد کردن کالا از یک کشور به کشور دیگر و از یک منطقه که در آن این کالا وجود دارد، به منطقه که وجود ندارد، را گویند. جالب او شخص را گویند که کالاهای تولید شده یک منطقه یا کشور را وارد بازار می کند، که حکم تسعیر بالا کالای چنین اشخاص قرار ذیل می باشد:

۱ - جلب: به سوي خود كشنده چیزی را گویند، یعنی کسیکه کالا های وارده را بار اول به نحوی از آن را از خود کند، در حدیث شریف است که: «الجالب مرزوق و المحتكر ملعون» و به عبارت دیگر جالب هم گفته شده که معنای آن از جالب اندکی تفاوت دارد او اینکه مال را از بازار خریداری کرده و در قریه ها و دهات به فروش برساند. جالب به اشخاص هم گفته می شود که کالاها را از خارج وارد می کند، اجتلب البضاعة (استوردها، جاء بها من دولة أخرى) معجم اللغة العربية المعاصرة.

۲ - فقه السنة، تألیف: سید سابق متوفای: ۱۴۲۰ هـ نشر انترنتی: ۱۰۸/۳.

۳ - المغرب فی ترتیب المعرب باب الجیم مع اللام المغرب فی ترتیب المعرب، تألیف: أبو الفتح ناصر الدین بن عبد السید بن علی بن المطرز، الناشر: مكتبة أسامة بن زيد - حلب، الطبعة الأولى، ۱۹۷۹، تحقیق: محمود فاخوري و عبدالحمید مختار ج ۱ ص: ۱۵۱.

۴ - معجم مقاییس اللغة تألیف: أبو الحسین أحمد بن فارس بن زکریا، المحقق: عبد السلام محمد هارون، ناشر: دار الفكر، الطبعة: ۱۳۹۹ هـ - ۱۹۷۹ م، عدد الأجزاء: ۶، مصدر الكتاب: موقع صيد الفوائد.

علماء احناف، حنابلة و اکثر مالکی ها و همچنان قولی از شوافع بر این است که بالای کالا های جالب، نرخ گذاری نمی گردد، مگر اینکه مردم را به ستوه و ضیقت زندگی بکشاند، پس در آن صورت جالب را امر کرده می شود تا کالای خود را به نرخ بازار، اگر چند که رضایت هم نداشته باشد به فروش برساند^(۱).

پس اگر بالای کالا های تجار خارجی و یا وارد کننده های داخلی نرخ گذاری شود، آنها از ورود و کار بار در قلمرو حکومت اسلامی خوداری می کنند و وارد کنندگان داخلی هم از وارد کردن کالا های خارجی که به نرخ دل خواه شان فروخته نتوانند، از وارد کردن خود داری می کنند، این خود باعث مشقت زندگی برای عامه مردم می گردد.

عبدالله بن عمر -رضی الله عنهما- و القاسم بن محمد و سالم بن عبدالله نقل شده است که آنها بالای جالب نرخ گذاری را جایز نمی دانند^(۲).

ابن رشد (الجد)^(۳) می گوید: بالای کالا های جالب نرخ گذاری نمی شود^(۴).

ابن حبيب المالکی -رحمه الله-^(۵) گفته است که بالای جالب هم نرخ گذاری شود، مگر در گندم و جو، این دو مواد را به هر قیمت که خواسته باشد به فروش برساند^(۶).

و در نزد بعضی از علماء مالکی، بالای جالب روغن، گوشت، باقله، میوه جات و غیره نرخ گذاری نمی شود، مگر در صورت که بازار در تسعیر استقرار یافته باشد در آن صورت بر جالب گفته می شود که کالای خود را مثل بازار به فروش برساند و الا بیرون شود^(۷).

۱ - الموسوعة الفقهية الكويتية ج ۱۱ ص: ۳۰۹.

۲ - الموسوعة الفقهية الكويتية.

۳ - أبو الوليد محمد بن أحمد ابن رشد (الجد) فقيه الأندلس وعالم پدر کلان ابن رشد مشهور صاحب بداية المجتهد و نهاية المقتصد است که به ابن رشد الجد مشهور است که ایشان هم دارای تألیفات می باشد از جمله: المقدمات و البیان والتحصيل و غیره می باشد.

۴ - البیان والتحصيل ج ۴ ص ۳۸۰

۵ - ابن حبيب، الحسن بن عمر بن الحسن بن حبيب، ابو محمد بدرالدين الحلبي، در ۷۱۰ در دمشق تولد شده است، پدرش در حلب به جیب محتسب موظف گردیده بود که با پدرش آمده و آنجا بزرگ شد، که به آنجا منسوب گردید، بعد از آن به مصر و حجاز سفر کرد و به حلب باز گشت، تألیفات زیادی دارد از جمله: نسیم صبا، درة الاسلاک فی دولة الاتراک، جهبنة الاخبار فی اسماء الخلفاء والملوک و غیره. الأعلام للزركلي ج ۲ ص: ۲۰۸.

۶ - المنتقى شرح موطأ مالك، تأليف: القاضي ابى الوليد الباجي، ط: دار الكتب العلمية بيروت- لبنان : ۱۸/۵ والطرق الحكمية: ۲۵۴-۲۵۵ و مواهب الجليل: ۳۸۰/۴ والمعيار المغرب: ۸۴/۵ ط: دار الغرب الاسلامي.

۷ - المنتقى شرح موطأ: ۱۹/۲.

۲- احتکار کننده:

علماء احناف به این نظر اند که بالای کالاهای احتکار شده، نرخ گذاری کرده نمی شود، بلکه محتکر را امر کرده می شود، تا اضافه از قوت یک ساله اهل خود را به بازار عرضه کرده و طوریکه بخواهد آن را به فروش برساند، برابر است که تاجر باشد یا زراعت پیشه و یا هم کسی دیگر^(۱). امام محمد بن الحسن الشیبانی -رحمه الله-^(۲) می گوید: احتکار کننده را مجبور کرده می شود تا کالاهای احتکار کرده خود را به فروش برساند بدون از اینکه نرخ بالای کالاهای او وضع گردد، یا او را گفته می شود به قیمت مثل یعنی به قیمت که مردم می فروشند تو هم بفروش برسان و یا هم او را از فروختن به نرخ بلندتر از نرخ تعیین شده منع کرده می شود^(۳).

مگر این موضوع در نزد علماء دیگر و در قانون حکم دیگری دارد، او اینکه بالای کالاهای احتکار شده نرخ گذاری می شود، که یکی از اسباب نرخ گذاری نزد علماء مجوزین نرخ گذاری همین احتکار می باشد. قانون منع احتکار افغانستان که بعدها در بحث احتکار خواهد آمد، همین نظریه دوم را اختیار کرده است که بالای کالاهای احتکار شده نرخ گذاری شده و محتکر را جریمه کرده می شود.

۱ - الفتاوی الهندی، مشهور به فتاوی العالمگیریه فی مذهب الامام الاعظم ابي حنیفة النعمان، تألیف: العلامة الهمام مولانا الشیخ نظام و جماعة من علماء الهند الاعلام ترتیب دادند، ط: دار الکتب العلمیة: ۲۱۴/۳.

۲ - الشیبانی، محمد بن الحسن بن فرقد، از موالی بنی شیبان می باشد، ابو عبدالله کنیه او بود، امام فقهی و اصولی می باشد که فقه امام ابوحنیفه -رحمه الله- را او نشر کرده است، اصلش از قریه حرسته از غوطه دمشق می باشد مگر در واسط در سال ۱۳۱ تولد شده و در کوفه زندگی کرده است و از شاگردان امام ابوحنیفه -رحمه الله- بود، به اساس غلبه مذهب به بغداد رفته است، الرشید خلیفه عباسی او را در رقه قاضی مقرر کرده باز عزلش نموده است، وقتیکه الرشید به خراسان سفر داشت این امام را با خود همراه کرد، در الري -یکی از شهرهای تاریخی ایران است که بعدها در تهران پایتخت ایران پیوسته است- وفات یافته است. امام شافعی در وصفش می گوید: "اگر بگویم قرآن به زبان محمد ابن الحسن نازل شده، البته این کار را از خاطر فصاحت او می گویم" و خطیب بغدادی او را امام اهل الرأي می نامد. او کتاب های زیادی دارد از جمله: المبسوط در فروع فقه، الجامع الكبير، الجامع الصغير، الآثار، السير الكبير و الموطأ، الأمالی، المخارج فی الحیل در فقه و الأصل، الحجة علی أهل المدينة و غیره می باشد.

۳ - الهدایة فی شرح بدایة المبتدی، تألیف: شیخ الاسلام برهان الدین ابي الحسن علي بن ابي بكر بن عبدالجليل المرغینانی المتوفی سنة: ۵۹۳هـ، ناشر: جمعية إحياء التراث العربي، تاریخ نشر: ۲۰۱۵م: ۹۳/۴. الاختیار لتعلیل المختار، تألیف: الإمام عبدالله بن محمود بن مودود الموصلي الحنفي، المتوفی: ۶۸۳، ناشر: دار الکتب العلمیة: ۱۶۱/۴.

۳- کسانیکه در جای دیگر، بیرون از بازار کار خرید و فروش کند:

احمد بن سعید المجیلیدی^(۱) می گوید: کسانیکه در جای دیگری، یعنی بیرون از بازار کار خرید و فروش را انجام دهد و کسانیکه در حانوت (دوکان) یعنی در جاهای عام و خاصه کالا های خود را بشکل عمده و یا پرچون عرضه کند؛ ما دامیکه بهای شان نسبت به دیگران بلند نه باشد، نیز بالای آنها نرخ گذاری نمی شود، اگر نرخ شان نسبت به دیگران تفاوت داشت، استدلال به داستان عمر و حاطب بن ابی بلتعہ-رضی الله عنهما- آنها مورد پرس و پال قرار می گیرند و کالا های شان نرخ گذاری می گردد. همین رأی از یک عده سلف صالحین، از جمله عبدالله بن عمر، القاسم بن محمد و سالم بن عبدالله، نیز نقل گردیده است^(۲).

استاد مجیلیدی ادامه می دهد: نرخ گذاری همچنان بالای میوه فروشان، قصاب ها، اهل فن و صنعت، جوال گر، دلال و سمسار^(۳) و غیره بخاطریکه در بیرون از بازار هم صورت گرفته می تواند؛ از نرخ گذاری مستثنی می باشند، تعامل آنها طبق اتفاق شان می باشد^(۴).

مطلب دوم: نرخ گذاری اموال:

بہتر است کہ در شروع این موضوع تعریفی از مال و اقسام آن را داشته باشیم:

۱ - علماء مذاہب اربعہ، مال را بہ الفاظ و بہ معنای های متفاوت تعریف نموده اند، از باب اختصار اینجا تنها یک تعریف را کہ شامل همه تعریف ها باشد، ذکر می کنم و تعریفات دیگر را در حاشیہ^(۵) برای استفاده بیشتر بیان می نمایم.

۱ - المجیلیدی، احمد بن سعید، قاضی از فقہاء مالکی در المغرب کہ سال تولدش مشخص نیست مگر در سال ۱۰۹۴ هـ وفات کرده است و از تألیفاتش: أم الحواشي شرح به مختصر خليل، در فقه التيسير في أحكام التسعير - در حسبة، رسالة، الإعلام بما في المعيار من فتاوى الأعلام و غیره می باشد. (الأعلام للزركلي ج ۱، ص: ۱۳۱).

۲ - الطرق الحكمية في السياسة الشرعية، تأليف: أبو عبد الله محمد بن أبي بكر بن أيوب بن قيم الجوزية، مشهور به ابن القيم الجوزي، تحقيق: نايف أحمد الحمد، ناشر: دار عالم الفوائد مكة المكرمة، طبع اول سال: ۱۴۲۸ هـ ص: ۳۷۰.

۳ - سمسار همانا دلال است که بین بايع و مشتری وساطت می کند و همچنان به آن هم گفته شده که اجناس مختلف را بفروش می رساند. فرهنگ ده خدا حرف س.

۴ - کتاب التيسير في أحكام التسعير تأليف: احمد بن سعید المجیلیدی ص: ۵۵-۵۶.

۵ - نزد احناف: مال هر او چیزی که تصاحب آن مشروع و قابلیت نگهداری داشته و عادتاً از او نفع برده شود. بحر الرائق ج ۵ ص: ۲۷۷.

نزد شافعی ها: هر آنچه که نام مال به آن برده شود و دارای بهاء باشد، فروخته شود، از تلف کننده آن توان گرفته شود و عادتاً مردم او را دور نه اندازند.

نزد مالکی ها: به تعریف شافعی ها نزدیک است می گویند: هر آنچه که بر ملکیت انسان داخل شود و مالک در آن تصرف داشته باشد که از دیگران استرداد کرده بتواند اگر در صورتی که پیش غیر بدون موجب قرار بگیرد. الموافقات، تألیف:

مال در لغت: هر آن آن چیزی که انسان بخواهد و در احاطه خود درآورد، برابر است که عین باشد و یا نفع، مال گفته می شود، مانند: طلا، نقره، حیوان و غیره^(۱) و یا مال آنست که دل انسان به کسب آن میلان داشته باشد، امام الشافعی - رحمه الله - به سبک شعر می سروده است:

«رأيت الناس قد مالوا إلى من عنده مالٌ * ومن لا عنده مالٌ فعنه الناس قد مالوا»^(۲)
مردم را دیدم آنکه مال دارد به او میلان کردند . و آنکه مال ندارد، مردم از او میلان کردند.
در اصطلاح: هر آنچه را که انسان طبیعتاً به کسب آن مایل باشد، در ملکیت انسان در بیاید، ذخیره کردن آن تا وقت ضرورت امکان داشته باشد و انتفاع بردن از آن عادتاً ممکن باشد، آن را مال گویند^(۳).

و علماء اقتصاد، مال را به انواع مختلف تقسیم بندی کرده اند^(۴) و ما در رابطه به موضوع اینجا تنها مال منقول و غیر منقول و مال مثلی و قیمی را از دیدگاه نرخ گذاری و عدم آن مورد بررسی قرار میدهم:

اول - نرخ گذاری اموال منقول:

تعریف مال منقول: مالی را گویند که تحویل را می پذیرد و انتقال دادن آن از یک محل به محل دیگر ممکن باشد، برابر است که هیأت اصلی آن با این انتقال متحول گردد یا خیر^(۵)، مثلاً: طلا، نقره، مویشی و موزونات و غیره.

= ابراهیم بن موسی بن محمد اللخمي الغرناطي مشهور به شاطبي (متوفای : ۷۹۰هـ)، ناشر : دار ابن عفان، طبع اول ۱۴۱۷هـ / ۱۹۹۷م ج ۲ ص ۱۷.

نزد حنابله: (هو ما فيه منفعة مباحة لغير حاجة أو ضرورة) هر آن چیزی که در او نفع مباح بدون حاجت و ضرورت نهفته باشد . الإقناع للحجاوي، ج ۲/ص ۱۵۶.

۱ - الفقه الإسلامي وأدلته، تأليف: د. وهبة الزحيلي استاذ و رئيس قسم فقه إسلامي وأصول آن، در پوهنتون دمشق - کلیه شریعات، ناشر : دار الفكر - سوریه - دمشق ج ۴ ص : ۳۹۸.

۲ - قصیده از امام الشافعی- رحمه الله- می باشد، و قصیده بشکل کامل آن چنین است:

رأيت الناس قد مالوا إلى من عنده مالٌ - ومن لا عنده مالٌ فعنه الناس قد مالوا
رأيت الناس قد ذهبوا إلى من عنده ذهبٌ - ومن لا عنده ذهبٌ فعنه الناس قد ذهبوا
رأيت الناس منفضة إلى من عنده فضة - ومن لا عنده فضة فعنه الناس منفضة

(التعريفات الفقهية، تأليف: مفتي سيد محمد عميم)

۳ - التعريفات الفقهية، تأليف: مفتي سيد محمد عميم الاحسان المجددي ص: ۱۹۱ . الفقه الاسلامي و ادلته، تأليف: د. وهبة الزحيلي استاذ و رئيس قسم الفقه الإسلامي وأصوله، در پوهنتون دمشق - کلیة الشريعة، ناشر : دار الفكر - سوریه - دمشق ج ۹ ص : ۴۹.

۴ - مال منقول و غیر منقول، مال منقول و غیر منقول، مال مثلی و قیمی، مال استعمالی و استهلاکی و غیره. گرفته شده از تقریب معجم المصطلحات الفقه المالکی، تألیف الدكتور عبدالله معصر، ط: ۱۹۷۱ دار الکتب العلمیة بیروت- لبنان ص: ۱۵۱ . و برای تفصیل به مقاله تحت عنوان "المال و أقسامه" د/ فريدة صادق زوزو که در ۱۱/۰۸/۱۴۳۳ الموافق ۰۱/۰۷/۲۰۱۲ اضافه کرده شده از صفحه ۴ تا ۱۷ تحت عنوان " أقسام المال و ثمرات هذا التقسيم" دیده شود.

۵ - معجم المصطلحات الفقهية والقانونية ص: ۲۷۰.

به اساس تعریف، کالا های بازار، اکثراً مال منقول می باشد، مثل: خوراکی، لباس و وسایل دیگر زندگی، همه شامل مال منقول اند.

محوری ترین موضوع در نرخ گذاری همانا اموال و خاصاً اموال منقوله، که شامل مأكولات و ملبوسات و غیره می باشد که اندازه می شود و هم قابل وزن است، مأكولات و غیر مأكولات را در بر می مگیرد، در باره نرخ گذاری مال منقول سه نظریه وجود دارد که در ذیل بیان می گردد:

رأی اول: اینکه تسعیر در تمام کالاهای بازار جاری می شود، این نظریه مذهب احناف می باشد، در صورت که قیمت ها بلند شود، البته در این رأی به طعام زیاده تر توجه صورت گرفته است، و ایشان اضافه می کنند، در صورتیکه در کالاهای بازار بدون طعام اگر کسی در قیمت تجاوز کند و بر مردم ظلم نماید، حاکم بالای کالا های آنها نرخ گذاری کند، که این قول از ابویوسف و قهستانی^(۱) نقل است و امام ابویوسف تسعیر را در باب احتکار بیان می کند، پس وقتیکه به احتکار طعام مردم ضرر بینند تسعیر صورت می گیرد و به احتکار دیگر چیزها هم قیاساً به طعام تسعیر شود، بناء رأی عموم کالا ها با تسعیر طعام نکته وصل دارد، که ضرر عامه می باشد^(۲).

رأی دوم: رأی مالکی ها می باشد که تسعیر را تنها در کالاهای که قابل مکیل و موزون باشد، نرخ گذاری می شود، یعنی چیزهای که اندازه می شوند و وزن کرده می شود، طعام باشد و یا غیر آن و چیزهای که قابل اندازه و وزن کردن نیست، نرخ گذاری نمی شود، این قول را ابن حبیب و ابوالولید الباجی^(۳) ذکر کرده اند. و آن به شرط این است که چیزهای مکیل و موزون در بین خود مماثل و هم وزن باشد و اگر از یک دیگر تفاوت داشته باشد، بهتر است هر جنس علاحده نرخ گذاری شود، مثل: میوه تربوز که خرد و کلان دارد^(۴).

۱ - القهستانی، محمد شمس الدین، فقیه حنفی که در بخاری مفتی بود، از تألیفاتش: جامع الرموز فی شرح النقایة والوقایة، سال تولدش معلوم نیست مگر در سال ۹۵۳ وفات یافته است. الأعلام للزرکلی: ۱۱/۷.

۲ - ابن عابدین اصل کتاب رد المختار علی الدر المختار شرح تنویر الابصار مشهور به حاشیه ابن عابدین ط: دار عالم الکتب لطباعة والنشر والتوزیع الریاض، ۲۵۶/۵.

۳ - القرطبی، سلیمان بن خلف بن سعد التجیبی القرطبی، ابوالولید الباجی: فقیه بزرگ مالکی و از رجال حدیث می باشد، در اصل از بطلیوس (Badajoz) و در باجی (Beja) اندلس در سال ۴۰۳ تولد شده است. در سال ۴۲۶ به حجاز سفر کرده و مدت ۳ سال در آنجا بوده و در بغداد همچنان و در موصل و حلب مدتی را سپری کرد و باز به اندلس برگشته در بعضی مناطق آن قاضی مقرر شده است، در المریة (Almeria) در سال ۴۷۴ هـ وفات یافته است. و از تألیفاتش: السراج فی علم الحجاج، إحکام الفصول فی أحكام الأصول، التسدید إلى معرفة التوحید، و غیره می باشد. نقل از اعلام زرکلی ج ۳ ص: ۱۲۵.

۴ - المنتقی شرح موطأ مالک، تألیف: القاضی ابی الولید الباجی، ط: دار الکتب العلمیة بیروت- لبنان: ۱۸/۵.

رای سوم: نرخ گذاری تنها در چیزهای خوراکی باب [انسانها و حیوانات] می باشد. این قول ابن عرفه است^(۱) امام نووی - رحمه الله - می گوید: وقتیکه تسعیر جائز قرار بگیرد، او در خوراکی باب می باشد^(۲). و علماء شافعی و بعضی احناف، مثل: قهستانی تسعیر را در قوت (طعام) انسانها و قوت حیوانات جایز می دانند و به غیر از شوافع و قهستانی، تمام احناف به استثنای قهستانی، طعام و علف را برای تسعیر خاص نمی کنند، یعنی نزد آنها نرخ گذاری در هر کالا های که به عدم تسعیر آن عامه مردم متضرر شوند نرخ گذاری شود^(۳)

دوم- نرخ گذاری اموال غیر منقول (عقار):

تعریف مال غیر منقول: مالی را گویند که تحویل را نمی پذیرد و انتقال آن از یک محل به محل دیگر ممکن نمی باشد^(۴) که در کتاب های فقهی به آن عقار، یعنی ملکیت های را گفته می شود انتقال آن از یک محل به محل دیگر امکان پذیر نباشد و در صورت انتقال خراب شده و اصلیت خود را از دست می دهد، مثل: زمین، خانه، باغ و غیره می باشد.

اگر از باب ضرورت مردم به عقار بحث کنیم می بینیم قسمیکه مردم به غذا و لباس ضرورت دارند، به خانه و جایداد نیز ضرورت مبرم دارند تا مشکلات سردی و گرمی خود را حل کنند. بعضی ها قوت مردم را احتکار می کنند و عدهی بلند منزل ها را آباد کرده نرخ هنگفت را وضع می کنند که اکثر مردم توانائی خرید آن ندارند، لذا نیاز است که به جایداد ها هم نرخ گذاری شود، تا از فروش بلند و احتکار جلوگیری صورت گیرد.

علماء احناف به این نظر اند که وقتیکه نیاز شود عقار هم نرخ گذاری شود، چونکه نزد آنها بخاطر دفع ضرر از بالای مسلمانها طعام و غیر طعام نرخ گذاری گردد.

۱ - المنتقی للباچی: ۱۸/۵-۱۹ و الطرق الحکمیة فی السیاسة الشرعیة، تألیف: ابن القیم الجوزی، ط: المطبعة المدنی - القاهرة ص: ۲۵۲.

۲ - روضة الطالبین ج: ۳ ص: ۴۱۱

۳ - ابن عابدین اصل کتاب رد المحتار علی الدر المختار شرح تنویر الابصار مشهور به حاشیه ابن عابدین ط: دار عالم الكتب لطباعة والنشر والتوزیع الرياض، ۲۵۶/۵ و روضة الطالبین: ۴۱۱/۳-۴۱۲ و أسنی المطالب: ۳۸/۲.

۴ - کتاب العدة فی شرح العمدة ۱/۲۹۰، ط: بدون ذکر سال دار التدمری، الرياض- السعودیة.

مگر آن عده علمای که نرخ گذاری را تنها در طعام جایز می دانند، نرخ گذاری در عقار حرام می دانند، سخن معقول نظریه احناف است که وقتیکه مردم چه از طریق طعام و غیر آن متضرر گردند نرخ گذاری شود که این نظریه را شیخ الاسلام ابن تیمیه (۱)

سوم- نرخ گذاری مال مثلی و قیمی:

بعضی از علماء مالکی نرخ گذاری تنها در مال مثلی، جایز می داند؛ بخاطریکه مثل آن در بازار یافت می شود، و چنین مال ها هم کیل می شود و هم وزن، بناء مال قیمی نرخ گذاری نمی شود، بلکه به هر کدام علاحده قیمت تعیین می گردد.

ابن حبيب المالکی-رحمه الله می گوید: بالای پنبه و بز؟ نرخ گذاری نمی شود؛ بخاطریکه نه اندازه می شود و نه هم وزن و در بین خود هم مثل نیست (۲).

نکته قابل یادآوری این است، آن عده علمای که نرخ گذاری جائز نمی دانند، آنها التزام به بیع مثل را بالای مردم حتمی می دانند، که رأی از علماء شوافع و حنابله تحت عنوان: «المُعَاوَضَةُ بِثَمَنِ الْمَثَلِ وَإِنَّهُ لَا نِزَاعَ فِيهِ» (۳) «معاوضه و مبادله مال به ثمن مثل باشد و در این هیچ نزاع وجود ندارد» نقل گردیده، این موضوع در فصل های بعدی با تفصیل خواهد آمد که مجوزین تسعیر، این نظریه مانعین را بر خلاف ایشان دلیل قرار می دهند که تسعیر همانا بیع مثل است نه چیزی دیگری!

مطلب سوم- نرخ گذاری اعمال (اجره یا مزد):

بهرتر است در آغاز تعریف مختصری از عمل یا کار را با فضایل داشته باشیم:

عمل/کار: عبارت است از هر آن جهد وسیعی مقصود و منظمی بدنی و یا ذهنی میباشد که برای ایجاد

۱ - احکام التسعیر فی الفقه الاسلامی؛ تألیف: محمد ابوالهدی الیعقوبی الحسنی، طبع الاولی: ۴۲۱ ناشر: دار البشائر الاسلامیة ص: ۴۶۰

۲ - المنتقی، الباجی ج ۶، ص ۳۵۲.

۳ - کشف القناع عن متن الإقناع، منصور بن ادریس البهوتی، متوفای ۱۰۵۱، تحقیق: هلال مصیلحی و مصطفی هلال، ناشر: دار الفکر- بیروت سال چاپ: ۱۴۰۲ تعداد جلد ۶. ص ۱ ج ۲. و کتاب "الإقناع فی فقه الإمام احمد بن حنبل" تألیف: شرف الدین موسی بن احمد بن موسی ابوالنجا الحجاوی متوفای ۹۶۰، تحقیق: عبداللطیف محمد موسی السبکی، ناشر: دار المعرفة بیروت- لبنان ج ۲ ص ۷۷.

منفعت مشروع و جایز به کار انداخته میشود^(۱).

کار یا عمل در علم اقتصاد شامل کارهای میشود که به هدف تولید کالاها و خدمات انجام می یابد، مثل: کار در صنعت، تجارت، زراعت، تعلیم، طب، صحت و غیره می باشد، مگر از دیدگاه اسلام، مفهوم گسترده دارد که شامل انجام امور عبادتی هم میشود و هرگاه کار جسمی و ذهنی مفید و جایز شرعی را در آن رضای الله را در نظر گیرد، این کار نیز به عبادت مبدل میشود. و در فضیلت کار حدیث های زیادی از پیغمبر- صلی الله علیه وسلم- نقل شده است و همواره به کار تشویق و ترغیب گردیده است. و صاحب کار را امر نموده است که مزد کارگر را به وقت تأدیه نماید: «أعطوا الأجير أجره قبل أن يجف عرقه»^(۲) ترجمه: «مزد مزدور کار را قبل از خشکیدن عرق [جبینش] پرداخت نمایید». و بالای کارگر هم لازمی ساخته شده تا کار خود را به شیوه احسن انجام دهد: «إن الله يحب إذا عمل أحدكم عملاً أن يتقنه»^(۳) ترجمه: «خداوند دوست دارد او کسی را که وقتیکه کاری انجام می دهد آن را درست انجام دهد».

کار در موضوع نرخ گذاری، وقتیکه بعضی تکنکلات در بازار پیدا گردید بعضی از کشور های پیشرفته خواستار تعیین حق ادنای اجره کارگر شدند و این کار کارگر را آزاد نگذاشته که به هر اندازیکه موافقت کند بلکه شرط ها را برای او وضع کردند که نوعیت کار، توانائی کارگر و سطح زندگی در کشور مدنظر گرفته می شود. تا هنوز قسمی است که کارگر مجبور به انجام کار به هر اندازیکه صاحب کار برایش پاداش بدهد از تنگدستی و فقر رهائی می یابد، قانون همین است که طرف قوی طرف ضعیف را ظلم می کند و شرط های دشوار را بالای وی وضع می کند.

در دنیای کار نیز بین مردم دو نوع ظلم وجود دارد، یکی از طرف کارفرما که کارگران را به بهای اندک به کار می گمارد و دیگری از طرف کارگر که به قیمت بلند کار را انجام می دهد و یا کار را به شیوه درست انجام نداده و در کار تقصیر و کوتاهی می کند، این نوع مشکل ها در این اواخر در بین مردم به کثرت دیده می شود، روی این ملحوظ از طرف باحث خواسته شد تا در زمینه بحث صورت گیرد و راه حل شرعی در موضوع

۱ - نظام اقتصادی اسلام، تألیف: دکتر محمد یونس ابراهیمی، استاد پوهنتون سلام، ناشر: انتشارات حامد رسالت، چاپ اول، سال: ۱۳۹۶ ص: ۱۵۹.

۲ - سنن ابن ماجه الأحكام (۲۴۴۳).

۳ - امام بیهقی در کتاب خود تحت شماره ۵۳۱۳ از عائشه صدیقه -رضی الله عنها- نقل کرده است و امام البانی آن را صحیح گفته است.

بوجود بیاید، پس اگر نرخ گذاری در اعمال جایز باشد؛ از طرف جهت با صلاحیت در کارها نرخ گذاری شود بهتر خواهد بود. و در حالت عادی که رضای جانبین است واگذار شود.

امام ابن القیم - رحمه الله - می گوید: دهقانی، نساجی، معماری و غیره و اهل حرفه به قیمت بلند خدمات عرضه کنند، پس در آن صورت بالای حاکم مسلمانها لازم می گردد که آنها را به اجره مثل در کار بیاندازد چون آنها بیشتر از حق شان مستحق نمی باشند همین را تسعیر اعمال گویند^(۱).

و کاری که مجتمع به آن نیازمند است فقهاء به آن از دید اجتماعی و اخلاقی می بیند نه به نظر اقتصادی فقط. از همین خاطر است حکم کار را واجب اجتماعی و فرض کفایی می دانند که مصلحت مردم در آن نهفته است، پس برای مزدکار جایز نیست که به کار خود نرخ بلندی را وضع کند که مردم نیازمند کار او باشد، قسمیکه بالای کارفرما هم درست نیست در حق کارگر هر نوع ظلم نماید.

خلاصه سخن همین است که تحدید مزد مزدکار در حالت ضرورت جایز است. و در حالت عادی نیاز به آن نیست.^(۲)

مطلب چهارم: نرخ گذاری ارز های خارجی.

بخاطر تبادله ارز ها در دنیای پیشرفته طریقه های متنوع نرخ گذاری وجود دارد، با در نظر داشت آن هر کس نمی تواند به دل خود هر قیمتی را که خواست تبادله کند همینجاست که نه بایع تاوانی می شود و نه هم مشتری، طریقه نرخ گذاری ارزها قرار ذیل است:

طبقه بندی اصلی نرخ ارزها:

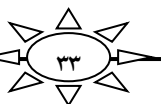
۱- **رژیم میخکوب (ثابت):** نرخ ارز آن قدر میخکوب شده که تغییر در نرخ برابری یا خروج از سیستم بسیار دشوار و پرهزینه است. که فروعاً آن:

Dollarrization وقتیکه دالر آمریکایی به عنوان پول رایج در یک کشور دیگر، مورد استفاده قرار بگیرد.

Currency Board نرخ ارز با نرخ برابری که در قانون مشخص شده به یک پول خارجی میخکوب می شود.

۱ - الطرق الحکمیة ص: ۲۴۷. الفقه الاسلامی وأدلته ۵۳/۷.

۲ - مجلة البحوث الاسلامیة: ۲۴۸/۴.



Monetary Union گروهی از کشورها از یک پول مشترک که توسط بانک مرکزی منطقه‌ی چاپ شده استفاده می‌کند.

۲- **میخکوب سنتی**: نرخ ارز به یک پول خارجی یا سبدي از ارزها متصل شده، هزینه تعدیل برابر یا خروج از سیستم پایین تر از میخکوب شدید است. و فروعات آن قرار ذیل است:

Single Currency Peg: نرخ ارز به ارزش اولیه ثابت یک پول خارجی میخکوب شده است. بانک مرکزی انتظار دارد که تجارت در نرخ اعلامی صورت گیرد.

Basket Peg: مشابه میخکوب شدن به یک پول واحد است و فقط پول به سبدي شامل دو یا چند پول خارجی میخکوب شده است.

۳- **شناور با دخالت قانونی**: نرخ ارز به نرخ خاصی میخکوب نه شده، اما بانک مرکزی به منظور محدود کردن نوسانات^(۱) نرخ ارز با روش از پیش تعیین شده‌ای در بازار دخالت می‌کند. فروعات آن قرار ذیل است:

Cooperative Regimes: از طریق همکاری بانک مرکزی دو کشور موافقت می‌شود که نرخ‌های ارز نسبت به یکدیگر به صورت دو جانبه و در محدوده از پیش تعیین شده‌ای حفظ شود.

Crawling Peg: نرخ ارز بر اساس یک رویه قانونی تعیین می‌شود، نرخ ارز بر اساس نرخ تورم انتظاری یا واقعی که قبلاً در قانون تعیین شده تعدیل می‌گردد.

۴- **شناور توأم با مداخلات احتیاطی**: نرخ ارز شناور است، اما از دخالت رسمی دولت متأثر می‌شود، که فروعات آن قرار ذیل است:

Target Zones and Bands: اجازه داده می‌شود که نرخ ارز در یک محدوده از پیش تعیین شده نوسان کند، نقاط حدی که در مورد رژیم ارزی نوار هدف تعیین می‌شود در مورد رژیم قلمرو هدف یک هدف سیاستی است که از طریق دخالت بانک مرکزی مورد حمایت قرار می‌گیرد.

Managed Floating: نرخ‌های ارز آزاد هستند تا بر اساس عرضه و تقاضا نوسان کنند، مقامات دیدگاهی درباره سطح مطلوب و مسیر نرخ ارز و میزان دخالت دارند، اما حد و مرزها با دخالت قانونی محدود نمی‌شوند.

۵- **شناور آزاد**: اجازه داده می‌شود نرخ ارز آزادانه شناور باشد و بانک مرکزی در بازار ارز دخالت نمی‌کند، که آن را:

۱ - نوسانات جمع نوسان به معنای جنبیدن، تغییر و تحول است.

Independent Floating یا شناور مستقل گویند که در آن نرخ ارز در بازار بر اساس عرضه و تقاضای روزانه ارز و با دخالت کم یا بدون دخالت رسمی تعیین می شود^(۱).

در کشور ما افغانستان نرخ مبادله بر عهده بانک مرکزی افغانستان (د افغانستان بانک)^(۲) براساس وظایف و پالیسی آن میباشد.

طبق صراحت ماده ۶۹ قانون د افغانستان بانک، طرح، اتخاذ و اجرای سیاست ارزی کشور از جمله وظایف انحصاری د افغانستان بانک میباشد. د افغانستان بانک از جمله هشت نوع رژیم های ارزی رایج در دنیا^(۳)، رژیم نرخ مبادله انعطاف پذیر مدیریت شده (Managed Floating Exchange Rate) را انتخاب نموده است. تحت این رژیم، نرخ مبادله در مقابل اسعار در بازار به اساس عرضه و تقاضا تعیین میگردد. این سیاست ارزی با در نظر داشت شرایط اقتصادی، بیلانس تادیات (واردات و صادرات)، درجه باز بودن اقتصادی (ورود و خروج اسعار) اتخاذ شده است. در چهارچوب این سیاست ارزی، بانک مرکزی نرخ مبادله را هدف قرار نمیدهد. در عین حال به دلیل تاثیرات منفی نوسانات نرخ مبادله بر توقعات فعالین عرصه اقتصاد و یا مستهلکین و سرمایه گذاران و نرخ تورم و سطح عمومی قیمت ها، بانک مرکزی رفتار نرخ مبادله را به دقت زیر نظر دارد و با استفاده از ابزار و امکانات خود حتی المقدور نوسانات نرخ مبادله را مهار مینماید.

براساس این وظیفه د افغانستان بانک بایستی نقش فعالی در بازار ارز ایفا نماید اما نکته قابل توجه این است که تنها سیاست اتخاذ شده در قبال بازار ارز و بالا رفتن نرخ اسعار، لیلان کردن دالر و یورو بوده است. در دو ماه اخیر سال ۹۷ بیش از ده بار لیلان ارزهای گوناگون صورت گرفته است. اما این افزایش عرضه موجب کاهش نرخ اسعار نه شده است و دلیل این امر این است که د افغانستان بانک توجه کافی به عوامل بالا رفتن نرخ ارز ندارد^(۴).

۱ - فصلنامه سیاست های مالی و اقتصادی. سال سوم، شماره ۱۰؛ تابستان ۱۳۹۴ ص: ۲-۴.

۲ - بانک مرکزی افغانستان یا د افغانستان بانک برنامه ریز و ادارکننده سیستم بانکداری افغانستان می باشد. با به قدرت رسیدن ظاهر شاه در سال ۱۳۱۲ بانک ملی افغانستان با سرمایه ۳۵ میلیون افغانی معادل ۳,۵ میلیون دلار آمریکا در سال ۱۳۱۳ در کابل افتتاح شد. با پیشنهاد عبدالمجید زابلی این بانک در سال ۱۳۱۸ بازگشایی شده و تمام سرمایه های مالی دولت شاهنشاهی افغانستان به این بانک انتقال داده شد. و رئیس فعلی آن خلیل صدیقی است. Wikipedia

3 - dollarization, currency Boards, Monetary Union, Single Currency Peg, Bascet Peg, Cooperative Regimes, Crawling Peg, Target Zones and Bands, Managed Floating, Independent Floating. فصلنامه سیاست های مالی و اقتصادی. سال سوم، شماره ۱۰؛ تابستان ۱۳۹۴.

۴ - عوامل دیگر بی ثباتی پول افغانی در مقابل دیگر ارزها: بیرون رفتن ارزها، استفاده از ارزهای دیگر کشور ها در قلمرو افغانستان، شرایط بد امنیتی و فرار سرمایه ها قلمداد گردیده است.

دافغانستان بانک قطعاً برای کنترل بازار ارز، باید صرافی ها را ضابطه مند کند و کنترل بیشتری بر معاملات این بخش داشته باشد. یکی از راه ها ثبت تمامی معاملات می باشد، بانک مرکزی می تواند با راه اندازی یک سایت که تمامی صرافی ها در آن ثبت شده اند، از آنها بخواهد که تمامی معاملات خود را ثبت نماید. باید توجه داشت که در بسیاری از کشورها خود ارز به عنوان کالایی که برای سرمایه گذاری داد و ستد شود مورد استفاده قرار نمی گیرد و شهروندان برای مصارف حقیقی به بازار ارز و صرافی ها مراجعه می کنند. اما متأسفانه در افغانستان به دلیل عدم توجه کافی به بخش تولید و صنعت، سرمایه های سرگردان اقدام به داد و ستد ارز برای سودآوری صورت می گیرد که این رفتار مالی سبب نوسانات بازار ارز می شود^(۱).

مبحث سوم: صور (انواع و حالت های) نرخ گذاری:

این عنوان حالت های- از قبیل عادی، سختی و غیره- که در بازار پیش می شود را، بشکل مختصر در ذیل بیان می گردد:

- نرخ گذاری در حالت عادی.
- نرخ گذاری بالای کسیکه از نرخ بازار ارزانتر بفروش برساند.
- نرخ گذاری بالای احتکار کننده.
- نرخ گذاری در وقت بلند شدن قیمت ها.
- نرخ گذاری بالای انحصارگر های که خرید و فروش را با اشخاص خاص انجام می دهد.

حالت های فوق به ارتباط نرخ گذاری، احکام متفاوت با اختلاف علماء دارد که در فصل دوم و سوم ان شاء الله به شکل مفصل و مدلل بیان می گردد:

مطلب اول: نرخ گذاری در حالات عادی^(۲):

حالت عادی حالتی را گویند نرخ ها بلند نبوده و مردم از فریب فروشندگان بازار در هراس قرار نداشته باشند، چنین حالت را حالت عادی گویند، همین است که نزد عده از علماء نرخ گذاری اجناس در چنین صورت حرام می باشد، چون در اصل شریعت تسعیر وجود ندارد و در نزد بعضی ها جایز می باشد.

۱ - گرفته شده از سایت دافغانستان بانک.

۲ - حالتی است که بهای اجناس به حالت عادی قرار دارد و مال کسی از طرف هیچ کسی خورده نمی شود.

مطلب دوم: نرخ گذاری در هنگام بلند بودن قیمت ها از جانب فروشندگان.

این موضوع نزد علماء نیز اختلافی می باشد، بعضی ها به حدیث انس-رضی الله عنه-استدلال کرده در اثنای بلند شدن قیمت ها، نرخ گذاری را جایز نمی دانند که مذهب حنابله بر همین حکم است، مگر علمای دیگر مثل: امام مالک و بعضی از شافعی ها در اثنای بلند شدن قیمت ها، نرخ گذاری را جایز می دانند و این رأی سعید بن المسیب^(۱)، ربیع بن عبدالرحمن^(۲)، یحیی بن سعد الانصاری و گروه از زیدیه^(۳) نیز می باشد که نرخ گذاری را در وقت ضرورت جایز می باشد^(۴).

ابوالحسن مرغینانی^(۵) در این باره می گوید: "برای سلطان سزاوار نیست که بالای کالا های مردم نرخ گذاری کند، مگر اینکه تاجر ها بهای طعام را در بازار به قیمت فاحش^(۶) بالا ببرند و قاضی از حفظ حقوق مسلمانها عاجز بیاید پس در آن صورت نرخ گذاری جواز دارد و آن هم به مشوره اهل رأی و بصیرت [مسلمانها]"^(۷).

۱ - ابن المسیب، سعید بن المسیب بن حزن بن ابی وهب، مخزومی، مدنی، سید فقهاء تابعین است که از پدرش و عمر، عثمان و علی و ابی موسی روایت کرده است، قتاده می گوید: کسی را نمی شناسم که در حلال و حرام از او داننا تر باشد. مکحول می گوید: کسی را ندیدم که از او کرده داننا تر باشد. احمد بن حنبل می گوید: او بهترین تابعین می باشد. امام شافعی و احمد می گوید: مراسیل او صحاح است. که ۱۰۵ هـ تولد و در ۹۳ یا ۹۴ در خلافت هشام بن عبدالملک وفات یافته است. اسعاف المبطأ ۱۲/۱.

۲ - فروخ، ربیع بن ابی عبدالرحمن فروخ، فقیه مدینه صاحب رأی از انس، سائب بن یزید و ابن المسیب و شاگردانش مالک، لیث، داروردی و ابوضمره است که در سال ۱۳۶ به انبار وفات کرده است. الکاشف فی معرفة من له روایة فی الکتب السنة، رقم: ۱۵۵۰.

۳ - زیدیه یکی از فرقه های شیعه است که نامشان را از زید بن علی گرفته اند. زیدیان برخلاف دوازده امامی ها، زید بن علی را به جای برادرش امام محمد باقر امام پنجم می دانند و در امامت علی بن ابی طالب، حسن بن علی، حسین بن علی، علی ابن حسین با دیگر شیعیان هم نظرند. یحیی بن زید و دیگران امام معروف زیدیه است. در دوران معاصر مهمترین سکونتگاه زیدیان کشور یمن است که حدود ۴۵٪ جمعیت آن را تشکیل می دهند. جمعیت زیدیان جهان ۱۱ میلیون نفر است. مکتب فقهی زیدیان به مذهب حنفی نزدیک است و شباهت هایی هم با مذهب جعفری دارد. در کلام و الهیات به معتزله نزدیک اند. یکی از اختلاف های مهم زیدیان و دوازده امامی ها این است که به عصمت امامان معتقد نیستند و معتقدند هر یک از فرزندان حسن و حسین می تواند به مقام امامت برسد. پس امامت را ارثی نمی دانند. همچنین معتقدند امام باید قادر به جنگ و دفاع باشد بنابراین امامت کودک و مهدی غایب را نمی پذیرند. مهم ترین شرط امامت را کوشش شخص دانسته و وجود بیش از یک امام در یک زمان و نبودن امام در زمانی دیگر را می پذیرند. لغت نامه دهخدا، واژه زیدیه.

۴ - فقه السنة: ج ۳/۱۰۶

۵ - المرغینانی، مولف هدایه ابوالحسن علی بن ابوبکر بن عبدالجلیل الرشدانی المرغینانی، سال تولد: ۵۱۱ و وفات: ۵۹۳.

۶ - امام زیلعی قیمت فاحش را چنین معنی کرده است: به قیمت دو چند بفروش برساند. الزیلعی: ۲۸/۶.

۷ - نفس مصدر، نقل از هدایه ج ۴ ص: ۹۳.

سبب ورود حدیث مشهور تسعیر را همین حالت تشکیل می‌دهد که نرخ بازار بدون دخالت تجار بلند شده بود که آن حالت را صحابی جلیل القدر انس بن مالک-رضی الله عنه-^(۱) نقل می‌کند: «غلا السعر علی عهد رسول الله صلی الله علیه وسلم، فقالوا: یا رسول الله لو سعرت؟ فقال: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمُسَعِّرُ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ الرَّازِقُ وَإِنِّي لَأَرْجُو أَنْ أَلْقَى اللَّهَ وَلَيْسَ أَحَدٌ مِنْكُمْ يُطَالِبُنِي بِمَظْلَمَةٍ فِي دَمٍ وَلَا مَالٍ»^(۲) یعنی: در زمانه پیامبر-صلی الله علیه وسلم- قیمت ها بالا رفت، پس اصحاب فرمودند: ای پیامبر خدا از نرخ گذاری نمائی؟ پس فرمودند: "خداوند خود تنگ کننده، فراخ کننده [روزی] روزی دهنده و نرخ گذار است و من امیدوارم خداوند را طوری روبرو شوم که کسی از من طلب مظلومی را نه کند که در خون و مالش ستم کرده باشم".

حدیث انس بن مالک-رضی الله عنه- این را بیان می‌نماید که رسول الله-صلی الله علیه وسلم- به بلند شدن بها، نرخ گذاری نکردند، مگر در فصل های بعدی این رساله خواهیم دید که احتکار، مصلحت مسلمین و سد ذریعه از اسباب نرخ گذاری به شمار می‌رود.

در زمان رسول الله-صلی الله علیه وسلم- کارها به صداقت پیش می‌رفت همه از فریب تاجرهای کالا بازار در امان بودند و جناب رسول الله-صلی الله علیه وسلم- بخاطر جلب خیر و دفع شر فرستاده شده بودند؛ ایشان تنها از خاطر بلند بودن قیمت ها با در نظر داشت صداقت تاجران وقت، نرخ گذاری نه نمودند.

مطلب سوم- نرخ گذاری در مقابل ارزان فروختن، نسبت به قیمت عادی بازار یا بهای کم تر نسبت به نرخ تعیین شده:

قبلا بیان گردید که اگر کسی از نرخ بازار بلند به فروش برساند نزد اکثر علماء از خاطر مصلحت عامه، بالای کالا های او از طرف حاکم نرخ گذاری می‌شود و او در چنین شرایط حق دارد تا در بازار مداخله کرده و مرتکبین را پیگرد قانونی نماید، پس اگر کسی از نرخ بازار به بهای پایین تر بفروش برساند حکم این موضوع چه است؟

۱ - انس بن مالک بن النضر بن ضمضم بن زید بن حرام بن جندب بن عامر و اسمہ تیم الله، بن ثعلبة بن عمرو الخزرجی بن حارثة الانصاری الخزرجی النجاری من بنی عدی، مشهور به خادم رسول الله-صلی الله علیه وسلم- بود که به آن افتخار می‌کرد، او با رسول الله-صلی الله علیه وسلم- به مادر عبدالمطلب مادر کلان پیامبر-صلی الله علیه وسلم- وصل می‌شود، پیامبر-صلی الله علیه وسلم- او را دوست داشت و با وی بازی می‌کرد و به "یا ذا الأذنین" صدا می‌کرد. اسد الغابة فی معرفة الصحابة (انس بن مالک بن النضر) ج ۱ ص: ۱۲۹۰.

۲ - حدیث قبلا در مقدمه در صفحه ۳ تخریج گردید که صحیح است.

در این مسئله دو رأی وجود دارد:

اول - حکمروای مسلمانها آن را منع کنند، این مذهب مالکی هاست^(۱) می گویند: «اگر کسی با این کار خود، اراده فاسد ساختن بازار را داشته باشد، مثل: کاستن قیمت های مردم باشد، برایش گفته شود: «یا به نرخ مردم باش و یا هم از بازار بیرون شو»^(۲) و همچنان امام شافعی-رحمه الله- و بعضی از اصحاب امام احمد-رحمه الله- مثل: ابی حفص عکبری، قاضی ابویعلی، شریف ابی جعفر، ابی خطاب و ابن عقیل و غیره می باشند و دلیل ایشان اثری است که سعید بن المسیب است می گوید: عمر بن خطاب-رضی الله عنه-^(۳) در گشت بازار از بالای سر حاطب بن ابی بلتعہ^(۴) می گذشت دید که کشمش را از نرخ بازار ارزان می فروخت، فرمود: "إِذَا أَنْ تَزِيدَ فِي السَّعْرِ وَإِذَا أَنْ تَرْفَعُ مِنْ سَوْقِنَا" یا اینکه قیمت را بالا می بری و یا بازار را ترک می گویی!^(۵)

به همین شکل نزد بعضی از علماء^(۶) حکم قیمت فروختن و ارزان فروختن یکی می باشد، که هر دو بازار را بالای اهل آن فاسد می سازد، این نظریه هم از مالکی هاست.

دوم - ولی امر حق ندارد در کار بازار مردم مداخله کند، این رأی جمهور فقهاء است.^(۷)

مبحث چهارم: نرخ گذاری در نظام های دیگر:

جای دارد که مروری به نرخ گذاری از دیدگاه نظام های اقتصادی سرمایه داری و اشتراکی داشته باشیم؛ چونکه این دو مکتب از خود پیروان زیاد دارند تا دیده شود کدام یک به نظریه دینی نزدیک تر نسبت به دیگرش می باشد و باز در اسلام ما نیز دو نظریه (جواز و عدم جواز آن را داریم) که این دو مکتب قوانین نرخ گذاری خاصی دارند که در دو مطلب ذیل بشکل مختصر بیان می گردد:

۱ - الشرح الكبير للمفتي.

۲ - ابن رشد، البيان والتحصيل، ج ۹، ص ۳۱۳؛ الطرق الحکمیة، ج ۲، ص ۶۶۱.

۳ - الفاروق، شهرت وی جهانی است، لذا ضرورت نمی بینم با الفاظ رکیک خود در باره ایشان چیزی بنویسم، منتهی قول پیامبر-صلی الله علیه وسلم- را ذکر می کنم: «لَوْ كَانَ بَعْدِي نَبِيٌّ؛ لَكَانَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ» "أحمد، والترمذی وأبو نعیم فی فضائل الصحابة عن عقبه بن عامر آورده است. و مایکل هارتس نام ایشان را در ۱۰۰ شخصیت های تأثیر گذار جهان ذکر کرده است.

۴ - حاطب بن ابوبلتعه الخمی، صحابی که در تمام واقعه ها با رسول الله-صلی الله علیه وسلم- شرکت کرده است و از جمله بهترین تیراندازهای صحابه بود، تجارت بزرگ داشت، و او صحابی است که رسول الله-صلی الله علیه وسلم- توسط او نامه به مقوقس اسکندریه فرستاده است، و در مدنیة منوره در سال ۳۰ وفات کرده است که ۳۵ سال قبل از هجرت در مکه تولد شده و یکی از سوار کار و شاعر قریش در جاهلیت بوده است. الاصابة فی معرفة الصحابة: ۳۰۰/۱.

۵ - منهج عمر بن الخطاب فی التشريع دراسة مستوعبة لفقه عمر و تنظیماته، تألیف: الدكتور محمد بلتاجی، مدرس الشريعة الإسلامية بكلية دار العلوم - جامعة القاهرة، ناشر: دار الفكر العربي، ۱۳۹۰ هـ ص: ۲۳۳-۲۳۴.

۶ - الحسن بن القصار المالکی.

۷ - فقه السنة: ج ۳/۱۰۶.

مطلب اول: نرخ گذاری در نظام سرمایه داری (Capitalism):

نظام اقتصادی سرمایه داری؛ این نظام، بر مبنای مکتب های اقتصادی فیزیوکراتیسم، کلاسیک، جهان بینی فلسفی دیسم (خدانشناسی طبیعی)، ناتورالیسم (اصالت طبیعت) و لیبرالیسم اقتصادی (اصالت فرد و آزادی های فردی) شکل گرفته است. این نوع نظام، موفقیت بیشتر را در فراهم کردن زمینه برای حداکثر کردن سود در بازار میداند و ضمن تاکید بر همسویی منافع فرد و اجتماع، مکانیسم بازار را در برقراری تعادل اقتصادی کافی دانسته و هر نوع مداخله دولت را محکوم می کند، در نظام سرمایه داری سیستم نرخ گذاری باید تابع قانون عرض و تقاضا باشد، مگر دولت بخاطر مصلحت مردم و اقتصاد وطن در نرخ بازار از قانون عرض و تقاضا بیشتر مداخله می کند.^(۱)

مطلب دوم: نرخ گذاری در نظام اشتراکی (Socialism):

نظام اقتصاد سوسیالیستی؛ با پذیرش مکتب اقتصادی مارکسیسم و جهانی بینی ماتریالیسم (اصالت ماده) و اصالت جمع، ابزار مادی تولید را به عنوان زیربناء و کلیه تحولات جامعه را به عنوان روبنا تابع پیشرفت و تکامل ابزار مادی تولید می داند. بیشترین موفقیت اجتماع، در تامین مصالح و منافع جامعه است، نه فرد. آزادی های فردی در زمینه های اقتصادی به نفع جامعه سلب می گردد و دولت به عنوان نماینده جامعه، برنامه ریزی را بر عهده می گیرد، نرخ ها همه تابع و در سلطه دولت است، دولت همه نرخ ها را با رعایت مصلحت مردم تعیین می کند، جنس از قیمت مصرفش به نرخ کمتر از خاطر مصلحت عامه هم به فروش می رسد.^(۲)

مبحث پنجم: طریقه نرخ گذاری:

هر کار دنیا به روی یک طریقه پیش می رود و امور دینی هم به طریقه‌ی و شیوه خاص که آن را پیامبر - صلی الله علیه وسلم - ترسیم نموده است و تعقیب آن را اتباع گویند، نصوص قرآن کریم و احادیث پیامبر در کارهای دینی بر اتباع پیامبر تأکید دارد، از جمله: الله تعالی می فرماید: ﴿وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ﴾^(۳) ترجمه: " و ما قبله‌ای را که بر آن بوده‌ای (و تا کنون به سوی آن نماز خواننده‌ای و هم اینک فرمان رو کردن به جهت کعبه صادره شده است) قبله ننموده بودیم مگر این که بدانیم چه کسی از پیغمبر پیروی می نماید و چه کسی بر پاشنه‌های خود می چرخد (و به عقب بر می گردد تا صف ثابت قدمان بر ایمان، و

۱ - الاقتصاد السياسي، د. جابر جاد و د. عبدالرحمن الجبلی، ص: ۱۴۲ و بعد از آن.

۲ - نفس مصدر، ص: ۱۴۲ و بعد از آن.

۳ - البقرة: ۱۴۳

فرصت طلبان بی ایمان از هم روشن و جدا شود) " و حدیث: « صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي »^(۱) ترجمه: " چنانچه مرا دیدید که نماز می گزارم، نماز گزارید"^(۲) و غیره.

همچنان در نرخ گذاری از طرف شریعت اسلامی طریقه تعیین شده است که حاکم مسلمانها حین نرخ گذاری آن را مراعات نماید، نه اینکه بالای دوکاندار نرخ تعیین شده خود را جبراً بقبولاند و در تطبیق آن از شیوه های زور کار بگیرد، چونکه هیچ عالمی این را جایز نمی داند به مردم گفته شود مال خود به این نرخ بفروشید و به آن نرخ بفروشید برابر است که فایده می کنید و یا خساره و تاوان^(۳).

آن عده از علمای که به جواز تسعیر (نرخ گذاری) قایل اند همه ایشان بر این تأکید دارند که حاکم مسلمانها حین تعیین نرخ، اهل وجوه بازار - که در صداقت و مهارت شهرت داشته باشند - را، متشکل از یک هیئت با صلاحیت از فروشندگان و مصرف کنندگان باشند، جمع نموده و با آنها در رابطه به موضوع نرخ گذاری مشوره نماید و از آنها پرسان کند که چگونه به فروش می رسانند؟ و چه قسم خریداری می نمایند؟ و آنها را از آنچه که به خیر عامه است قناعت داده و در رابطه رضایت آنها را حاصل کند و باز کالا های بازار، مزد مزدور کار و ارزها را نرخ مناسب وضع نماید^(۴). چونکه حدیث شریف و قاعده فقهی است که « لا ضرر ولا ضرار »^(۵) و در این راستا از هیچ نوع وسایل کوتاه نیامده حتی جدولی را بخاطر تعیین نرخ ترتیب دهد و آن را بشکل خانه پری کند در آن اگر نرخ گذاری اعمال باشد به استعداد فطری و قدرت تحمل هر شخص اشاره صورت بگیرد تا مزد مزدور کار فعال و تنبل یکسان نباشد، هر صاحب حق، به حق خود برسد و کینه و کدورت در بین مردم جای نگیرد^(۶) این طریقه ابن حبیب مالکی ذکر کرده است، در حالیکه از یحیی بن عبدالرحمن^(۷) نیز چنین طریقه ذکر شده است و ابن عرفه نیز با تفصیل اندک و با اضافه کردن وجود حاکم عادل همین طریقه را بیان می کند.

۱ - امام بخاری - رحمه الله - نقل کرده است، شماره حدیث: ۴۰۲۲

۲ - ترجمه از عبدالله خاموش هروی، ریاض الصالحین.

۳ - الطرق الحکمیة ص: ۳۷۰

۴ - ابن عابدین: ۲۵۶/۵ والاختیار: ۱۶۱/۴ والهدایة: ۹۳/۴ و کشف الحقایق: ۲۳۷/۲. والمنتی للباچی: ۱۸/۵، الطرق الحکمیة فی السیاسة الشرعیة ص: ۳۷۴.

۵ - سنن ابن ماجه الأحكام (۲۳۴۰)، مسند أحمد بن حنبل (۳۲۷/۵).

۶ - التیسیر فی أحكام التسعیر، تألیف: احمد بن سعید المجبلی المتوفی سنة: ۱۰۹۴ هـ، تحقیق: موسی لقبال، ناشر: الشركة الوطنیة للنشر والتوزیع، الجزائر ص: ۴۹.

۷ - یحیی بن عمر بن یوسف الکنانی الأندلسی، ابوزکریا، فقیه مالکی و از موالی بنی امیه است که در قرطبه بزرگ شده و قیروان مسکن شده و به مشرق سفر داشته است و باز در سوسه وطن گزین شده و در آنجا قبرش موجود است، که تا حدود ۴۰ جلد تألیفات دارد، از جمله " أحكام السوق " می باشد

حدیث « إني لأرجو أن ألقى الله وليس أحد منكم يطلبني بمظلمة في دم ولا مال » دلالت صریح بر این دارد که در تسعیر عدالت مد نظر گرفته شود برابر است که خریدار باشد یا فروشنده، اگر پیامبر -صلی الله علیه وسلم- ظلم اندکی از طرف اصحاب می دید بشکل فوری قیمت ها را تعیین می نمود، این همه از همین حدیث شریف دانسته می شود^(۱).

ابوالولید الباجی^(۲) می گوید: " ووجه ذلك أنه بهذا يتوصل إلى معرفة مصالح الباعة والمشتريين، ويجعل للباعة في ذلك من الربح ما يقوم بهم ، ولا يكون فيه إجحاف بالناس " یعنی: این بخاطر تحقق مصلحت فروشنده و خریدار می باشد، تا برای فروشنده در آن مقدار فایده ی را تعیین کنند، و او دست خالی به مردم معامله نکند^(۳).

بحث فوق و آرای علماء این را واضح می سازد که عدالت در نرخ گذاری مد نظر گرفته شود که فروشنده لقمه نان که از خاطر آن کار و بار دارد از دست داده و فایده ی به دست آورده نتواند و نه هم مردم در بازار با بلند بودن قیمت ها دست و پنجه نرم کرده و متضرر گردند.

مطلب اخر فصل اول: عقوبت مخالفت از تسعیر:

حاکم مسلمانها بالای اهالی بازار به هدف مصلحت عامه کالاها را نرخ گذاری نماید، بعد از آن عده از مردم از نرخ بازار مخالفت کند، حکم آن چیست؟

بنا بر اصل قول الله تعالی: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾^(۴) ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا (با پیروی از قرآن) و از پیغمبر (خدا محمد مصطفی با تمسک به سنت او) اطاعت کنید، و از کارداران و فرماندهان مسلمان خود فرمانبرداری نمائید (مادام که دادگر و حَقِّگرا بوده و مجری احکام شریعت اسلام باشند)»، انسان مسلمان نباید بجز از منکر در هیچ کاری با حاکم مسلمان مخالفت کند، پس وقتیکه حاکم به خاطر مصلحت عامه نرخ گذاری کند، چرا با مخالفت صورت بگیرد؟ انسان اگر به منع تسعیر هم قانع باشد، نباید در

۱ - البحوث العلمية لهيئة كبار العلماء بالمملكة العربية السعودية؛ ناشر: الرئاسة العامة للبحوث العلمية والإفتاء، اصنام السنة ۱۴۲۱ ج ۳ ص: ۱۶۲.

۲ - الباجي، سليمان بن خلف بن سعد، فقيه مالكي، از اندلس بود که بخاطر طلب علم به حجاز، بغداد و موصل سفر کرد و باز به اندلس برگشته در بعضی از مناطق آن قاضی مقرر شده است و در آنجا در سال ۴۷۴ وفات نموده است. و از تألیفات او: السراج فی علم الحجاج و إحصاء الفصول فی أحكام الأصول و التسدید فی معرفة التوحيد و اختلافات الموطآت و غیره می باشد.

۳ - المنتقى: ۱۹/۵.

۴ - النساء: ۵۹.

مقابل تسعیر حاکم از خود مخالفت نشان دهد، تأکید علماء بر اتباع فرمان حاکم بسیار و حتی علماء شوافع با وجود که مخالف نرخ گذاری هستند، کسانی که از نرخ گذاری شده مخالفت می کنند بر حاکم جایز می دانند که آنها را تعزیر نماید، چرا که این مخالفت آشکارا با او و آیت کریمه است^(۱) و اگر به قیمت تعیین شده بیع صورت نگیرد، در حکم تنفیذ بیع اختلاف علماء است که درست و نافذ است یا هم محجور؟^(۲)

و نزد آن عده علمای که نرخ گذاری را جائز میدانند، مخالفت تسعیر را نیز جرم می دانند، بخاطریکه حاکم مسلمانها به هدف مصلحت عامه نرخ گذاری کرده است و بدون آن مصلحت از بین رفته و فساد جایگزین آن می گردد، پس حاکم مسلمانها را سزاوار است که برای مخالفت تسعیر عقوبت تعیین کند و آن را همگانی بسازد، تا کسی از فرمان حاکم در تسعیر مخالفت نکند و البته جزای که برای مخالفت تسعیر تعیین می شود؛ در شریعت اسلامی آن تعزیر^(۳) می نامند، و انواع تعزیر زیاد می باشد که از نصیحت شروع تا به قتل می رسد، و همچنان باید یاد آور شد که تطبیق انواع مختلف تعزیر به اختلاف زمان فرق می کند و همچنان وضع مردم به نوع تعزیر هم فرق دارد، بعضی ها به نصیحت کردن به راه می شوند و بعضی ها به حبس و بعضی ها هم به پرداخت غرامت اصلاح می شوند. پس حکمروای مسلمانها بالای هر متخلف نرخ گذاری حسب حالتش عقوبت تعزیر را تطبیق دهد^(۴).

ذکر تعریفات فوق با تقسیمات آن اکثرا از دیدگاه فقه می باشد، در قانون -کشورهای که نرخ گذاری دارند- همین تعریفات و تقسیمات اگر وجود باشد را داشته باشد، در فصل چهارم در بحث قانون-ان شاء الله- خواهد آمد.

۱ - أسنى المطالب، زكريا الأنصاري ج ۴، ص ۹۴. و روضة الطالبين النووي، ج ۲، ص ۵۰ دیده شود.

۲ - روضة الطالبين ۴۱۱/۳.

۳ - تعزیر در لغت به معنای تعظیم، تأدیب، نصرت و منع می باشد. و در اصطلاح: عبارت از مجازاتی است مادون حد شرعی. به عبارت دیگر تعزیر کیفری است برای جرائمی غیر از آنهایی که در حقوق جزای اسلامی برایشان حد، قصاص و دیه در نظر گرفته شده است. تعزیر در شرع از حیث مقدار مشخص نیست و در فقه به کیفری گفته می شود که برخلاف حد، قانون گذار اندازه ای برای آن تعیین نکرده باشد و تعیین آن به صلاح دید قاضی می باشد (تعزیر باید کمتر از حد باشد).

۴ - الطرق الحکمیة، ابن القیم، ص ۶۶۲، ۶۶۳.

فصل دوم

نرخ گذاری نزد مجوزین آن

مبحث اول: مجوزین مطلق نرخ گذاری.

مبحث دوم: مجوزین تفصیلی نرخ گذاری.

مبحث سوم: دلیل های جواز نرخ گذاری.

مبحث چهارم: اسباب عمده ی که علماء نرخ گذاری را ضرورت می پندارند.

فصل دوم

جواز نرخ گذاری

تمهید

فصل دوم (جواز نرخ گذاری) فصل سوم (منع نرخ گذاری) موضوعات مهم و محورین این رساله را تشکیل می دهد، که در این دو فصل نرخ گذاری از دیدگاه مجوزین و مانعین آن با ذکر دلیل های نقلی و عقلی ایشان بیان می گردد، پس ضرورت می بینم تا تمهیدی را به شکل مقدمه در شروع این دو فصل داشته باشم:

نکته قابل ذکر در تمهید حکم نرخ گذاری این است که حکم نرخ گذاری مثل حکم بعضی مسایل دیگر در مرور زمان و تغییر مکان قابل تغییر بوده است، که علماء از آن به عنوان (الأحكام المتغيرة) نام برده است، یعنی در بعضی کالاها علماء سابق نرخ گذاری را نا جایز گفته اند در حالیکه همان چیز را علماء دیگر همان زمان و حتی علماء معاصر جایز می دانند؛ چرا که نص وارده در موضوع نرخ گذاری قطعی نبوده، بلکه مجال اجتهاد در آن وجود دارد، مثلاً: نرخ گذاری بالای کالا های احتکار شده را بعضی علماء قدیم نا جایز می دانند، یعنی حاکم محتکر را مجبور می سازد تا مال احتکار شده ما فوق یک سال از قوت اهل خود را وارد بازار کند و به هر نرخ که بتواند و به هر کسی که بخواهد آن را به فروش برساند، مگر نزد علمای معاصر و بعضی علماء قدیم می بینیم که بالای کالا های احتکار شده، نرخ گذاری را جایز و ضروری می پندارد و یکی از اسباب جواز نرخ گذاری نزد مجوزین نرخ گذاری، همین موضوع می باشد و در قانون منع احتکار بالای کالا های احتکار شده، نرخ گذاری را لازمی گفته است، بر علاوه از آن بالای محتکر جریمه ها را وضع کرده است^(۱).

اگر جنبه جواز نرخ گذاری در رساله هذا قوی ثابت گردد، این موضوع روشن می گردد که دین اسلام در این موضوع (نرخ گذاری) از اعلامیه حقوق بشر و قوانین دیگر جهان که در ماده ۲۳ وثیقه اعلام حقوق بشر خود گنجانیده است، پیشی کرده است:

ماده ۲۳ منشور ملل متحد:

۱- هر کس حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه انتخاب نماید، شرایط منصفانه و رضایت بخشی برای کارخواستار باشد و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد.

۱ - در فصل دوم، مبحث سوم، شماره چهار در باره همین موضوع به تفصیل بحث شده است.

۲- همه حق دارند که بدون هیچ تبعیضی در مقابل کار مساوی، اجرت مساوی دریافت دارند.

۳- هر کسی که کار میکند حق دارد مزد منصفانه و رضایت بخش دریافت دارد که زندگی او و خانواده اش را موافق حیثیت و کرامت انسانی تأمین کند و در صورت لزوم با دیگر وسایل حمایت اجتماعی کامل شود.

۴- هر کس حق دارد که برای دفاع از منابع خود بادیگران اتحادیه تشکیل دهد و در اتحادیه ها نیز شرکت نماید.^(۱)

اضافه تر از آن، در دین مبین اسلام حتی تمام خواهشات اساس زندگی مزد کار را مدنظر گرفته است، مستورد بن شداد بن عمر -رضی الله عنه- می گوید: پیامبر خدا -صلی الله علیه وسلم- را شنیدم که می گفت: «إن كان لنا عامل فليكتسب زوجة، فإن لم يكن له خادم فليكتسب خادما، فإن لم يكن له مسكن فليكتسب مسكنا»^(۲) یعنی: "مزد کار ما اول [وقتی که بی زن باشد] زن به دست بیارد، اگر خادم نداشته باشد صاحب خادم گردد و اگر جای و مسکن نداشته باشد مسکن بدست بیاورد" روی این حدیث مزد مزدکار که تمام خواهشات اساسی زندگی در آن است تعیین گردد.^(۳)

موضوع نرخ گذاری در دو مکتب اقتصادی مشهور دنیا، در یکی در حالت افراط و در دیگری در تفریط قرار دارد، که در یکی خلاف فطرت بشریت بود که از انسان تمام تصرفاتش را سلب می کرد، چندان دوام نکرده، تقریباً از بین رفته است و دیگری با از بین رفتن رقیبش قد اندام کشیده و صلاحیت عام و تام را به انسان که از همه نگاه قاصر و ناقص است بدون کدام رهنمایی آسمانی واگذار کرده است که و علت بقای این نظام اقتصادی را د.علی محی الدین قره داغی^(۴) در سه چیز می بیند: ۱- این نظام قابل مناقشه و تا حدی تصحیح خطا را دارا می باشد، ۲- استعمار این نظام تقریباً در سه قاره حاکم بوده، که نظام ها را طبق خواست خود کردند. ۳- نظام قوی

۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوبه ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی، مجمع عمومی سازمان ملل متحد.

۲- سنن أبو داود، الخراج والإمارة والفيء (۲۹۴۵)، مسند أحمد بن حنبل (۲۲۹/۴).

۳- مجلة البحوث الإسلامية، مبحث دوم حکم تسعیر: ۲۴۸/۴.

۴- قره داغی، استاد دکتور علی محیی الدین قره داغی، زاده قطر در سال ۱۹۴۹ می باشد، درس های خود در پوهنتون بغداد و ازهر شریف فرا گرفته و فعلاً استاد پوهنتون قطر، موسس و رئیس جامعه کمک بشری، عضو مجامع فقهی مکه و جده، عضو مجلس افتاء و بحوث اروپا و رئیس چندین هیئت ها شرعی نیز می باشد، در عین زمان رئیس لجنه قضایی اقلیات های اسلامی و عضو اتحاد علماء اسلامی نیز می باشد و تألیفات وی بیشتر از ۳۰ کتاب و ۱۰۰ بحث دارند که اکثراً در بخش معاملات مالی و اقتصاد اسلامی نوشته شده است. <https://ar.wikipedia.org>

بخاطر مقابله آن، وجود ندارد^(۱). قانون اساسی کشور که تابع نظام سرمایه داری است و این موضوع به شکل مفصل در فصل آخر بحث شده است، می توان آنجا موضوع اقتصاد آزاد را خواند.

اما اسلام عزیز بخاطر مد نظر گرفتن مصلحت فرد و اجتماع راه وسطیت را در موضوع انتخاب کرده است، یعنی هم غریزه حب المال انسان را سلب نکرده و هم او را از تجاوز و دست درازی در قبال حقوق دیگران منع نموده است، انسان ها را آزادی بیان داده است و در پهلوی آن از دشنام، دروغگویی، تجسس و غیره منع کرده است، به همین منوال به انسان ها آزادی فعالیت کسب مال داده است، مگر فعالیت کار های نامشروع، مانند: دزدی و فریب دیگران منع فرموده است و همچنان به انسان ها آزادی معامله را داده است و در پهلوی از معاملات نامشروع بر حذر داشته است و در پهلوی او انسان ها امر شده تا در پهلوی حق و کار های شایسته ایستاد شوند و در پهلوی دشمنی و کار های گناه قرار نگیرند ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾^(۲) ترجمه: «در راه نیکی و پرهیزگاری همدیگر را یاری و پشتیبانی نمائید و همدیگر را در راه تجاوز و ستمکاری یاری و پشتیبانی مکنید» یعنی انسان مسلمان مکلف است خود، کار های نیکی را انجام داده و در کارهای نیک مددگار و همکار دیگران نیز باشد و در ضمن از گناه و معصیت دوری جسته و در پهلوی گناهکاران قرار نگیرد. و در موضوع نرخ گذاری مردم را به منفعت شخصی و حصول رزق اجازه داده است و مردم که از خاطر آن قدم می بردارد، روزی بدست بیاورند و صاحب ملکیت گردند؛ چونکه حب المال در فطرت انسان وجود دارد، ممکن نیست از کسی این خاصیت را سلب کرد، این آزادی تا او وقت به انسان داده می شود که حق تصرف دیگران را غصب نکرده و صدمه نرساند، پس وقتیکه غصب و صدمه به وجود آمد، در آن صورت است که اسلام به دولت سلطه دار اجازه می دهد تا مانع تصرف متجاوز گردد و دست او را بگیرد تا ظلم بیشتری صورت نگیرد، تجار به هدف فایده بیشتر قیمت ها را بلند کنند، کالا های بی کیفیت را به قیمت کالا های با کیفیت بفروشند و دیگر انواع ظلم در رابطه به نرخ ها صورت بگیرد، در آن صورت است که اسلام به حاکم مسلمانها اجازه می دهد با مشوره اهل فن و بصیرت بازار کالاها را به هدف منفعت عامه و برچیدن ظلم نرخ گذاری نماید.

موضوع عدم نرخ گذاری در اسلام به خاطر است که تجار مفاد خود را مدنظر گرفته فعالیت نمایند، اگر مفاد نداشته باشد، پس چرا فعالیت کند؟ فعالیت بخاطر ادامه زندگی ضروری می باشد، یعنی مردم به اندازه توان خویش تلاش طلب روزی حلال نمایند، این تلاش از او سلب نمی شود، انسان آزاد گذاشته می شود تا مفاد حلال بدست بیاورد و این هم قابل ذکر است که اگر نرخ ها از خاطر کمبود مواد و تقاضای بیشتر بلند گردد، در این صورت هم نرخ گذاری نمی شود، چونکه در زمان رسول الله-صلی الله علیه وسلم- عین قضیه بود، وقتیکه نرخ ها بدون دو

۱ - حقیقة الاقتصادية لطالب العلم، تألیف: أستاذ الدكتور علی محی الدین قره داغی، اصدارات: وزارت اوقاف و شئون اسلامی، دولت قطر، طبع اول ۲۰۱۰م ج ۱ (المقدمة فی منهج الفقه الإسلامی للاجتهد والباحث) ص: ۷۲-۷۳.
۲ - المائدة: ۲

سبب فوق الذکر بلند شود، پس این کار شریعت نسبت به دو مکتب اقتصادی مذکور معقول است زیرا که نظریه اسلامی در موضوع از وحی آسمانی آبیاری شده است.

این فصل دارای چهار مبحث می باشد: در مبحث نخست ذکر مجوزین مطلق نرخ گذاری با ذکر اقوال علماء، در مبحث دوم بیان مجوزین تفصیلی نرخ گذاری با ذکر اقوال شان و همچنان بیان تفصیل که در جواز نرخ گذاری یاد شده است و در فصل سوم دلیل های نقلی و عقلی آنها و در مبحث چهارم عمده ترین اسباب نرخ گذاری نزد مجوزین است، بیان می گردد:

مبحث اول - مجوزین مطلق نرخ گذاری:

مجوزین نرخ گذاری از علماء اسلام بر دو نوع می باشند: مجوزین نرخ گذاری مطلق، یعنی نرخ گذاری بدون کدام قید و شرط جایز می دانند و عده دیگر شان در جواز نرخ گذاری به تفصیل قایل هستند که در مبحث بعدی بیان می گردد و علماء که نرخ گذاری مطلقا جایز قرار می دهند قرار ذیل می باشند:

مجوزین نرخ گذاری از داستان **عمر** با حاطب بن ابی بلتعہ -رضی الله عنهما- در بازار مدینه که او از نرخ بازار پایین می فروخت، را مانع کار او شد - استدلال می کنند که در این داستان دیده می شود که فطرت سلیم انسان نیک همچون عمر -رضی الله عنه- به مجرد مشاهده تخلف در بازار، وجدانش چنین فیصله می کند که نباید چنین کاری رخ دهد و حتی اقدام بر منع آن کرده از بازار بیرون می کند، این نشان می دهد که مصلحت بازار این است که در صورت بروز تخلف، باید بشکل اساسی از طرف حکومت کنترل گردد، که یک راه آن تعیین نرخ عادلانه می باشد.

در ادامه داستان می آید، بعد از اینکه عمر -رضی الله عنه- در خانه برگشت و خود را - که از عادت او بود - در ترازوی عدالت محاسبه کرد، دانست که رسول الله -صلی الله علیه وسلم- در نرخ بازار دست نزده بود، وی اقتداء بر نقش پای رسول الله -صلی الله علیه وسلم- در امور، از کار کرده خویش دست کشید و رجوع نموده و

گفت: «إنما هو شيء أردت به الخير لأهل البلد»^(۱) اراده من جز خیر به اهل بلد نبود. از این مقوله آخری وی نیز دانسته می شود که نرخ گذاری خیر اهل بلد است.^(۲)

دکتر وهبة الزحیلی در کتاب خود^(۳) - عمل خلاف اجماع فقها را - آورده است، می گوید: «اجماع صحابه بر ترک نرخ گذاری است، مگر فقهاء هفتگانه مدینه منوره^(۴) از خاطر حفاظت مال مردم و تأمین مصالح ایشان بر جواز نرخ گذاری رأی (فتوا) صادر کرده اند»^(۵). که از سعید بن المسیب، ربیع بن عبدالرحمن و یحیی بن سعید الانصاری از فقهاء مدینه منوره هستند، نقل شده است: «وقتیکه مصلحت این را تقاضا کند که بازار نرخ گذاری شود، در آن صورت نرخ گذاری جایز می باشد». و مصلحت این است که با نرخ گذاری از بلند شدن قیمت ها جلوگیری می گردد^(۶).

و از ربیع بن عبدالرحمن قول دیگری نقل شده، می گوید: «وَإِصْلَاحُ الْأَسْوَاقِ حَلَالٌ»^(۷) اصلاح [اهل] بازار کاریست حلال. یعنی اینکه با نرخ گذاری از بلند شدن نرخ ها جلوگیری صورت گیرد.

امام ابن القیم الجوزی - رحمه الله -، دلیل های جواز نرخ گذاری جمع کرده و به آن استدلال می کند که نرخ گذاری یک امر جایز می باشد و در این باره بحث مفصلی نموده است و جواز نرخ گذاری را با دلیل های نقلی و عقلی ثابت نموده و دلیل های مانعین آن را در ضمن ذکر نموده و آن را جواب و مورد مناقشه قرار داده است.^(۸) و نظریه ائمه متأخرین زیدیه ها^(۹) بر جواز نرخ گذاری می باشد که امام شوکانی آن را نقل کرده است.^(۱۰)

۱ - موطأ الإمام مالك، لأبي عبد الله مالك بن أنس الأصبحي المتوفى سنة ۱۷۹ هـ - طبعة دار الفلم - بيروت - لبنان : ص ۲۷۹.

۲ - مصدر قبلا ذكر گردید، اینجا تعبیر از محقق است.

۳ - اصول الفقه

۴ - عبيدالله، عروه، قاسم، سعید، ابوبکر، سليمان و خارجه. شاعری در باره آن هفت فقهاء صحابه گفته است:

فإذا قيل: من في العلم سبعة ابحر - روايتهم ليست عن علم خارجه

فقل: هم عبيدالله، عروه، قاسم - سعید، ابوبکر، سليمان، خارجه

۵ - اصول الفقه، تأليف: دكتور وهبة الزحيلي، ط: دار الفكر الطبعة الاولى ۱۴۰۶ هـ / ۱ / ۵۶۴

دوكتور وهبة الزحيلي این موضوع را بطور مثال برای مخالفت فقهاء از اجماع صحابه آورده است.

۶ - معين القضاة لمعرفة الاحكام دراسة مقارنة تأليف الاستاد الدكتور احمد حميد سعيد النعيمي والدكتور احمد ابراهيم احمد البدراني، الطبعة الاولى ۱۴۳۸ هـ دار المعنتر للنشر و التوزيع ص: ۳۶۷.

۷ - الاستذكار الجامع لمذاهب الفقهاء الأمصار، تأليف: أبو عمر يوسف بن عبد الله بن عبد البر النمري القرطبي ۳۶۸ هـ -

۴۶۳ هـ، تحقيق: عبدالمعطي امين قلعي، الناشر: دار قتيبة - دمشق | دار الوعي - حلب، الطبعة: الأولى ۱۴۱۴ هـ -

۱۹۹۳ م، عدد الأجزاء: ۲۷ مجلد + ۳ فهارس، ۷۶/۲۰.

۸ - الطرق الحكمية في السياسة الشرعية كتاب فقهی است در بعضی مسائل اختلافی از جمله تسعیر بحث می کند که در

یک جلد می باشد در بخش کتاب ابن القیم در المكتبة الشاملة موجود می باشد ج ۱ از صفحه ۳۶۸ الي ۳۸۱ دیده شود.

مبحث دوم - مجوزین مقید نرخ گذاری:

در این مبحث، آراء آن عده علماء ذکر می گردد که نظر شان در مورد نرخ گذاری مقید می باشد، به این معنا که بعضی از علماء نرخ گذاری را تنها در طعام جایز می دانند، بعضی ها در مکیلات و موزونات و بعضی ها هم در حالات سخت و بلند شدن نرخها، پس این مبحث را به سه مطلب حسب ذیل تقسیم بندی نمودم:

مطلب اول - مجوزین نرخ گذاری در طعام:

مذهب احناف، نرخ گذاری را تنها در قوت انسان و حیوان جایز می داند، اگر بهای دیگر کالا ها، از طرف فروشندگان بلند شود و عامه مردم متضرر گردند، در آن صورت نرخ گذاری را در همه چیزها جایز می داند و این قول امام ابویوسف - رحمه الله - است که می گوید: «هر آن چیز را که نگهداری آن به ضرر عامه تمام شود، آن احتکار است.»^(۳) و قول دیگر او را ابن نجیم الحنفی نقل می کند: «اگر صاحب کالا در بهای کالا های خویش تجاوز فاحش کند و قاضی از حفاظت حقوق مسلمانها بجز نرخ گذاری عاجز بیاید، در آن صورت بالای حاکم لازمی است که به مشوره اهل رأی و بصیرت بازار را نرخ گذاری کند»^(۴).

و ابن عابدین^(۵) - رحمه الله - گفته است: "وَلَا يُسَعَّرُ حَاكِمٌ" یعنی حاکم نرخ گذاری نمی کند، یعنی مکروه می باشد، و دلیل هم حدیث انس - رضی الله عنه - مگر اینکه اصحاب کالا ها از نرخ ها به قیمت فاحش (به قیمت دو چند) بلند کرده شود، پس حاکم به مشوره اهل فن نرخ گذاری کند، باکی ندارد. در ادامه همین موضوع می آید که نرخ گذاری در دو طعام (قوت انسان و حیوان) می باشد، لکن در قیمت دیگر چیزها از حالت عادی عبور کرده و ظلم صورت بگیرد، بالای آن نیز نرخ گذاری شود^(۶).

۱ - عبدالله بن احمد بن علی، الناصر عبدالله بن الحسن، الهادی محمد بن المتوکل، المتوکل محمد بن یحیی، المؤید عباس بن عبدالرحمن، احمد بن هاشم و غالب بن المتوکل محمد از سال ۱۸۳۵ الی ۱۸۵۱ امامت مذهب تشیع زیدیه را در یمن بر عهده داشتند.

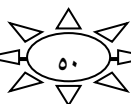
۲ - نیل الاوطار: ۲۷۶/۵.

۳ - رد المحتار، ج ۹، ص ۷۵۴.

۴ - الطرق الحکمیة ۳۶۷/۱ نقل از البحر الرائق شرح کنز الدقائق، تألیف: زین الدین ابن نجیم الحنفی سنة الولادة ۹۲۶هـ/ سنة الوفاة ۹۷۰هـ الناشر دار المعرفة مکان النشر بیروت.

۵ - ابن عابدین، محمد أمین بن عمر بن عبد العزیز معروف به ابن عابدین دمشقی، حنفی، فقیه و مفتی دیار شامی ها و امام حنفی در زمانه اش که در سال ۱۱۹۸ در دمشق تولد شده و در همانجا در سال ۱۲۵۲ وفات نموده است (الأعلام للزركلي ۱/۱۵۲).

۶ - رد المحتار ج ۲۷ ص: ۱۳



و از اللیث بن سعد - رحمه الله -^(۱) نقل گردیده است، او می گوید: «به نرخ گذاری بالای اصحاب طعام هیچ باکی نیست و خصوصاً وقتیکه از آنها ترس شود که مبادا نرخ ها را بلند کرده و بازار فاسد سازند، پس در آن صورت بالای حاکم لازمی است که با نرخ گذاری بازار، مصلحت مسلمانها را مد نظر بگیرد و منفعت عمومی را جلب نموده و ضرر را از آنها دفع نماید»^(۲).

دلیل: ضرورت مردم به طعام بیشتر نسبت به دیگر کالاها می باشد، پس نیاز است از همه بیشتر مشکل طعام مردم حل گردد، این موضوع در بخش قانون هم ذکر گردیده است که در کشور پاکستان توجه به قیمت و کنترل مواد غذایی در اولویت حکومت مرکزی و ولایتی ها می باشد.

مطلب دوم - مجوزین نرخ گذاری در مکیلات و موزونات:

بعضی علماء مالکی، نرخ گذاری را تنها در کالا های که قابل کیل و وزن باشد را قابل نرخ گذاری می دانند و آن کالا های که قابلیت کیل و وزن را نداشته باشد در آن نرخ گذاری درست نمی باشد، این قول از ابن حیب المالکی - رحمه الله - نقل گردیده است و وی در این نظریه تنها است، برابر است که طعام باشد و یا غیر طعام. **دلیل:** این است که کالا های که کیل و وزن شود، مماثل و همجنس او در بازار پیدا می شود، چیز های که کیل و وزن نشود، نرخ گذاری در آن درست نیست؛ چرا که، آن مال مثلی نیست و مثل آن در بازار یافت نمی شود تا به آن قیاس کرده شود، مال قیمی است، باید به هر کدام نرخ علاحه گردد^(۳).

این نظریه قابل نقد است؛ بر اینکه وقتی که بازار به مشکلات گوناگون از نگاه نرخ گرفتار باشد و دولت بخواهد از طریق نرخ گذاری آن را کنترل نماید، باید تمام اجناس، چه قابل کیل و وزن باشد و یا نباشد نرخ گذاری نماید و نظریه فوق کدام دلیل خاص در نصوص ندارد.

مطلب سوم - مجوزین نرخ گذاری در وقت بلند شدن قیمت ها:

این موضوع از موضوعات اندک است که آراء علماء در آن جمع می گردد و مورد اتفاق نظر اکثر فقهاء صورت می گیرد. ربیع بن عبدالرحمن می گوید: «بازار جای نگهداری اموال و مکان منفعت جستن مسلمانها می

۱ - اللیث بن سعد یکی از فقهاء است که مذهب او منقرض شده است، از فقهای و محدثین مصر میباشد، اصل او فارسی از اسفهان بوده است، امام شافعی در وصف او می گوید: اللیث فقیه تر از مالک می باشد، وی در سال ۹۴ تولد شده و در ۱۷۵ یافته است.

۲ - الاستنکار ج ۱ ص: ۳۷۲۲.

۳ - نگاه: الفقه الاسلامی وادلته: ۲۴۲/۴.

باشد، پس حاکم را نمی سزد که آن را به اراده و فساد اهل آن بالای دیگران واگذار کند، اگر چنین شد آنها را از بازار اخراج و دیگران جاگزین آنها نمایند، و در وقت ضرورت قیمت مناسب وضع شود تا جالب فرار نکرده و فروشنده از فروش کالا های خویش دست نکشد، چرا که این خود به معنای باز کردن دروازه فساد می باشد^(۱).

و امام ابوحنیفه و صاحبان -رحمهم الله- به این نظر اند که حاکم را نمی سزد که بالای کالاهای مردم نرخ گذاری کند، مگر در صورتی که عدم نرخ گذاری به ضرر حق عامه تمام شود، پس قضیه به محکمه پیش کرده شود، محکمر را امر کرده می شود که اضافه تر از قوت یک ساله اهل خود را، به اعتبار نرخ روز به فروش برساند و او را از نرخ گذاری منع کند، در صورت سرکشی در بند کرده و حسب لزوم دید حاکم تعزیر کرده شود تا از ضرر عامه دست بکشد^(۲).

و در مذهب مالکی، نرخ گذاری بر دو نوع است، اول اینکه شخصی و یا جماعتی کالا های خویش را نسبت به نرخ بازار پایین تری به فروش برساند، او را امر کرده می شود تا به نرخ بازار را مراعات کند، قسمیکه عمر -رضی الله عنه- انجام داد. دوم: اینکه اهل بازار را امر کرده شود تا کالا های خویش را به فلان نرخ به فروش برسانند، اگر چند که ترک نرخ گذاری نزد امام مالک -رحمه الله- افضل است^(۳). و از امام صاحب مالک نقل گردیده است که در صورت بلند شدن قیمت ها باید والی نرخ گذاری کند: "عَلَى الْوَالِي التَّسْعِيرُ" یعنی در صورتیکه صاحب کالا، قیمت ها را به حد فاحش برساند در آن صورت بالای حاکم واجب است که نرخ گذاری کند^(۴).

و ابن رشد -رحمه الله- می گوید: بالای کالاهای جالب به اتفاق علماء نرخ گذاری کرده نمی شود و اما بالای غیر جالب وقتیکه حاکم عادل باشد و نرخ گذاری را مصلحت ببیند، اهل وجوه بازار را جمع نموده و بعد از مشوره با آنها، نرخ گذاری نماید^(۵).

۱ - الاستذکار: ۳۷۲۳/۱.

۲ - تبیین الحقائق شرح كنز الدقائق، تألیف: فخر الدین عثمان بن علی الزیلعی الحنفی، الناشر دار الکتب الإسلامی، سال نشر ۱۳۱۳ هـ، مکان نشر - القاهرة مصر ج ۶ ص ۲۸.

۳ - المنتقى: للباغی ج ۵ ص ۱۷-۱۸.

۴ - رد المحتار ج ۲۷ ص: ۱۳

۵ - التاج والإكليل لمختصر خليل، تألیف العبدی، محمد بن یوسف بن أبی القاسم العبدی ابو عبدالله، متوفای: ۸۹۷ ناشر دار الفكر - بیروت - لبنان عام ۱۳۹۸، ج ۴ ص: ۳۸۰.

ابن عبدالبر القرطبی - رحمه الله - ^(۱) می گوید: «بالای کالای هیچ کسی نرخ گذاری نشود و نه کالاهای کسی به زور و بدون اراده او فروخته شود، مگر اینکه عامه را متضرر سازد» ^(۲).

ابن العربی - رحمه الله - ^(۳) می گوید: وقتیکه بازار نرخ گذاری شده باشد، مگر جالب حق دارد تا کالاهای خود را که به هر نحی که بخواهد به فروش برساند، اما اگر اهل بازار به بهای بلند فروخته نمیتواند. و از المستعصم آخرین خلیفه عباسی هم نقل گردیده است که در اثنای بلند شدن قیمت ها به خزانه دار خود امر می کرد تا کالاها را به نرخ ارزان تر به فروش برساند، تا مردم به آن نرخ برگردند، باز امر می کرد تا از آن هم ارزان تر به فروش برساند تا مردم به نرخ اولی برگردند ^(۴).

و سال ۳۰۸ هـ قیمت ها بلند شد، حالت اضطراری گردید، مردم منابر را شکستاندند، پولیس ها را کشتند، پل ها را آتش زدند، خلیفه ^(۵) امر کرد که دکان های مخصوص وزراء، امراء و اولاد خلیفه به عامه مردم باز گردد، گندم ۵ دینار کمتر از قیمت اصلی به فروش رسانیده شود و تجار امر کرده شد که کالاهای خود را به نرخ تعیین شده به فروش برسانند، همین بود که عامه مردم راضی شده و در شهر سکون برقرار گردید ^(۶).

عبدالرحمن بن قدامه می گوید: امام مالک - رحمه الله - برای کسانی که از نرخ مردم ارزان تر می فروخت می گفت: «به نرخ مردم بفروش و الا بازار را ترک کن» ^(۷).

۱ - ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف بن عبدالله النمری معروف به ابن عبدالبر امام و فقیه اندلسی بود که در سال ۳۶۸ تولد شده و در سال ۴۶۳ وفات یافته است که تألیفات زیاد از خود بجا مانده است که مشهورترین آن الاستذکار الجامع لمذاهب فقهاء الأمصار و علماء الأقطار، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، الإنباه علی قبائل الرواة، الإنصاف فیما فی بسم الله من الخلاف، التمهید لما فی الموطأ من المعانی والأسانید، الکافی فی فقه أهل المدینة، تجرید التمهید فی الموطأ من المعانی والأسانید و جامع بیان العلم وفضله و به مذهب ظاهری و باز به مالکی منسوب است (الأعلام للزکلی ج ۱ ص: ۲۰۷).

۲ - الکافی فی فقه أهل المدینة ج ۲ ص ۷۳۰.

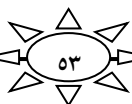
۳ - ابن العربی، محمد بن عبدالله بن محمد المعافری، ابوبکر ابن العربی، امام از امامان مالکی ها می باشد، وی فقیه، محدث، مفسر، اصولی، ادیب و متکلم بود، به اجتهاد نظر به تقلید نزدیک بود که در اشبیلیا در سال ۴۶۸ تولد شده است. و وی علم از اندلس از نزد پدرش آغاز کرده و بخاطر تحصیل علم به شرق سفر ها کرده است و از علماء مشهور مثل: الخولانی، ابونصر مقدسی، اوب حامد غزالی و غیره فرا گرفته است. وی تألیفات زیاد دارد از جمله: کتاب الانصاف المحصول فی أصول الفقه، عارضة الاحوذی شرح الترمذی، القیس فی شرح موطأ مالک بن انس، ترتیب المسالک فی شرح موطأ مالک و غیره و در سال ۵۴۳ در مراکش وفات یافته است (الأعلام للزکلی ج ۶ ص: ۲۳۰).

۴ - مسلم ۴/ ۳۰۴.

۵ - ابوالفضل جعفر بن المعتضد مشهور به جعفر مقتدر که در ۲۹۵ با او بیعت صورت گرفت، و اولین خلیفه ی بود که قبل از بلوغ با او بیعت صورت گرفت.

۶ - التسعیر، بحث مقدم لنیل درجة الماجستير فی قسم الفقه وأصوله، كلية الشريعة والقانون، جامعة أم القرى، عداد: عائشة صدیق نجوم، ط: ۱۴۰۷ ص: ۹.

۷ - [المغنی] و معه [الشرح الكبير] (۴ / ۵۱)



مذهب **شوافع** در باره نرخ گذاری، در اثنای بلند شدن بها، نرخ گذاری بخاطر مصلحت مردم به استثنای جالب (وارد کننده) جایز می داند و حاکم در نرخ گذاری مصلحت هر دو جانب را مد نظر بگیرد تا عدالت حاکم شود و باعث مغالبه یکی بر دیگر نگردد^(۱).

امام نووی^(۲) - رحمه الله - می گوید: نرخ گذاری در وقت بلند شدن قیمت ها جواز دارد و در حالت عادی جواز ندارد^(۳).

و ابن الرفعة^(۴) نیز از علماء شافعی می باشد نرخ گذاری را در هنگامی بلند شدن نرخ ها جایز می داند^(۵).

القزوينی^(۶) از ابو اسحاق نقل می کند که نرخ گذاری در کالای های جلب شده حرام می باشد و اگر چند که حاصل زراعت هم باشد و در وقت بلند بودن قیمت ها حرام نمی باشد و همچنان نرخ گذاری را در طعام جایز می داند که علف حیوانات شامل آن می باشد، و اگر حاکم نرخ گذاری کند، مخالفین آن تعزیر می شود^(۷).

مذهب **حنابله** در مورد نرخ گذاری بر منع آن است، مگر شیخ الاسلام ابن تیمیه - رحمه الله - که از علمای بارز و از محققین نام دار امت است که به موضوعات اختلافی منهج جداگانه را اختیار کرده است و او منهج مقارنه آراء به گونه دقیق می باشد که ایشان حکم موضوع اختلافی نرخ گذاری را به سه نوع تقسیم بندی کرده است:

۱ - المجموع شرح المذهب ج ۱۳ ص ۴۴.

۲ - النووي، محیی الدین ابوزکریا یحیی بن شرف الحورانی الشافعی، امام حافظ امر کننده به معروف و ناهی از منکر بود، لذا را ترک گفته ازدواج هم نکرده است، به بسیاری از علوم مختلف اتقان داشت، تألیفات زیاد دارد از جمله: تهذیب الأسماء واللغات، التقریب والتیسیر فی مصطلح الحدیث، الأذکار و ریاض الصالحین و غیره می باشد و در سال ۶۳۱ تولد شده و در سال ۶۷۶ وفات یافته است (الأعلام للزکلی ج ۸ ص ۱۴۹).

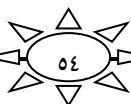
۳ - [الدر المننقی] (۲/ ۵۴۸).

۴ - احمد بن محمد بن علی الأنصاری مشهور به ابن الرفعة فقیه شافعی و از فضلاء مصر می باشد در سال ۶۴۵ تولد شده و در سال ۷۱۰ وفات یافته است، در زندگی خود علاوه به فقهت بر زعامت و حکومت هم جاه پیدا کرده است، ازین عالم بزرگ کتاب ها نیز باقی مانده است از جمله: بذل النصائح الشرعية فی ما علی السلطان و ولایة الأمور و سائر الرعية و الإیضاح والتبیین فی معرفة المکیال و المیزان و کفایة النبیة فی شرح التنبیة للشیرازی، و وی از جمله علماء است که شیخ الاسلام ابن تیمیه را به مناظره فرا خوانده است، بعد از آن از شیخ الاسلام در باره وی پرسیده شد، فرمودند: " رأیت شیخا یتقاطر فقه الشافعیة من لحيته!" شیخی را دیدم که فقه شافعی از ریش او می چکید (طبقات الشافعیة ۱۷۷/۵) و حسن المناظرة ۱۷۶/۱ (الأعلام للزکلی ۲۲۲/۱).

۵ - الفقه الاسلامی و أدلته ۲۴۲/۴.

۶ - عبدالکریم بن محمد الرافی القزوينی متوفای ۶۲۳ هـ.

۷ - العزیز شرح الوجیز، رافی، ج ۸ ص: ۲۱۷.



۱- **حرام:** وقتی که نرخ بر مبنای ظلم و جبر بالای فروشنده ها و خریداران وضع شده باشد، یا به قیمت تعیین شده مردم مجبور و نا راض باشند و یا اینکه مردم از مباحثات منع شوند، در آن صورت نرخ گذاری حرام می باشد.

۲- **جواز:** وقتی که عدالت را در بین مردم تأمین کند، مثل: مردم را ملتزم و آماده کرده شود تا کالا های خود را بخاطر مصلحت عامه به قیمت مثل به فروش برسانند، یا آنها را از اضافه ستانی بیشتر از حق شان منع کند.

۳- **واجب:** وقتی که مردم از ظلم منع شده و به عدالت گردانیده شوند.^(۱) حکم دیگری نزد بعضی از علماء احناف وجود دارد، او:

مکروه است که بعضی از علماء احناف، مثل ابن عابدین و غیره ذکر کرده است^(۲).

شیخ الاسلام ابن تیمیه -رحمه الله- مثالی را به نرخ گذاری کالا و مثال دیگری را به نرخ گذاری اعمال بیان می کند، می گوید: مثل اینکه صاحبان کالا ها از فروش کالا های خود بر مردم امتناع بورزند و مردم نیازمند کالاهای آنها باشند و به قیمت بلند نسبت به نرخ مروج خواستار شوند، پس در آن صورت است که بالای کالا های آنها نرخ گذاری واجب می گردد، تا کالا های خود را به قیمت مثل بفروش برسانند و به چیزیکه الله تعالی آنها را ملتزم نموده پابند باشند. و ایشان به نرخ گذاری اعمال نیز مثال ارائه می کند: وقتی که مردم نیازمند کار و ارائه خدمات شوند و صاحب آن جز به قیمت بلند آماده خدمت و کار نشوند، مثل: صاحب خان و قیساری و حمام بدون پرداخت پول دل خواه خود، مردم را از داخل شدن در حمام خود منع کند و مردم به آنها احتیاج مبرم داشته باشند که بدون آن کار نا تمام بماند، پس بالای آنها اجرة مثل لازمی می گردد^(۳).

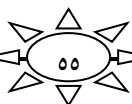
و ایشان در هر حال نرخ گذاری را مطلقاً جایز نمی داند، بلکه دو حالت ذیل را از هم فرق می کند:

اول- وقتی که کالا در بازار و دسترس مردم کم شود و تقاضا و خواهش بیشتر گردد پس در این صورت نرخ گذاری را نمی پذیرد، بلکه چنین نرخ گذاری را نوعی از ظلم و عدوان تلقی می کند.

۱ - مجموعة الفتاوى (۱۹۳/۲۹-۱۹۴)، (۷۶/۲۸، ۸۶، ۹۵، ۱۰۳، ۱۰۵)، رسالة الحسبة: (۲۴)، الإنصاف: (۳۳۸/۴)، الفروع: (۵۱/۴)، كشف القناع: (۱۸۷/۳).

۲ - الفقه الاسلامي و ادلته: ۳۸۲/۸

۳ - الحسبة فى الاسلام أو وظيفة الحكومة الإسلامية، تأليف: شيخ الاسلام احمد بن عبدالحليم بن تيمية: ط: مكتبة العلمية، بيروت - لبنان ص: ۲۹-۴۲.



دوم- وقتیکه نرخ گذاری از خاطر استغلال و ظلم تجار باشد پس در این صورت جائز نه بلکه واجب می داند.

این دو تقسیم حالت های فوق با تسامح (موافقت) و عدالت شریعت برابری دارد که مصلحت ها را جلب کرده و مفسده ها را از بالای مردم دور می سازد^(۱).

خلاصه اینکه جنبه جواز نرخ گذاری نزد شیخ الاسلام ابن تیمیه - رحمه الله - قویتر نسبت بر منع آن می باشد و وی این موضوع را بیشتر در دو کتاب^(۲) خویش بیان نموده است.

علمای معاصر در مورد نرخ گذاری متأثر از نظریه شیخ الاسلام ابن تیمیه - رحمه الله - می باشند که علماء معاصر نرخ گذاری را در حالت ضرورت جایز میدانند، که در ذیل بیان می گردد:

مولانا مفتی محمد تقی العثماني - حفظه الله -^(۳) موضوع نرخ گذاری را بعد از تعریف، حکم، دلیل و ذکر اقوال و اختلاف علماء، سخنان خود را چنین خلاصه می کند: "حاصل سخن اینکه نرخ گذاری جز در اوقات غیر عادی قابل عمل نمی باشد، مگر اینکه مردم از بلند بودن نرخ ها متضرر گردند که طعام، شراب و لباس خود را به سختی به دست بیاورند، در غیر آن تجار و مشتری ها را به رضای جانین گذاشته شود تا معاملات خود را حسب رضای جانین معامله نماید.

ظاهر همین است وقتیکه احتکار صورت نگیرد و تجار از تکتلات و تجمعات پس پرده دست بردارد در آن صورت تنافس و رقابت آزاد به میان می آید، پس در آن صورت است که هیچ کسی قیمت مال خود را از

۱ - مجلة البحوث الإسلامية ۲۴۴/۴ نقلا عن مجموعة الفتاوى المؤلف : تقي الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحراني (المتوفى : ۷۲۸هـ)، المحقق : أنور الباز - عامر الجزار، الناشر : دار الوفاء الطبعة : الثالثة ، ۱۴۲۶ هـ / ۲۰۰۵ م، مصدر الكتاب : موقع الإسلام، ربط الكتاب مع مصورة دار الوفاء وعلى هامشها أرقام طبعة الشيخ ابن قاسم جلد: ۲۸ صفحة: ۹۰

۲ - الحسبة و مجموعة الفتاوى.

۳ - مفتی محمد تقی العثماني فرزند مفتی محمد شفیع العثماني متولد سال ۱۹۴۳ در قریه دیوبند هند می باشد، وی در سن ۵۰ سالگی با فامیلش به کراچی آمده و در دار العلوم کراچی که پدرش تأسیس کرده بود درس خوانده و در سال ۱۳۷۹ فارغ گردیده است و در پهلوی درس های اقتصاد، سیاست، حقوق و غیره در ادبیات زبان عربی ماستری خود را در سال ۱۹۶۴ از پوهنتون پنجاب بدست آورده است، از جمله مسئولیت های شان: قاضی متمایز در محکمه پاکستان، نائب رئیس دارالعلوم کراچی، نائب رئیس مجمع الفقه الاسلامی در جده، عضو مجمع الفقه الاسلامی در رابطه عالمی اسلامی مکه مکرمه و عضو لجنة فتود والبحاث اروپا در دبلن، از جمله تألیفاتش: الإسلام والإقتصاد الحديث، الإسلام والحقوق الإنسانية، منهجية الاجتهاد في العصر الحاضر وغيره می باشد ایشان در بخش اقتصاد اسلامی دست فعالیت می کنند و تألیفات زیاد نیز دارند-حفظه الله-

قیمت مثل بلند نمی کند تا زبائن خود را از دست دهد. پس به نرخ گذاری ضرورت نیست، مگر نرخ گذاری در اوقات غیر عادی که تجار مخالفت احکام شرعی نمایند می باشد و بس. والله اعلم^(۱).

دكتور وهبة الزحيلي^(۲) می گوید: امتناع رسول الله-صلی الله علیه وسلم- از نرخ گذاری بخاطر عدم اباحت آن نبوده، بلکه از خاطر عدم ظهور حاجت و دواعی آن بوده است. و در زمان رسول الله-صلی الله علیه وسلم- بلند شدن نرخ ها از طرف تجار نبوده، بلکه از خاطر تقاضای بیشتر و قلت کالاها و موارد آن بوده است که نرخ ها بلند شده بود و بس، پس در نرخ گذاری دفع ضرر بزرگ تر است و عدالت بیشتر تأمین می گردد^(۳).

علماء بزرگ دیار سعودی و کویتی در تحقیق های فقهی خویش این موضوع را مورد بحث عمیق قرار داده اند که بنده نکات زیادی را از آنها در این رساله خود نقل کردم، که آنها نهایتاً همه میلان به جنبه جواز نرخ گذاری دارند البته در صورتیکه ضرورت شود.^(۴)

مبحث سوم- دلیل های مجوزین نرخ گذاری:

جواز نرخ گذاری بنا بر دلیل های نقلی و عقلی آتی الذکر ثابت می گردد، که مجوزین مطلق باشند و یا هم به مقید از دلیل های آتی الذکر در ادعای خود استفاده می کنند. و البته ذکر دلیل ها برای هر رأی تکرار را بیار می آورد؛ لذا دلیل های همه آراء که مشترک اند، در دو مطلب علاحده (نقلی و عقلی) تقسیم و بیان می نمایم:

مطلب اول: جواز نرخ گذاری در نصوص:

جواز نرخ گذاری به استدلال هیچ آیت و حدیث صریح ثابت نمی باشد، مگر نصوصی وجود دارد که به مثابه صریح بر موضوع دلالت و اشاره دارد که قابل مکث و تأمل می باشد، همچنان که منع نرخ گذاری هم با صراحت هیچ آیت و حدیث نبوی ثابت نیست، امتناع رسول الله-صلی الله علیه وسلم- از نرخ گذاری در حدیث

۱ - فقه البيوع على المذاهب الأربعة مع التطبيقات المعاصرة مقارنة بالقوانين الوضعي، محمد تقی العثماني، طبع مكتبة قاری محمد میرویس بلخ- افغانستان ۱۳۹۷ هـ الموافق: ۱۴۴۰ هـ ص: ۱۰۰۰-۱۰۰۲.

۲ - د. وهبة الزحيلي أستاذ ورئيس قسم الفقه الإسلامي وأصوله، در پوهنتون دمشق می باشد.

۳ - اجتهاد التابعين، تأليف: استاد دكتور وهبة الزحيلي، ناشر: دار المکتبتي للطباعة والنشر والتوزيع، طبع اول سال: ۱۴۲۰ ص: ۲۷-۲۸.

۴ - مثل: "البحوث العلمية لكبار العلماء بالمملكة العربية السعودية" در شماره سوم (۳) و "مجلة البحوث الإسلامية" در شماره چهارم (۴) و الموسوعة الفقهية الكويتية در جزء یازدهم (۱۱) - المکتبة الشاملة، قسم فقه عام مطبوع.

انس -رضی الله عنه- را می توان از خصوصیات وی -صلی الله علیه وسلم- دانست، که دلالت حدیث مذکور در ادعا بیشتر است، نصوص (آیات و احادیث) بر جواز نرخ گذاری دلالت دارد، قرار ذیل است:

اول- جواز نرخ گذاری از دیدگاه قرآن کریم:

الله تعالی در دو سوره از قرآن کریم چنین می فرماید: ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ﴾^(۱) ترجمه: «و اموال خودتان را به باطل (و ناحق ، همچون رشوه و ربا و غصب و دزدی ...) در میان خود نخورید».

وجه استدلال از آیت:

آیت کریمه دلالت صریح بر حرمت خوردن مال غیر، به گونه نا حق دارد که ازین آیت کریمه مجوزین و مانعین هر دو برای اثبات دعوی خود استدلال می کنند. و این آیت کریمه دلالت واضح بر این دارد که تاجر کم انصاف کالا های خود را بالای مردم به قیمت فاحش به فروش برساند، کالاهای کم کیفیت را به بهای کالاهای با کیفیت، پنهان کردن عیب کالا و فروش آن به بهای کالاهای بدون عیب و انواع دیگر فریب به فروش برساند، در حقیقت این خوردن مال مردم به نا حق است، که شامل حکم این آیت کریمه می گردد، پس اگر حاکم عادل مسلمانها به این آیت کریمه استدلال کرده با مشوره کمیته بیدار و آگاه از اهل بازار و با رعایت مصلحت فروشنده و مشتری، کالا های بازار را نرخ گذاری کند و قاعده "لا ضرر و لا ضرار" جامه عمل پوشاند در آن صورت می توان گفت حق فروشنده را خریدار و حق خریدار را فروشنده نخورد، آنگاه است که به آیت کریمه جامه عمل پوشانده شده است.

دوم- جواز نرخ گذاری از دیدگاه سنت نبوی -صلی الله علیه وسلم-:

۱- امام بخاری^(۲) و امام مسلم^(۱) -رحمهما الله- در صحیحین خویش از رسول الله -صلی الله علیه وسلم- نقل کرده اند که فرمودند: «مَنْ أَعْتَقَ شِرْكَاءَ فِي عَبْدٍ وَكَانَ لَهُ مِنَ الْمَالِ مَا يَبْلُغُ ثَمَنَ الْعَبْدِ قَوْمٌ عَلَيْهِ قِيمَةٌ عَدْلٍ لَا وَكْسٌ»^(۲) و

۱ - البقرة: ۱۸۸ و النساء: ۲۹.

۲ - بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن المغیره، امام حافظ صاحب الجامع الصحیح معروف به صحیح بخاری. در بخاری در سال ۱۹۴ تولد شده و یتیم بزرگ شده است، طولانی ترین سفر را بخاطر علم پیش روی گرفت، نمونه‌ی در حفظ، ذكاء و وسعت علم بود، از خراسان مانندش پیدا نه شده، بیش از هزار استاد دارد و شخصیت های بزرگ مانند امام مسلم، ترمذی، ابراهیم بن اسحاق و غیره شاگردان وی بود. در جامع صحیح خود تقریباً شش صد هزار جمع کرده و از آن صحیح بخاری که به راوی های او موثق شده بود، از آن صحیح بخاری که مثل آن در کتاب بشر نیست وضع نمود، وی غیر از صحیح بخاری دیگر کتاب ها هم دارد مثل: التاریخ، الضعفاء فی رجال الحدیث، خلق افعال العباد و ادب المفرد و غیره، فضیلت امام بخاری در صحیح بخاری اش می باشد.

شطط^(۳)، فَأَعْطَى شُرَكَاءَهُ حِصَصَهُمْ وَعَتَقَ عَلَيْهِ الْعَبْدَ وَإِلَّا فَقَدْ عَتَقَ مَا عَتَقَ^(۴) ترجمه: «اگر کسی از یک غلام مشترک، سهم خود را آزاد کرد و به اندازه‌ی قیمت غلام، مال داشت، غلام را عادلانه قیمت گذاری کنند و او سهم سایر شرکای خود را پردازد و غلام، آزاد می‌شود. و اگر به اندازه‌ی قیمت غلام، مال نداشت، فقط همان سهم خودش، آزاد می‌گردد»^(۵).

وجه استدلال از حدیث:

وقتی که شریعت بیرون کردن چیزی را از ملکیت مالکش به عوض المثل واجب بگرداند و بدون آن مثل عتق (آزادی) تکمیل نگردد، و مالک به بیشتر از آن مستحق نباشد، پس حاجت که از آن بزرگتر و عام تر باشد آن چطور خواهد و در عین زمان ضرر آن بیشتر می‌باشد^(۶)!

و پیامبر اسلام-صلی الله علیه وسلم- در اخذ زیادت در ثمن مثل در آزاد کردن عبد مشترک منع فرمودند، مالک حق زیاد کردن را ندارد، او حق دارد تا ثمن المثل شریک خود را بگیرد، نه بیشتر از آن را، البته این در باب مصلحت برای آزاد کردن عبد (غلام) می‌باشد، پس حاجت عامه مردم اولاتر و بیشتر بر طعام و شراب و لباس ایشان تاجر ها پول شان را به اندازه بگیرد نه زیادت از آن. و از حدیث شریف در باب فقه برای مسائل دیگر هم استدلال می‌شود:

چیزهایی که قابل تقسیم نباشد، آن چیز فروخته می‌شود و پول آن تقسیم کرده می‌شود و کسی که از شریک ها مانع فروش آن شود او را مجبور به فروش آن کرده می‌شود. و کسی به معاوضه محکوم شود عوض المثل را می‌پردازد نه زیادت و بهتر از آن را^(۱).

۱ - نیساپوری، مسلم بن حجاج، امام حافظ و مصنف کتاب مشهور حدیث (صحیح مسلم) در سال ۲۰۴ هـ در نیساپور تولد شده از شخصیت های بزرگ مثل: امام بخاری و امام احمد بن حنبل درس فرا گرفته است، در وصفش گفته شده: "حفاظ دنیا چهار اند: ابوزرعه در الری، مسلم در نیساپور، عبدالله الدارمی در سمرقند و محمد بن اسماعیل در بخاری" امام مسلم هم تألیفات زیاد داشت، از جمله: یکی از صحیحین، مسند کبیر علی الرجال، التمییز، العلل والاسماء؛ الکنی والوحدان، الأفراد المخضرمون، و غیره می‌باشد.

۲ - الوکس: النقص. "، به معنای نقص (کمی) می‌باشد. "مختصر الصحاح": ۷۳۴، "النهاية" لابن الأثیر: ۲۱۹/۵ و مختصر الصحاح": ۷۳۴.

۳ - الشطط: مجاوزة القدر في كل شيء، وفي الحديث: "لها مهر مثلها لا وكس ولا شطط"، أي لا نقصان ولا زيادة، "مختصر الصحاح": ۳۳۸.

۴ - صحیح البخاری، للإمام الحافظ أبي عبد الله محمد بن إسماعیل بن إبراهيم بن المغيرة بن بردزیه البخاری الجعفی -، طبعة الريان للتراث، باب أي رقاب أفضل، شماره حدیث: ۲۵۲۲، صحیح مسلم، للإمام أبي الحسين مسلم بن الحجاج القشیری النیسابوری المتوفی سنة ۲۶۱هـ - طبعة دار الكتب العلمية - بیروت، کتاب العتق، حدیث شماره: ۱۴۰۱.

۵ - ترجمه مختصر صحیح مسلم از عبدالقادر ترشابی، تاریخ نشر: ۱۳۹۵هـ، ناشر: سایت عقیده- انتشارات حرمین www.aqeedeh.com ج ۱ ص ۴۳۹.

۶ - الطرق الحکمیة، ص ۶۷۱.

خلاصه اینکه پیامبر صلی الله علیه وسلم - در این حدیث به قیمت مثل امر کرده است و در حقیقت همانا نرخ گذاری است و تقاضای نرخ گذاری هم قیمت مثل است که زیادتر از آن که در نرخ گذاری عدالت نهفته است.

۲- معمر بن عبدالله^(۲) - رضی الله عنه - از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - روایت می کند که فرمودند: « لا یحتکر إلا خاطئ^(۳) » ترجمه: "جز خطا کار کسی دیگر احتکار نمی کند" نرخ گذاری به احتکار^(۴) قیاس می شود.

وجه استدلال از حدیث:

رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در این حدیث شریف احتکار را بخاطر حرام قرار داده است که در آن محل در تعامل مالی بین مردم وجود دارد و علت حرمت آن نیز دور کردن ظلم و ضرر می باشد، پس هر او سببیکه باعث ظلم و ضرر از طریق معامله صورت بگیرد او احتکار و از دیدگاه شریعت ممنوع و حرام می باشد. پس نرخ گذاری را به احتکار قیاس کنیم، دیده می شود که در آن نیز ضرر و ظلم و بلند کردن بهای کالا بدون موجب می باشد.

شریعت اسلامی در چندین جای ها مالک را مجبور می سازد که مال خود را به مبلغ مقدر، ثمن المثل به فروش برساند، مثل: آزاد کردن عبد، شفعه، آب طهارت، و اسباب حج و جهاد که فروش جنس بالای آنها واجب گردیده باشد، آن ها حق فروش به بهای بلند تر از آن را ندارند و مانع فروش هم شده نمی توانند، پس همینجاست که می بینیم شریعت تعیین قیمت را حرام نگردانیده است.

۳- جابر - رضی الله عنه - از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - روایت می کند که فرمودند: « لا یبیع حاضر لباد ، دعوا الناس یرزق الله بعضهم من بعض^(۵) » یعنی: « فرد شهری برای روستایی نه فروشد، بگذارید مردم را الله تعالی بعضی ایشان را توسط بعضی دیگر روزی دهد».

۱ - الطرق الحکمیة، ص ۶۷۱ مراجعه شود.

۲ - معمر بن عبدالله از نخستین کسانی بود که اسلام آوردند و به حبشه هجرت کردند و عمر درازی داشته و از شیوخ بنی عدی بوده است. الطبقات الکبیر.

۳ - صحیح مسلم، باب تحریم الإحتکار فی الأوقات، شماره حدیث: ۱۶۰۵، سنن الترمذی، للحافظ أبی عیسی محمد بن عیسی بن سورة المتوفی سنة ۲۹۷ هـ - طبعة دار إحياء التراث العربی - بیروت - لبنان. باب ماجاء فی الإحتکار، شماره حدیث: ۱۲۶۷.

۴ - الإحتکار هو اشتراء السلعة وحبسها حتی نقل فتغلو.

۵ - صحیح مسلم : کتاب البیوع ، باب تحریم بیع الحاضر للبادی، حدیث شماره: ۱۵۲۲.

وجه استدلال از حدیث:

رسول الله -صلی الله علیه وسلم- این را منع فرمودند که حاضر (شهر نشین) که به نرخ عالم و دانا است به بادیه نشین که از قیمت کالاها نا آگاه است، خرید و فروش کند؛ بخاطریکه این خود باعث بلند شدن نرخ ها می گردد^(۱).

۴- حدیث سمره بن جندب-رضی الله عنه- که او را تنه از درخت خرما در حیطة انصاری بود و در حیاطه انصاری اهل و عیال او قرار داشت که به داخل شدن سمره اذیت می شد و بالای او سخت تمام می شد، پس از او خواست تا تنه درخت خرما را بفروشد، انکار کرد، درخواست انتقال را کرد امتناع ورزید، انصاری پیش رسول الله -صلی الله علیه وسلم- شکایت کنان آمده و جریان را با وی در میان گذاشت، پس رسول الله -صلی الله علیه وسلم- از او خواست به فروش برساند، او ابا ورزید، درخواست انتقال آن را نمود انکار کرد، پس فرمودند: «أنت مضار» «تو ضرر رسانی» پس رسول الله -صلی الله علیه وسلم- برای انصاری فرمودند: «اذهب فاقلع نخله»^(۲). «برو درخت خرما را بر کن».

وجه استدلال:

رسول الله -صلی الله علیه وسلم- بالای سمره بن جندب-رضی الله عنه- در صورت عدم تبرع، فروش درخت خرما را واجبی ساخت، پس واجب شدن فروش بیع در وقت حاجت، دلالت بر این دارد که حاجت عموم مسلمانها اولاتر است^(۳) و نرخ گذاری در هنگام بلند شدن نرخ ها جایز می باشد.

سوم: جواز نرخ گذاری از دیدگاه اثر صحابه:

امام شافعی و سعید بن منصور^(۴)-رحمهما الله- و غیره از قاسم بن محمد بن ابوبکر صدیق روایت می کنند که عمر -رضی الله عنه- در گشت و گذار بازار، از نزدیک حاطب بن ابی بلتعہ-رضی الله عنه- می گذشت دید که

۱ - التسعیر شروطه وحکمه : ص ۱۵ .
 ۲ - أخرجه أبو داود باب في القضاء، حدیث شماره: ۳۶۳۸ والبيهقي، باب من قضی فیما بین الناس بما فیہ صلاحهم و دفع الضرر عنهم علی الاجتهاد، حدیث شماره: ۱۲۲۳۰ .
 ۳ - اختیارات ابن القیم: (۱/۲۴۴).
 ۴ - المروزي، سعید بن منصور الخراسانی و همچنان طالقانی نیز گفته شده که در جوزجان تولد شده و در بلخ بزرگ شده و از علماء حدیث بود که رحلات زیادی در این باره داشته است که بالآخره در مکه مکرمه زندگی کرده و آنجا در سال ۲۲۷ وفات کرده است و از شاگردان امام مالک و از استادان امام احمد بن حنبل، امام مسلم، و امام ابوداود بوده است. ویکیپدیا.

نزد او دو غراره از کشمش است، بهای آن را پرسان کرد، جواب داد: به یک درهم دو مد، پس عمر -رضی الله عنه- برایش گفت: « قد حدثت بعیر مقبلة من الطائف تحمل زبیا وهم یعتبرون سعرك، فإما أن ترفع وإما أن تدخل زبیک فتبیهه کیف شئت » یعنی: خبر شدی که قافله -که کشمش حمل می کند- از طایف می آید و بهای که تو داری، آن را نرخ واقعی فکر می کند. پس نرخ خود را بالا می کنی یا اینکه کشمش خود را در خانه خود می بری و به هر قیمت که می خواهی به فروش می رسانی!^(۱)

و در روایت دیگری از سعید بن المسیب روایت است که عمر -رضی الله عنه- در گشت بازار از نزد حاطب بن ابی بلتعہ می گذشت، دید که شکمش را به نرخ پائین می فروشد، پس عمر -رضی الله عنه- به او گفت: « إنا أن تزيد فی السعر وإما أن ترفع من سوقنا »^(۲) ترجمه: "یا اینکه نرخ را بالا می بری و یا از بازار ما بر می داری".

وجه استدلال از اثر:

این اثر دلالت صریح به نرخ گذاری دارد که حاطب بن ابی بلتعہ -رضی الله عنه- به نرخ کمتر از بازار به فروش می رساند، عمر -رضی الله عنه- او را امر کرد تا به خود را به نرخ بازار برابر سازد و الا از بازار بیرون شود، تا منفعت عامه را صدمه نرساند، این در نقص و کمی بهای بازار بود و اگر شخصی نرخ را بلند هم کند مردم از آن متابعت کرده و این هم به ضرر مردم تمام می شود.^(۳)

پس بالای حاکم مسلمانهاست که به کالا های بازار نرخ عادل وضع کند تا به ظلم مالک، مشتری توانی نشود.

و دیگر اینکه در منع نرخ گذاری ضرر برای مردم می باشد و اگر فروشنده به بهای بلند بفروشد نقص مشتری است و اگر ارزان به فروش برساند، نقص فروشنده می باشد.

و اگر خرید و فروش به فایده کمتر برای فروشنده تمام شود، در آن مصلحت دیده می شود پس آن در شریعت جای دارد که قاعده فقهی است: " یتحمل الضرر الخاص لدفع الضرر العام " ترجمه: «ضرر خاص را به هدف دفع ضرر عام تحمیل کرده می شود» و به بهای بلند فروختن عادت فروشندگان است.

۱ - سنن الکبری، بیهقی، باب التسعیر، حدیث شماره: ۱۱۴۷۷، المغنی: ۲۳۹/۴.

۲ - موطأ امام مالک: ص ۲۷۹.

۳ - المنتقی: للباچی ج ۵ ص ۱۷، المغنی: لابن قدامة ج ۶ ص ۳۱۱.

مطلب دوم- جواز نرخ گذاری از دیدگاه عقل و قیاس:

دلیل های منطقی، بر جواز نرخ گذاری نزد مجوزین نسبت به مانعین قوی تر و بیشتر می باشد، این دلیل ها حسب ذیل بیان می گردد:

۱- قیمت فاحش:

هنگام که قیمت ها به تجاوز فاحش برسد، نرخ گذاری بهترین گزینه بخاطر حفظ حقوق مردم از ضایع شدن آن است^(۱).

۲- قیاس بر احتکار:

علت منع احتکار همانا عدم دسترسی مردم به ضروریات شان می باشد، پس می توان نرخ گذاری را بر آن قیاس کرد که مردم و خصوصا فقراء خوراکی خود را بنا بر قیمت بودن آن خریداری کرده نمی توانند، پس آنها مجبور کرده میشوند به قیمت مثل به فروش برسانند، قسمیکه محتکر را مجبور کرده می شود تا به قیمت مثل به فروش برساند. یا حاکم مسلمانها محتکر را حسب لزوم دید خود مجبور می سازد تا مال احتکار شده را به نرخ معین به فروش برسانند، پس گفته می توانیم حاکم از اول می تواند بالای کالاهای بازار نرخ گذاری کرده و همه را به آن ملتزم کند^(۲).

۳- قیاس بر دین دار- بخاطر تأدیه قرض مجبور کرده می شود تا به فروش مال خود تأدیه نماید:-

یعنی قیاس کردن نرخ گذاری بر مجبور ساختن دین دار تا مال خود را بخاطر ادای دین خود به فروش برساند، پس وقتیکه قرض دار در صورتیکه دین خود را اداء کرده نتواند بالای مال خود تصرف ندارد، همچنین وقتیکه تاجر و یا صاحب کالا با مال خود بالای دیگران ظلم کند، پس او هم قیاس بر همین موضوع بالای مال خود تصرف کامل ندارد و حاکم می تواند بالای کالا های او نرخ گذاری کند^(۳).

۴- مصلحت عامه: وقتیکه تاجر ها قیمت ها را بلند کنند، مصلحت عامه این است که از طرف حاکم بالای

کالا های آنها نرخ گذاری شود، پس نرخ گذاری مصلحت عامه است که به ضرر و عدم مصلحت چند تن از تاجر ها تمام می شود و اتفاق فقهاء است که مصلحت عامه بر مصلحت خاصه مقدم می باشد^(۴).

۱ - مجمع الأنهر فی شرح ملتقى الأبحر ، للفقیه المحقق عبد الله بن الشیخ محمد بن سلیمان المعروف بداماد أفندی - طبعة دار إحياء التراث العربی للنشر والتوزیع ج ۲ ص ۵۴۹.
 ۲ - البحوث العلمية لهيئة كبار العلماء بالمملكة ج: ۳ ص: ۱۶۷.
 ۳ - الطرق الحکمیة فی السیاسة الشرعیة ص: ۲۶۴-۲۶۵.
 ۴ - نفس مصدر ص: ۲۶۴-۲۶۵.

۵- قیاس نرخ گذاری به شفعه:

شریک حق دارد و برایش جایز است که سهم مشفوع را از دست مشتری به ثمن المثل بدون پول اضافه بگیرد و این بخاطر ضرر مشارکت و تقسیم است و این موضوع به سنت مستفیض^(۱) و اجماع علماء ثابت است، پس اگر این موضوع مصلحت فرد ضروری باشد، پس چطور به چیزهاییکه از سهم شفیع اولاً تر و بزرگ تر و عام تر است به ثمن المثل نباشد، صاحب کالا نمی تواند از حق بیشتر از مشتری حاصل نماید، قسمیکه شفیع حق ندارد از شریک خود مبلغ اضافه تری را مطالبه کند^(۲).

۶- قیاس نرخ گذاری بر خرید چیزهای که برای عبادت می باشد:

خریداری چیزها برای عبادت بالای کسی واجب شده باشد، مثل: اسباب حج، آزاد کردن غلام و آب وضوء و غیره، پس او به قیمت مثل گرفته می تواند، فروشنده نمی تواند به قیمت بالاتر به مشتری عبادت گزار به فروش برساند^(۳)، پس وقتیکه قیمت مثل به چند چیز که استفاده و حدوث آن کم است ضروری باشد، مصلحت عموم مردم که هر روز به آن سر و کار دارند، چطور جواز نداشته باشد!

شیخ الاسلام ابن تیمیه - رحمه الله - می فرماید: وقتیکه مردم بخاطر جهاد به سلاح ضرورت داشته باشند، صاحب سلاح باید سلاح های خود را به قیمت مثل به فروش برساند و نگذارد دشمن بالای مسلمانها تسلط پیدا کند^(۴) پس اگر طعام را به سلاح قیاس کنیم، طعام برای مضطر ضرورتش بیشتر از سلاح می باشد و ضرورت طعام بیشتر و زیاد تر از سلاح می باشد که خورد و بزرگ، مرد و زن و همه بر طعام نیاز و ضرورت مبرم دارند ولی به سلاح تنها اهل آن ضرورت دارد و بس.

مبحث چهارم: اسباب عمده‌ی که مجوزین، نرخ گذاری را ضرورت می دانند:

این مبحث البته شامل مطلب دوم مبحث دوم همین فصل شامل است، مگر اسباب ذیل از اهمیت زیاد که برخوردار است، خواستم در مبحث علاحده بیان نمایم، و این چند از اسباب است که از نظر بعضی علماء باید در بازار نرخ گذاری صورت بگیرد:

- ۱ - لغة: اسم فاعل من " استفاض " مشتق من فاض الماء وسمى بذلك لانتشاره. و در اصطلاح: مرادف و هم معنای حدیث مشهور است، هو أخص منه ، لأنه يشترط في المستفیض أن يستوي طرفا إسناده ، ولا يشترط ذلك في المشهور . مصطلح الحبیث، مناع الفطان.
- هو أعم منه أي عكس القول الثاني .
- ۲ - مجموعة الفتاوى: (۹۷/۲۸)، وانظر: الطرق الحکمیة: (۲۶۵).
- ۳ - مجموعة الفتاوى: (۷۸/۲۸).
- ۴ - مجموعة الفتاوى: (۷۸/۲۸).

یک- بلند شدن نرخ کالا تا قیمت فاحش^(۱) از طرف فروشندگان:

یکی از اسباب جواز نرخ گذاری نزد علماء احناف قیمت فاحش است، که می گویند: "بالای حاکم و زمام دار مسلمانها است که بخاطر حفاظت حقوق مسلمانها نرخ گذاری نماید، و آنها بعد از مشوره با اهل بصیرت و اهل رأی، همین نظر بخاطر حفاظت حقوق مسلمانها و حفاظت مال شان از ضایع شدن و دفع ضرر عامه می باشد"^(۲).

دو- ضرورت مردم به کالا:

حاکم مسلمانها نمی تواند بالای کالاهای مردم نرخ تعیین کند در حالیکه در آن دفع ضرر- نزد احناف، و مصلحت نزد مالکی ها و شافعی ها می باشد.

اگر فرضاً مردم بخاطر جهاد به سلاح ضرورت داشته باشند، صاحبان سلاح باید سلاح ها را به قیمت مثل به فروش برسانند، تا دشمن بالای مسلمان ها تسلط پیدا نکند و اگر به فروش هم برسانند به قیمت بالا و بلند به فروش برسانند در آن صورت حاکم حق دارد تا سلاح ها را نرخ گذاری نماید و دیگر چیزهای که مردم به آن ضرورت دارند به سلاح قیاس می شود.

شیخ الاسلام ابن تیمیه-رحمه الله- می گوید: حاکم مسلمانها به چیزهاییکه مردم به آن نیازمند اند صاحبان آن را مجبور به فروش آن کند، مثل: صاحب طعام به طعامیکه نیاز ندارد و مردم در تنگدستی به سر می برند، از طرف حاکم مسلمانها آنها مجبور شود تا طعام خود را به قیمت مثل به فروش برساند.

فقهاء هم گفته اند اگر کسی به غذای کسی دیگر ضرورت پیدا کند، می تواند بدون اختیار صاحب طعام به قیمت مثل بگیرد و اگر صاحب طعام از فروش آن امتناع بورزد و یا به طعام خود قیمت گزاف وضع کند، او جز قیمت مثل را ندارد^(۳).

و اصل آن در حدیث عتق است که عبدالله بن عمر-رضی الله عنهما- نقل می کند که حدیث در صفحه ۷۱ و ۷۲ ذکر گردید، که ابن القیم-رحمه الله- می گوید: در این حدیث پیامبر-صلی الله علیه وسلم- به تقویم تمام (عبدها) به قیمت مثل امر کرده است، در حقیقت این نرخ گذاری است، پس وقتیکه در شریعت اسلامی بخاطر

۱ - قیمت فاحش: فروش به دو چند قیمت را گویند. الزیلعی: ۲۸/۶.

۲ - ابن عابدین: ۲۵۶/۵ و فتاوی الهندیة: ۲۱۴/۳ ط: المطبعة الكبرى الأمیریة، والاختیار التعلیل المختار: ۱۶۱/۴ والهدایة: ۹۳/۴. وكشف الحقایق: ۲۳۷/۲ والزیلعی: ۲۸/۶.

۳ - الحسبة فی الاسلام لابن تیمیة: ط: مكتبة العلمية: ۴۱/۱۷، والطرق الحکمیة فی السیاسة الشرعیة لابن القیم ۲۶۲ مطبعة السنة المحمدیة.

تکمیل عتق بیرون کردن چیزی از ملکیت مالک آن به عوض المثل واجب باشد و مالک حق مطالبه زیاده از قیمت را نداشته باشد، پس چطور وقتیکه مردم به کالا های مهم تر و ضرورت بیشتر نیازمند شوند مثل: طعام، شراب و لباس در آن تقییم نشود؟^(۱)

سه - ضرورت مردم به گروه از صنعت کار ها:

وقتیکه یک عده، از مردم به یک شغل خاص فعالیت داشته باشند و مزد خود را بلند تعیین کنند، مردم به جز از قبول نرخ بلند به ارائه خدمات آن ها دست رسی نداشته باشند، پس زمام دار مسلمانها آن ها را وادار بسازد تا به قیمت مثل به عامه مردم خدمات ارائه نمایند^(۲).

چهار - خاص کردن اشخاص معین بر فروش کالا (فروش برای اشخاص خاص):

وقتیکه صاحب کالا، کالا های خود را به اشخاص مشخص و معین به فروش برساند، و دیگران به کالا ها دسترسی نداشته باشند و یا به دیگران به نرخ بلند و دلخواه شان به فروش برسانند، بدون شک این بغاوت و فساد در زمین است، همه علماء به همین نظر اند، در چنین صورت نرخ گذاری واجب می گردد و باید به قیمت مثل بفروشند تا از ظلم جلوگیری شود، همچنان کرایه حانوت (دوکان) در قریه و سر راه به کرایه مشخص اجاره گرفته شود تا مردم مال یک دیگر را به باطل نخورند که بالای اجاره گیرنده و اجاره دهنده حرام است^(۳)، این موضوع در کار نیز وجود دارد، اهل کسب و حرفه تنها به اشخاص معین کار کنند و یا به دیگران به نرخ بلند کار را انجام دهند، مثل: معمار، دهقان و غیره، حاکم مسلمان ها آنها را به نرخ معین بکار بیاندازد و آنها جز حق شان مستحق چیز بیشتر نمی باشند^(۴).

پنجم - احتکار:

کتاب های فقهی موضوع نرخ گذاری و احتکار را در پهلوی هم قرار داده است و حتی کتابها تحت عنوان الاحتکار و التسعیر نوشته شده است، پس دانسته می شود که نرخ گذاری و احتکار با هم ارتباط تنگاتنگ دارد،

۱ - الطرق الحکمیة: ۲۵۹ ط: مطبعة السنة المحمدیة. و منهج عمر بن الخطاب منهج عمر بن الخطاب فی التشريع دراسة مستوعبة لفقہ عمر و تنظیماته، ص: ۲۳۲-۲۳۳.
 ۲ - التسعیر شروطه و حکمه دراسة فقهیة مقارنہ، تألیف: د.ماهر حامد محمد الحولی، استاذ بالجامعة الاسلامیة - غزة، ط: ۲۰۰۶ ص: ۷ گرفته از الطرق الحکمیة ابن قیم ص: ۲۴۴-۲۴۷.
 ۳ - الطرق الحکمیة ص ۲۴۵ - ۲۴۶.
 ۴ - مجموعة الفتاوی: ۷۷/۲۸.

چونکه احتکار یک نوع ظلم دیگری در معاملات در بخش بیع و شراء می باشد که کالاها را به نرخ پایین بدست آورده و آن را به مرور زمان به نرخ بلند به فروش می رساند و سبوتاژ را بالای بنده های الله تعالی بیار می آورد.

احتکار رکیزه ی از نظام سرمایه داری جدید است که اکثر شرکت ها به احتکار بزرگ تعامل می کنند، در پهلوی آن باعث خراب شدن و فاسد شدن کالا های ایشان نیز می گردد، البته احتکار ظلم بالای طبقه مشتری است که دروازه های کار و روزی را به روی آنها می بندد، پس اینجا موقف شریعت در باره احتکار بیان می گردد:

در این اواخر احتکار به شیوه های متفاوت و به طریقه های گوناگون در اموال، اعمال و غیره راه پیدا کرده و داخل بازار گردیده است، اگر چند که این پدیده در قدیم هم بوده که علماء در باره آن بحث طولانی انجام داده اند حتی احادیث زیادی در این باره در کتاب های حدیث از پیامبر اسلام-صلی الله علیه وسلم- نقل شده است، لذا در این باره به بحث بیشتری نیاز است چرا که اساس نرخ گذاری را هم احتکار قلمداد می کند.

تعریف احتکار:

احتکار در لغت: ظلم و بد معاشرتی را گویند. و اما الحکر (بفتح ح و ک) به معنای نگهداشتن کالا به هدف قیمت شدن آن است. و همچنان به معنای لجاجت و استبداد در رأی می آید و از آن احتکار بمیان آمده که به معنای نگهداشتن و منع کردن است^(۱).

احتکار در اصطلاح:

امام کاسانی -رحمه الله- می گوید: احتکار اینکه طعام را از بازار خریداری کرده و آن را به هدف ضرر رسانیدن به مردم نگهداری شده و به فروش نه رساند^(۲).

تعریف احتکار در قانون: «احتکار: پنهان کردن یا امتناع از عرضه ی مواد اولیه مورد احتیاج عادی به مقصد سود جویی بیشتر و فروش به نرخ بلند تر از قیمت رقابتی، به گونه ی که منجر به کمبود مواد اولیه و افزایش قیم در بازار گردد»^(۱).

۱ - مجدالدین محمد بن یعقوب الفقیروز آبادی، ص: ۳۷۸ و ابن منظور ۸۷/۱. المصباح واللسان مادة: (حکر)
 ۲ - بدایع الصنایع فی ترتیب الشرایع، تألیف: ابوبکر بن مسعود الکاسانی الحنفی، تقدیم عبدالرزاق الحلیمی الطبعة الجدیدة دار احیاء التراث العربی- بیروت لبنان ۱۴۱۹ هـ ۳۰۸/۴.

دوم- اشیای که ذخیره کردن آن احتکار محسوب می شود:

امام ابوحنیفه، امام محمد، شافعی ها و حنابله احتکار را تنها در طعام گفته اند. دلیل ایشان احادیث است که در باره احتکار طعام آمده است: « من احتكر على المسلمين طعامهم ضربه الله بالجذام والإفلاس»^(۲) ترجمه: یعنی «کسی برمسلمانان طعام شان را احتکار کند، الله تعالی با جذام و افلاس گرفتارش می کند» و « من احتكر الطعام أربعين ليلة فقد برئ من الله وبرئ الله منه»^(۳) ترجمه: یعنی «کسی طعام را برای مدت چهل روز احتکار کند بتحقیق الله از او و او از الله بیزار است»

امام محمد بن الحسن الشیبانی - رحمه الله - احتکار را در طعام و لباس می بیند^(۴) دلیل وی چنین است که طعام و لباس دو چیز مهم در زندگی انسانهاست، چقدر که مردم به طعام نیاز دارند به همان اندازه به لباس نیز ضرورت مبرم دارند.

مالکی ها و همچنان نزد امام ابویوسف - رحمه الله - احتکار را در تمام چیزهای که انسان ها به آن ضرورت دارند و از نگهداری آن متضرر می شوند، احتکار گفته اند. دلیل این جماعه از علماء کرام احادیث است که در باب احتکار مطلق آمده و از همین احادیث چنین استدلال می کنند که طعام از قبیل لقب است و لقب مفهومی ندارد^(۵).

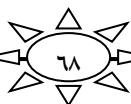
سوم: اشیای که ذخیره کردن آن احتکار نمی باشد.

چیزهای که در آن احتکار نمی گردد، قرار ذیل است:

۱- جالب، جمهور علماء به این نظر اند در چیزهای جلب شده باشد، نگهداری آن احتکار محسوب نمی شود^(۶).

۲- نگهداری غله جات حاصل زراعت هم احتکار حساب نمی شود، البته این نزد جمهور است و نزد مالکی ها احتکار محسوب می شود.

۱ - ماده دوم، فقره دوم، قانون منع احتکار، جریده رسمی شماره ۱۲۵۸، مورخ ۱۳۹۶/۲/۲۰، مجموع قوانین افغانستان - ۱۶ سال نشر: ۱۳۹۶ مطبوعه بهیر ص: ۲۸۷.
 ۲ - احمد شماره حدیث: ۱۳۵ و ابن ماجه از عمر - رضی الله عنه - روایت کرده است.
 ۳ - مسند احمد، حدیث شماره: ۴۸۸۰
 ۴ - البدائع والصنایع ۵ / ۱۲۹.
 ۵ - قبلا گذشت.
 ۶ - الاختیار لتعلیل المختار ۳ / ۱۱۵ ، والبدائع ۵ / ۱۲۹



۳- نزد شافعی ها اگر در وقت بلند شدن قیمت ها خریداری کند و باز منتظر زیاد شدن قیمت ها شود احتکار نیست، بلکه احتکار آن است که در وقت پایین بودن نرخ خریداری کرده و منتظر قیمت شدن آن باشد، آن احتکار است.

۴- و شرط احناف در احتکار این است که نگهداری برای مدتی باشد و علماء احناف در تعیین مقدار حبس کالا اختلاف نظر دارند، بعضی ایشان به حدیث استدلال کرده که در آن چهل روز ذکر شده و بعضی ایشان یک ماه گفته اند^(۱).

۵- اینکه محتکر به هدف قیمت ساختن کالا بالای مردم، احتکار کند.

حکم احتکار:

علماء اسلام در حکم احتکار وقتیکه به ضرر مردم باشد اتفاق نظر دارند، محظور و ممنوع می باشد و تعبیرات ایشان در این باره فرق می کند، جمهور فقهاء به حرام بودن آن تصریح کرده اند، دلایل ایشان قرار ذیل است: الله تعالی می فرماید: ﴿وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحَادٍ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾^(۲) ترجمه: «همچنین کسانی که با توسل به ظلم (از حد اعتدال خارج می شوند و) در آن سرزمین مرتکب خلاف می گردند، عذاب دردناکی بدیشان می چسانیم». ابوالفضل الموصلی مشهور به ابن مودود الموصلی^(۳) از این آیت کریمه حرمت احتکار ثابت کرده است^(۴)، و القرطبی در تفسیر این آیت کریمه حدیث یعلی بن امیه را که از رسول الله -صلی الله علیه وسلم- نقل کرده است فرمودند: «احتکار الطعام في الحرم إلهاد فيه» البته این قول عمر -رضی الله عنه- است^(۵).

۱ - الهدایة ۳ / ۷۴ ، ونتائج الأفكار (تکملة الفتح) ۸ / ۱۲۶ ، ۱۲۷ ط الأولى الأمیریة بمصر ، والدر المننقی علی شرح الملتنقی ۲ / ۵۴۸ ، وحاشیة ابن عابدین ۵ / ۲۵۵ ط بولاق ۱۲۷۲ هـ

۲ - الحج: ۲۵

۳ - الموصلی ، أبو الفضل عبد الله بن محمود بن مودود الموصلی که در سال ۵۹۹ در موصل بدنیا آمده، از فقهاء بزرگ حنفی می باشد، در بغداد وظیفه تدریس را به عهده داشت، و در آنجا در سال ۶۸۳ هـ وفات نموده است، از تألیفات وی: " الاختیار لتعلیل المختار - شرح أن کتاب " المختار " نیز او خودش می باشد.

۴ - الاختیار ۴ / ۱۶۰ ط الثانية ، ومواهب الجلیل ۴ / ۲۲۷ ، ۲۲۸ ، والمدونة ۱۰ / ۱۲۳ ، والرهوني ۵ / ۱۲ - ۱۳ ، والمغني ۴ / ۲۴۳ ، ونهاية المحتاج إلى شرح المنهاج ، للإمام محمد بن أحمد بن حمزة الرملي المتوفى سنة ۱۰۰۴ هـ - طبعة مكتبة مصطفى الحلبي وأولاده. ۳ / ۴۵۶

۵ - الجامع لأحكام القرآن ۱۲ / ۳۴

ابوبکر بن مسعود الکاسانی/الکاشانی^(۱) بعد از ذکر این همه دلیل های موضوع می گوید: این چنین وعید شدید بجز از مرتکب حرام داده نمی شود. بخاطریکه هر آنچه که در بازار فروخته می شود به حق عامه تعلق دارد، پس فروشنده که حین ضرورت عامه کالاهای خود را نمی فروشد بتحقیق که حق آنها را منع کرده است، و منع حق از مستحق آن ظلم و حرام می باشد برای تحقق ظلم برابر است که برای وقت اندک نگهداری می کند و یا به مدت طولانی^(۲). و ابن حجر الهیثمی احتکار را از کبائر تعبیر کرده است و این از ظاهر احادیث فهمیده می شود که عقاب و سزای محتکر: وعید شدید، لعنت، براءت از ذمه الله و رسولش، الضرب و جدام و افلاسی. و بعضی این دلایل بر کبیره می باشد^(۳).

عقوبت دنیوی محتکر:

عذاب های الهی بالای مجرمین حسب جرم، متنوع می باشد و اکثر آن اخروی می باشد، مگر گناهی که قباحت آن بیشتر و ضررش به مردم زیادتر باشد در پهلوی عذاب اخروی عقوبت های دنیوی را نیز در قبال دارد، مثل: نافرمانی پدر و مادر، غدر و خیانت، جرم های که شریعت بالای مرتکب آن حد تعیین نموده است^(۴) و احتکار احتکار که موضوع بحث می باشد، پس عذاب های دنیوی که محتکر را پیگیری کند قرار ذیل است:

- ۱- وقتیکه احتکار او بر ضرر عامه تمام شود، ضرر جبران کرده می شود: آنچه را احتکار کرده از پیش او گرفته می شود، قیمت وقت وسعت و فراخی برایش داده می شود، که به این رأی ائمه امت اتفاق نظر دارند.
- ۲- اگر ترس ضرر عامه نباشد، مالکی ها، شافعی ها، حنابله و محمد الحسن به این نظر اند که حاکم مسلمانها او را مجبور به فروش کالا های احتکار شده می سازد، اما امام ابوحنیفه و امام ابویوسف -رحمهما الله- جبر به فروش را لازمی نمی دانند، پس اگر از فروش امتناع ورزد حاکم او را تعزیر کند^(۵).

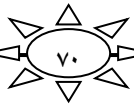
۱ - الکاسانی علاءالدین ابوبکر بن مسعود الکاسانی و یا الکاشانی فقیه حنفی از حلب می باشد صاحب کتاب مشهور بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع را در هفت جلد در فقه حنفی نوشته و کتاب دیگر وی السلطان المبین فی اصول الدین می باشد که در سال ۵۸۷ هـ در حلب وفات نموده است نقل از الاعلام-للزرکلی.

۲ - البدایع: ۱۲۹/۵.

۳ - نهاية المحتاج ۳ / ۴۵۶ ، و أسنى المطالب شرح روض الطالب، تألیف: أبي يحيى زكريا الانصاري الشافعي (فقه شافعي) ناشر: دار الفكر بيروت - لبنان ۲ / ۳۷ ، وحاشية القليوبي على شرح منهاج الطالبين ۲ / ۱۸۶ ، والزواجر ۱ / ۲۱۶ - ۲۱۷ ، والمجموع ۱۲ / ۶۴

۴ - زناى محصن، زناى غير محصن، قتل، سرقت، قذف و غيره.

۵ - الطرق الحكمية ص ۲۴۳ وانظر ۲۶۲ ، والبدائع ۵ / ۱۲۹ ، وتكملة الفتح ۸ / ۱۲۶ ، ۴ / ۱۶۱ ط الثانية سنة ۱۳۷۰ هـ ، ورد المختار على الدر المختار ۵ / ۲۵۶ ط بولاق سنة ۱۲۷۲ هـ ، والرهوني ۵ / ۱۲ - ۱۵ ، والقوانين الفقهية ۳ /



۳- احتکار کننده در دنیا به خواری، ذلت و مفلسی گرفتار می گردد، حدیث عمر - رضی الله عنه - قبلا ذکر گردید.

این بود چندی از عذاب دنیوی بالای محتکر و در باره عذاب اخروی الله تعالی می فرماید: ﴿وَلَعَذَابُ الْآخِرِ أَشَدُّ وَأَلَمُّ﴾^(۱) ترجمه: «مسلماً عذاب آخرت بسیار سخت تر و ماندگارتر (از عذاب این جهان) است».

احتکار در قانون:

احتکار از دیدگاه قانون یک جرم نا بخشودنی و قابل تعقیب می باشد، موضوع احتکار بنا بر اهمیت که دارد در کشور ما قانونی را بنام «قانون منع احتکار» وضع شده است.

در این قانون تعریف احتکار، کمیسیون مبارزه علیه احتکار در مرکز و ولایات و معرفی اعضای آن و وظایف آنها، فروش مواد احتکار شده و مکلفیت های اشخاص ذکر گردیده است، آنچه که مرتبط بر موضوع است این است که در ماده ششم تحت عنوان "فروش مواد احتکار شده" آمده است: «کمیسیون مکلف است، بعد از تثبیت و دست یابی مواد احتکار شده، مواد مذکور را حد اکثر در خلال ۴۸ ساعت بعد از تعیین قیمت عادلانه آن با حضور داشت مالک یا نماینده قانونی وی به بازار عرضه نماید» پس قانون صراحت دارد که کالا های احتکار شده توسط هیئت نرخ گذاری عادلانه شود. بر علاوه از تعیین قیمت تا حدی محتکر جریمه را تحمل می کند او اینکه در فقره دوم همین ماده ششم می آید: «... بار اول بعد از وضع مصاف ۵۰٪ آن به حساب واردات دولت تحویل بانک و ۵۰٪ دیگر آن به مالک یا نماینده قانونی وی داده می شود. در صورت تکرار پول ما حاصل فروش به حیث مجازات نقدی مطابق احکام قانون به دولت تعلق می گیرد»^(۲).

حاصل سخن اینکه قانون افغانستان اجازه می دهد مال احتکار شده نرخ گذاری شود و در پهلوی آن محتکر جریمه مالی نیز می گردد.

= ۲۴۷ ، ومواهب الجلیل ۴ / ۲۲۷ ، ۲۲۸ ، ونهاية المحتاج ، ۴ / ۴۵۶ ، وحاشية القليوبي ۲ / ۱۸۶ ، وكشاف القناع ۳ / ۱۵۱

۱ - سوره طه: ۱۲۷.

۲ - ماده ششم، قانون منع احتکار ص: ۲۹۳.

رابطه احتکار با نرخ گذاری:

رابطه احتکار با نرخ گذاری از حدیث که در صحیحین در باره عتق عبد مشترک آمده است، آغاز می گردد، مطلب حدیث این است که یک غلام بین دو یا بیشتر از آن، بدار شریک باشد، یک و یا دو تن از آنها به یک مقدار پول غلام را آزاد کنند، دیگری از آنها از آزاد کردن به همان مبلغ ابا کند، او این حق را ندارد و این به نص حدیث ثابت است.

پس وقتیکه مردم به کالا یا هم منافع و یا هم خدماتی ضرورت پیدا کنند، و صاحب آن جز به قیمت فاحش آماده فروش را نداشته باشند، پس آنها را به فروش کالاها، منافع و خدمات به بیع مثل مجبور کرده می شوند، این هم در اعمال مثل: دهقان، آهنگر، نجار و غیره به قیمت بلند خدمات ارائه کنند، آنها از طرف دولت به ارائه خدمات حسب بیع مثل مجبور کرده می شوند. و در کالاها، مثل: وسائل جهاد مثل سلاح و غیره ضرورت داشته باشند و صاحب آن به قیمت بلند به فروش برسانند، صاحب سلاح نیز به فروش آن به ثمن المثل مجبور کرده می شوند. در حقیقت همین نرخ گذاری است، مگر مذهب حنابله از نرخ گذاری دوری می جویند، و جواز نرخ گذاری از همین حدیث نیز ثابت می گردد. والله تعالی اعلم.

ششم: سد ذرایع:

سد ذرایع یکی از مصادر شریعت نزد امام مالک و امام احمد بن حنبل -رحمهما الله- می باشد، اما نزد امام شافعی و ظاهری ها اهمیتی ندارد و در نزد علماء دیگر از جمله امام غزالی^(۱) روی مشروط پذیرفته می شود، که تفصیل این موضوع اختلافی در ذیل بیان می گردد:

۱ - الغزالی (نسبت او به تشدید -ز- غزّال منصوب به صنعت غزل است و -به تخفیف -ز- به قریه اش غزاله از قریه های طوس می باشد، است) ابوحامد حجة الاسلام محمد بن محمد بن محمد الغزالی الطوسی، فیلسوف، متصوف و مصنف که بیشتر از دو صد تألیفات دارد، در طابران (قصبه طوس- خراسان) ۴۵۰ هـ تولد شده و در همانجا در ۵۰۵ هـ وفات نموده است. به نیشاپور و در بعضی از به بغداد باز به حجاز باز در بلاد شام باز به مصر سفر کرده و باز به وطن خود برگشته است و در سال ۵۰۵ در آنجا وفات یافته است، از کتاب هایش: (إحياء علوم الدين) در چهار جلد، و (تهافت الفلاسفة - ط) و (الاقتصاد في الاعتقاد) و (محك النظر) و (معارج القدس في أحوال النفس) و (الفرق بين الصالح وغير الصالح) و (مقاصد الفلاسفة) و (المضنون به على غير أهله) وفي نسبة إليه كلام، و (الوقف والابتداء) در تفسیر، و (البسيط) در فقه، و (المعارف العقلية) و (المنقذ من الضلال) و (بدایة الهدایة) و (جواهر القرآن) و (فضائح الباطنية)، و فضائح المعتزلة. و (التبر المسبوك في نصيحة الملوك) كتاب هاي فارسي او که به عربي ترجمه شده است: (الولدية) رسالة أكثر فيها من قوله: أيها الولد، و (منهاج العابدین) گفته شده که این آخرین تألیفش بوده است و (إلجام العوام عن علم الكلام - ط) و (الطير - ط) رسالة، و (الدرة الفاخرة في كشف علوم الاخرة - می باشد). (الأعلام للزركلي: ج ۱ ص: ۲۱۴).

عدم نرخ گذاری یک موضوع مباح است، مگر باعث می گردد تا استغلال^(۱)، جشع^(۲) و تعسف (استفاده سوء از ضروریات مردم) صورت گیرد، روی این اصل شرعی می توان تصرفات نا حق مردم در معاملات داد و ستد را به نرخ گذاری محدود ساخت.

در ذیل تعریف و احکام سد ذریعه با ربط آن به موضوع نرخ گذاری شماره وار بیان می گردد:

اول: تعریف سد ذریعه:

سد به معنای بند کردن و قفل نمودن است که الله تعالی می فرماید: ﴿قَالُوا يٰذَا الْقَرْنَيْنِ اِنَّا يَا جُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْاَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلٰى اَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا ﴿۱۵﴾﴾^(۳) ترجمه: «مردمان آنجا، هنگامی که قدرت و امکانات ذوالقرنین را دیدند، بدو (گفتند: ای ذوالقرنین^(۴)! یا جوج و مأجوج در این سرزمین تباهاکارند (و بر ما تاخت می آورند) آیا برای تو هزینه ای معین داریم که میان ما و ایشان سد بزرگ و محکمی بسازی؟» در این آیت کریمه «سَدًّا» به معنای بند محکمی و مانع سختی آمده است، یعنی اینکه مانع محکمی که به انجام چیزی وسیله و ذریعه نگردد.

ذرائع: جمع ذریعه و ذریعه در لغت به معنای وسیله به سوی چیزی را گویند.

شیخ الاسلام ابن تیمیه - رحمه الله - می گوید: ذریعه عبارت است از وسیله و راه به سوی چیزی می باشد^(۵).

و در اصطلاح فقهاء:

۱- آنچه که مفضی به انجام حرام گردد و اگر از آن افضاء دور کرده شود هیچ فساد باقی نه ماند، ذریعه

گفته می شود^(۶).

۲- فقهاء و اصولیین می گویند: آنچه که در ظاهر مباح باشد، لکن امکان کشاندن به طرف فساد و یا واقع

شدن در حرام را دارا باشد آن را ذریعه گویند^(۱).

۱ - استغلال: کسیکه بدون حق و قانون از چیزی استفاده می کند.

۲ - جشع: کسیکه مال را جمع و از حرص شدید منع می کند

۳ - سوره کهف: ۹۴.

۴ - در باره ذوالقرنین مفسرین و مورخین بحث های طولانی و اختلافی نمودند، که بعضی او را اسکندر مقدونی گفتند (تفسیر کشکی ذیل همین آیت) و بعضی ها گفته اند او بنده از بنده های نیک خداوند بود و پیغمبر نبود و در پیغمبر نبود او نزد مفسرین اتفاق نظر است.

۵ - الفتاوی الکبری " لابن تیمیه (۱۷۲/۶)

۶ - الفتاوی الکبری: ۱۷۲/۶.

۳- امام شاطبی -رحمه الله^(۲)- می گوید: حقیقت آن رسیدن به آنچه که مصلحت است از آن که در آن مفسده می باشد.

و مقصد از "سد ذرایع" بند کردن راهی است که باعث فساد می گردد و قطع اسباب رسیدن به آن است^(۳).

قرافی گفته است: حسم ماده و سایل فساد بخاطر دور کردن آن را سد ذریعه گویند^(۴).

دوم: حکم سد ذرایع:

علماء اصول فقه ذرایع را به پنج نوع تقسیم می کنند:

۱- آنکه به فساد قطعی می کشاند، اجماع علماء بر منع و قطع آن است، ابن القیم -رحمه الله- از این نوع چنین تعبیر می کند: انجام کاری که وسیله به حرام باشد جایز نیست اگر چند جواز داشته باشد^(۵)، از مثال های آن:

امثال این نوع سد ذرایع در نصوص زیاد است، مثل: منع از قول: ﴿رَاعِنَا﴾ در این آیت کریمه: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمَعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾^(۶) ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (رعایتان کن و ما را ببین! بلکه واژه‌های هم‌معنی دیگری را به کار برید تا یهودیان و مشرکان نتوانند از آن سوءاستفاده کنند و در مفهوم زشت و دشنام‌آمیز به کارش ببرند) و بگوئید: «انظُرْنَا» (بر ما نظر انداز، در ما نگر، رعایتان کن . و خوب بدانچه پیغمبر بر شما فرو می‌خواند و می‌گوید) گوش فرا دهید و بشنوید و برای مشرکان (ریشخند کننده‌ای چون ایشان) عذاب دردناکی است». پس کاربرد از چنین جایز نیست اگر چند در اصل معناه درست داشت، در پهلوی آن یک معنای دیگری هم داشت به معنای چوپان و بی عقل هم می آمد، تا مشرکین از آن معنا نگیرند. از عطر برای محرم که باعث وطء نگردد که در وقت محرم حرام است، افتراق در

۱ - وهبة الزحيلي: أصول الفقه الإسلامي، دار الفكر، دمشق، ج ۲، ص ۸۷۳.

۲ - الشاطبي، القاسم بن فيره بن خلف بن احمد الرعيني، او محمد الشاطبي، امام قراء که نا بینا بوده است که در شاطبه اندلس در سال ۵۳۸ تولد شده و در ۵۹۰ در مصر وفات نموده است، که عالم حدیث، تفسیر و لغت بوده که تألیفات زیاد دارد از جمله: شرح اللمع لابن جنی و غیره می باشد.

۳ - الموافقات، شاطبي: ۱۸۳/۵

۴ - الفروق أو أنوار البروق في أنواء الفروق (مع الهوامش)، تأليف: أبو العباس أحمد بن إدريس الصنهاجي القرافي متوفى: ۶۸۴هـ، ناشر: دار الکتب العلمیة، سال نشر ۱۴۱۸هـ - ۱۹۹۸م بیروت-لبنان ۳۲/۲

۵ - إعلام الموقعين عن رب العالمين، ابن القيم الجوزي، ناشر: دار الجیل - بیروت، ۱۹۷۳ (۱۱۸/۳).

۶ - البقرة: ۱۰۴

تخت خواب های اولاد ها تا دختر و پسر با هم نخوابند تا تلیس ابلیس نگردند، سفر زن بدون وجود محرم تا کسی طمع نداشته باشد که با او فسق و فجور انجام دهد و غیره.

قسم دوم- به اجماع ملغی است:

۱- وقتی که تجار قیمت ها را بلند ببرند پس در آن وقت نرخ گذاری مصلحت عامه است مردم با نرخ گذاری از شر تجار آسوده بال می گردند و مردم از بهای بلند و از ظلم تجار حمایت می شوند.

۲- نرخ گذاری سد ذریعه است که در فقه اسلامی از دلایل معتبر بشمار می رود که به آن اعتماد صورت می گیرد. سد ذریعه عبارت است از منع قرار دادن بعضی مباحات از خاطر فساد را گویند. و این امر مسلم است که هر او کاریکه به حرام بکشاند حرام است، پس گذاشتن مردم به هر قیمتی که می فروشند و یا می خرنند یک کار مباح است ولی در جامعه ما می بینیم که ظلم و جور تجار حاکم بازار است. پس این را تقاضا می کند که این دروازه از باب مصلحت بسته شود و تعامل به نرخ معین باشد.

نرخ گذاری سد ذریعه است که در فقه اسلامی از دلایل معتبر بشمار می رود که به آن اعتماد صورت می گیرد.

پس اگر گفته شود نرخ گذاری، آزادی تجار را در خرید و فروش سلب می کند و این به ضرر شان است که شریعت از آن منع فرموده است؟

جواب چنین است که ضرر که از منع نرخ گذاری وارد شده بر تجار کمتر از ضرری است که مشتری ها آن را تحمل می شوند. شکی نیست که ضرر بزرگ با قبول ضرر خرد و ریزه دفع کرده می شود. از دلایل علماء دانسته می شود که به سبب سد ذریعه نرخ گذاری جایز می شود.

در حدیث دیگری آمده است که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرموده اند: «مَنْ أَكْبَرَ الْكِبَائِرِ شَتَمَ الرَّجُلِ وَالِدَيْهِ» ترجمه: «از بزرگترین گناهان دشنام مردم به والدین خویش می باشد» گفتند: آیا کسی والدین خود را دشنام می دهد؟ فرمود: «نَعَمْ، يَسُبُّ أَبَا الرَّجُلِ، فَيَسُبُّ أَبَاهُ. وَيَسُبُّ أُمَّهُ فَيَسُبُّ أُمَّهُ» ترجمه: «هان، پدر کسی را دشنام می دهد پس او پدر او دشنام می دهد و مادر کسی را دشنام می دهد پس او مادر او را دشنام می دهد»^(۱)

۱ - صحیح البخاری حدیث شماره (۵۹۷۳) در الأدب: باب لا یسب الرجل والديه و صحیح مسلم حدیث شماره (۹۰)، و الترمذی حدیث شماره (۱۹۰۳)، و أبو داود حدیث شماره (۵۱۴۱) از حدیث عبد الله بن عمرو بن العاص رضی الله عنهما.

رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از قتل منافقین با وجود که در آن مصلحت نهفته بود دست کشیدند، تا ذریعه تنفر واقع نگردد و مردم نگوید: «إِنَّ مُحَمَّدًا يُقْتَلُ أَصْحَابَهُ»^(۱) «محمد اصحاب خود را می کشد».

هفتم: مصلحت مسلمانها:

تمام احکام شریعت الله - جل جلاله - برای مصلحت بندگان در دنیا و آخرت می باشد، فقهاء اسلام اجماع دارند که مقصد شریعت جز تحقق سعادت حقیقی نیست، پس مصلحت با شریعت رابطه نزدیک دارد چونکه همه دین به مصلحت بندگان الله تعالی می باشد و شریعت اسلامی در تمام احکام اصولی و فروعی خویش مصلحت را مدنظر گرفته است.

در قرآن کریم و سنت نبوی - صلی الله علیه وسلم - هیچ نصی وجود ندارد که بر خلاف مصلحت حقیقی باشد، پس ما گفته می توانیم شریعت ما همه مصلحت و منفعت است و آن مصلحت که بر خلاف شریعت باشد آن را مصلحت موهومه^(۲) گویند که او باطل است.

مصلحت عامه یکی از دلیل قوی مجوزین نرخ گذاری در جواز گذاری می باشد که عدم نرخ گذاری را ضرر مشتری می پندارد و ضرر باید برداشته شود و در نرخ گذاری مصلحت هر دو طرف تضمین می گردد.

اول - تعریف مصلحت:

مصلحت در لغت: در معنا و وزن، مثل منفعت می باشد و مصلحة مصدر صلاح است، مثلیکه منفعت به معنای نفع است. و مصلحت اسم واحد از مصالح است، هر چیز که در او نفع باشد و بزید مصلحت نامیده شود.

- ۱ - مصلحت ضد مفسدت است؛ یعنی در امری که مصلحت نباشد، مفسده وجود دارد^(۳).
- ۲ - برخی دیگر از لغت دانان مصلحت را به معنای صلاح و درستی کار تعریف کرده^(۴).

۱ - امام بخاری و امام مسلم بر صحیحین خوی و امام ترمذی در سنن خود به شماره ۳۳۱۵ نقل کرده است، امام البانی آن را صحیح گفته است.
 ۲ - مصلحت موهومه آن است که درجه غالب الظن و یقین نرسد، و به آن استدلال درست نمی باشد. المناسبة الشرعية وتطبيقاتها المعاصرة ۲۸۱
 ۳ - لسان العرب، تألیف: ابن منظور، تحقیق: عبد الله علي الكبير + محمد أحمد حسب الله + هاشم محمد الشاذلي، ناشر: دار المعارف قاهرة، تعداد جزء: ۶، ۴۱۶، ۱۴۹/۵
 ۴ - فیومی، بی تا: ۳۴۵

۳- و برخی نیز آن را به معنای خیر و نیکی دانسته‌اند که مصلحت در این معنا، ملازم و همراه با منفعت و موجب حصول نفع می‌باشد^(۱).

برای بحث ما معنای بجا، همانا معنای اول است که مصلحت به معنای منفعت که در مقابل مفسدت قرار دارد، می‌باشد، یعنی جاییکه مصلحت باشد آنجا مفسدت وجود ندارد.

در معنای اصطلاحی، چندین تعریف برای مصلحت در نظر گرفته شده است که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

۱. امام غزالی، مصلحت را محافظت بر مقاصد پنج‌گانه شریعت یعنی عقل، نفس، نسل، مال و دین می‌داند^(۲).

۲. عاملی، مصلحت را جلب منفعت و دفع مضرت می‌داند^(۳).

۳. برخی دیگر مصلحت را این‌گونه تعریف کرده‌اند: مصلحت، منفعتی است که شارع حکیم آن را برای بندگانش

قصد کرده است که عبارتند از حفظ بندگان، نفس، نسل، مال و منفعت آنها؛ یعنی همان مقاصد پنج‌گانه^(۴).

۴. برخی دیگر، مصلحت را به معنای فایده‌دنیوی و اخروی تعریف کرده‌اند^(۵).

۵. برخی مصلحت را به لذت و بهره‌مندی تعریف کرده‌اند^(۶).

دوم: حکم مصلحت:

مصلحت به عنوان یکی از ادله احکام در میان اصولیون مذاهب اسلامی جایگاه یکسان نداشته که نزد عده از علماء کاملاً حجت بوده و نزد عده هم قابل پذیرش نمی‌باشد و بعضی از علماء بخاطر پذیرفتن مصلحت شروطی وضع کرده‌اند که در ذیل بیان می‌گردد:

آنهاييکه مصلحت را دليل شرعی نمی‌دانند، امام شافعی و ابن حزم -رحمهما الله- است و خود امام صاحب

ابوحنیفه هم به مصلحت توجه نکرده است، و علت مخالفت ایشان:

اول: اینکه دلیلی بر حجیت آن ثابت نیست.

دوم: حکام و امراء از آن استفاده سوء می‌کنند.

۱ - خلیل بن احمد: ۴۵۳

۲ - غزالی، ۱۹۹۷م: ۲۸۶/۱

۳ - عاملی، القواعد و الفوائد: ۳۵/۱

۴ - البوطی، عالم سوریه ی است که مخالف خیزش‌ها (بهار عربی) بود که نمی‌خواست دولت برهم زده شود و مردم بی‌سر و پناه و مهاجر گردند، بالآخره در مسجدی ترور گردید. بی‌تا: ۳۷

۵ - نجفی، جواهر، ۱۳۹۲ق: ۲۴/۲۲

۶ - ریسونی، ۳۰۳

آنهاييکه حجيت مصلحت را مشروط مي دانند:

عده از علماء اسلام مثل امام غزالی و امام بیضاوی -رحمهما الله- حجت بودن مصلحت را مشروط بر چند شرط می دانند، امام غزالی -رحمه الله- مصلحت را از نگاه ارزش به سه نوع تقسیم کرده است: ضروریات، حاجیات و تحسینات^(۱) و در دسته سوم سه شرط های ذیل را ضروری می داند:

- ۱- هماهنگی با قواعد کلی و مبانی و مقاصد عامه شریعت باشد، اگر مصلحت با مقاصد عامه شریعت مخالف باشد، قابل پذیرش نیست و آن باطل است.
- ۲- عقل پذیر باشد، یعنی صاحبان عقل سالم عمل به مصلحت را بپذیرند.
- ۳- بخاطر حفظ یکی از ضروریات خمس^(۲) ضروری باشد.
- ۴- یقینی باشد، یعنی وجود مصلحت در آن چیز یقینی باشد.
- ۵- کلی باشد، یعنی مصلحتی باشد که نفع آن به همه مسلمانان برسد نه فقط منافع شخص خاص و یا عده مخصوص^(۳).

علماء که مصلحت را مطلقاً حجت می دانند:

در علماء سلف امام مالک، امام احمد بن حنبل، شیخ الاسلام ابن تیمیه و ابن القیم جوزی -رحمهم الله- مصلحت را حجت می دانند و دلایل ایشان قرار ذیل است:

- ۱- احکامی که در قرآن آمده است، همه مبتنی بر رعایت مصلحت هستند؛ چنان که آیات قصاص، حد و کیفر بهترین شاهد برای این مطلب است و حتی آیاتی که در مورد ترخیص احکام آمده است مثل آیت: ﴿فَمَنْ أَضْطَرَّ فِي مَخْصَصَةٍ غَيْرِ مَتَجَانِفٍ لِإِثْمِهِ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^(۴) ترجمه: «اما کسی که در حال گرسنگی ناچار شود (از محرّمات سابق چیزی بخورد تا هلاک نشود) و متمایل به گناه نباشد (و عمداً نخواهد چنین کند ، مانعی ندارد) چرا که خداوند بخشنده مهربان است (و از مضطرّ صرف نظر می کند و برای او مقدار نیاز را مباح می نماید)» می باشد.
- بر این اساس، برخی از محرّمات در صورت اضطراری که ناشی از گناه نباشد، مباح می شوند؛ مانند خوردن گوشتی که ذبح شرعی نه شده باشد که این حکم به خاطر صلاح و مصلحت مسلمانان می باشد.

۱ - ضروریات، حاجیات و تحسینات.

۲ - دین، جان، مال، نسل و عقل.

۳ - غزالی.

۴ - سوره مائده : ۳

- ۲- احادیثی که از پیامبر بزرگ اسلام-صلی الله علیه وسلم- رسیده است نیز حاکی از رعایت مصلحت می‌باشد؛ مانند حدیث «فأنکم أن فعلتم ذلک قطعتم ارحامکم»^(۱) که این حدیث در مورد منع از نکاح دختر خواهر و دختر برادر بر خاله و عمه است، زیرا چنین ازدواجی مایه قطع رحم و از هم گسستن خویشاوندی است.
- ۳- رفتار خلفای راشدین که هر کدام از آنها رعایت مصلحت مسلمانان را در نظر گرفته و طبق آن حکم داده‌اند^(۲). مصلحت دلیل دیگری برای جائز بودن نرخ‌گذاری نزد مجوزین آن می‌باشد، یعنی اینکه نرخ‌گذاری به مصلحت مسلمانان تمام شود شریعت برای حاکم مسلمانها اجازه می‌دهد تا بازار را نرخ‌گذاری نماید البته با در نظر داشت مصلحت حقیقی و شروط مصلحت که در بحث‌ها بیان گردید.

۱ - المعجم الكبير، تألیف: سلیمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، ناشر: مكتبة العلوم والحكم - الموصل، طبع دوم ۱۴۰۴ - ۱۹۸۳، تحقیق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، عدد الأجزاء: ۲۰ رقم الحدیث: ۱۱۹۳۱.

۲ - القرافی، ۱۳۹۳ق: ۴۴۶، طوفی، نجم‌الدین، بی‌تا: ۲۵۴، ابن بدران الحنبلی، نزّهه الخاطر: ۴۱۵/۱؛ زرکشی، همان.

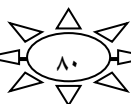
فصل سوم

نرخ گذاری نزد مانعین آن:

مبحث اول: آراء مانعین نرخ گذاری.

مبحث دوم: دلایل مانعین نرخ گذاری:

مبحث سوم: مناقشه دلائل مانعین و مجوزین نرخ گذاری:



فصل سوم

نرخ گذاری در نزد مانعین آن

نرخ گذاری نزد عده ای زیادی از علماء اسلام جایز بود و نزد عده زیاد هم نا جایز و ممنوع می باشد، در فصل گذشته در باره جواز آن بحث صورت گرفت و حالا در باره عدم جواز و یا مانعین آن بحث مفصل می نماییم، مانعین نرخ گذاری از حدیث مشهور «إن الله هو المسعر...» استدلال کرده و عدم جواز آن را نیز از همین حدیث معلوم می کنند که اگر جایز می بود رسول الله -صلی الله علیه وسلم- نرخ گذاری می نمودند و علت حرمت آن را ضرر مردم می دانند که اگر حاکم مسلمانها بالای کالا نرخ بلند را تعیین کند به ضرر مشتری می باشد و اگر نرخ پایین تری را تعیین کند به ضرر بایع و فروشنده تمام خواهد شد، که این در حقیقت تنگ ساختن کار و بار و تضییق روزی بالای مردم از طریق کار و بار ایشان می باشد^(۱).

این فصل به سه مبحث تقسیم شده است که در ذیل بیان می گردد:

مبحث اول: مانعین نرخ گذاری و آرای آنها:

این مبحث با تفاوت مبحث اول فصل دوم (مجوزین نرخ گذاری) ذکر علما حسب زمانه تقسیم بندی گردیده است که در چند مطلب بیان می گردد:

مطلب اول: مانعین نرخ گذاری از اصحاب کرام و آرای آنها:

اصحاب کرام برگزیده ترین مردم و بهترین آنها بعد از پیامبران می باشد، قول صحابه نزد بسیاری از امام، خصوصاً امام مالک -رحمه الله- دلیل شرعی میباشد، اگر در موضوع نرخ گذاری از اصحاب کرام پیشتر دیده شود، رسول الله -صلی الله علیه وسلم- قرار دارند که وی خود از تسعیر امتناع ورزیدند که در حدیث مشهور: "إن الله هو المسعر... إني لأرجو...." قبلاً بیان گردید.

در اصحاب کرام عده ای زیادی وجود دارند که نرخ گذاری را جایز نمی دانند، از جمله:

عمر -رضی الله عنه- در در باره کار صحابی حاطب بن ابی بلتعنه اجتهاد بر جواز نرخ گذاری نموده بود و از فروش کالا به کم تر از نرخ بازار منع کرده بود، باز در اجتهاد دومی خود یعنی بعد از اینکه عمر -رضی الله عنه- در خانه برگشت و خود را - که از عادت او بود- در ترازوی عدالت محاسبه کرد، دانست که رسول الله -صلی الله

علیه وسلم- از نرخ گذاری بازار دست کشیده بودند، وی اقتداء بر نقش قدم رسول الله- صلی الله علیه وسلم- در امور بازار، از کار کرده خویش دست کشید و رجوع نموده و به حاطب بن ابی بلتعہ گفت: «إنما هو شيء أردت به الخیر لأهل البلد فحيث شئت فبيع، وكيف شئت فبيع»^(۱) اراده من جز خیر به اهل بلد نبود، پس هر جایکه می خواهی و هر قسمیکه خواستی به فروش برسان» پس دل خود را بر منع نرخ گذاری آرام ساخت، این موضوع از حدیث حاطب بن ابی بلتعہ دانسته می شود. البته این اثر را علماء نقد کردند، در بخش مناقشه خواهد آمد.

و **علی**-رضی الله عنه- نرخ گذاری را نمی پسندید که از انس-رضی الله عنه- نقل شده است، ایشان در باره نرخ گذاری پسران شد، تا بازار با نرخ گذاری تقییم شود، ایشان انکار نموده و حتی ناخوشنودی در چهره ایشان نمایان گردید و فرمود: «السُّوقُ بِيَدِ اللَّهِ يَخْفِضُهَا، وَيَرْفَعُهَا»^(۲) یعنی بازار بدست الله تعالی است که [نرخ ها را] بالا و پایین می کند.

و منع نرخ گذاری از **ابن عمر**-رضی الله عنه-^(۳) از ایشان نیز نقل گردیده است که نرخ گذاری را نا جایز می دانست.

مطلب دوم: مانعین نرخ گذاری از تابعین:

عده زیادی از علماء تابعین بر عدم جواز نرخ گذاری نظر داده اند، از آن جمله: **سالم بن عبدالله**-رحمه الله-^(۴) **القاسم بن محمد**-رحمه الله-^(۵) ایشان گفته اند، این درست نیست که مردم را گفته شود به چنان نرخ کالا های خود را به فروش رسانید.^(۶)

۱ - السنن الكبرى للبيهقي، حديث شماره: ۱۱۴۷۷

۲ - الاستذكار ج ۱ ص: ۳۷۲۴

۳ - ابن عمر، عبدالله بن عمر بن الخطاب-رضی الله عنهما- ۱۰ سال قبل از هجرت تولد شده و در سال ۷۳ وفات یافته است و وی از صغار صحابه بود، در فتوا و روایت حدیث از مكثرين صحابه می باشد، وی نقش قدم رسول الله و سنت های وی را زیاد تعقیب می نمود، عثمان-رضی الله عنه- منصب قضاء، علی-رضی الله عنه- ولایت شام و ابوموسی اشعری خلافت را در روز تحکیم پیشکش کرده بودند، مگر وی از تمام این ها معذرت خواستند. (الطبقات الكبرى لابن سعد - عبد الله بن عمر بن الخطاب-).

۴ - سالم بن عبدالله بن عمر بن الخطاب، از جمله تابعین، راوی حدیث، یکی از فقهاء سبعة مدینه و مفتی مدینه در زمانش بوده است. إعلام الموقعين عن رب العالمين لابن القيم الجوزية فصل فقهاء المدينة المنورة (الأعلام للزرکلي ج ۳ ص: ۷۱).

۵ - القاسم بن محمد بن ابوبکر صدیق که در سال ۳۷ در مدینه تولد شده و در سال ۱۰۷ در قدید بین مکه و مدینه بخاطر ادای حج یا عمره سفر داشت، وفات کرده است و وی صالح، ثقه و از سادات تابعین و یکی از فقهاء هفتگانه مدینه منوره است و وی در آخر عمر نا بینا شده است. ابن عیینه در باره اش می گوید: او بهترین اهل زمانش بود. الاعلام للزرکلي ۱۸۱/۵.

۶ - البیان و التحصیل، تألیف: أبو الوليد محمد بن أحمد بن رشد القرطبي (المتوفى: ۴۵۰هـ)، تحقیق: د محمد حجي و دیگران، ناشر: دار الغرب الإسلامي، بیروت - لبنان، طبع دوم ۱۴۰۸ هـ - ۱۹۸۸ م ج ۹ ص ۳۱۳، الطرق الحکمیة فی السیاسة الشرعیة ج ۲ ص: ۶۶۱.

مطلب سوم: مانعین نرخ گذاری از علماء دین بعد از تابعین:

علماء قدیم بعد از تابعین، داخل چوکات مذاهب فقهی می گردند، پس ذکر آنها را با مذهب شان یکجا بیان می نمایم:

مذهب **حنفی** اکثراً بر جواز نرخ گذاری می باشد مگر بعضی از علماء مشهور شان مثل امام محمد بن الحسن الشیبانی، ابن عابدین و قهستانی در این موضوع با دیگر علماء حنفی موافق نمی باشند که در ذیل بیان می گردد:

امام **محمد بن الحسن الشیبانی** - رحمه الله - از علماء احناف است بعد از اینکه حدیث حاطب با عمر - رضی الله عنه - را نقل می کند می گوید: به همین استناد می کنم، حاکم را نمی سزد که بالای کالاهای مردم نرخ گذاری کند و به آنها گفته شود، به چنین و چنان بفروشید یا که آنها به نرخ معین مجبور بسازد که این رأی امام ابوحنیفه و فقهاء عام ماست^(۱).

ابن عابدین - رحمه الله - از علماء مشهور احناف است که نرخ گذاری مکروه می داند و در کتاب رد المحتار در ضمن قول خود اضافه می کند علماء دیگر مثل صاحب الملتقی نرخ گذاری را مکروه گفته است^(۲).

عالم دیگر از همین مذهب می گوید: اتفاق علماء بر کراهیت نرخ گذاری [بالای کالا های مردم می باشد] و آن جواز ندارد^(۳).

امام **مالک بن انس** - رحمه الله - که وی مؤسس مذهب مالکی می باشند، روایتی از وی بر عدم جواز نرخ گذاری ذکر است، و قتیکه حاکم بدون موجب (در حالت عادی) نرخ گذاری کند نقل شده است. و این قول را ابن وهب نقل می کند که از امام صاحب در باره حاکم بازار پرسان شد که در آن نرخ گذاری کند و برای ایشان گفته شود به چنین نرخ به فروش برسانید و الا از بازار بیرون شوید؟ امام مالک گفت: در این هیچ خیری نیست^(۴).

۱ - موطأ ص: ۳۴۱، چاپ هندی.

۲ - رد المحتار، ج ۹، ص ۵۷۳.

۳ - اختلاف ائمة العلماء، تألیف الوزير أبو المظفر یحیی بن محمد بن هبيرة الشیبانی دار النشر: دار الکتب العلمیة - لبنان - بیروت - ۱۴۲۳ هـ - ۲۰۰۲ م ص: ۴۱۳.

۴ - التیسیر فی احکام التسعیر ص: ۴۹.

والباجی منع نرخ گذاری را از امام مالک اخذ می کند و می گوید این نظر ابن عمر، سالم بن عبدالله و القاسم بن محمد است^(۱).

مذهب امام شافعی و امام احمد بن حنبل بر منع نرخ گذاری می باشد که حنبلی ها می گویند، نباید حاکم مسلمانها بالای کالا های مردم نرخ گذاری کند و رأی امام شافعی حتی بر حرمت نرخ گذاری است^(۲) و اگر چند که وقت بلند شدن قیمت ها هم باشد، او اینکه حاکم مسلمانها مردم را امر کند تا کالا های خود را به فلان نرخ بفروش برسانید، که این در حقیقت تنگ کردن و تضییق روزی بالای مردم می باشد^(۳) (۴).

امام نووی - رحمه الله - از علماء شافعی می باشد، می گوید: نرخ گذاری بر قول صحیح در تمام وقت ها حرام است و قول دومی وی نیز نقل گردیده است که می گوید: نرخ گذاری جز در وقت بلند بودن قیمت ها جواز ندارد و در طعام جلب (وارد) شده حرام است و اگر طعام در داخل کشت و زراعت شود و نزد قنات باشد، در آن وقت جواز دارد و در جواز نرخ گذاری طعام حیوانات (علف) بر قول صحیح شامل می شود^(۵).

او می افزاید: حاکم را جایز نیست که نرخ گذاری کند^(۶) چون در زمان رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در مدینه منوره نرخ گذاری نه شده بود؛ بر این خاطر که در آنجا نان فروش نبوده بلکه هر کس گندم و جو را دانه ی خریداری کرده و از آن آرد ساخته در خانه های شان نان پخته می کردند و وقتیکه دانه وارد بازار می شد هیچ کس پشت او را نمی گرفت، بلکه مردم از وارد کننده ها می گرفتند و همچنان در مدینه منوره حائک (نساجی) نبوده، بلکه مردم لباس های ضروری خود را از وارد کننده ها بدست می آوردند^(۷).

و از او نقل شده: « ولا يحل للسلطان التسعير »^(۸) برای حاکم حلال نیست که بالای [کالای] مردم نرخ گذاری کند.

۱ - المنتقی شرح الموطأ ۱۸/۵.

۲ - در کتاب اسنی المطالب فی شرح روضة الطالب در باب "البیوع المنهی عنها"

۳ - الفقه الاسلامی وأدلته ج ۴/۲۴۱

۴ - اسنی المطالب لזکریا الانصاری ج ۴ ص ۹۳، انظر النووی، روضة الطالبین ج ۲ ص ۵۰.

۵ - روضة الطالبین وعمدة المفتین، النووی، أبوزکریا یحیی بن شرف الحورانی الشافعی، ص: ۴۱۱ و ۴۱۲.

۶ - المهذب فی فقه الإمام الشافعی، للعلامة أبی إسحاق إبراهيم بن علی بن یوسف الفیروز آبادی المتوفی سنة ۴۷۶ هـ طبعة مصطفى البابی الحلبي وأولاده ۲۹۲/۱.

۷ - المجموع شرح المهذب ۲۹/۱۳.

۸ - المهذب وشرحه: ۲۹/۱۳.

عبدالرحمن بن قدامه - رحمه الله - می گوید: حق حاکم نیست که بالای [کالای] مردم نرخ گذاری کند، بلکه مردم به اختیار [تام] خود خرید و فروش کنند^(۱). و اضافه کرده است: مذهب امام الشافعی - رحمه الله - بر عدم جواز نرخ گذاری می باشد^(۲).

محمد بن الحسن الفراء - رحمه الله - می گوید: نرخ گذاری بالای طعام و غیره چه در وقت فراوانی باشد و چه در وقت بلند شدن قیمت ها، جواز ندارد.^(۳)

زکریا انصاری - رحمه الله -^(۴) از علماء شافعی می باشد می گوید: نرخ گذاری حرام است او اینکه والی بازار امر کند که کالاهای خود را به جز چنین قیمت نه فروشند و اگر چند که در وقت غلاء (بلند شدن قیمت ها) هم باشد تا روزی مردم را بالای ایشان تنگ بسازد و به حدیث انس - رضی الله عنه - استدلال می کند که در زمان رسول الله - صلی الله علیه وسلم - نرخ بلند شده بود و مردم تقاضای نرخ گذاری نمودند و رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از آن اجتناب کردند^(۵).

ابراهیم بن علی بن یوسف فیروز آبادی متوفای ۴۷۶ آورده است: «و یحرم التسعیر» یعنی نرخ گذاری حرام است^(۶)

الماوردی^(۷) موضوع نرخ گذاری با استدلال حدیث انس و ابوهریره - رضی الله عنهما - و ذکر اثر عمر با حاطب - رضی الله عنهما - بیان کرده و اقوال ائمه فقهاء ذکر می کند که نرخ گذاری جایز نیست بخاطریکه مردم بالای کالا های خود تسلط دارند و نرخ گذاری حرج آن می باشد و این را بیان می کند که اگر حاکم بازار را نرخ گذاری نماید، مخالفین تحت پیگرد قرار بگیرند^(۸).

۱ - المغنی شرح کبیر ۵۱/۴.

۲ - المغنی و شرح الکبیر: ۵۱/۴.

۳ - نیل الاوطار: ۲۳۲/۵ و ۲۳۳.

۴ - ابویحیی السنیکلی المصری، زکریا بن محمد بن زکریا الانصاری قاضی القضاة الشافعی متولد ۸۲۴ و متوفای ۹۲۶ می باشد، تصانیف زیاد دارد از جمله: احکام الدلالة على تحرير الرسالة في شرح القشيرية، أدب القاضي على مذهب الشافعي. شرح جامع الصحيح البخاری و صحيح مسلم ابن الحجاج و اسنى المطالب في شرح الطالب و غيره می باشد.

۵ - أسنى المطالب في شرح روض الطالب، تأليف: زکریا الأنصاري المتوفى: ۹۲۶، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت لبنان عام: ۱۴۲۲ الطبعة الأولى ۴ ج، ص ۹۳. وانظر: النووي، روضة الطالبين، ج ۲، ص ۵۰.

۶ - التبيين في الفقه الشافعي تأليف: ابراهيم بن يوسف الفيروز ابادي الشيرازي ابواسحاق متوفای ۴۷۶ ناشر: عالم الكتب بيروت لبنان عام النشر ۱۴۰۳ ص ۱۱.

۷ - الماوردی، ابوالحسن علي بن محمد بن حبيب البصرى البغدادي الشهير بالماوردی متوفای: ۴۵۰ هـ شافعی مذهب می باشند.

۸ - الحاوی فی الفقه الشافعی، تأليف: ابوالحسن الماوردی البصرى البغدادي، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت لبنان ، عام الطبع: ۱۴۱۴ هـ ج ۵ ص: ۴۰۶-۴۱۱.

مذهب **حنابله** هم به عدم جواز نرخ گذاری می باشد:

شرف الدین موسی ابوالنجا الحجاوی^(۱): از علماء حنبلی می باشد، می گوید: «ویحرم التسعیر وهو أن يسعر الإمام على الناس سعرا ويجبرهم على التبایع به ويكره الشراء منه وإن هدد من خالف حرم وبطل ويحرم قوله بع كالناس وأوجب الشيخ إلزامهم المعارضة بثمان المثل وأنه لا نزاع فيه لأنه مصلحة عامة لحق الله تعالى ولا تتم مصلحة الناس إلا بها كالجهاد وكره أحمد البيع والشراء من مكان ألزم الناس بهما فيه لا الشراء ممن اشترى منه»^(۲) یعنی: " و نرخ گذاری حرام می باشد و او اینکه حاکم بالای [کالاهای] مردم نرخ گذاری کند و آنها در خرید و فروش مجبورا آن را پیروی نمایند، و خرید و فروش به آن مکروه است و اگر مخالفین تهدید شوند در آن صورت حرام و باطل می باشد و این قول هم حرام است که گفته شود: «مثل مردم خرید و فروش نما» و در صورت معارضه ثمن مثل را لازمی می داند و بر این هیچ اختلافی وجود ندارد که مصلحت عامه در آن نهفته است و حق الله تعالی می باشد و مصلحت مردم جز به آن تکمیل نمی گردد، مانند: جهاد و غیره.

المرداوی^(۳) می گوید: نرخ گذاری حرام است و مذهب صحیح در خرید و فروش به اساس نرخ گذاری مکروه می باشد، اگر مخالفت از نرخ گذاری تهدید شود حرام است و عقد باطل می گردد، و از قول: «بع كالناس» مذهب صحیح این است که در این قول کدام وجوه حرمت وجود ندارد. شیخ السلام تقی الدین لازمی ساختن مردم را به معاوضه و بیع مثل واجب می داند و گفته است در این کدام اختلافی وجود ندارد بخاطریکه مصلحت عامه و حقی الله تعالی در آن نهفته است. و امام احمد بن حنبل - رحمه الله - خرید و فروش از روی نرخ گذاری را مکروه می داند.^(۴)

۱ - الحجاوی ابوالنجا، موسی بن احمد بن موسی بن عیسی بن سالم الحجاوی المقدسی، باز صالحی، فقیه حنبلی از اهل دمشق می باشد که در آنجا در سال ۹۶۸ ولد شده و در آنجا بزرگ شده و مفتی حنبلی ها و شیخ الاسلام آنجا بوده است. و نسبت او به (حجة) قریه از نابلس می باشد، او تألیفات زیاد دارد از جمله: زاد المستقنع فی اختصار المقنع و شرح منظومة الأداب الشرعية للمرداوی، الإقناع در ۴ جلد که از بهترین کتاب های حنابله ها می باشد که ابن عماد گفته است: هیچ کسی مانند او کتابی را تألیف نکرده است که نقل و مسائل زیادی را دربر داشته باشد. (الأعلام زرکلی ج ۷ ص: ۳۲۰).

۲ - "الإقناع في فقه الإمام احمد بن حنبل" تألیف: شرف الدین موسی بن احمد بن موسی ابوالنجا الحجاوی متوفای ۹۶۰، تحقیق: عبداللطیف محمد موسی السبکی، ناشر: دار المعرفة بیروت- لبنان ج ۲ ص ۷۷.

۳ - المرادوی، علی بن سلیمان بن احمد المرادوی باز دمشقی: فقیه حنبلی و از علماء آن که در سال ۸۱۷ در مردا (نزدیک نابلس) تولد شده و بعد از بزرگ شدن به دمشق انتقال داده شده و در آنجا در سال ۸۸۵ وفات یافته است، و از تألیفات او: الانصاف فی معرفة الراجح من الخلاف در ۱۲ جلد و مختصر آن در ۲ جلد و تحریر المنقول در اصول فقه و غیره می باشد. (الأعلام للزرکلی ج ۴: ص: ۲۹۲).

۴ - الانصاف فی معرفة الراجح من الخلاف علی مذهب الإمام أحمد بن حنبل، تألیف: المرادوی، علاءالدین أبو الحسن علی بن سلیمان المرادوی دمشقی الصالحی، ناشر: دار إحياء التراث العربی بیروت - لبنان، الطبعة الأولى ۱۴۱۹، ج ۳۳۸/۴.

منصور بن یونس^(۱) از علماء متأخرین حنبلی می باشد که نرخ گذاری را حرام می داند و کار و بار به اساس نرخ گذاری را مکروه می گوید، مگر وی بیع مثل را در مال احتکار شده و در اعمال (کار) احتکار شده، ضروری و لازمی می پندارد و این را از مذهب حنبلی می داند^(۲) در حالیکه نزد دیگران ثمن مثل در حقیقت نرخ گذاری می باشد.

رملی - رحمه الله -^(۳) می گوید: بر امام و نائب او و حتی بر قاضی حرام است که در طعام و غیره مردم نرخ گذاری کند^(۴)

و آن عده علماء که بیرون از چهار مذهب می باشند و در باره عدم جواز نرخ گذاری از آنها نقل شده است قرار ذیل می باشد:

عمر بن عبدالعزیز - رحمه الله -^(۵) وقتیکه نرخ ها به اهل ابله^(۶) از خاطر مسدود شدن راه بحر بلند شد، عمر بن عبدالعزیز حدیث عمر با حاطب - رضی الله عنهما - را به آنها در میان گذاشته فرمود: "بین آنها و مردم فاصله ایجاد نکنید، بتحقیق سعر (نرخ) بدست الله تعالی است"^(۷).

ابن حزم - رحمه الله -^(۸) : به آیت کریمه: ﴿إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ﴾ و حدیث انس - رضی الله عنه - استدلال کرده نرخ گذاری حرام می داند.^(۹)

۱ - البهوتی الحنبلی، منصور بن یونس بن صلاح الدین، شیخ حنابلہ مصر در زمانه اش که در سال ۱۰۰ در بهوت مصر که نسبت اش به آن است و در غرب مصر قرار دارد، می باشد، صاحب تألیفات زیاد است از جمله: إرشاد أولى النهی لدقایق المنتهی، المنح الشافیة، نظم المفردات، عمدة الطالب، هداية الراغب لشرح عمدة الطالب و سال ۱۰۵۱ وفات نموده است. (الأعلام زرکلی ج: ۷ ص: ۳۰۷).

۲ - کشف القناع عن متن الإقناع ج ۱ ص: ۲.

۳ - الرملى، محمد بن حمزة، شمس الدین الرملى، فقیه دیار مصری بین ۹۱۹ الی ۱۰۰۴ بود و مرجع فتوا بود، او الشافعی الصغیر می نامیدند، فتاوی پدر خود را جمع آوری کرد، تألیفات زیاد دارد از جمله: نهاية المحتاج إلى شرح المنهاج، غایة المرام و غیره می باشد.

۴ - نهاية المحتاج إلى شرح المنهاج، تألیف الرملى شمس الدین محمد بن احمد الشهير بالشافعی الصغیر، ناشر: دار الفكر للطباعة ۱۴۰۴ هـ بیروت - لبنان: ج ۳ ص: ۲۷۳.

۵ - عمر بن عبدالعزیز بن مروان بن الحکم بن أبی العاص بن أمية، در سال ۶۱ در مدینه منوره تولد شده و در سال ۹۹ زمام خلافت را بر عهده گرفته و تا سال ۱۰۱ امامه داد و وفات نمود، وی هشتمین خلیفه از خلفای اموی می باشد و در نزد بسیاری ها از جمله ابن اثیر پنجمین خلیفه از خلفای راشدین می دانند و وی فقیه نیز بودند. پدرش عبدالعزیز بن مروان یکی از بزرگان بنی امیه بود.

۶ - ابله: شهری زیبایی است در کنار دجله نزدیک بصره قرار دارد که موسی با خضر - علیهما السلام - از اهل آن طعام خواست، اما اهل آن حاضر نشدند که به ایشان طعام (مهمانی) دهند. و این شهر به خاطر زیبا بودنش در شعر شاعرها جای گرفته است که یکی آنها می گوید: جزى الله قومی بالأبله نضرة و بدوا لنا حول الفراض و حضرا

۷ - المجموع شرح المذهب ۳/۱۳.

۸ - ابن حزم الاندلسی، علی بن احمد بن سعید بن حزم، الظاهری، شاعر، کاتب، فیلسوف و فقیه بود که در سال ۳۸۴ در شهر قرطبه بدنیا آمده است، در نسب او اختلاف کردند که فارسی است و یا هم اندلسی الاصل یا اینکه عرب است؟ به هر

امام الشوکانی - رحمه الله - در کتاب مشهور نیل الاوطار خود بعد از ذکر احادیث منع نرخ گذاری می گوید: "از احادیث پیامبر - صلی الله علیه وسلم - چنین استدلال می گردد که نرخ گذاری حرام و ظلم می باشد، زیرا که مردم بالای مال خود تسلط دارند و نرخ گذاری آن ها را از سلطه شان منع می کند و حاکم باید مصلحت مردم را رعایت کند، تنها مصلحت مشتری به کم پرداختن را مد نظر نداشته باشد و این هم مصلحت بایع است که پول زیادتری را بدست بیاورد، همین جاست که هر دو جهت کوشش خود را بخاطر حل مشکل بخرج دهند و صاحب کالا را ضروری است که کالا های خود را بدون رضا به فروش نرساند که منافی قول الله تعالی می گردد: ﴿إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ﴾^(۲) ترجمه: «نخورید مگر این که (تصرف شما در اموال دیگران از طریق) داد و ستدی باشد که از رضایت (باطنی دو طرف) سرچشمه بگیرد» همین مذهب جمهور علماء است، مگر جواز قرار دادن امام مالک توسط احادیث باب رد می گردد. و ظاهر احادیث این را بیان می کند که در حکم نرخ گذاری فرقی در بلند و پایین شدن قیمت و مجلویی و غیر مجلویی وجود ندارد. و امام شافعی که در وقت بلند شدن قیمت ها جواز قرار می دهد این هم رد می گردد. و همچنان ظاهر احادیث بر این است که اینجا در نرخ گذاری فرقی بین طعام آدمی و غیر آن مثل قوت حیوانات وجود ندارد...^(۳)

و وی نرخ گذاری را در جمع بیوع حرام از جمله: تلقی الرکبان، بیع الحاضر لباد و التاجس والاحتکار ذکر می کند.^(۴)

و از علماء متأخرین نقل گردیده است: «نرخ گذاری بنا بر دلالت حدیث های انس و ابوهریره - رضی الله عنهما - حرام است، چرا که در نرخ گذاری نوعی از ظلم نهفته است، و قتیکه ظلم باشد حرام می باشد، و علت

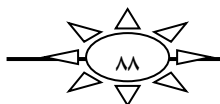
= حال از خانواده است که در ساختار اندلس نقش دارند، فقه شافعی را از شیوخ قرطبه آموخته و شافعی مذهب بزرگ شد و بالآخره به مذهب ظاهری روی آورد و به ابن حزم ظاهری شهرت یافت. وی در سیاست نیز دخیل بود و بعد از اینکه دولت اموی ها از اندلس رخت سفر بست وی راه تحصیل را پیش گرفت تا اینکه یک مکتبه به زبان عربی به میراث گذاشت، از مشهورترین آن: الفصل فی الملل والأهواء والنحل، طوق الحمامة، نقط العروس، المحلی، الاحکام فی أصول الأحکام و غیره می باشد، وی چهل سال سختی که از طرف فقهاء زمانش تحمل شده بود گذاراند و حتی در سال ۴۵۶ در شهر منتلیشیم اندلس وفات یافت. الموسوعة العربية العالمية.

۱ - المحلی، أبو محمد علی بن أحمد بن سعید بن حزم الأندلسی القرطبی الظاهری (المتوفی: ۴۵۶ هـ) الناشر: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع ابن حزم، ج ۹، ص ۴۱، ۴۰.

۲ - النساء: ۱۸.

۳ - نیل الاوطار ج ۵ ص: ۲۷۶.

۴ - الأدلة الرضیة لمتن الدرر البهیة فی المسائل الفقهیة، تألیف: إمام محمد بن عثمان الشوکانی، ناشر: دار الهجرة - صنعاء - ج ۱ ص: ۱۳.



حرمت آن تحجر بالای مال مردم است در حالیکه آنها بالای مال خود تسلط دارند و...» و وی در ادامه در همین موضوع می گوید: حتی قول « **بع کما بیع الناس** » به نرخ و فروش مردم به فروش برسان نیز حرام است.^(۱)

علماء معاصر اکثرا بر جواز نرخ گذاری مایل اند که در فصل قبلی بیان گردید و در علماء معاصر کسی را نیافتم که بر عدم جواز نرخ گذاری قایل باشند، علماء معاصر قول تفصیلی شیخ الاسلام ابن تیمیه - رحمه الله - تعقیب می کنند. والله اعلم!

مبحث دوم - دلیل های مانعین نرخ گذاری:

مانعین نرخ گذاری به نصوصی از کتاب الله و احادیث رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بخاطر تأیید رأی خود استدلال می کنند و واضح است که دلیل های مانعین در نصوص بیشتر از دلیل های مجوزین نرخ گذاری می باشد؛ زیرا که در اصل شریعت اسلامی آزادی بازار (عاری از هر نوع تقييد و تقسیم) می باشد، در ذیل دلیل های مانعین نرخ گذاری را بیان می کنم:

مطلب اول - منع نرخ گذاری در نصوص:

منع نرخ گذاری به دلیل های از کتاب الله، احادیث رسول الله - صلی الله علیه وسلم - و آثار بزرگان ثابت می گردد، که در این مطلب حسب شماره های ذیل بیان می گردد:

اول - منع نرخ گذاری از دیدگاه کتاب الله تعالی:

از نظر علماء تنها یک آیت کریمه است که از آن به منع نرخ گذاری استدلال کرده می شود که الله تعالی می فرماید: ﴿ **يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَاْكُلُوْا اَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ اِلَّا اَنْ تَكُوْنَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ** ﴾^(۲) ترجمه: "ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال همدیگر را به ناحق (یعنی از راههای نامشروعی همچون: دزدی، خیانت، غصب، ربا، قمار، و...) نخورید مگر این که (تصرف شما در اموال دیگران از طریق) داد و ستدی باشد که از رضایت (باطنی دو طرف) سرچشمه بگیرد".

۱ - الأسئلة والأجوبة الفقهية، تأليف: ابو محمد عبدالعزيز بن محمد بن عبدالرحمن بن عبدالمحسن السلمان متوفى: ۱۴۲۲ ج ۴ ص: ۸۲.
 ۲ - سورة نساء: ۲۹

ابن عباس - رضی الله عنهما - می گوید این آیت از جمله محکومات است که نسخ نه شده است. و قسمت بعدی آیت ﴿إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ﴾ ترجمه: «نخورید مگر این که (تصرف شما در اموال دیگران از طریق) داد و ستدی باشد که از رضایت (باطنی دو طرف) سرچشمه بگیرد» توسط چندین احادیث نبوی شرح داده می شود که میمون بن مهران از رسول الله - صلی الله علیه وسلم روایت می کند که فرمودند: «الْبَيْعُ عَنْ تَرَاضٍ وَالْخِيَارُ بَعْدَ الصَّفَقَةِ وَلَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَغْشَى مُسْلِمًا»^(۱) ترجمه: "خرید و فروش به رضا می باشد و اختیار بعد از می باشد و هیچ مسلمانی را نمی سزد تا مسلمانی غش (عیب کالا های خود را پنهان) کند"

و حدیث: «لَا يَحِلُّ مَالُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِلَّا بِطَيْبِ نَفْسٍ مِنْهُ»^(۲) ترجمه: [خوردن] مال مسلمان بدون رضایت نفس او حلال نمی باشد!

و حدیث که امام بخاری و امام مسلم در صحیحین شان ذکر کردند که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرموده اند: «الْبَيْعَانِ بِالْخِيَارِ مَا لَمْ يَنْفَرَقَا»^(۳) ترجمه: «فروشنده و خریدار تا زمانی که از هم جدا نه شده اند، اختیار فسخ معامله را دارند». و در باره جدائی مطلوب علماء نظریات مختلف دارند، قوی ترین آن جدائی مجلس است. و از همین قسمت آیت کریمه امام شافعی - رحمه الله -^(۴) بیع معاطات^(۵) را نا جائز می داند و در حالیکه نزد جمهور علماء (امام ابوحنیفه، امام مالک - رحمهما الله -^(۱) و امام احمد و غیره - رحمهم الله -) رضایت قسمیکه با الفاظ حاصل می گردد، با افعال و اشارات نیز حاصل می گردد و بیع نافذ می باشد^(۲).

۱ - مُصَنَّفُ ابْنِ أَبِي شَيْبَةَ، مُصَنَّفٌ : أَبُو بَكْرٍ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي شَيْبَةَ الْعَبْسِيُّ الْكُوفِيُّ (۱۵۹ - ۲۳۵ هـ) حَدِيثٌ شَمَارُهُ: ۲۲۸۶۴.

۲ - مُسْنَدُ أَحْمَدَ: حَدِيثٌ عَمَّ أَبِي حُرَةَ الرَّقَاشِيِّ، رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ. حَدِيثٌ شَمَارُهُ: ۲۰۹۷۱.

۳ - صَحِيحُ الْبَخَّارِيِّ، بَابُ مَنْ أَنْظَرَ مُوسِرًا، حَبِيثٌ شَمَارُهُ: ۲۰۷۹، صَحِيحُ مُسْلِمٍ، بَابُ بَابِ الصَّدَقِ فِي الْبَيْعِ وَالْبَيَانِ، حَدِيثٌ شَمَارُهُ: ۱۵۳۲.

۴ - الشَّافِعِيُّ، مُحَمَّدُ بْنُ إِدْرِيسَ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَثْمَانَ بْنِ شَافِعٍ هَاشِمِيٍّ قَرِيشِيٍّ وَ مَطْلَبِيٍّ وَ كُنْيَةُ اش: أَبُو عَبْدِ اللَّهِ دَرَّ سَالِ ۱۵۰ دَرَّ غَزِهَ تَوْلَدَ شَدِهَ وَ دَرَّ سَنَ دُو سَالِغِي بِهَ مَكَّةَ مَكْرَمِهَ بَرَدَه شَدِهَ، وَ دُو بَارَ بَغْدَادَ آمَدَه وَ دَرَّ سَالِ ۱۹۹ مَصْرَ رَفْتَه وَ دَرَّ أَنْجَا دَرَّ ۲۰۴ هـ وَ وَفَاتَ نَمُودَه اسْت. يَكِي اَز اِمَامِ هَايِ چَهَارْگَانِه مِي باشَد، نَسْبَتِ تَمَامِ شَافِعِي هَا بِه اَوْسْت. مَبْرَدِ دَر وَصْفَتَش مِي گويد: شَافِعِي شَاعِرَتَيْنِ، اَدِيبِ ثَرِينِ وَ دَانَاثَرِينِ مَرْدَمِ بِه فِقْهٍ وَ قَرَاءَاتِ بُوَد.

امام احمد بن حنبل - رحمه الله می گوید: "هر آنکه در دست قلم و کاغذ دارد مگر برای شافعی بر بالای او منتهی دارد" امام شافعی تألیفات هم دارد از آن جمله: "الأم" را در فقه و "الرسالة" در اصول فقه و "المسند" را در حدیث و "أحكام القرآن" و غیره را نوشته است. (الأعلام للزركلي، امام شافعی ۲۶/۶).

۵ - بیعی معاطات یا تعاطی: نوعی از بیع است که در آن بایع و مشتری بدون اینکه به الفاظ ایجاب و قبول تلفظ کنند، عملاً و دست به دست داد و ستد می نمایند و همین داد و ستد عملی بر حصول ایجاب و قبول و رضایت، نزد بسیاری از علماء دلالت می کند. معجم مصطلحات المالية والاقتصادية فی لغة الفقهاء ص: ۱۰۰ ط ۱ عام ۲۰۰۸ دار القلم دمشق - سوریا.

وجه استدلال از آیت در رابطه به تسعیر:

آیت کریمه دلالت صریح بر حر بودن بایع و مشتری در انعقاد بیع را افاده می کند، اما نرخ گذاری این آزادی را از او سلب می کند تا به یک صفت معینه مال خود را بفروش برساند. و بدون رضای او مثل خوردن مال او به باطل است، پس لازمی ساختن بهای معین، بالای کالا های مردم خلاف این آیت کریمه است.

دوم- منع نرخ گذاری در سنت رسول الله-صلی الله علیه وسلم:-

منع نرخ گذاری بنا بر دلالت احادیث نبوی-صلی الله علیه وسلم- ثابت می گردد که در ذیل ذکر می کنیم:

۱- انس بن مالک -رضی الله عنه- روایت می کند، در زمانه رسول الله-صلی الله علیه وسلم- بهای [کالاها] بلند شد، پس اصحاب فرمودند: ای پیامبر خدا! نرخ گذاری نمائی؟ ایشان فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمُسَعِّرُ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ الرَّازِقُ وَإِنِّي لأَرْجُو أَنْ أَلْقَى اللَّهَ وَلَيْسَ أَحَدٌ مِنْكُمْ يُطَالِبُنِي بِمُظْلَمَةٍ فِي دَمٍ وَلَا مَالٍ»^(۳) ترجمه: یعنی «خداوند خود ضیق و تنگ کننده، فراخ کننده [روزی]، روزی دهنده و نرخ گذار است و من امید وارم خداوند را در حال روبرو شوم که کسی از من طلب مظلومه ی را نکند که در خون و مالش ظلم کرده باشم».

این حدیث شریف دلالت مستقیم بر منع نرخ گذاری می کند که رسول الله-صلی الله علیه وسلم- حین بلند شدن نرخ ها با وجود مطالبه، از نرخ گذاری امتناع ورزیدند و امتناع ایشان دلالت بر عدم جواز آن دارد.

۲- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَجُلًا جَاءَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ سَعَّرَ فَقَالَ: «بَلِ ادْعُو». ثُمَّ جَاءَهُ رَجُلٌ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ سَعَّرَ فَقَالَ: «بَلِ اللَّهُ يَخْفِضُ وَيَرْفَعُ وَإِنِّي لأَرْجُو أَنْ أَلْقَى اللَّهَ وَلَيْسَ لِأَحَدٍ عِنْدِي مُظْلَمَةٌ»^(۴) یعنی: ابوهریره-رضی الله عنه- نقل می کند، مردی آمد و گفت: ای رسول الله! نرخ گذاری نما! فرمودند: "بلکه به الله تعالی دعا می کنم" باز مردی آمد و

۱ - اسم: مالک بن انس بن مالک الاصبغی الحمیری، ابو عبدالله، امام دار هجرت، و یکی از چهار ائمه اهل سنت، و نسبت مالکی ها بر اوست در مدینه منوره در سال ۹۳ تولد شده و سال ۱۷۹ وفات یافته است، در دین خود متمسک و دور از امراء و ملوک بود، هارون الرشید بخاطر روایت حدیث و المنصور بخاطر اعمال مردم به موطا نردش آمدند، و امام مالک نویسنده الموطا، رساله ی در وعظ و کتابی المسائل و رساله در رد قدریه و تفسیر غریب قرآن را نوشته است (الأعلام للزركلي ۲۵۷/۵).

۲ - تفسیر ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، مؤلف: عماد الدین أبو الفداء إسماعیل بن کثیر الدمشقی، مشهور به ابن کثیر تحقیق: مصطفی السید محمد + محمد السید رشاد + محمد فضل العجمای + علی أحمد عبد الباقي، ناشر: مؤسسة قرطبة + مکتبه أولاد الشيخ للتراث- الحیزة، طبع اول، سال: ۱۴۱۲ هـ، ۲۰۰۰م تفسیر ابن کثیر: تفسیر آیت ۲۹ سوره نساء.

۳ - تخریج حدیث قبلا گذشت که همه پنج ائمه بجز از نسائی حدیث را نقل کرده اند.

۴ - سنن أبو داود، کتاب البیوع، حدیث شماره: ۳۴۵۰، مسند أحمد، باب التسعیر، حدیث شماره: ۳۴۵۲ و امام البانی این حدیث را صحیح گفته است.

گفت: ای رسول الله! نرخ گذاری نما! پس فرمودند: "بلکه الله تعالی [نرخ ها را] الله تعالی پایین و بلند می کند و من امیدوار هستم که الله تعالی را طوری روبرو شوم نزدم هیچ مظلومی از احدی نباشد".

۳- عن أبي سعيد قال غلا السعر على عهد رسول الله صلى الله عليه و سلم فقالوا لو قومت يا رسول الله قال : - (إني لأرجو أن أفرقكم ولا يطلبني أحد منكم بمظلمة ظلمته)^(۱) ترجمه: از ابو سعید -رضی الله عنه- روایت است که می گوید: در زمان رسول الله-صلی الله علیه وسلم- نرخ ها بلند شد، پس [اصحاب] گفتند: ای پیامبر خدا از قیمت ها تعیین گردد، فرمودند: «من خواهان آن هستم که از شما قسمی جدا شوم که کسی از من مطالبه ظلمی را نکند که من ظلم کرده باشم».

۴- عن أنس -رضي الله عنه- قال: قيل للنبي-صلى الله عليه وسلم-: سعر لنا الطعام. فقال رسول الله صلى الله عليه و سلم : «إن غلاء أسعاركم ورخصها بيد الله عز و جل وليس لأحد منكم قبلي مظلمة في مال ولا دم»^(۲) ترجمه: از انس -رضی الله عنه- روایت است که به رسول الله-صلی الله علیه وسلم- گفته شد: برای ما در طعام نرخ گذاری نما! رسول الله-صلی الله علیه وسلم- فرمودند: «بلند شدن قیمت های تان و ارزان شدن آن بدست الله تعالی می باشد، برای هیچ یکی از شما از طرف من ظلمی در مال و خون نمی باشد».

۵- ابوسعید خدری-رضی الله عنه- می گوید: أن يهوديا قدم زمن النبي صلى الله عليه و سلم بثلاثين حمل شعير وتمر فسعر مدا بمد النبي صلى الله عليه و سلم وليس في الناس يومئذ طعام غيره وكان قد أصاب الناس قبل ذلك جوع لا يجدون فيه طعاما فأتى النبي صلى الله عليه و سلم الناس يشكون إليه غلاء السعر فصعد المنبر فحمد الله وأثنى عليه ثم قال : «لا ألقين الله من قبل أن أعطي أحدا من مال أحد من غير طيب نفس إنما البيع عن تراض ولكن في بيوعكم خصالا أذكرها لكم : لا تضاغنوا ولا تناجشوا ولا تحاسدوا ولا يسوم الرجل على سوم أخيه ولا يبيعن حاضر لباد والبيع عن تراض وكونوا عباد الله إخوانا»^(۳). ترجمه: در زمان رسول الله-صلی الله علیه وسلم- یهودی با سی مرکب جو و خرما آمد یک مد را به مد رسول الله-صلی الله علیه وسلم- نرخ گذاری نمود، و مردم در حال بودند که در آن وقت جز آن طعامی نداشتند که قبل از آن مردم در وضعیت گرسنگی بسر می بردند، مردم شکایت کنان از نرخ بلند نزد رسول الله-صلی الله علیه وسلم آمدند، رسول الله-صلی الله علیه وسلم- به منبر بلند شده، حمد و ثنا گفتند و فرمودند: «هرگز الله تعالی را روبرو نخواهم شد که مال یکی را به دیگری به زور ندهم، جز این نیست که خرید و فروش به رضا می باشد لکن در خرید و فروش تان خصلت های است که بیان می دارم: در بین هم حقد و کینه نه ورزید و

۱- سنن ابن ماجه، كتاب التجارات، باب من كره أن يسعر، ۷۴۴/۲ و مسند الإمام احمد بن حنبل: ۱۰۵/۳.

۲- أخرجه الطبراني في المعجم الكبير برقم: ۹۷۲۷، و این حدیث را سفیان از سالم مرسله به شماره حدیث ۱۴۸۹۹ نقل کرده است.

۳- أخرجه ابن حبان في صحيحه، رقم الحديث: ۱۱۰۶

[در معاملات خویش] تناجش ننمائید و حسد نکنید، مردی به پیشنهاد خریداری برادرش پیشنهاد خریداری ننماید و شهری به بادیه نشین به فروش نرساند و خرید و فروش به رضا می باشد و باشید بنده الله با هم برادر».

۶- از علی -رضی الله عنه- روایت است گفت: به رسول الله صلی الله علیه وسلم - گفته شد: بازار را قیم و نرخ گذاری نما، فرمودند: «إن غلاء السعر ورخصه بيد الله إني أريد أن ألقى ربي وليس أحد يطلبني بمظلمة ظلمتها إياه»^(۱) ترجمه: «بلند شدن نرخ ها و پایین آمدن آن به دست الله تعالی می باشد، من می خواهم پروردگارم را در حال روبرو شوم کسی از من مطالبه مظلومه ای را نکند که من به او ظلم کرده ام».

۷- از ابن عباس -رضی الله عنهما- روایت است گفت: در زمانه رسول الله -صلی الله علیه وسلم- نرخ ها بلند شد، گفتند: نرخ گذاری نمای ای رسول الله -صلی الله علیه وسلم- فرمودند: «إن الله هو المسعر القابض الباسط واني لأرجو أن ألقى الله عز و جل وليس أحد منكم يطلبني بمظلمة في عرض ولا مال»^(۲) یعنی «الله تعالی خود نرخ گذار، تنگ و فراخ کننده [روزی] من امیدوارم خداوند را در حال روبرو شوم که کسی از شما طلب مظلومه ی را نکند که در عرض و مالش مطالبه نکند»

۸- از ابی جحیفه -رضی الله عنه-^(۳) روایت است گفت: نرخ گذاری نمای ای رسول الله -صلی الله علیه وسلم- فرمودند: «إن الله هو المسعر القابض الباسط أني لأرجو أن ألقى الله وليس أحد منكم يطلبني بمظلمة في عرض ولا مال»^(۴) ترجمه: «الله تعالی خود نرخ گذار، تنگ و فراخ کننده [روزی] من امیدوارم خداوند را در حال روبرو شوم که کسی از شما طلب مظلومه ی را نکند که در عرض و مالش مطالبه نکند».

۹- از عبید بن نضله^(۵) روایت است، مردم را قحطی فرا گرفت، گفتند: ای رسول الله -صلی الله علیه وسلم- نرخ گذاری نما! فرمودند: «لا يسألني الله عن سنة أحدثها فيكم لم يأمرني بها، ولكن سلوا الله من فضله»^(۶) ترجمه: «- امیدوارم - الله تعالی در باره چیزیکه به آن امر نکرده مورد مآخذ قرار ندهد، ولكن از فضل او جويا و خواستار شوید».

۱ - أخرجه البزار في مسنده، رقم الحديث: ۱۲۶۳ ابن حجر در تخریج حدیث گفته است: إنه لا یصح.
۲ - أخرجه الطبرانی في المعجم الصغير ۷/۲ طبع المكتبة السلفية بالمدينة المنورة. گفته شده است که در سند حدیث علی بن یونس ضعیف است و از اعمش تنها عیسی روایت کرده است.

۳ - أبو جحیفه، وهب بن عبدالله بن مسلمه، از بنی سوائه بن عامر ابن صعصعه و از اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم می باشد. و در وقت وفات رسول الله -صلی الله علیه وسلم- به سن بلوغ نرسیده بود و در کوفه مسکن گزین شد.
۴ - أخرجه الطبرانی في المعجم الكبير، رقم الحديث: ۳۲۲ و در سند حدیث گفته شده است که غسان بن الربیع ضعیف است.

۵ - عبید بن نضله را کنیه اش ابوبرزه یا ابوبرده بوده و از مسلمانان نخستین مدینه منوره می باشد.

۶ - أخرجه الطبرانی في المعجم الكبير، رقم الحديث: ۹۷۴۸.

۱۰- امام ابو حنیفة-رحمه الله- از الهیثم که به رسول الله-صلی الله علیه وسلم، میرساند که گفته شد نرخ گذاری نما! فرمودند: « إن الرخص والغلاء من الله ، وانی أحب أن ألقى الله تعالی ولا مظلمة لأحد عندي»^(۱) ترجمه: «یقیناً پایین و بلند بودن قیمت ها از جانب الله است، من دوست دارم که الله را در حال روبرو شوم که مظلمه از کسی به گردنم نباشد»

از این احادیث دانسته می شود که رسول الله-صلی الله علیه وسلم- با وجود مطالبه مکرر توسط شخص های مختلف، نرخ گذاری نکرده و بلند و پایین شدن نرخ ها را کار الله تعالی خوانده است، پس این احادیث رسول الله-صلی الله علیه وسلم- دلالت بر عدم جواز نرخ گذاری می کند.

وجه استدلال از حدیث ها:

همه حدیث های مذکور از دو نگاه بر عدم جواز نرخ گذاری دلالت دارد:

اول- رسول الله-صلی الله علیه وسلم- از نرخ گذاری امتناع ورزیدند با وجودیکه وقت بلند شدن نرخ ها بود و از ایشان تکرار درخواست شد، اگر نرخ گذاری جایز می بود البته برای آنها در وقت بلند شدن قیمت ها جواب مثبت داده می شد، به این خاطر نرخ گذاری نا جایز می باشد.

دوم- رسول الله-صلی الله علیه وسلم- علت امتناع نرخ گذاری را ظلم قلمداد نمود و ظلم را حرام بیان نمودند، به این خاطر نرخ گذاری نا جایز است.^(۲)

امام شوکانی-رحمه الله- می گوید: از ظاهر احادیث دانسته می شود که در حکم نرخ گذاری، در وقت بلند شدن و پایین شدن نرخ ها، جالب و غیر جالب و طعام و غیر طعام فرق وجود ندارد که در همه اوقات و بالای همه، نرخ گذاری نا جایز می باشد^(۳)

سوم- منع نرخ گذاری از دیدگاه اثر سلف الصالحین:

۱- قبلاً داستان عمر با حاطب بن ابی بلتعہ-رضی الله عنهما- در بازار مصلی، ذکر گردید که وی از بالای کالای حاطب بن ابی بلتعہ-رضی الله عنه- می گذشت، او را دید که در دو ظرف کشمش داشت. وی را از نرخ آن پرسان کرد. گفت: به یک درهم دو مد. پس عمر-رضی الله عنه- برایش گفت: خبر شدی که قافله با کشمش

۱ - أخرجه أبو یوسف القاضي عن أبي حنيفة - رحمه الله- في كتاب الآثار ص: ۱۸۴ الحدیث: ۸۴۳.

۲ - مجلة البحوث الإسلامية جزء ۴ ص: ۲۴۱.

۳ - البحوث العلمية لهيئة كبار العلماء بالمملكة، ج ۳ ص: ۱۶۲.

از طایف حرکت کردند و می آیند و به قیمت تو فریب می خورند، پس قیمت خود را بالا ببر و یا کشمش خود را در خانه ات نگهدار، باز به هر قیمت که خواستی بفروش برسان. پس وقتیکه عمر -رضی الله عنه- به خانه بازگشت و با خود محاسبه نموده، به خانه حاطب رفته و برایش گفت: چیزیکه برایت گفتم، قصد و فیصله ای نبود، صرف خواستم به اهل شهر خیری برسد، پس هر جاییکه خواستی و به هر قسمیکه بخواهی آن را به فروش برسان^(۱).

۲- **علی** -رضی الله عنه- نرخ گذاری را نمی پسندیدند که از انس -رضی الله عنه- نقل شده است، ایشان در باره نرخ گذاری پرسیده شد، تا بازار را با آن نرخ گذاری کند، ایشان انکار نموده و حتی ناخوشنودی در چهره ایشان نمایان گردید و فرمود: «السُّوقُ بِيَدِ اللَّهِ يَخْفِضُهَا، وَيَرْفَعُهَا»^(۲) یعنی بازار بدست الله تعالی است که [نرخ ها را] بالا و پایین می کند.

وجه استدلال از اثر:

عمر -رضی الله عنه- بعد از اینکه دانست بر اجتهاد خود خطا کرده است و او اینکه رسول الله -صلی الله علیه وسلم- نرخ گذاری نکرده بود، از نرخ گذاری رجوع کرده و بر خطای خود اعتراف نمود، و بر اصل شریعت همانا عدم نرخ گذاری بود کار حاطب بن ابی بلتعه را تأیید نمود.

علی -رضی الله عنه- از فقهای مشهور صحابه بود، از ایشان درخواست نرخ گذاری شد، ایشان در پهلوی اینکه نپسندید، بر علاوه آن اثر ناخوشنودی در چهره ایشان نمایان گردید، چونکه نرخ گذاری خلاف نقش قدم رسول الله -صلی الله علیه وسلم- است و فرمودند: قیمت ها بدست الله تعالی می باشد، ایشان چطور مداخله کند.

پس این دو اثر دلالت واضح بر این دارد که نرخ گذاری نا جایز است. والله اعلم!

مطلب دوم- دلیل های عقلی مانعین نرخ گذاری:

اصحاب این مذهب به دلایل عقلی ذیل مذهب خود را در مورد عدم جواز نرخ گذاری تقویه می کنند:

۱ - تخریج اثر قبلا در فصل جواز ذکر گردید.

۲ - الاستذکار ج ۱ ص: ۳۷۲۴.

۱- مردم بالای مال خود تسلط دارند و نرخ گذاری حجر آن و مانع ایشان است و حاکم مسلمانها مأمور به رعایت مصلحت آنهاست و تنها مصلحت مشتری نه بلکه مصلحت می نظر گرفته شود^(۱).

۲- نرخ گذاری باعث می گردد تا تجار که کالا ها را وارد می کند، نیابند و یا مال وارد نکنند، چونکه از نرخ گذاری بازار خبر می شوند و فایده را اندک فکر می کنند و مال خود را وارد بازار نمی کنند؛ چونکه او نمی خواهد کالا های خود را به مفاد اندک و یا هم بدون فایده به فروش برساند. و اهل بازار هم داشته های خود را به نرخ که وضع شده به فروش نمی رسانند، ممکن که به قیمت بالا تر گرفته باشند و یا منتظر بمانند تا نرخ ها بلند شود و کالا های خویش را به نرخ بلند به فروش برسانند، همینجاست که سیستم بازار از حالت عادی بیرون می شود.

۳- نرخ گذاری مجبور ساختن مردم به نرخ معین بغیر حق است و مجبور ساختن مردم به ناحق جواز ندارد پس تعیین نرخ جبری جایز نیست.

۴- وقتیکه نرخ گذاری شود، مردم کالا های خود را از نرخ گذاری پنهان می کنند، وقتیکه کالا ها پنهان شد، در بازار کم یاب شده، قیمت ها بلند می گردد و این بلند بودن قیمت ها خود به ضرر فقراء تمام شده و به فروشنده گان کمک می کند تا کالا های خود را پنهان کرده و به نرخ بالا بفروش برسانند، پس هر دو طرف در ضیق و مشقت واقع می شوند پس در نرخ گذاری هیچ مصلحتی دیده نمی شود^(۲).

پس در چیز که مصلحت نباشد در او جواز وجود ندارد، پس گفته می توانیم که نرخ گذاری جواز ندارد.

خلاصه حکم نرخ گذاری از دیدگاه مجوزین و مانعین آن:

حکم نرخ گذاری از دید علماء اسلام چنین جمع بندی می شود: علما اتفاق نظر دارند وقتیکه حکومت بدون کدام موجب و سببی نرخ گذاری کند، آن جواز ندارد. و در صورت ضرورت احناف و مالکی ها نرخ گذاری را به خاطر مصلحت مردم، جایز می دانند تا ضرر از آنها دفع شده و حاجت ها برآورده گردد و آن در صورتی است که صاحب کالا از نرخ عادی به نرخ بلند فاحش، کالا های خویش را بالای مردم به فروش برسانند، پس در آن صورت حاکم با مشوره اهل رأی و بصیرت، مصلحت مردم را مراعات کرده و از قیمت شدن کالا ها

۱ - مختصر المزنی علی الأم ، للإمام محمد بن إدريس الشافعی المتوفى سنة ۲۰۴ هـ - اختصره أبو إبراهيم إسماعيل بن يحيى المزنى - وهو مطبوع مع كتاب الأم - طبعة دار الكتب العلمية - بيروت - لبنان - ص ۱۴۵.
 ۲ - فقه السنة ۱۰۴/۳.

جلوگیری نموده، نرخ گذاری نماید که این کار به استناد چندین قاعده فقهی است: "لا ضرر ولا ضرار" و "الضرر یزال" و "یتحمل الضرر الخاص لمنع الضرر العام" و غیره نیز استوار می باشد.

و مجوزین نرخ گذاری در باره حدیث مشهور نرخ گذاری می گویند: امتناع رسول الله-صلی الله علیه وسلم- از نرخ گذاری نبوده بلکه از عدم وجود علت نرخ گذاری بوده است که تجار وقت به قیمت مثل به فروش می رسانیدند و دیگر اینکه بلند شدن نرخ ها به سبب تجار وقت نه بوده است، بلکه سبب آن، قانون عرض و طلب بوده که نرخ ها بلند شده بود که در آن هنگام کالا ها کم بود و تقاضا بیشتر، پس قیمت ها بلند شد، همینجاست که گفته می توانیم اگر ضرورت نباشد نرخ گذاری هم نیست، یعنی اگر کالا ها در بازار زیاد یافت شود و خرید و فروش به قیمت مثل و بدون ظلم و جشع صورت بگیرد، ضرورت به نرخ گذاری نیست.

و مذهب شوافع و حنابله بر عدم جواز نرخ گذاری تأکید بیشتر دارند که حنبلی ها تأکید دارند که نباید حاکم مسلمانها بالای کالا های مردم نرخ گذاری کند و رأی امام شافعی-رحمه الله- بر حرمت آن می باشد و اگر چند که حالت بلند بودن قیمت ها هم باشد.

والله اعلم!

مبحث سوم: مناقشه دلیل های مجوزین و مانعین نرخ گذاری:

در این مبحث دلیل های هر دو گروه مورد مناقشه قرار می گیرد، در نخست دلیل مجوزین نرخ گذاری توسط مانعین آن و بعد از آن دلیل های مانعین نرخ گذاری توسط مجوزین آن، در نهایت جمع بندی صورت گرفته که خلاصه سخن و فیصله نهایی نوشته می گردد:

پس این مبحث را در سه مطلب علاحده مورد بحث قرار می دهیم:

مطلب اول: مناقشه دلیل های مجوزین نرخ گذاری توسط مانعین:

در ذیل دلیل های از نصوص و عقلی مجوزین را با مناقشه مانعین تسعیر بیان می دارم:

حدیث: مجوزین نرخ گذاری از این حدیث شریف برای جواز نرخ گذاری استدلال می کنند: از رسول الله-صلی الله علیه وسلم- نقل کرده اند که فرمودند: «مَنْ أَعْتَقَ شِرْكَاءَ فِي عَبْدٍ وَكَانَ ...».

مناقشه:

مانعین نرخ گذاری می گویند: این قیاس را نه می پذیریم؛ زیرا که مصلحت عتق در این حدیث شریف مصلحت مسلم و ظاهر است، بر خلاف نرخ گذاری که مصلحت آن ظاهر نبوده بلکه باعث ضرر می شود که قیمت ها بلند می گردد.

مجوزین! پاسخ داده اند: مصلحت عامه مسلمانها اولاتر از مصلحت شریک خاص عبد می باشد^(۱).

اثر عمر-رضی الله عنه - « إِمَّا أَنْ تَزِيدَ فِي السَّعْرِ وَإِمَّا أَنْ تَرْفَعَ مِنْ سَوْقَانَا » یعنی: یا قیمت را بلند می کنی یا از بازار ما کالای خود را جمع می کنی.

مناقشه:

۱- این اجتهاد عمر-رضی الله عنه- در مقابل نص قرار دارد، نص این است که رسول الله-صلی الله علیه وسلم- از نرخ گذاری امتناع ورزیده بودند پس در مقابل نص اجتهاد صورت نمی گیرد.

۲- در ادامه اثر آمده است عمر-رضی الله عنه- از این کار خود رجوع کرده و گفته است: « إِنْ الَّذِي قُلْتَ لَكَ لَيْسَ بِعَزْمَةٍ مَنِي وَلَا قَضَاءٍ، وَإِنَّمَا هُوَ شَيْءٌ أَرَدْتُ بِهِ الْخَيْرَ لِأَهْلِ الْبَلَدِ، فَحَيْثُ شِئْتَ فَبِعْ، وَكَيْفَ شِئْتَ فَبِعْ » آنچه را به تو [حاطب] گفتم او کدام تصمیم و فیصله نبود، او چیزی بود که خواستم به اهل بلد خیری برسد، هر جایی که خواستی بفروش و هر قسمیکه خواستی به فروش برسان.

۳- عمر-رضی الله عنه- از رأی و قول خود رجوع کرده بود، قسمیکه در ادامه داستان عمر با حاطب-رضی الله عنه- می آید.

۴- در سند اثر ضعف^(۲) است که به آن استدلال نمی شود.

۵- و این قول صحابی است، وقتیکه با قول صحابی دیگر در تعارض باشد، استدلال نمی شود^(۳)

مناقشه دلیل های عقلی مجوزین نرخ گذاری:

۱- مجوزین نرخ گذاری، نرخ گذاری را بر احتکار قیاس می کنند؛ در احتکار نرخ کالا ها بلند می شود که فقراء به کالا دسترسی پیدا نمی کنند و همچنان وقتیکه نرخ کالا بلند شود و دولت نرخ گذاری نکند؛

۱ - مجلة البحوث الإسلامية جزء ۴ ص: ۲۴۱.

۲ - انقطاع سند که قاسم، عمر-رضی الله عنه- را ندیده است.

۳ - این نظریه از امام شافعی، روایتی از امام احمد، متأخرین احناف و قولی از امام مالک نقل شده است و عکس آن نیز از همین بزرگان دین به قول راجح نقل گردیده است.

فقراء در این شرایط هم به کالاها دسترسی ندارد، حکم نرخ گذاری به حکم احتکار قیاس می شود که علت مشترک این هر دو حکم همانا عدم دسترسی فقراء به کالا می باشد.

۲- نرخ گذاری قیاس می شود بر مجبور کردن برحق، او اینکه قرض دار را بخاطر اداء قرض خود بر فروش کالاهای خویش مجبور کرده می شود، پس نرخ گذاری به همین حکم نیز قیاس می گردد.

مناقشه این دو دلیل:

مانعین نرخ گذاری می گویند: این قیاس مع الفارق است، چرا که اجبار مدیون بخاطر دفع حق دائن است، اما در نرخ گذاری هیچ حقی وجود ندارد.

مجوزین گفته اند: اینجا حق وجود دارد و آن هم حق عامه مسلمانها می باشد.

دلیل های عقلی دیگر مجوزین نزد مانعین نرخ گذاری مورد مناقشه قرار گرفته؛ می گویند: هر نوع قیودات بالای فروش تاجرها به ضرر شان تمام می شود و ضرر به ضرر از بین نمی رود.

مجوزین جواب داده اند: ضرر حاصل شده از منع نرخ گذاری نسبت بر جواز آن بزرگتر و سخت تر می باشد و هیچ شکی وجود ندارد که مفسده بزرگ با مفسده کوچک تر دفع کرده می شود.

مطلب دوم: مناقشه دلیل های مانعین توسط مجوزین نرخ گذاری:

آیت کریمه:

نخستین دلیل مانعین نرخ گذاری همین آیت کریمه است، الله تعالی می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ﴾^(۱) ترجمه: «و اموال خودتان را به باطل (و ناحق، همچون رشوه و ربا و غصب و دزدی ...) در میان خود نخورید» از دیدگاه مانعین این آیت کریمه دلالت صریح بر حرمت نرخ گذاری می کند، مگر این دلیل توسط **مجوزین** از چند نگاه مورد مناقشه قرار گرفته است:

این آیت کریمه مخالف نرخ گذاری نیست؛ بخاطریکه نرخ گذاری به هدف ملزم ساختن تجار به بیع مثل می باشد که در آن مصلحت بایع و مشتری نهفته است، می باشد، به همین خاطر در نرخ گذاری خوردن مال به باطل

وجود ندارد و برعکس واگذار کردن تجار به فروش به قیمت دل خواه شان که به قیمت بالا کالا های خود را به فروش برسانند همین اکل مال مردم به باطل است.

و نرخ گذاری عادل که شریعت به آن اجازه داده است در آن خوردن مال مردم به باطل نمی باشد، بخاطریکه در نرخ گذاری قیمت اصلی کالا با اضافه لقمه حلال برای فروشنده مد نظر گرفته می شود، یکی از اهداف آیت کریمه می باشد.

مجبور ساختن فروشندگان به این حالت (به نرخ معین) از جمله اکراه بحق محسوب می گردد، چنین چیز در شریعت وجود دارد، او اینکه قرض دار را مجبور کرده می شود تا مال خود را بخاطر پرداخت قرض خود به فروش برساند، لذا گشاده و آسان ساختن نرخ به عامه مسلمانها و برطرف کردن استغلال از مهم ترین حقوق آنها می باشد.

دوم - سنت:

الف - « إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمُسَعِّرُ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ الرَّازِقُ وَإِنِّي لأَرْجُو أَنْ أَلْقَى اللَّهَ وَلَيْسَ أَحَدٌ مِنْكُمْ يُطَالِبُنِي بِمَظْلَمَةٍ فِي دَمٍ وَلَا مَالٍ^(۱)»

ب - « بَلِ اللَّهُ يَخْفِضُ وَيَرْفَعُ وَإِنِّي لأَرْجُو أَنْ أَلْقَى اللَّهَ وَلَيْسَ لِأَحَدٍ عِنْدِي مَظْلَمَةٌ^(۲)»

وجه استدلال از این دو حدیث:

نزد مانعین نرخ گذاری این هر دو حدیث دلالت بر حرام بودن نرخ گذاری دارد و آن از دو نگاه:

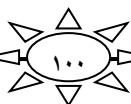
اول - رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از نرخ گذاری امتناع ورزیدند با وجودیکه از ایشان تکرارا درخواست شد، اگر نرخ گذاری جایز می بود البته آنها را جواب مثبت می داد؛ لذا نرخ گذاری نا جایز می باشد.^(۳)

دوم - رسول الله - صلی الله علیه وسلم - علت امتناع نرخ گذاری را ظلم و ظلم را حرام بیان نمودند به این خاطر نرخ گذاری حرام است.

۱ - حبیب قبلا در مقدمه تخریج گردیده است.

۲ - حبیب قبلا در مقدمه تخریج گردیده است.

۳ - مجلة البحوث الإسلامية جزء ۴ ص: ۲۴۱.



پس این دو حدیث شریف دلیل قاطع بر منع نرخ گذاری نزد مانعین است که می گویند رسول الله-صلی الله علیه وسلم- از نرخ گذاری دست کشیدند و این امر دلالت بر عدم جواز نرخ گذاری دارد، مگر **مجوزین** به این حدیث شریف چندین توجیه دارند: اول- این حدیث شریف دلالت بر حرمت تسعیر نمی کند، بلکه حدیث محمول بر عدم حاجت در آن وقت را افاده می کند، و همچنان در ادامه حدیث دیده می شود که رسول الله-صلی الله علیه وسلم- از ورع و احتیاط در موضوع کار گرفته اند، چنانچه می فرمایند: «وإني لأرجو أن ألقى الله وليس أحد منكم يطالبني بمظلة في دم ولا مال»^(۱).

شیخ الاسلام ابن تیمیه -رحمه الله- می گوید: کسیکه بخاطر منع نرخ گذاری از این حدیث استدلال کند، بتحقیق غلط کرده است، چونکه موضوع حدیث معین است و لفظ عام نیست، و ابن قیم الجوزی نیز مانند شیخ الاسلام استنباط کرده است^(۲).

رسول الله-صلی الله علیه وسلم- نرخ گذاری را حرام قرار نداده اند بلکه جناب خودشان از نرخ گذاری امتناع ورزیدند. پس امتناع رسول الله-صلی الله علیه وسلم- بر بالای نفس خود دلالت دارد و بر حرمت آن بالای امت را نمی کند، میتوان آن را از خصوصیات رسول الله-صلی الله علیه وسلم- باشد. علت بلند شدن نرخ ها در زمان رسول الله-صلی الله علیه وسلم- همان قانون قلت کالا و تقاضای بیشتر در تجارت بود، نه ظلم تجار و کدام علت دیگر امروزی.

سوم- اثر عمر-رضی الله عنه-:

خود عمر-رضی الله عنه- بعد از اینکه از اجتهاد اول خود رجوع کرد، نزد حاطب رفته گفت: "إن الذي قلت لك ليس بعزيمة مني ولا قضاء، وإنما هو شيء أردت به الخير لأهل البلد، فحيث شئت فبيع، وكيف شئت فبع " عمر -رضی الله عنه- بعد از اینکه به خطای خود از اجتهادش پی برد، از نرخ گذاری رجوع کرده و اعتراف نمود که چیزیکه به حاطب گفته بود او اجتهادش بود. دلالت بر این دارد که نرخ گذاری نا جائز است.^(۳)

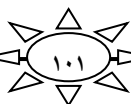
مناقشه اثر:

مجوزین این اثر همانند مانعین از چند نگاه مورد مناقشه قرار می دهند:

۱ - ارشاد السالک ج ۱ ص ۱۴۶.

۲ - مجموعة الفتاوى، (۲۸ / ۹۵).

۳ - نفس مصدر.



أ- سند این اثر ضعیف است^(۱) که استدلال نمی شود.

ب- این قول صحابی است؛ قول صحابه وقتیکه مخالف نص و به مخالفت صحابه دیگر واقع شود دلیل شده نمی تواند^(۲).

ت- عمر-رضی الله عنه- به حاطب می گوید: اراده من خیر رسانیدن به اهل بلد است، یعنی نرخ گذاری خیر است و بس. و عدم آن خیر نمی باشد.

چهارم- دلیل های عقلی:

۱- مردم بالای مال خود تسلط کامل دارند، نرخ گذاری در حقیقت منع تسلط آنهاست، حاکم مأمور به مصلحت مردم است، مصلحت تنها کم شدن پول برای مشتری نیست و این هم مصلحت است که فروشنده پول بیشتری بدست بیاورد.

مناقشه این دلیل:

نرخ گذاری ظلم محض بالای طبقه تاجر نبوده؛ چونکه حاکم کسی را به فروش کالای خود مجبور نمی سازد، بلکه منع از بلند شدن قیمت ها می کند که از طرف مقام تعیین نه شده است، و ملتزم ساختن آنها به قیمت مثل است که مصلحت فروشنده و مشتری دارا می باشد؛ زیرا که عدد استهلاك کنندگان نسبت به فروشندگان بیشتر و افزونتر می باشد، پس مدنظر گرفتن مصلحت عامه نسبت به مصلحت طبقه خاص (تجار) خواست دین و عقل است.

و حاکم مسلمانها نمی تواند تنها مصلحت اندک از مردم که تجار اند را رعایت کند و مصلحت باقی امت را نادیده بگیرد، چون این از عدالت نیست که تجار را به احتکار و استغلال بدلیل تصرف مردم بالای مال شان فرصت داده شود، بلکه مصلحت هم همین است که تجار را به بیع مثل وادار کرده شود و همچنان حاکم را سزاوار است که منفعت معقول را در وقت نرخ گذاری برای تجار در نظر بگیرد.

۲- گفتند: نرخ گذاری باعث می شود، تا جالبین از آمدن به بازار دوری جویند و این باعث می گردد که بازار سیاه به بار بیاید؟

۱ - سعید بن المسیب از عمر-رضی الله عنه- این اثر را نقل کرده است که وی عمر-رضی الله عنه- را ندیده است.

۲ - انظر: مجموعة الفتاوى: (۹۱/۲۸).

مناقشه:

مجبور ساختن جالبین به قیمت مثل از آمدن به بازار باز نمی دارد چرا که حاکم می تواند از دیگر وسایل بخاطر جلب جالبین استفاده کند و قدرت دارد تا کالای های پنهان شده را از مخفیگاه هایش بیرون کند قسمیکه او می تواند جالبین را فرا بخواند و کالاها را به توسط آنها به فروش برساند و راه احتکار و استغلال را بگیرد.

۳- مجبور ساختن مردم بر فروش کالاهای خویش به قیمت که دل شان نمی خواهد، این ظلمی است که رسول الله-صلی الله علیه وسلم- در حدیثی^(۱) از آن منع فرموده است.

مناقشه:

این نوع اجبار، اجبار به حق بوده و مجبور ساختن فروشنده به بیع مثل ظلم نمی باشد، در حالیکه ظلم عبارت است از استغلال و زیاده ستانی و خوردن مال مردم به ناحق است. و نرخ معین فرصتی است که فایده معقولی را از قیمت مثل بدست بیاورد که مصلحت عامه را مد نظر می گیرد^(۲).

۴- مانعین نرخ گذاری، نرخ گذاری را جایز نمی دانند، در عین زمان بیع مثل را لازمی می دانند!

مجوزین می گویند: بیع مثل عین نرخ گذاری است، یعنی نرخ گذاری جز بیع مثل نیست.

مطلب سوم: خلاصه هر دو مناقشه و نتیجه بدست آمده:

اسباب اختلاف علماء در جواز نرخ گذاری و عدم آن، با چند سوال واضح می گردد، قرار ذیل است:

۱- آیا حدیث انس-رضی الله عنه- لفظ عام است یا قضیه خاص و معین؟

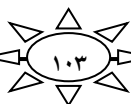
۲- آیا نرخ گذاری اجبار مردم به حق است یا ناحق؟

۳- آیا تخصیص عموم به مصلحت جواز دارد یا خیر؟

مانعین نرخ گذاری حدیث های وارده در موضوع نرخ گذاری را لفظ عام می دانند، مجبور ساختن مردم بر فروش کالاهای خویش بدون رضای آنها را منافات رکن اساسی بیع همانا رضا است و این را اجبار به ناحق می دانند و تخصیص عموم بر مصلحت نا جایز می دانند؛ لذا نرخ گذاری را ممنوع و محذور می دانند.

۱- "لا یحل مال امرئ مسلم إلا بطیب نفس منه"

۲- بدائع الصنائع: (۵/۱۲۹)، اختیارات ابن القیم: (۱/۲۵۶).



در مقابل **مجوزین** نرخ گذاری: حدیث انس -رضی الله عنه- حادثه می باشد و لفظ عام نمی باشد، ملزم ساختن مردم به نرخ که مردم به آن می فروشند جبر بر حق می باشد و تخصیص عموم نص به مصلحت معتبر جواز دارد و مصلحت عامه بر مصلحت خاصه واجب التقدیم می باشد، پس از نظر مجوزین نرخ گذاری هر گاه حاجت زیاد و یا اندکی تقاضا کند، نرخ گذاری مطلقاً جایز می باشد.

پس اگر دلیل های هر دو طرف را مورد مناقشه قرار داده شود معلوم می گردد که دلیل های مجوزین نرخ گذاری قوی تر نسبت به دلیل های مانعین آن می باشد و رسول الله -صلی الله علیه وسلم- ثمن سرایة العبد را برای آزاد سازی او اندازه و تعیین کرده است که این حق الله تعالی گفته می شود و آنچه را که مردم به آن احتیاج دارند و حاجت شان عام تر می باشد نسبت به آزاد سازی عبد می باشد، پس این هم حق اولاتر الله تعالی می باشد، زیرا که حاجت مردم به طعام، شراب، لباس و امثال آن مصلحت عامه است؛ لذا تعیین ثمن کالا های بازار اولاً تر از تعیین ثمن در آزاد سازی عبد است، پس عادلانه نیست که نرخ گذاری را با وجود این همه ناجایز بدانیم که در حالیکه حاجت عموم مردم برآورده شود، در غیر آن نرخ بلند رفته و کالا ها پنهان شده و تقاضا بیشتر می گردد و ضرر های دیگر نیز دامنگیر عامه مردم می گردد، به اساس این دو قید نرخ گذاری نوعی رعایت عامه مسلمانها و حفاظت حقوق آنها می باشد.

ابن العربی -رحمه الله- می گوید: حقیقت همین است که نرخ گذاری و منضبط کردن کارها به قانون، هیچ ظلمی را دارا نمی باشد و نه بالای فروشنده و نه هم بالای خریدار ظلم و ستم می گردد؛ لذا اکثر علما معاصر بر جواز نرخ گذاری مایل و قایل اند^(۱).

رأی جواز نسبت به رأی منع نزد بعضی از محققین بنا بر نکات ذیل قوی تر می باشد:

- ۱- قوی بودن دلیل های آنها.
- ۲- مطابقت نظر آنها حسب تقاضای و حاجت امت و دفع ضرر از آنها.
- ۳- دلیل های مانعین همه جواب داده شده، در حالیکه خود شان در بعضی احیان به نرخ گذاری تسلیم می شوند مثل فروش سلاح به قیمت مثل در وقت فرضیت جهاد و غیره.
- ۴- گذاشتن تجار بر حال خود در چنین حالت ظلم بالای عامه مردم است و تسلیم به ظلم جواز ندارد.

۱ - در این باره مجله البحوث الإسلامية جزء ۴ ، الموسوعة الفقهية الكويتية جزء ۱۱ و البحوث العلمية لهيئة كبار العلماء بالمملكة جزء ۳ دیده شود.

۵- حاجت مردم به نرخ گذاری حاجت عامه است، برابر است که در کالاها باشد یا شغل.

دلیل های هر دو گروه را می توان بشکل ذیل خلاصه کرد:

آیت کریمه:

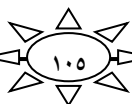
آیت کریمه دلیل قاطع برای هیچ یک از دو جهت (مجوزین و مانعین) شده نمی تواند، یعنی مانعین می گویند تجارت به رضا می باشد و نرخ گذاری همین رضا را از بین می برد، به همین دلیل نرخ گذاری را جایز نمی دانند. و مجوزین می گویند: وقتیکه نرخ گذاری نباشد و هر کس کالای خود را به نرخ دل خواه خود به فروش برساند و بالای جانب مقابل ظلم می نماید و این در حقیقت هدفی است که آیت کریمه از آن منع می کند. و هدف آیت کریمه منع از اکل مال مردم به باطل (ناحق) است که دلالت صریح به نرخ گذاری ندارد.

احادیث نبوی:

رای بعضی هاست که حدیث های وارده موضوع حکم عام را افاده می کند، مگر نزد مجوزین احادیث الفاظ عموم نبوده بلکه حاجت نرخ گذاری در زمان رسول الله-صلی الله علیه وسلم- ظاهر نه شده بود لذا وی از نرخ گذاری امتناع ورزیدند و نظر اکثر علماء با شمول شیخ الاسلام ابن تیمیه این است که حدیث ها دلالت بر حرمت نرخ گذاری نمی کند، پس اگر حاجت نرخ گذاری در زمان رسول الله-صلی الله علیه وسلم- ظاهر می شد، البته وی نرخ گذاری می نمودند، چونکه جناب رسول الله-صلی الله علیه وسلم- در مقابل ظلم و باطل هرگز سکوت نمی کردند.

اثر صحابه:

داستان عمر با حاطب-رضی الله عنهما- دلیل قطعی بر منع و یا جواز نرخ گذاری ندارد؛ چرا که وی یک بار بر نرخ گذاری عمل کرد و بار دیگر از آن دست کشید، پس اگر به روی قضیه ناسخ و منسوخ دیده شود جواز منسوخ بوده و منع ناسخ آن می باشد.



دلیل های عقلی:

مصلحت آن است که فساد در آن نباشد، اضافه ستانی از طرف بایع و یا کم پرداختن به ضرر جانب مقابل صورت بگیرد، نمی توان آن را مصلحت نامید بلکه برعکس آن است و در هر چیزی که مصلحت را مدنظر گرفته نشود فساد خود بخود جابجا خواهد شد و مصلحت از زمانی تا زمانی و از مکانی تا مکانی تفاوت دارد، در این مورد صاحبان نظر در هر زمان و مکان اظهار نظر نمایند، در جانب دیگر تعداد اندک مردم تجارت می کنند مصلحت آنها بر ضرر مشتری های زیاد مدنظر گرفته شود؛ کاری نیست معقول پس مصلحت عامه مقدمتر از مصلحت خاصه می باشد.

اگر نرخ گذاری باعث عدم آمدن جالبین گردد، راه های و نظریات دیگر وجود دارد که جالبین دل از بازار نکنند، او اینکه هر فابریکه ی تلاش دارد تا به خود بازار بیابد.

مانعین نرخ گذاری بین نرخ گذاری و بیع مثل فرق می آورند، او اینکه نرخ گذاری را نا جایز و بیع مثل را در بعضی احیان لازمی می دانند، در جهت دیگر مجوزین نرخ گذاری همانا بیع مثل می دانند.

در نتیجه باید گفت: قول جواز در وقت ضرورت بنا بر دلیل های خود قوی تر است و رأی منع در حالت عادی قوی می باشد، یعنی در حالت عادی بازار را آزاد گذاشته شود و در صورت صورت با نرخ گذاری آن را کنترل نماید.

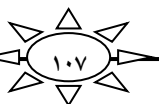
والله تعالى أعلم بالصواب

فصل چهارم نرخ گذاری در قانون

مبحث اول: نرخ گذاری در قوانین افغانستان:

مبحث دوم: نرخ گذاری در قوانین کشورهای پاکستان و ایران:

مبحث چهارم: مقایسه بین شریعت و قانون در مورد نرخ گذاری:



فصل چهارم

نرخ گذاری در قانون

بحث نرخ گذاری در قانون نسبت به شریعت اسلامی متفاوت می باشد؛ زیرا که شریعت اصل است و موضوع را همه جانبه بیان می کند، اما مأخذ و مصادر قانون کشور های اسلامی اکثراً آراء و نظریات فقهاء و علماء می باشد، به اکثر موضوعات بحث همه جانبه ندارد، لذا تقسیم بحث های این فصل متفاوت از فصل های قبلی می باشد، پس این فصل دارای سه مبحث می باشد که در مبحث اول نرخ گذاری در قوانین نافذه کشور تحقیق می شود و در مبحث دوم تحقیق نرخ گذاری در قوانین کشور های پاکستان و ایران می باشد و در مبحث سوم موازنه نرخ گذاری بین شریعت و قانون است که در دو مطلب اتفاقی و اختلافی بیان می گردد:

مبحث اول: نرخ گذاری در قوانین نافذه کشور:

نرخ گذاری از دیدگاه قوانین، مورد مطالعه قرار داده شود، آشکار و هویدا است که قانون اساسی هیچ کشوری ماده علاحده ای را بخاطر نرخ گذاری وضع نه می کند، قانون که نرخ گذاری را تنظیم می کند، در زمره قوانین شهر سازی و شاروالی می باشد و البته به نحوی در قانون اساسی، نوع نظام اقتصاد کشور بیان می نماید و از آن بخاطر تقیید و تقییم بازار استفاده می نماید، در کشور ما قانون اساسی فعلی^(۱) که حیثیت مادر بر سایر قوانین را دارا می باشد که خود را طبق آن عیار سازد، در ماده دهم قانون اساسی کشور، سیستم بازار را آزاد قرار داده است و همچنان قانون اساسی کشورهای پاکستان و ایران هم در باره نرخ گذاری تصریح ندارد، امکان دارد از خاطر کوچک بودن موضوع نسبت به موضوعات دیگر بوده باشد، اما در حقیقت موضوع بسیار مهم است که تأثیر نرخ گذاری بالای همگان اعم از فروشندگان و خریداران اهمیت بسزای دارد.

در این مبحث دو مطلب علاحده بخاطر شرح نرخ گذاری در قوانین کشور ما افغانستان قرار داده شده تا در مطلب اول نرخ گذاری در قانون اساسی و در مطلب دوم نرخ گذاری در سایر قوانین نافذه کشور به شکل تفصیلی بیان گردد:

۱ - قانون اساسی جدید جمهوری اسلامی افغانستان عالی ترین سند حقوقی در دولت است، که در ۱۲ فصل و ۱۶۲ ماده به هدف رعایت احکام دین مبین اسلام، تحکیم وحدت ملی، تحقق اهداف دموکراسی، اعمار جامعه مدنی، رفاه همگانی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در ۱۴ جدی سال ۱۳۸۲ هـ ش به تصویب رسیده است.

مطلب اول: نرخ گذاری در قانون اساسی کشور:

قانون اساسی جدید جمهوری اسلامی افغانستان عالی ترین سند حقوقی در دولت است، که در ۱۲ فصل و ۱۶۲ ماده به هدف رعایت احکام دین مبین اسلام، تحکیم وحدت ملی، تحقق اهداف دموکراسی، اعمار جامعه مدنی، رفاه همگانی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ترتیب و تهیه و در ۱۴ جدی سال ۱۳۸۲ هـ ش به تصویب رسیده است^(۱)، این قانون حیثیت مادر به سایر قوانین را دارد، در ماده دهم آن چنین تصریح شده است: «دولت، سرمایه گزاریها و تشبثات خصوصی را مبتنی بر نظام اقتصاد بازار^(۲)، مطابق به احکام قانون، تشویق، حمایت و مصونیت آن ها را تضمین می نماید» از نظر بعضی قانون دانان و اقتصاد دانان این ماده بر عدم نرخ گذاری دلالت نه دارد، مگر حسب فهم بعضی حقوق دانان بر مبنای این قانون، دولت نمی تواند کالا های بازار را نرخ گذاری کرده و در کار و بار بازار مداخله مستقیم داشته باشد و قانون نرخ گذاری و قیمت که در زمان امارت اسلامی افغانستان به جریده رسمی شماره ۷۹۷ مؤرخ ۱۳۸۲/۱۰/۱۵ هـ ق به نشر رسیده بود ملغی می گردد.

قانونپوه محمد اشرف رسولی^(۳) در رابطه به ماده دهم قانون اساسی می گوید، که ماده دهم قانون اساسی نوع یا سیستم اقتصاد کشور را توضیح نموده است، که مطابق آن، اساس سرمایه گذاری و تشبثات خصوصی و نظام اقتصاد بازار را تشکیل می دهد که دولت با وضع قانون، آن را تشویق و حمایت می کند.

وی اضافه نموده است که قبل از تجدید قانون اساسی، اقتصاد کشور دیگر نوع بود که اقتصاد بسته تطبیق می شد که فابریکه ها، تأسیسات بزرگ اقتصادی در کنترل دولت بود، به اموال خصوصی انحصار وجود داشت و دولت نرخ اشیاء را تعیین و از آن کنترل و نظارت می نمود.

۱ - مقدمه قانون اساسی.

۲ - اقتصاد بازار: معادل اقتصاد آزاد بازار، به انگلیسی Market economy یک سیستم اقتصادی است که در آن تولید و توزیع کالا ها و خدمات با مکانیزم بازار های آزاد که توسط قیمت آزاد هدایت می شود، انجام می گیرد. (Wikipedia اخذ شده از فرهنگ لغات جدید واژه های فرهنگی، ویرایش سوم. ۲۰۰۲)

۳ - محمد اشرف رسولی یکی از شخصیت های علمی کشور می باشد که از دانشگاه کابل فارغ گردیده و ماستری خود را نیز را بدست آورده است، وی در بست های مهم دولتی، مثل: مشاور حقوقی رئیس جمهور و معاون اول، معین وزارت عدلیه، قاضی و عضو ارشد دادگاه عالی، استاد در دانشگاه البیرونی و مرکز اکادمی وزارت عدلیه و وظیفه انجام داده است، وی عضوی تدوین قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی افغانستان بود و موسس و معاون اتحادیه انجمن حقوق دانان افغانستان می باشد، موصوف ۲۷ کتاب و ۱۸۹ مقاله اکادمیک را در موارد مختلف و خاصا در نقد تحلیلی قانون اساسی، به رشته تحریر در آورده است. (The Afghanistan Times)

وی در باره این ماده می افزاید: تطبیق اقتصاد بازار آزاد بوده، باید تابع احکام قانون باشد، اقتصاد بازار نوع اقتصاد لجام گسیخته و لیبرال نیست.

وی تأمین منافع و مصالح مردم را عمده می داند، روی این ملحوظ اقتصاد بازار به شکل عیار شود که نه فروشنده و نه هم خریدار زیانمند شود و هم از رقابت های غیر مشروع جلوگیری شود.

استاد رسولی در نقد این قانون می نویسد: ۷ سال از عمر این حکومت می گذرد تمام فابریکه ها و تصدی ها و شرکت های دولتی به حال تعطیل درآمده و افراد زیادی بیکار شدند و همه وسایل تولیدی از بین رفته و اکثر ماشین آلات لیلام شده و زمین های آن در تصرف بعضی حلقات خاص قرار گرفته است.

استاد رسولی دلیل حاکم شدن اقتصاد آزاد را سیاست های پولی و اقتصادی کشورهای تمویل کننده و خاصا صندوق جهانی پول، بانک انکشاف جهانی و آسیایی می دانند.

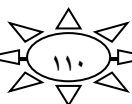
بخاطر راه حل این مشکل او می بیان می کند، به تمویل کنندگان دولت گفته شود که برای فعلا اقتصاد آزاد قابل استفاده و سودمند به ما نمی باشد و آنها را به تطبیق اقتصاد بسته قناعت داده شود، دوم: از اقتصاد بسته به شکل تدریجی به اقتصاد آزاد روی آورده شود.^(۱)

مگر قانونیار حسین خاوری^(۲) مقاله ی را تحت عنوان "برداشت حقوقی دوگانه از مفهوم اقتصاد بازار" در صفحه (the daily Afghanistan) در ۲۸ حوت ۱۳۹۶ به نشر رسانیده بود که در آن نکات مهم را در باره ماده دهم قانون اساسی بیان می کند، البته تحلیل وی نسبت به استاد رسولی متفاوت می باشد که در ذیل بیان می کنم:

وی تحت عنوان: "جایگاه اقتصاد بازار در نظام حقوقی افغانستان" می گوید: «اصطلاح اقتصاد بازار در ماده ۱۰ قانون اساسی بیان کننده یک پدیده جدید از فعالیت تجارتي می باشد و رد این کلمه نه عملی است و نه عاقلانه می باشد، اما توجه به ماده ۱۰ قانون اساسی امری است که فکر عمیق تر و معلومات بیشتر از شیوه های تجارت ضرورت دارد و نیازمند درک واقعی از هدف اولیه قانونگذاران را می طلبد». و وی ماده دهم قانون اساسی را از بعد مفهومی حسب ذیل مورد بررسی می گیرد:

۱ - تحلیل و نقد قانون اساسی افغانستان، تألیف: رسولی، قانونیوه محمد اشرف رسولی، ناشر انتشارات سعید، سال چاپ: ۱۳۹۳ ص: ۱۰۱-۱۰۳.

۲ - قانونیار حسین خاوری یکی از نویسندگان و شرح کنندگان قانون می باشد که در وزارت عدلیه کار می کند و در پوهنتون آزاد اسلامی ایران درس خوانده است.



الف: نظام اقتصاد بازار در سطح بین المللی:

حسب فهم وی، هدف ماده دهم این است که دولت مکلف است «سرمایه گذاری» بخش خصوصی را مبتنی بر نظام اقتصاد بازار تشویق، حمایت کرده و مصئونیت سرمایه گذاران را مطابق با قانون تضمین کند. و رقابت در سرمایه گذاری است نه رقابت در مبادله کالا و تعیین قیمت کالا و خدمات تجارتي.

پس از دیدگاه این نویسنده مفهوم این ماده بزرگ تر از نرخ گذاری خوراکی و لباس و غیره می باشد، یعنی از سرمایه گذاران تا سطح بین المللی دعوت شده تا در بخش معادن، زراعت، صنایع کلان، تحصیلات و سایر امور با رعایت منافع ملی رقابت را مبتنی به اقتصاد بازار جهانی فراهم می کند که نرخ، کیفیت و مقدار سرمایه گذاری کنند و رقابت بین داوطلبان متعدد ایجاد شود تا بهترین پیشنهاد را دولت افغانستان قبول نماید.

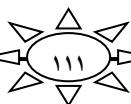
ب: نظام اقتصاد بازار در امور داخلی:

وی عملکرد اقتصاد بازار در سطح بین الملل و در سطح داخلی را تنها افزایش ساحه رقابت می داند، مگر دولت را مکلف می داند که از سرمایه گذاران داخلی حمایت قاطع کند و همچنان در بین این دسته نیز رقابت ایجاد کند. اما به خصوص در ماده ۱۰ و سایر مواد قانون اساسی هیچ اشاره مبني بر اینکه دولت از کیفیت، مقدار، چگونگی تولیدات و صادرات و قیمت کالا و خدمات نظارت و کنترل نکند، وجود ندارد. و وی تحلیلی بعضی ها بر اینکه ماده ۱۰ قانون اساسی را که منع از کنترل باشد اشتباه می داند^(۱).

شرح و تحلیل ماده دهم قانون اساسی از دیدگاه دو شخصیت فوق الذکر با هم تفاوت زیاد دارد، که یکی منع نرخ گذاری را برآورده ساخته و دیگری جواز آن را، دلایل ارسولی در تحلیل قوی تر نسبت به ا. حسین خاوری میباشد؛ و علت قوت تحلیل وی این است ا.رسولی عضو تدوین قانون اساسی بوده است، یعنی کسی که چیزی را بسازد نسبت به دیگران زیادتر داناتر می باشد (صاحب الدار ادری بما فیه).

خلاصه اینکه ماده دهم قانون اساسی نوعیت اقتصاد کشور را تعیین می کند که به اساس آن دولت هیچ نوع کنترل، مراقبت و مداخله در نرخ بازار را ندارد.

۱ - dailyafghanistan.com بخش مقالات: برداشت حقوقی دوگانه از مفهوم اقتصاد بازار، نیشته قانونیار حسن خاوری، دوشنبه ۲۸ حوت ۱۳۹۶. (http://dailyafghanistan.com/opinion_detail.php?post_id=142994)



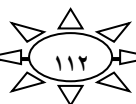
مطلب دوم: نرخ گذاری در سایر قوانین نافذه کشور:

از اینکه نرخ گذاری در قانون اساسی کشور گنجانیده نه شده باشد، دلالت بر کم اهمیت بودن آن نمی کند، بلکه این موضوع دارای ارزش خیلی والا است که کشور ها قانون علی حده را به این موضوع تدوین کرده است، فقهاء و موسسه های تحقیقاتی کتاب های علی حده را تصنیف و ترتیب نموده اند و در کشور ما تقریباً بیست سال پیش در زمان نظام امارت اسلامی افغانستان قانونی در چارچوب قوانین شهر سازی و شاروالی ها تحت نام **"قانون قیمت گذاری و نظارت (کنترول) قیمت"** را به تصویب رسانیده بودند که در سال ۱۳۹۶ وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان ضمن اینکه تمام قوانین کشور را به کمک مالی بانک جهانی به چاپ رسانیده بود در جلد شماره ۱۶ بین صفحه های ۲۴۱ الی صفحه ۲۵۳ همین قانون در چهار فصل و بیست و یک ماده تدوین نموده است، که از اهمیت والا برخوردار می باشد؛ لذا چند ماده آن را در ذیل بیان می نمایم:

در ماده اول آن آمده است: «این قانون به منظور تنظیم امور مربوط به قیمت گذاری و نظارت (کنترول) از قیمت طبق احکام شرعی در امارت اسلامی افغانستان وضع گردیده است» این ماده به دو چیزی مهم صراحت دارد: اول اینکه قانون نرخ گذاری از خاطر تنظیم امور قیمت وضع می شود نه بخاطر خاطر کاستن حق فروشنده و نه هم ترحم محض برای خریداران، دوم اینکه این ماده بیان گر آن است که نرخ گذاری طبق احکام شرعی می باشد، از این دانسته می شود امارت اسلامی افغانستان رأی جواز نرخ گذاری را ترجیح داده بود.

در ماده دوم این قانون آمده است که «روش (پالیسی) اقتصادی قیمت گذاری و نظارت (کنترول) قیمت را شورای وزیران امارت اسلامی افغانستان تعیین می نماید» از این ماده نیز دانسته می شود که طریقه نرخ گذاری کالا های بازار نیز توسط شورای وزیران انجام می شد و نظارت از تطبیق آن نیز بر عهده همین شورا بود، در حالیکه این کار در کشور جمهوری اسلامی ایران توسط کمیته خاص صورت می گیرد که در مبحث های بعدی خواهد آمد، پس امارت اسلامی به نرخ گذاری اهمیت زیاد قایل بوده است.

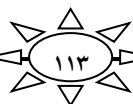
در فصل دوم تحت عنوان صلاحیت های وزارت ها، ادارات و مؤسسات دخیل در موضوع بیان می کند که وزارت های پلان به همکاری وزارت های مالیه، تجارت، معادن و صنایع، فواید عامه، صحت عامه و شاروالی کابل پیشنهاد های وزارت ها، ادارات و دوایر ذیربط را در مورد قیمت محصولات، تغییرات آن و نرخنامه ها را به صورت همه جانبه بررسی و ارزیابی نموده و مسائل آتی را از طریق ریاست عمومی اداره امور جهت تأیید و



منظوری به شورای وزیران ارائه می نماید: ۱-قیم، خرید، تهیه تدارک مواد خام محصولات زراعتی و مالرداری که از طرف مؤسسات امارتی در مزرعه (فارم) های امارتی تولید می گردد. ۲-قیم عمده فروشی محصولات صنعتی زراعتی و مالرداری. ۳-نرخنامه های پرچون فروشی مواد ارتزاقی و محصولات صنعتی که از طرف مؤسسات، تصدی های امارتی و شرکت های مختلط تولید می شود. ۴- تعرفه های حمل و نقل اموال و اشخاص و خدمات حمل و نقل زمینی و هوایی، مخابراتی، نیرو (انرژی) برق بخار (گاز) و سایر انواع خدمات. ۵- وزارت پلان به همکاری وزارت مالیه و اداره مرکزی احصائیه «قواعد (پرنسپ) اساسی و طرزالعمل محاسبه قیم تمام شده محصولات زراعتی ... را ترتیب و تصمیم اتخاذ نمایند، تصمیم شان در مورد محاسبه قیمت تمام شد، بعد از منظوری شورای وزیران برای تمام وزارت ها، ادارات و مؤسسات مربوط بخش امارتی و مختلط واجب التعمیل است» از این ماده نخست این دانسته می شود در رأس هیئت نرخ گذاری در شورای وزیران وزارت پلان بوده است، دو: وزارت و ادارات ذی دخل: وزارت های مالیه، تجارت، معاون و صنایع، فواید عامه، وزارت صحت و شارووالی بوده است که این ماده به صراحت بیان می کند در هنگام نرخ گذاری کالا به صورت همه جانبه بررسی و ارزیابی گردد. و در این ماده نرخ کالاهای که به طور عمده و پرچون به فروش می رسد به هر کدام نرخ علاحده تعیین گردد. نکته دیگری که این ماده این قانون بیان می کند، بعد از ارزیابی و نرخ گذاری پیش از تعمیم به شورای وزیران تقدیم نماید تا شورای وزیران در مورد نرخ کالای مشخص تصمیم اتخاذ نماید.

در ماده هفتم آمده است: «طرز تعیین، بررسی و منظوری قیم مواد خام محصولات زراعتی و مالرداری و مواد ارتزاقی، صنعتی و همچنان انواع مختلف خدمات، توسط مقررہ تنظیم می گردد» از این ماده و ماده قبلی دانسته می شود که تعیین قیم به روی مقررہ بوده، نه اینکه بطور تخمین و بدون قانون تعیین نمی شود.

در ماده هشتم این قانون آمده است قیمت های تثبیت شده به حیث نرخ نامه از طریق وسایل ارتباطی، به داخل میعادیکه پیشبینی شده، به اطلاع مؤسسات زراعتی و صنعتی، تجارتی و اتباع امارت رسانیده می شود، یعنی نرخ در پهلوی اینکه در بالای کالاها وضع می شود از طریق رسانه ها همگانی نیز می گردد. در حقیقت این موضوع خیلی جالب بر این است که در مصادر فقهی چنین موضوع یافت نمی شود و دیگر اینکه در این ماده اموال و اشخاص که بالای آنها نرخ گذاری می شود نیز ذکر می گردد که عبارت است از: مؤسسات زراعتی، صنعتی و تجارتی و همچنان اتباع امارت که عامه مردم می باشند.



در ماده دهم آن می آید موسسات تجارتي عمده فروشی و پرچون فروشی و اشخاص که اموال امارتی را به فروش می رسانند، مکلف اند در داخل میعاد تعیین شده، تکت های قیم را بالای اجناس و اموال موجود فروشگاه (مغازه) های خود نصب نموده و نرخنامه های اجناس و اموال را در محلی نصب نمایند که بیشتر مورد جلب نظر مشتری قرار گرفته بتواند». از این ماده این را می آموزیم که صاحب کالا تکت قیم را قبلا از طرف دولت چاپ و بدسترس فروشندگان قرار داده شده را بالای کالا های خویش نصب نمایند. این به دو معنا است، یکی: چاپ خانه زیاد نبوده که نرخ را بالای کالا های تولید شده چاپ کند دیگر اینکه همه انواع کالا ها تولید نمی شود و با نرخ چاپی به بازار بیاید. و دیگر اینکه تکت نرخ نامه در جایی قابل دید نصب شود تا از فریب دیگران در مورد نرخ جلوگیری شود.

در ماده یازدهم این قانون آمده است که رعایت نرخ گذاری دولت جدا رعایت شود، به این ماده اکتفا نکرده در فصل سوم چندین ماده ها راجع به خدمات تفتیش امارتی بر امور تجارتي را در این قانون ضم نموده است، در ماده سیزدهم آمده است که نظارت و کنترل بر رعایت قیم تثبیت شده از طرف مسئولین خدمات تفتیش امارتی بر امور تجارتي اجراء می گردد و از لابلای این قوانین دانسته می شود که وظیفه مفتشین یکی رعایت قانون تقییم از طرف فروشندگان بوده، منع احتکار و تقلب و جلوگیری از صعود قیم کالا ها و همچنان عده از مفتشین تفتیش از کارهای متفشین می باشد و کارهای مربوطه دیگر می باشد.

و در این قوانین همچنان برای متخلفین جزا های گوناگون تعیین شده است که بار اول تأدیب، تبدیلی از وظیفه، محرم ساختن از دسترسی به اموال دولتی و حتی معرفی شدن متخلف به مراجع عدلی و قضایی می باشد. و در این قانون همچنان ذکر گردیده است که از تاریخ توشیح نافذ و قانون قبلی^(۱) که در جریده شماره ۵۷۶ مورخ ۳۰ دلو ۱۳۶۳ هـ ملغی می باشد.^(۲)

این بود چندی از ماده های قانون نرخ گذاری زمان امارت اسلامی بیان گردید و بخاطر تفصیل آن می توان در مجموعه قوانین افغانستان شماره (۱۶) قوانین شهرسازی و شاروالی ها مراجعه کرد.

۱ - این قانون تحت عنوان: (قانون قیمتگذاری و کنترل قیم : فرمان هیأت رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان شهر کابل ۱۰/۱۰/۱۳۶۳ / وزارت عدلیه) در زمان شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان در چهار فصل: (احکام عمومی، صلاحیت های وزارتها، ادارات و موسسات، خدمات تفتیش دولتی بر امور تجارتي و احکام نهائی) ترتیب گردیده بود و در ۱۰/۱۰/۱۳۶۳ به تصویب رسیده بود.

۲ - مجموعه قوانین افغانستان (۱۶) قوانین شهر سازی و شاروالی، ناشر: وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان، سال: ۱۳۹۶ هـ ص: ۲۴۱-۲۵۳.

فعلا هم ریاستی تحت نام "ریاست تنظیم مارکیت ها"^(۱) در تشکیل شاروالی کابل وجود دارد که از فعالیت های آن قانون شاروالی فعلی، هیچ نام نبرده است. و رئیس این ریاست^(۲) در یکی از مصاحبه ها در جواب سوال:

در شرایط کنونی اقتصاد بازار در کشور نافذ است و در نتیجه، شما نمی توانید کنترل بر قیمت ها [را] داشته باشید، صرفاً کنترل شما بر کیفیت بازار است، آیا این موضوع به نفع مردم ما است یا خیر؟

گفت: باید گفت که موضوع اقتصاد بازار و چگونگی موثریت آن بر شهروندان را باید متخصصین اقتصاد پاسخگو باشند. بازار آزاد در سایر کشورهای که تطبیق شده، نتایج مثبت داشته است. عمده ترین دلیل همانا رقابت سالم و درست در مارکیت می باشد که باید رقابت، قیمت و کیفیت را کنترل نماید. بازار آزاد در کشور مانند افغانستان تجربه جدیدی است و از دید من بازار آزاد به نفع مردم و شهروندان می باشد^(۳)

پس، ثابت شد که اقتصاد بازار آزاد است، تقییم و نرخ گذاری در قانون جای ندارد، مگر در بعضی قوانین شهر سازی و شاروالی، مثل: قانون محصول خدمات شهری، مقررہ نظیف و سربسزی شهرها، مقررہ محصول صفایی، مقررہ محصول توقف گاه وسایط نقلیه مسافر بری اطرافی، مقررہ تثبیت کرایه ملکیت های شاروالی، مقررہ توزیع و فروش نمرات زمین رهائیشی، تجارتی و بلند منزل در شهرکابل، قانون منع احتکار، طرز العمل استفاده از مادیول قیمت گذاری در سیستم گمرکات و غیره^(۴)، بخاطر ارائه خدمات قیمت وضع کرده اند و بخاطر توقف اجره معین گذاشته اند و بخاطر فروش زمین با تفاوت ارزش آن از تجارتی، رهائیشی و غیره قیمت های متفاوت وضع شده است، پس دولت نتوانسته است بطور کلی از نرخ گذاری اموال و اعمال طبق ماده دهم قانون اساسی دست بکشد و البته برای دولت نا ممکن می باشد، پس ماده دهم قانون اساسی تنها بالای مردم بی چاره و بازار بی صاحب، تطبیق می گردد و بس و از قوانین فوق الذکر در ارتباط نرخ گذاری تنها یکی را بطور مثال در ذیل شرح می کنم:

۱ - این به هدف ایجاد بازار های روز، کنترل و مراقبت تمام بازار های شهر کابل در چوکات قانون شاروالی کابل ایجاد شده است که با داشتن ۴۹ نفر مأمور، به تعداد ۶۰ نفر اجیر و به تعداد ۱۳ نفر اجیر بالمقطع ر بخش های کنترل از متخلفین اصناف شهر و تنظیم شهری توزیع جواز فعالیت بمنظور ساختن دیتابیس اصناف، جرایم متخلفین، کنترل از وزن بوری های آرد، برنج، پیش برآمد دکاکین، پاکسازی پیاده روها، جمع آوری محصول خدمات شهری در دروازه های ورودی شهر کابل طبق لایحه منظور شده و تحویلی پول عواید به بانک حساب شاروالی کابل میباشد. (از متن مصاحبه).
۲ - اجمل روفی.

۳ - ریاست تنظیم مارکیت ها/ KM.GOV.AF - 3

۴ - قوانین شهر سازی و شاروالی ها دیده شود.

۱- قانون منع احتکار کشور، نرخ گذاری را نه تنها بالای کالاهای احتکار شده جایز قرار داده است، در ضمن بالای احتکار کننده، جریمه های نقدی را نیز وضع کرده است، که تفصیل این موضوع در بحث احتکار^(۱) بیان گردید.

مبحث دوم: نرخ گذاری در قوانین کشور های پاکستان و ایران:

پاکستان و ایران دو کشور مسلمان نشین، همجوار افغانستان، یکی تابع مذهب اهل سنت و دیگری پیرو مذهب تشیع می باشد، می توان از تجربه این دو کشور در رابطه به نرخ گذاری استفاده کرد. این مبحث را نیز مثل مباحث گذشته بخاطر وضاحت بیشتر، به دو مطلب علی حده تقسیم و بیان می گردد:

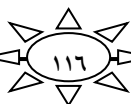
مطلب اول - نرخ گذاری در کشور جمهوری اسلامی پاکستان:

جمهوری اسلامی پاکستان، کشوری در جنوب آسیا است که پایتخت آن را اسلام آباد تشکیل می دهد، در میان کشورهای اسلامی، دومین^(۲) کشور از نظر تعداد نفوس محسوب می شود که بر اساس برآورد سال ۲۰۲۰ با بیش از ۲۲۰ میلیون نفر جمعیت داشت، پنجمین کشور پر جمعیت دنیا را تشکیل می دهد. این کشور در سال ۱۹۴۷ به عنوان یک دولت و کشور جدید از هند مستقل شد، این کشور در بخش زراعت و صنعت در حال رشد و توسعه می باشد^(۳).

قانون اساسی پاکستان در اصل ۱۶۱ در تبصره در باره نرخ گاز طبیعی و برق آبی چنین تصریح کرده است: « تبصره: از لحاظ این ماده، «سود خالص» با کسر از درآمدهای حاصله از عرضه اضافی نیرو و از سیستم هدایت جریان برق یک نیروگاه، محاسبه خواهد شد و براساس نرخ که توسط «شورای منافع مشترک» یعنی هزینه های عملیات نیروگاه تعیین می شود، خواهد بود و این هزینه ها شامل مبالغ پرداختی از قبیل مالیات، عوارض، سود یا عواید سرمایه گذاری و هزینه های استهلاک و فرسودگی و هزینه های انباشتگی و پیش بینی ذخیره می باشد».

۱ - در صفحه های ۷۸ و ۷۹ دیده شود.

۲ - و اولین آن، کشور اندونزی می باشد که تعداد نفوس آن بیشتر از ۲۳۸ میلیون تن می باشد.



از تبصره این ماده دانسته می شود که بازار پاکستان از نرخ گذاری آزاد و معاف نبوده بلکه توسط "شورای منافع مشترک" نرخ گذاری می شود.

در پهلوی آن، مقاله‌ی را انستیتوت توسعه اقتصاد پاکستان- اسلام آباد در سال ۲۰۱۰ به نشر رسانیده بود، در آن تحت عنوان "PRICE SETTING BEHAVIOUR" عنوانی فرعی آمده که "How is price set" ذکر کرده اند که ۵۷٪ نرخ ها را خود شرکت ها تعیین می کنند، در جواب سوال دیگری ۶۲٪ گفته شده است، و ۴۱٪ شرکت ها کالاهای تولیدی خود طبق بازار نرخ گذاری می کنند، در کارخانه های بزرگ و متوسط طرز نرخ گذاری اکثرا حسب تقاضای بازار می باشد و اما کارخانه های کوچک خود، نرخ تعیین می کنند.^(۱)

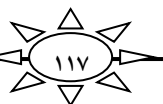
کمیته‌ی در بانک مرکزی (SBP)^(۲) مقاله تحت عنوان (Recent measures taken by the government to stabilize prices) در اپریل ۲۰۲۰ به چاپ رسانیده است، می گوید: کنترل تورم غذایی در کشور نه تنها از منظر سیاسی و اقتصادی مهم است، بلکه حفاظت آن نیز ضروری می باشد و دولت از عهده آن کار برآمده می تواند و باید به طور مستقیم قیمت های مواد غذایی را تنظیم کند؛ چرا که مکانیزم کنترل قیمت موجوده، یک سلسله چالش ها را از قبیل: مشکلات کشاورزان و کشاورزی، مشکل اطلاع رسانی از قیمت ها و ضعف مدیریت و کنترل دولت را دارا می باشد.

لذا سیستم جدید طرح هشدار و زودرس را برای مدیریت تورم مواد غذایی را پیش رو گرفته است، که برای محصولات زراعتی و به ویژه مواد غذایی ابزار مفید در اندازه گیری به موقع تقاضا و عرضه می باشد. و سیاست های انعطاف پذیر تجاری، ممکن است بهترین عملکرد را در قبال داشته باشند، زیرا اقدامات به موقع تجارت خارجی قبل از کمبود عرضه ممکن است عدم تعادل احتمالی در بازارها را کاهش دهد. علاوه بر این، استفاده از فناوری سنجش از دور و تصویر برداری ماهواره ای برای نظارت بر محصولات در مراحل مختلف رشد ممکن است در نظارت و پیش بینی میزان تولید کمک کند و متعاقبا تصمیم گیری مبتنی بر شواهد را آسان سازد.

ایجاد این سیستم با هماهنگی گسترده بین وزارت های مالی، وزارت تجارت، بخش های زراعتی ولایات و بخش مواد غذایی، دفاتر تهیه تدارکات و بانک مرکزی اتخاذ گردیده است، علاوه بر آن، دولت پنجاب در حال

1 - Price Setting Behaviour of Pakistan Firms: Evidence from Four Industrial Cities of Panjab, By: Wasim Shahid Malik & Ahasan Ul Haq, published By: Pakistan institute of development eoonimica Islamabad 2010. P: 7-12.

2 - State Bank of Pakistan.



ایجاد بازارهای برای دهاقین است تا از هزینه و کارمزد بازار (کمیسیون) جلوگیری کرده و کالاهای خود را مستقیماً به مصرف کنندگان بفروشند. و این سیستم برای مصرف کنندگان باعث می گردد تا کالا را به قیمت مناسب نیز بدست بیاورند.

علاوه بر این، دولت های مرکزی و ولایتی خواستار دیجیتالی سازی انتشار اطلاعات قیمت و کنترل مواد غذایی را ضروری می دانند، به عنوان مثال، شورای ملی فناوری اطلاعات (NITB) ^(۱) در اکتبر ۲۰۱۹ برنامه "DurustDaam" را توسعه داد، که به موجب آن مصرف کنندگان در مورد قیمت روز مواد غذایی که توسط مدیران منطقه تأیید شده است، آگاه شدند. این برنامه سیستم تحویل میوه و سبزیجات را در خانه به قیمت های پرچون رسمی نیز می باشد.

در همین راستا، دولت پنجاب با کمک هیئت IT پنجاب برنامه "Qeemat" را راه اندازی کرده است. و به تازگی بعضی از شرکت های اتصالاتی از جمله Mobilink و Telenor برنامه های مختلفی را برای آگاه سازی کشاورزان در مورد مشاوره های زراعتی، به روزرسانی آب و هوا، استفاده از فن آوری های مدرن، نرخ بازار محصولات، برنامه های دولتی و سایر اخبار زراعتی راه اندازی کرده اند ^(۲).

کشور پاکستان برای مدت زیادی با کشور هند مستعمره بریتانیا بود که در بسیاری از قوانین اش متأثر از قوانین بریتانیا می باشد از جمله: خط سیر به جهت (دست) چپ، قوانین نظم عامه و غیره قوانین بریتانیا را مورد توجه خود قرار داده است.

مفتی تقی عثمانی در کتاب خود تحت عنوان "تعیین الثمن فی القوانین الوضعیة" در شروع تحت عنوان می گوید قوانین وضعی تعامل مالی را بدون تعیین نرخ آغاز کرده است و تعیین نرخ بعد ها صورت می گیرد، بخش اول ماده نهم از قانون فروش مال که از طرف انگلیس در هند تطبیق می شد، آمده است که در آن سه طریقه را برای تعیین نرخ بیان کرده است:

اول- تعیین نرخ به نص که در قرار دارد وجود دارد،

دوم- بیان طریقه تعیین نرخ فی ما بعد،

1 - National Information Technology Board. کمیته ملی معلومات تیکنالوژی

2 - Price Stabilization Mechanism in Pakistan's Food Market: Exploring Issues and Potential Challenges, By: Asma Khalid, April 2020. P: 11-13.

سوم - تعیین نرخ حسب تعامل عاقدین.

باز در بخش دیگر همین ماده قانون انگلیس آمده است: اگر قیمت به طریقه های فوق تعیین نگردیده باشد در آن صورت مشتری به فروشنده مبلغ معقولی را تأدیه نماید، ثمن معقول بر هر کالا متفاوت می باشد که هر قضیه و جایی حالت خاصه خود را دارا می باشد.

این قانون صراحت دارد که اگر قیمت تعیین نه شده هم باشد بیع درست می باشد، با وجود که ماده ۲۹ صراحت دارد اگر قیمت مبهم باشد بیع باطل است. از اینکه در این ماده قیمت را مبهم گذاشته شده است؛ لذا در محکمه ها اختلافات زیادی مشاهده گردیده است، قسمیکه شارحین قانون این نکته را ذکر کرده اند.

مگر در اسلام عزیز، بر این بسیار تأکید شده است که بیع باید شفاف باشد، از همین خاطر است که اسلام از آن عقد ها منع کرده است که در آن جهالت و مفضی به نزاع باشد. اگر تعیین ثمن به یکی از سه طریقه (ثمن برای بایع و مشتری معلوم باشد، یا بر معیار منضبط نرخ اتفاق کنند و یا اینکه ثمن بر اساس تعامل جاری شان معین باشد) نباشد بیع فاسد است و بالای متعاقدین واجب است که آن را فسخ نمایند، و مبیعه را به بایع بسپارد و اگر چند که قبض هم کرده باشد^(۱).

از این معلومات دانسته می شود که اقتصاد بازار های پاکستان اقتصاد باز نبوده بلکه در آن تقییم و کنترل و نظارت جاری بوده و اگر شرکت ها بر کالاهای تولیدی خود نرخ گذاری کنند آن هم از خاطر کنترل و نظارت دولت می باشد، قسمیکه دانسته شد قانون اساسی پاکستان بر کنترل بازار اشاره دارد^(۲).

مطلب دوم: نرخ گذاری در قانون جمهوری اسلامی ایران:

جمهوری اسلامی ایران کشور مسلمان نشین، از پیروان فرقه شیعه و در همجواری کشور ما قرار دارد، این کشور با ۱,۶۴۸,۱۹۵ کیلومتر مربع پهناوری، دومین کشور بزرگ خاورمیانه^(۳) است.

۱ - فقه البیوع علی المذاهب الأربعة مع تطبیقاته المعاصرة مقارنا بالقوانين الوضعية ج ۱ ص: ۴۳۱ دیده شود.
 ۲ - فقه البیوع علی المذاهب الأربعة مع تطبیقاته المعاصرة مقارنا بالقوانين الوضعية ج ۱ ص: ۴۳۱-۴۳۲ دیده شود.
 ۳ - خاورمیانه به معنی شرق وسط (به انگلیسی (Middle East): یک منطقه جغرافیایی در غرب آسیا و ناحیه آفریقا-اوراسیا است که از تنگه باب‌المنذب در جنوب غربی تا تنگه داردانل در شمال غربی و از شرق تا رشته کوه‌های هیمالیا و بندر کراچی امتداد دارد. واژه خاورمیانه تا حدودی دارای ابهام است و تعاریف دیگری نیز از منطقه ارائه شده است برای مثال واژه خاورمیانه بزرگ علاوه بر تعریف معمول از خاورمیانه، کشورهای منطقه مغرب عربی یعنی مراکش، تونس، الجزایر، موریتانی و لیبی و همچنین کشورهای دیگری مثل جیبوتی، سومالی، اتحاد

ایران، قابل توجهی در بخش‌های خدماتی، صنعتی و کشاورزی دارد که اقتصاد این کشور را توانمند می‌سازد، اما این اقتصاد هنوز بر فروش نفت و گاز متکی است و از فساد مالی رنج می‌برد. منابع طبیعی ایران، قابل توجه هست و در میان اعضای اوپک (OPEC) ^(۱)، ایران سومین دارنده ی ذخایر بزرگ اثبات شده ی نفت است ^(۲). میراث فرهنگی این کشور، غنی است و فهرست میراث جهانی یونسکو در ایران از ۲۴ مورد تشکیل می‌شود و از افغانستان تنها ۲ اثر می‌باشد: یکی - منار جام در غور و دیگری تندیس بودا در بامیان می‌باشد. و این کشور در بخش صنعت و کشاورزی. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نیز مسئولیت توسعه و نگهداری ریال ایران، که یکای پول کشور است را بر عهده دارد. دولت با ملی کردن بانک‌های خصوصی و شرکت‌های بیمه و افزایش کنترل دولتی بر بازرگانی، انحصار نهفته‌ای بر فعالیت‌های تولیدی و درآمدی ایران به دست آورد. در دهه‌های گذشته، مهمترین مانع پیش روی اقتصاد ایران، انزوای آن از جامعه جهانی بوده‌است؛ این منزوی شدن، حاصل خارجی‌هراسی سیاست‌مداران محافظه کار این کشور و تحریم‌های اعمال شده خارجی، به ویژه از سوی ایالات متحده است. برداشته شدن بیشتر تحریم‌های هسته‌ای، بر اساس برنامه جامع اقدام مشترک در سال ۱۳۹۴، باعث احیای بخش تولید نفت و درآمد نفتی ایران شد که رشد سریع تولید ناخالص داخلی را در پی داشت؛ اما به دلیل سقوط تولید نفت در سال ۲۰۱۷ میلادی، رشد اقتصادی این کشور نیز کاهش یافت. اقتصاد ایران همچنان از سطح سرمایه‌گذاری کم و ضعف اقتصادی پیش از برجام رنج می‌برد و بیکاری گسترده، به ویژه میان زنان و جوانان ایرانی تحصیل کرده، خودنمایی می‌کند. بحران ناشی از دنیاگیری ویروس کرونا باعث استمرار رکود اقتصادی در سال ۲۰۲۰ م شد و رشد اقتصادی این کشور تا سال ۲۰۲۳ م همچنان ضعیف برآورد شد ^(۳).

= قمر، افغانستان، پاکستان و کشورهای در آسیای مرکزی را نیز در بر می‌گیرد، خاور میانه در برگیرنده ۱۸ کشور است و ۱۳ آن را کشورهای عربی تشکیل می‌دهد.

۱ - سازمان کشورهای صادرکننده نفت) به انگلیسی (Organization of the Petroleum Exporting Countries) : با سرواژه اوپک (OPEC) یک کارتل بین‌المللی نفتی است که گردهمایی، کشورهای الجزایر، ایران، عراق، کویت، لیبی، نیجریه، قطر، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، اکوادور، آنگولا، ونزوئلا و کنگو پدید آمده است. ستاد بین‌المللی اوپک در آغاز بنیان‌گذاری در سال ۱۳۳۹ در ژنو سوئیس بود و در سال ۱۳۴۴ به شهر وین اتریش جابجا شد.

۲ - واولین آن کشور شاهی عربستان سعودی می‌باشد.

نرخ گذاری در قوانین جمهوری اسلامی ایران:

از مطالعه بازار های کشور ایران دانسته می شود که نرخ گذاری در این کشور نیز یک سلسله مشکلات از قبیل: عدم هماهنگی بخش های تولید، بازار مصرف و واردات و صادرات، عدم وجود سیستم ناظر، نبود نظام قیمت گذاری شفاف، نوسان های کاذب قیمت، عدم امکان مدیریت ریسک و غیره را دارا می باشد^(۱).

قانون اساسی ایران، در فصل چهارم تحت عنوان: اقتصاد و امور مالی، در اصل چهل و سوم، در شماره پنجم چنین آمده است: «منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام» از این قسمت این اصل دانسته می شود که ضرر رسانیدن به غیر، در قوانین کشور ایران جای ندارد و دولت آن کشور می تواند توسط نرخ گذاری بازار را از ضرر رسانیدن به غیر، کنترل نماید؛ لذا آن کشور طرز العملی را تحت عنوان "طرز العمل قیمت گذاری" دارند که در این بحث بیان خواهد گردید.

و در اصل چهل چهارم قانون اساسی ایران نوع اقتصاد کشور ایران را بیان می کند: «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران به پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش خصوصی شامل آن قیمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می شود که مکمل فعالیت ها اقتصادی دولتی و تعاونی است. مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می کند».

قانون دانان ایرانی بر این باور هستند که همین اصل ۴۴ قانون اساسی در باره نرخ گذاری اشاره دارد، لذا این اصل مورد بررسی قرار داده اند، که در سایت ایراسین مقاله تحت عنوان "آیا دخالت در قیمت گذاری

محصولات و خدمات در چهار چوب قانون اساسی است؟" تحریر گردیده است، در آن بیان می کند: هدف و غایت سیاست‌های اصل ۴۴ نظام عرضه و تقاضا تعیین کننده قیمت یک کالا یا خدمت است.

در مقاله، سوالی مطرح شده که آیا دخالت دولت و سایر نهادهای دولتی همچون ستاد تنظیم بازار در قیمت گذاری کالاها و خدمات عمومی مجاز است؟

در پاسخ می نویسد: بر اساس ماده ۲۱ قانون الحاقی^(۱) برخی از مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت " به منظور تنظیم مناسب بازار، افزایش سطح رقابت، ارتقای بهره وری شبکه توزیع و شفاف سازی فرآیند توزیع کالا و خدمات، دولت مکلف است با رعایت قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، قیمت گذاری را به کالاها و خدمات عمومی و انحصاری و کالاهای یارانه ای و ضروری محدود کند."

سوال دیگر اینکه: از سوی دیگر باید دید که قیمت گذاری کالاهای پذیرفته شده در بورس^(۲)، اختیارات دولت و سایر نهادهای دولتی همچون ستاد تنظیم بازار چگونه می تواند باشد؟

در جواب می نویسد: طبق ماده ۱۸ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی "دولت مکلف است کالای پذیرفته شده در بورس را از نظام قیمت گذاری خارج کند."

با توجه به موارد مطرح شده می توان گفت دولت و سایر نهادهای نظارتی دولتی همچون ستاد تنظیم بازار اجازه دخالت در فرآیند قیمت گذاری و عرضه و تقاضا را صد در صد نداشته و در شرایط فعلی نیز اجرای دستورالعمل‌های مختلف از سوی نهادهای مختلف دولتی موجب اختلاف قیمت در بورس و خارج از بورس شده که از یکسو منجر به توزیع رانت و از سوی دیگر بار مالی بر شرکت‌های عرضه کننده (که غالباً سهامی عام هستند) تحمیل کرده و این در حالیست که مصرف کننده نهایی نیز از منافع این پایین نگه داشتن قیمت بهره مند نمی گردد.

۱ - ماده ۲۱ - کلیه دستگاه‌های موضوع ماده (۲) این قانون مکلفند حداقل بیست و پنج درصد (۲۵٪) از نیازهای استخدامی و تأمین نیروهای مورد نیاز خود را اعم از رسمی، پیمانی، قراردادی، شرکتی که وفق ضوابط و مجوزهای مربوط و جایگزینی نیروهای خروجی خود اخذ می‌نمایند به خانواده‌های شهید، جانبازان و آزادگان، همسر و فرزندان شهید و جانبازان بیست و پنج درصد (۲۵٪) و بالاتر، فرزندان و همسران آزادگان یک سال و بالای یک سال اسارت، اسرا و خواهر و برادر شهید اختصاص دهند و پنج درصد (۵٪) سهمیه استخدامی را نیز به رزمندگان با سابقه حداقل شش ماه حضور داوطلبانه در جبهه‌ها و همسر و فرزندان آنها و فرزندان جانبازان زیر بیست و پنج درصد (۲۵٪) و آزادگان کمتر از یک سال اسارت اختصاص دهند.

۲ - بورس کالا، مشابه بورس اوراق بهادار، بازاری است که در آن معامله و داد و ستد انجام می‌شود، با این تفاوت که در بورس کالا، همان‌گونه که از نامش پیداست، کالاهای خام و فرآوری نه شده مانند گندم، برنج، پنبه، فلزات و... معامله می‌شود

در کنار دولت و نهادهای نظارتی، بخش دیگری به نام شورای رقابت وجود دارد که باید دید که این ارگان تا چه حدی مجاز به دخالت در قیمت گذاری کالا است و آیا می تواند در این زمینه با قدرت وارد عمل شود یا خیر؟

در این زمینه می نویسد: به هدف تسهیل و کاهش ریسک فعالیت های بخش خصوصی و جلوگیری از انحصار شکل گرفته، تنها نهاد صلاحیت دار در خصوص قیمت گذاری کالاهای انحصاری است.

در نهایت می توان گفت براساس مجموعه قوانین و مقررات اعلامی، عرضه در بورس محصولات شرکت های فولادی با هماهنگی نهاد ذی صلاح شورای رقابت بوده و فرآیند کشف قیمت نیز تابع قوانین بورس کالا است و هرگونه دخالت سایر نهادهای دولتی در این رویه غیرقانونی بوده و منجر به دستوری شدن فرآیند قیمت گذاری و توزیع رانت و فاصله گرفتن از اهداف سیاستهای اصل ۴۴ در خصوص ایجاد فضای کسب و کار رقابتی در کشور می شود^(۱).

از مقاله فوق دانسته می شود که آن عده کالا های که مربوط شرکت های دولتی می شود به اساس قانون دولت می تواند بر آنها نرخ گذاری کند و آن عده کالا های که از طریق شرکت های خصوصی تولید می گردد، دولت نمی تواند بر آنها نرخ گذاری کند، مگر از آنها از خاطر کیفیت و نرخ گذاری مراقبت جدی می نماید.

در قانون شهرداریها و اصلاحات بعدی آن، در فصل پنجم (وظایف انجمن شهر و قصبه) در ماده ۳۵ در فقره ۱۵ آمده است: "تصویب نرخ خوار بار" و در فقره ۱۶- تصویب سایر نیازمندیهای عمومی و خدمات با موافقت وزارت کار و اقتصاد.

و در فصل ششم در وظایف شهرداری در ماده ۳۹ در فقره ۳ آمده است: مراقبت در اجرای نرخ های مصوب انجمن و مراقبت کامل در ارزانی و فراوانی مواد مورد احتیاج عمومی و جلوگیری از فروش اجناس فاسد و معدوم نمودن آنها.

از این فقرات قانون شهرداری دانسته می شود که در آن شهر بر کالاهای بازار از طرف انجمن نرخ گذاری شده و توسط شهرداری به جدی مراقبت می گردد و این از خاطر ارزانی و فراوانی صورت می گیرد.

^۱ - در سایت Irasin.ir مقاله آیا دخالت در قیمت گذاری محصولات و خدمات در چهارچوب قانون اساسی است؟ در ۳۱ شهریور ۱۳۹۹ به نشر رسیده است، کد ۷۹۱۵ نقل شده است.

پس، از مطالعه نرخ گذاری دو کشور اسلامی فوق دیده شد که در قانون اساسی هیچ یک از این کشورها نرخ گذاری ذکر نگردیده است و دولت نمی تواند بازار را نرخ گذاری کند، اما دولت به حیث ناظر بیدار و فعال فعالیت می کند، که این باعث می شود که خود شرکت ها بالای کالا های تولیدی خود با مشوره ادارات دولتی مربوطه نرخ گذاری کنند.

و الله اعلم

مبحث سوم: مقایسه بین شریعت و قانون در موضوع نرخ گذاری:

مقارنه و مقایسه قانون با شریعت شرعا و عقلا درست نمی باشد؛ چونکه شریعت احکام حکیمانه الهی و نازل شده از طرف او تعالی بوده که از هر نوع نقص و عیب پاک و مبرا بوده و از قداست بر خوردار می باشد، مگر قانون ساخته بشر است و از کمی و کاستی عاری نیست؛ لذا قانون هرگز با شریعت برابر شده نمی تواند.

مگر از دیدگاه دیگر، قوانین کشور های اسلامی استمداد شده از شریعت اسلامی و از نظر فقهاء اسلام می باشد و حتی در فقه آراء اختلافی علماء جمع آوری شده است، مگر قانون رأی راجح مذاهب را -به یکی از نظریات تقنین^(۱) است، انتخاب می کند- که شکل الزامی را به خود گرفته است، پس به این اساس می توان آراء علماء را با قانون مقایسه نمود و در جهت دیگر قانون و شریعت هر دو شکل الزامی را دارد، یعنی انسان تابع شریعت و هم تابع قانون می باشد.

موضوع نرخ گذاری را نیز نمی توان در فقه و قانون مقایسه کرد؛ چونکه این موضوع در فقه به شکل تفصیلی و در قوانین افغانستان کم تر بیان گردیده است و علت آن را به نظر اکثریت دانشمندان ماده دهم قانون اساسی گذاشته است، می دانند.

مطلب اول: نقاط اتفافی بین شریعت و قانون در باره نرخ گذاری:

در مورد نرخ گذاری چندان اختلاف عمیق بین شریعت و قانون دیده نمی شود، که اکثر موارد با هم متفق می باشند که حسب نکات ذیل بیان می گردد:

۱- عده غفیری از علماء امت بر عدم جواز نرخ گذاری قایل اند، قانون اساسی افغانستان، پاکستان و ایران هم از صراحت درین موضوع خاموش مانده است.

۱ - قانون گذاری، تألیف: استاد شهید دکاتور عبدالباقی امین - رحمه الله - ناشر: مرکز تحقیقاتی قاصد کابل - افغانستان، سال چاپ: ۱۳۹۷ هـ ۲۰۱۸ م ص: ۷۴.

۲- آن عده علماء که نرخ گذاری را در صورت ضرورت جایز می دانند، دولت ها نیز در صورت بروز مشکلات در بازار، از نرخ و قیمت کالاها مراقبت و کنترل جدی می نمایند و همچنان در بسیاری از قوانین شهر سازی و شاروالی از جمله محصول خدمات شهری، منع احتکار و در دستور العمل محصول گمرکات نرخ گذاری شده است.

۳- از دیدگاه فقه رضای جانین رکن اساسی معامله می باشد؛ لذا اکثر علماء اسلام بر عدم جواز نرخ گذاری رأی داده اند، قانون هم رقابت آزاد را به خاطر مستغنی شدن از نرخ گذاری کافی می داند.

۴- بعضی از علماء قدیم و اکثر علماء معاصر، نرخ گذاری را بخاطر مصلحت عامه جایز می دانند و بسا کشورها من جمله افغانستان- در نظام امارت اسلامی-، پاکستان و ایران بخاطر مصلحت عامه قانون نرخ گذاری دارند.

۵- مخالفت از نرخ گذاری در شریعت اسلامی تعزیرات را در قبال دارد و در قانون هم برای مخالفین نرخ گذاری تعزیر و جزا را مدنظر گرفته شده است که می توان قانون منع احتکار در قوانین افغانستان نام برد.

۶- حاصل آراء علماء در باره نرخ گذاری این است که اگر ضرورت نباشد نرخ گذاری نشود؛ چونکه در اصل شریعت نرخ گذاری نیست، مگر در صورتیکه اسباب نرخ گذاری به وجود بیاید، در آن صورت نرخ گذاری جایز و حتی نزد عده ای از علماء واجب می گردد، مگر قانون اساسی کشورهای افغانستان، پاکستان و ایران تقریباً بر منع نرخ گذاری می باشد، مگر در بعضی از قوانین کشورهای مذکور دیده می شود ناچار به نرخ گذاری روی آوردند، می توان کشور ما افغانستان در قانون منع احتکار، محصولات خدمات شهری و طرز العمل قیمت گذاری اموال گمرکات، و در پاکستان کمپنی به کالای های تولیدی خویش نرخ گذاری می کنند و دولت آن کشور نرخ ها را به جدیت مراقبت و کنترل می نماید.

۷- حکم نرخ گذاری در فقه اسلامی اختلافی می باشد، به این معنا که نزد بعضی از علماء نرخ گذاری جایز می باشد و نزد عده دیگری جایز نمی باشد، و در قانون نیز دیده می شود که قانون اساسی بر منع نرخ گذاری می باشد اما در بعضی قوانین دیگر دیده می شود که نرخ را اجازه و حتی لازمی ساخته است.

مطلب دوم: نقاط اختلافی بین شریعت و قانون در مورد نرخ گذاری:

- در مطلب اول بیان گردید که نکات اتفاقی بین شریعت و قانون در مورد نرخ گذاری زیاد بوده، پس نقاط اختلافی در موضوع بین شریعت و قانون چندان زیاد و بی شمار نمی باشد، قرار ذیل است:
- ۱- علماء معاصر و یک تعداد از علماء قدیم بر جواز نرخ گذاری قایل هستند، مگر قانون اساسی کشور های افغانستان، پاکستان و ایران تقریباً بر منع نرخ گذاری می باشد.
 - ۲- اصل شریعت اسلامی عدم نرخ گذاری است، مگر قوانین کشور های افغانستان و پاکستان و ایران مجبوراً در بعضی احيان در بعضی موارد نرخ گذاری کرده است، میتوان قانون منع احتکار، دستور العمل قیمت گذاری در گمرکات و قانون محصولات شهری را نام برد.
 - ۳- کالاهای احتکار شده نزد اکثر علماء و خاصاً مذهب احناف نرخ گذاری نمی شود، بلکه احتکار کرده را مجبور کرده می شود تا کالاهای احتکار شده خود را بیرون آورده و به هر قیمت و در هر جایی که بخواهد آن را به فروش برساند. مگر در قانون منع احتکار، کالاهای احتکار شده نرخ گذاری می گردد و جریمه و خسران را بالای احتکار کننده نیز دارا می باشد.
 - ۴- در شریعت اسلامی کالا های جلب (وارد) شده یعنی بالای جالب (وارد کننده) نرخ گذاری کرده نمی شود، مگر در قانون دیده می شود که طرز العمل خاصی توسط ریاست گمرکات بخاطر نرخ گذاری کالا ها در گمرکات وجود دارد و به خاطر این کار، شیوه خاصی وجود دارد که در سیستم توسط کود مخصوص هر کالا، نرخ علاحده دارد تا قیمت اصلی کالا بیان گردد و از نرخ های دروغ جلوگیری صورت گیرد (البته این موضوع خارج از بحث هذا می باشد).
 - ۵- جواز و عدم جواز نرخ گذاری از دیدگاه شریعت متکی بر دلایل نقلی و عقلی می باشد که این از خصوصیت شریعت اسلامی نیز است که عقل سلیم هیچگاه با نقل در تعارض نمی باشد، مگر در قانون نرخ گذاری متکی بر دلایل عقلی است و بس.

خاتمه و نتایج بحث

مقدمه اهداف رساله را و خاتمه نتایج و خلاصه آن را بیان می کند، نکات ذیل، رساله هذا را خلاصه نموده و خاتمه می بخشد:

۱- بحث هذا بخاطر مراقبت و کنترل بازار با نرخ گذاری و تقسیم توسط دولت، از دیدگاه شریعت و قانون از اهمیت والا برخوردار می باشد.

۲- نرخ گذاری عبارت است از اینکه سلطان و یا نائب او بالای کالاهای بازار نرخ را تعیین کند و مردم مجبورا کالاهای خود را به آن نرخ خرید و فروش نمایند، نه از آن به نرخ بلند و نه هم - بخاطر مصلحت- از آن پائین تر.

۳- علماء اسلام اتفاق نظر دارند که نرخ گذاری در اصل شریعت جواز ندارد، حاکم مسلمانها نباید در امور بازار و نرخ آن مداخله کند، لکن هر وقت هایکه اسبابی همچو: احتکار، ضرورت مردم به کالا، مصلحت، سد ذریعه و غیره به وجود بیاید و ضرورت بر نرخ گذاری پیدا شود، آنگاه بالای حاکم مسلمانها لازم است که کالاهای بازار مسلمانها را با طریقه خاص نرخ گذاری نماید.

۴- از اقوال علماء بر می آید که نرخ گذاری در شرایط ذیل جواز ندارد:

۱- اینکه سبب بلند شدن قیمت ها کثرت تقاضا و کمبود کالا باشد.

ب- عموم مردم به کالاهای عامه ضرورت داشته باشد.

۵- اگر مصلحت مردم به عدم نرخ گذاری نهفته باشد، هیچ نیازی به نرخ گذاری نیست؛ چون اساس تعامل در بازار از دیدگاه شریعت اسلامی آزاد و عدم تقیید و تقسیم بازار می باشد. و اگر مصلحت مردم به نرخ گذاری باشد، باز این امر از جایی تا جای دیگر و از وقتی تا وقت دیگر تفاوت دارد، که این نظریه اکثر علماء که در رأس آن شیخ الاسلام ابن تیمیه -رحمه الله- قرار دارد، می باشد و وی حکم نرخ گذاری را بنا بر تفاوت زمان و مکان به واجب، جایز و حرام تقسیم بندی کرده است.

۶- حدیث انس و ابوهریره -رضی الله عنهما- و دیگر احادیث باب، اثر عمر و علی -رضی الله عنهما- و دلایل عقلی، دلایل مانعین نرخ گذاری در ادعای شان می باشد؛ لذا در هیچ صورت نرخ گذاری جایز نمی دانند.

۷- در مقابل مجوزین نرخ گذاری دلایل مانعین نرخ گذاری را مورد مناقشه قرار داده، می گویند که علت درخواست نرخ گذاری از رسول الله -صلی الله علیه وسلم- تنها بلند شدن بهای کالاها - که کثرت تقاضا

و کمبود کالا- بوده و بس، ولی امروز در بازارها دیده می شود ضمن بلند بودن بهای کالاها، مشکلات گوناگون از قبیل: عدم مد نظر گرفتن مصلحت عامه، عدم وجود رقابت سالم، وارد شدن کالا های کم کیفیت به قیمت کالا های با کیفیت، معلوم نبودن اصل بهای کالا های وارداتی، فریب کاری از طرف تاجران، ذریعه شدن عدم نرخ گذاری به خوردن مال غیر به باطل و غیره؛ باعث می شود که مردم در بازار احساس عدم مصئونیت مالی کنند، همینجاست که نرخ گذاری را ضرورت مبرم بازارها می دانند، تا قانون نرخ گذاری زمان امارت اسلامی توسط ارگانهای مربوطه تعدیل شده؛ تا همه در بازار مصئونیت مالی داشته باشند.

۸- اگر خرید و فروش به قیمت مثل صورت بگیرد و کسی بالای کسی ظلم نه کند و فریب نه دهد، پس ضرورت به نرخ گذاری نیست؛ چونکه اسباب آن وجود ندارد. و اگر اسباب آن پیدا شد و مردم نیاز به نرخ گذاری داشته باشند و مصلحت شان بدون نرخ گذاری تحقق نیابد، در آن صورت است که حکمروای مسلمانها با مشوره اهل رأی و آگاه امور بازار، کالا های بازار را نرخ گذاری عادلانه نماید.

۹- مانعین نرخ گذاری در حکم نرخ گذاری و بیع مثل فرق می گذارند، او اینکه نرخ گذاری نزد آنها نا جایز بوده و بیع مثل را لازمی می دانند، در حالیکه مجوزین نرخ گذاری، نرخ گذاری را همانا بیع مثل می خوانند.

۱۰- اصل بین نص شرعی و مصلحت حقیقی هیچ تعارضی وجود ندارد، اگر التباس صورت گیرد و تعارض بمیان آید، پس آن تعارض ظاهری می باشد که به یکی از دو طریقه تعارض از بین می رود: ۱- تخصیص نص به مصلحت. ۲- تفسیر نص به مصلحت؛ لذا احادیث مذکور باب توسط علماء مورد مناقشه قرار گرفت که حدیث بر منع مطلق نرخ گذاری که مصلحت امروز باشد، نیست.

۱۱- نظام اقتصاد در افغانستان تا روی کار آمدن دولت موقت به ریاست حامد کرزی و تجدید قانون اساسی سر بسته بوده و بعد از آن به هدف جلب کمک های کمک کنندگان نظام اقتصاد را با ماده دهم قانون اساسی باز گردید، مگر در کشور های همجوار اعم از پاکستان و ایران متفاوت از نظام اقتصادی افغانستان است که امکان نرخ گذاری و کنترل و مراقبت از بازار ممکن کرده است.

۱۲- قانون اساسی کشور های افغانستان، پاکستان و ایران نوعیت اقتصاد حاکم را تعیین می کند و در باره نرخ گذاری سکوت کرده است، مگر حکومت پاکستان و ایران از نرخ بازار مراقبت و کنترل جدی

مینماید که حتی خود شرکت‌ها با شیوه‌های متفاوت کالا‌های تولیدی خویش را نرخ‌گذاری می‌کند و دولت‌ها نیز در بسیاری از امور نرخ‌گذاری می‌کنند، تا کنترل بازار برای شان آسان و ساده‌تر گردد.

۱۳- در موضوع نرخ‌گذاری بین شریعت و قانون نکات اتفاقی بیشتر از نکات اختلافی می‌باشد که قوانین کشور‌های سه‌گانه اساس شرعی دارد، لذا قوانین خود را طبق شریعت اسلامی عیار ساختند، از این‌هم بیشتر گفته شود نظام کاپیتالیسم نزدیک‌تر نسبت به نظام اقتصادی اشتراکی به نظام اقتصاد اسلامی می‌باشد، او اینکه در نظام کاپیتالیسم بازار آزاد می‌باشد و در اسلام نیز آزاد می‌باشد تا وقتی که از بازار استفاده سوء صورت‌نگیرد، پس هر وقت‌های که از بازار استفاده سوء صورت گرفت در آن وقت دولت در امور بازار مداخله کرده و از آن به جدیت مراقبت می‌کند تا از اموال مسلمانها حفاظت کرده بتواند.

والله تعالی اعلم بالصواب

پیشنهاد ها

رساله هذا به اساس قوانین نظام جمهوری اسلامی افغانستان قبلی به رشته تحریر درآورده شده است، بعضی پیشنهاد ها در رابطه به قانون "قانون قیمت گذاری و نظارت (کنترول) قیمت" داشتم، اکنون نظام تغییر کرده، می توان به امارت اسلامی افغانستان پیشنهاد قبلی را نمود که قانون مذکور با تعدیلات عمیق - از اینکه اقتصاد کشور و سکتور های خصوصی رشد چشم گیری کرده و در قانون یاد شده تنها از کالاهای امارت اسلامی نام برده شده است که کالاهای خصوصی را در آن ذکر نگردیده است - دوباره فعال سازد؛ به خاطریکه مشکلات گونا گون، بازار ها را بی داد کرده است که قبلا گفته شد: یکی می سوزد و دیگری از آن سود می برد؛ چونکه اکثر مردم ما بدبختانه نه قانون را می شناسند و نه آن را مراعات می کنند، فقط و فقط منافع شخصی ایشان مافوق همه قوانین نافذ کشور می باشد.

توصیه دوم بنده برای تحقیق گران و رساله نویسان است که هیچ موضوع را خورد و ریزه فکر نکنند؛ به این که موضوع نرخ گذاری از دیدگاه قانون خیلی یک موضوع کوچک بود و مشوره اکثر استادان گرامی انصراف از موضوع بود، پس اگر موضوع همه جانبه بررسی شود، حتما رساله ی مانند این را بیار میاید، پس محققان و رساله نویسان می توانند با موضوع کوچک معلومات بیشتر را دریابند و آسان تر ترتیب و تهیه نمایند و این کار آسان تر نسبت به موضوعات بزرگ است که بعد از انتخاب جمع آوری و ترتیب و تنسيق معلومات بالای محقق سخت تمام شود، بالاخره حق موضوع را آداء کرده نتوانند، به استادان گرامی برنامه ماستری یک خواهش کوچک دارم که محصلین را بر تهیه رساله خویش در وقت آن تشویق نمایند و محصلین را وادار بسازند که نوشتن رساله ماستری کار سخت و وقت گیر است، باید به وقت سعی و کوشش بیشتر نمایند.

توصیه بنده به فعالین بازار اعم از فروشندگان این است که در معامله خویش، ترس از الله را مد نظر بگیرند و به همین مورد خود، قارئین گرامی و تمام افراد امت اسلامی را ضمن توصیه بر تقوی و صداقت در افعال و اقوال و خاصتا در معاملات تأکید می نمایم، که معاملات حق العبد می باشد که به هیچ عنوانی الله تعالی آن را بر کسی نمی بخشد، نباید در این زندگی چند روزه خود از قبیل معاملات گناهان بزرگ را متحمل شویم.

فهرست ها

- فهرست آیات قرآنی
- فهرست احادیث نبوی
- فهرست اعلام
- فهرست اصطلاحات
- فهرست منابع و مأخذ

فهرست آیات قرآنی

سوره البقره			
شماره	آیت	شماره آیت	صفحه
۱	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقُولُوا رِعْسًا...﴾	۱۰۴	۷۳
۲	﴿وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا...﴾	۱۴۳	۳۹
۳	﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالِكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ﴾	۱۸۸	۵۷
سوره آل عمران			
شماره	آیت	شماره آیت	صفحه
۱	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ...﴾	۱۲۱	۱
سوره النساء			
شماره	آیت	شماره آیت	صفحه
۱	﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ...﴾	۱	۱
۲	﴿إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ...﴾	۱۸	۸۸
۳	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ...﴾	۲۹	۵۷
۴	﴿فَمِنْهُمْ مَنْ ءَامَنَ بِهِءِ وَمِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ...﴾	۵۵	۱۶
۵	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي...﴾	۵۹	۴۱
سوره المائدة			
شماره	آیت	شماره آیت	صفحه
۱	﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا...﴾	۲	۴۶
سوره الأنعام			
شماره	آیت	شماره آیت	صفحه
۱	﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا...﴾	۱۰۸	۲

سوره الإسراء			
شماره	آیت	شماره آیت	صفحه
۱	﴿وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْنِي صَغِيرًا﴾	۲۴	د
سوره طه			
شماره	آیت	شماره آیت	صفحه
۱	﴿وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى﴾	۱۲۷	۷۰
سوره الحج			
شماره	آیت	شماره آیت	صفحه
۱	﴿وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ يُظَلِّمْ نَفْسَهُ مِنْ عَذَابِ آلِيمٍ﴾	۲۵	۶۸
سوره الكهف			
شماره	آیت	شماره آیت	صفحه
۱	﴿قَالُوا يَا قَرِيبَ إِنَّ يَا جُوجَ وَمَاجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ...﴾	۹۴	۷۲
سوره الأحزاب			
شماره	آیت	شماره آیت	صفحه
۱	﴿يَأَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ...﴾	۷۱-۷۰	۱
سوره الشوری			
شماره	آیت	شماره آیت	صفحه
۱	﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ﴾	۱۳	۲۰
سوره الجاثیه			
شماره	آیت	شماره آیت	صفحه
۱	﴿ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَى شَرِيعَةٍ مِنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا﴾	۱۸	۲۰
سوره القمر			

شماره	آیت	شماره آیت	صفحه
۱	﴿فَقَالُوا أَبَشْرًا مِمَّا وَجَدْنَا نَتَّبِعُهُ إِنَّا إِذًا لَفِي ضَلَالٍ وَسُعْرٍ ﴿٢٤﴾﴾	۲۴	۱۶
۲	﴿إِنَّ الْمَجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعْرٍ ﴿٤٧﴾﴾	۴۷	۱۶
سوره الملك			
شماره	آیت	شماره آیت	صفحه
۱	﴿فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿١١﴾﴾	۱۱	۱۶
سوره التکویر			
شماره	آیت	شماره آیت	صفحه
۱	﴿وَإِذَا الْجَبَابِرُ سُوعِرَتْ ﴿١٢﴾﴾	۱۲	۱۶

فهرست احادیث نبوی

شماره	حدیث	تخریج	صفحه
۱	« السُّوقُ بِيَدِ اللَّهِ يَخْفِضُهَا، وَيَرْفَعُهَا... »	الاستذكار	۸۱ و ۹۴
۲	« إن الرخص والغلاء من الله ، وإني أحب أن ... »	كتاب الآثار و صحيح ابن حبان	۹۳
۳	« إن الله يحب إذا عمل أحدكم عملاً أن يتقنه... »	سنن ابن ماجه	۳۱
۴	« لَا يَحِلُّ مَالُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِلَّا بِطَيْبِ نَفْسٍ مِنْهُ... »	مسند احمد	۸۹
۵	«الْبَيْعُ عَنْ تَرَاضٍ وَالْخِيَارُ بَعْدَ الصَّفَقَةِ وَلَا يَحِلُّ...»	احمد	۸۹
۶	«الْبَيْعَانِ بِالْخِيَارِ مَا لَمْ يَتَفَرَّقَا...»	صحيح البخارى	۸۹
۷	«إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمُسَعِّرُ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ الرَّازِقُ وَإِنِّي...»	سنن ترمذی، صحيح ابن حبان و غيره	۳، ۳۷، ۹۰، ۹۲ و ۹۹
۸	«إن غلاء السعر ورخصه بيد الله إني أريد أن ألقى .. »	مسند بزار	۹۲
۹	«إن كان لنا عامل فليكنسب زوجة...»	احمد و ابوداود	۴۵
۱۰	«إِنَّ مُحَمَّدًا يَقْتُلُ أَصْحَابَهُ»	متفق عليه	۷۵
۱۱	«إنما هو شيء أردت به الخير لأهل البلد...»	موطأ امام مالك	۴۸، ۸۱، ۹۷ و ۱۰۰
۱۲	«إني لأرجو أن أفارقكم ولا يطلبني...»	ابن ماجه و احمد	۹۱
۱۳	«بَلِ اللَّهِ يَخْفِضُ وَيَرْفَعُ وَإِنِّي لَأَرْجُو أَنْ أَلْقَى اللَّهَ...»	ابوداود و احمد	۹۰ و ۹۹
۱۴	«لا ألقين الله من قبل أن أعطي أحدا من مال أحد...»	ابن حبان	۹۱
۱۵	«لا يحل مال امرئ مسلم إلا بطيب نفس منه...»	سنن ابن ماجه	۸۹
۱۶	«لا يسألني الله عن سنة أحدثتها فيكم لم يأمرني بها»	المعجم الكبير	۹۲
۱۷	«مَنْ أَعْتَقَ شَرِكًا فِي عَبْدٍ وَكَانَ لَهُ مِنَ الْمَالِ...»	صحيح البخارى	۵۷ و ۹۸
۱۸	«مِنْ أَكْبَرِ الْكَبَائِرِ شَتْمُ الرَّجُلِ وَالِدَيْهِ...»	متفق عليه	۷۴

فهرست اعلام

شماره	عالم	صفحه
۱	ابن الحزم الأندلسی	۸۶
۲	ابن الرفعه، احمد بن محمد بن علی الأنصاری	۵۳
۳	ابن العربی	۵۲
۴	ابن المسیب	۳۶
۵	ابن تیمیه	۱۹
۶	ابن حبيب المالکی	۲۴
۷	ابن رشد	۲۴
۸	ابن عابدین	۴۹
۹	ابن عبدالبر	۵۲
۱۰	ابن عمر، عبدالله بن عمر - رضی الله عنهما - الصحابی	۸۱
۱۱	ابن قدامه المقدسی	۱۸
۱۲	أبو جَحِيفَه	۹۲
۱۳	ابو یحیی السنکی المصری	۸۴
۱۴	انس بن مالک الصحابی	۳۷
۱۵	امین، عبدالباقی، استاد دکتور عبدالباقی امین	۲۱
۱۶	الباچی، سلیمان بن خلف بن سعد المالکی	۴۱
۱۷	البخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل	۵۸
۱۸	البهوتی الحنبلی، منصور بن یونس	۸۶
۱۹	حاطب بن ابولتعه الخمی، الصحابی	۳۸
۲۰	الحجاوی، ابوالنجا موسی بن احمد المقدسی	۸۵
۲۱	خاوری، قانونیار حسین خاوری	۱۱۰
۲۲	الدرینی، علامه دکتور محمد فتحی الدرینی	۱۸

۱۰۹	رسولی، قانونپوه محمد اشرف رسولی	۲۳
۸۶	الرملی، محمد بن حمزه، شمس الدین الرملى	۲۴
۸۱	سالم بن عبدالله بن عمر بن الخطاب التابعی	۲۵
۷۳	الشاطبی، القاسم بن فیره بن خلف بن احمد الرعینی	۲۶
۱۹	الشوکانی، محمد بن علی الشوکانی الیمنی	۲۷
۲۵	الشیبانی، محمد بن الحسن بن فرقد الشیبانی	۲۸
۴۹	عبدالله بن احمد بن علی، امام زیدیه	۲۹
۹۲	عبید بن نضله	۳۰
۵۵	العثمانی، محمد تقی فرزند مفتی محمد شفیع العثماني	۳۱
۱۷	علی بن علی، ابوالحسن العباسی الفراء	۳۲
۸۶	عمر بن عبدالعزیز، الخلیفه، عمر الثانی.	۳۳
۷۱	الغزالی، ابو حامد حجة الاسلام محمد الغزالی الطوسی	۳۴
۳۸	الفاروق، عمر بن خطاب، خلیفه دوم اسلام	۳۵
۳۶	فروخ، ربیعہ الرأی، ربیعہ بن عبدالرحمن فروخ	۳۶
۲۲	فیلیپ کاتلر / Philip Kotler	۳۷
۸۱	القاسم بن محمد بن ابوبکر صدیق -رضی الله عنهم-	۳۸
۲۸	القرطبی، سلیمان بن خلف بن سعد التجیبی	۳۹
۴۵	قره داغی، استاد دکتور علی محیی الدین قره داغی	۴۰
۲۸	القہستانی، محمد شمس الدین، فقیه حنفی	۴۱
۶۹	الکاسانی علاء الدین ابوبکر بن مسعود الکاسانی	۴۲
۴۰	الکنانی، یحیی بن عمر بن یوسف الکنانی الأندلسی	۴۳
۵۰	اللیث بن سعد، الإمام	۴۴
۹۰	مالک بن انس بن مالک الاصبعی الحمیری، الإمام	۴۵
۸۴	الماوردی، ابوالحسن علی بن محمد البصری	۴۶

۲۶	المجلیدی، احمد بن سعید، قاضی از فقهاء مالکی	۴۷
۹۸	المرداوی، علی بن سلیمان بن احمد المرادوی دمشقی	۴۸
۳۶	المرغینانی، مولف هدایه ابوالحسن علی بن ابوبکر	۴۹
۶۰	المروزی، سعید بن منصور الخراسانی	۵۰
۵۲	المستعصم بالله، خلیفه ۳۷ بنو عباس	۵۱
۵۹	معمر بن عبدالله، الصحابی	۵۲
۶۸	الموصلی، أبو الفضل عبد الله بن محمود الموصلی	۵۳
۵۸	نیسایوری، مسلم بن حجاج، الامام الحافظ	۵۴
۱۸	الورغمی، محمد بن محمد ابن عرفه الورغمی	۵۵
۵۶	وهبة الزحیلی، الأستاذ الدكتور	۵۶

فهرست اصطلاحات

شماره	اصطلاح	صفحه
۱	استغلال	۷۲
۲	اقتصاد بازار	۱۰۸
۳	آبله	۸۶
۴	بورس کالا	۱۲۱
۵	التسعير	۲۰-۱۵
۶	الجالب	۲۳
۷	الجشع	۷۲
۸	الجلب	۲۳
۹	زیدیه	۳۶
۱۰	القانون	۲۱
۱۱	قیمت فاحش	۶۴
۱۲	کالا	۲
۱۳	مصلحة موهومه	۷۵
۱۴	معاصر	۳
۱۵	نوسانات	۳۳
۱۶	الوکس	۵۸

فهرست منابع و مآخذ

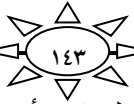
القرآن الکریم.

- ۱- اجتهاد التابعین، تألیف: استاد دکتور وهبة الزحیلی، ناشر: دار المکتبتي للطباعة والنشر والتوزیع، طبع اول سال: ۱۴۲۰.
- ۲- اختلاف ائمة العلماء، تألیف الوزير أبو المظفر یحیی بن محمد بن هبيرة الشیباني دار النشر : دار الکتب العلمية - لبنان - بیروت - ۱۴۲۳ هـ - ۲۰۰۲ م.
- ۳- الاختیار لتعلیل المختار، تألیف: الإمام عبدالله بن محمود بن مودود الموصلي الحنفي، المتوفی: ۶۸۳، ناشر: دار الکتب العلمية.
- ۴- الأدلة الرضية لمتن الدرر البهية في المسائل الفقهية، تألیف: إمام محمد بن عثمان الشوکاني، ناشر: دار الهجرة- صنعاء.
- ۵- ازهر البیان فی تفسیر کلام الرحمن، تألیف: فضيلة الشيخ محمد اكرام الدين بدخشانی، تحشیه و تعلیق استاد معتصم بالله، محل چاپ: مکتبه اسلامیه، لاهور، چاپ اول، سال: ۱۳۹۴.
- ۶- الاستذکار الجامع لمذاهب الفقهاء الأمصار، تألیف: أبو عمر يوسف بن عبد الله بن عبد البر النمري القرطبي ۳۶۸ هـ - ۴۶۳ هـ، تحقیق: عبدالمعطي امين قلجی، الناشر: دار قتیبة - دمشق، دار الوعی - حلب، الطبعة: الأولى ۱۴۱۴ هـ - ۱۹۹۳ م، عدد الأجزاء: ۲۷ مجلد + ۳ فهارس.
- ۷- أسنى المطالب شرح روض الطالب، تألیف: أبي یحیی زکریا الانصاري الشافعي (فقه شافعي) ناشر: دار الفكر بیروت - لبنان.
- ۸- أسنى المطالب فی شرح روض الطالب، تألیف: زکریا الأنصاري المتوفی: ۹۲۶ هـ، دار النشر: دار الکتب العلمية- بیروت لبنان عام: ۱۴۲۲ الطبعة الأولى.
- ۹- الأسئلة والأجوبة الفقهية، تألیف: ابو محمد عبدالعزيز بن محمد بن عبدالرحمن بن عبدالمحسن المسلمان متوفای: ۱۴۲۲.
- ۱۰- اصول الفقه، تألیف: الدكتور وهبة الزحیلی، ط: دار الفكر الطبعة الاولى ۱۴۰۶ هـ دار الفكر- دمشق.
- ۱۱- إعلام الموقعین عن رب العالمین، ابن القيم الجوزی، ناشر: دار الجیل - بیروت ۱۹۷۳.
- ۱۲- اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوبه ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی، مجمع عمومی سازمان ملل متحد.
- ۱۳- الاقتصاد السياسي، د. جابر جاد و د. عبدالرحمن الجبلی.
- ۱۴- الاقناع في فقه الإمام احمد بن حنبل " تألیف: شرف الدين موسى بن احمد بن موسى ابوالنجا الحجاوی متوفای ۹۶۰، تحقیق: عبداللطيف محمد موسى السبكي، ناشر: دار المعرفة بیروت- لبنان.
- ۱۵- الاکتساب فی طلب الرزق المستطاب لمحمد بن حسن الشیبانی، نقلا عن مدخل للفکر الاقتصادي فی الاسلام.
- ۱۶- الأم للشافعي، تألیف: الإمام أبي عبدالله محمد بن ادريس الشافعي، ناشر: دار المعرفة للطباعة والنشر بیروت لبنان.

- ۱۷- الانصاف فی معرفة الراجح من الخلاف علی مذهب الإمام أحمد بن حنبل، تألیف: المرادوی، علاءالدین أبو الحسن علی بن سلیمان المرادوی دمشقی الصالحی، ناشر: دار إحياء التراث العربی بیروت - لبنان، الطبعة الأولى ۱۴۱۹.
- ۱۸- البحوث العلمية لهيئة كبار العلماء بالمملكة العربية السعودية، ناشر: الرئاسة العامة للبحوث العلمية والافتاء، اصنار السنة ۱۴۲۱.
- ۱۹- بحوث مقارنة في الفقه الإسلامي وأصوله.
- ۲۰- بدايع الصنایع فی ترتيب الشرايع، تألیف: امام علاء الدين ابوبكر بن مسعود الكاساني الحنفي، متوفاي ۵۷۸ هـ طبع جديد: دار احياء التراث العربی- بيروت لبنان ۱۴۱۹ هـ.
- ۲۱- البيان و التحصيل، تألیف: أبو الوليد محمد بن أحمد بن رشد القرطبي (المتوفى : ۴۵۰ هـ)، تحقيق : د محمد حجي و ديكران، ناشر : دار الغرب الإسلامي، بيروت - لبنان، طبع دوم ۱۴۰۸ هـ - ۱۹۸۸ م ج ۹ ص ۳۱۳ ، الطرق الحكمية في السياسة الشرعية.
- ۲۲- تاج العروس من جواهر القاموس، تألیف: محمد بن محمد بن عبد الرزاق الحسيني، أبو الفيض ، الملقب بمرتضى ، الزبيدي، تحقيق مجموعهی از محققين، الناشر دار الهداية .
- ۲۳- التاج والإكليل لمختصر خليل، تألیف العبدري، محمد بن يوسف بن أبي القاسم العبدري ابو عبدالله، متوفای: ۸۹۷ ناشر دار الفكر - بيروت - لبنان عام ۱۳۹۸ .
- ۲۴- التبيه في الفقه الشافعي تألیف: ابراهيم بن يوسف الفيروز ابادي الشيرازي ابواسحاق متوفای ۴۷۶ ناشر: عالم الكتب بيروت لبنان عام النشر ۱۴۱۱ .
- ۲۵- تبیین الحقائق شرح كنز الدقائق تبين الحقائق شرح كنز الدقائق، تألیف: فخر الدين عثمان بن علي الزيلعي الحنفي، الناشر دار الكتب الإسلامي، سال نشر ۱۳۱۳ هـ، مكان نشر - القاهرة مصر.
- ۲۶- تحفة الاحوذی بشرح سنن ترمذي، تألیف: الإمام الحافظ أبي العلي محمد بن عبدالرحمن ابن عبدالرحيم المباركفوري ۱۲۸۳-۱۳۵۳ هـ تحقيق: عبدالرحمن محمد عثمان، طبع: دار الفكر للنشر والتوزيع.
- ۲۷- تحليل ونقد قانون اساسی افغانستان، تألیف: رسولی، قانونپوه محمد اشرف رسولی، ناشر انتشارات سعید، سال چاپ: ۱۳۹۳ .
- ۲۸- ترجمه مختصر صحيح مسلم از عبدالقادر ترشابی، تاريخ نشر: ۱۳۹۵ هـ، ناشر: سايت عقیده- انتشارات حرمين www.aqeedeh.com .
- ۲۹- ترجمه و تفسير نور، نوشته: دکتر مصطفى خرم دل، نشر انترنتی.
- ۳۰- التسعير و حكمه، پروفيسور عبدالله الزبير عبدالرحمن.
- ۳۱- احكام التسعير في الفقه الاسلامی؛ تألیف: محمد ابو الهدى اليعقوبى الحسنى، طبع الاولى: ۱۴۲۱ ناشر: دار البشائر الإسلامية.
- ۳۲- التسعير شروطه و حكمه دراسة فقهية مقارنة، إعداد: د.ماهر حامد محمد الحولي، الأستاذ المشارك في الفقه وأصوله بكلية الشريعة والقانون بالجامعة الإسلامية- غزة نشر: ۱۴۲۷ هـ.

- ۳۳- التسعير، بحث مقدم لنيل درجة الماجستير في قسم الفقه وأصوله، كلية الشريعة والقانون، جامعة أم القرى، اعداد: عائشة صديق نجوم، ط: ۱۴۰۷
- ۳۴- التعريفات الفقهية، مفتى سيد محمد عميم الاحسان المجددى.
- ۳۵- التفسير ابن كثير، تفسير القرآن العظيم، مؤلف: عماد الدين أبو الفداء إسماعيل بن كثير الدمشقي، مشهور به ابن كثير تحقيق : مصطفى السيد محمد + محمد السيد رشاد + محمد فضل العجاوي + علي أحمد عبد الباقي، ناشر : مؤسسة قرطبة + مكتبة أولاد الشيخ للتراث- الجيزة ، طبع اول، سال: ۱۴۱۲هـ، ۲۰۰۰م .
- ۳۶- تقنين شريعت اسلامي، تأليف: امين، استاد دكتور عبدالباقي امين، سال چاپ: ۱۳۹۵.
- ۳۷- التيسير في أحكام التسعير، تأليف: احمد بن سعيد المجيلدى المتوفى سنة: ۱۰۹۴هـ، تحقيق: موسى لقبال، ناشر: الشركة الوطنية للنشر والتوزيع، الجزائر.
- ۳۸- الجامع لأحكام القرآن، والمبين لما تضمنه من السنة وآي الفرقان، تأليف: أبي عبدالله محمد بن احمد بن أبي بكر القرطبي، متوفى: ۶۷۱، ناشر: مؤسسة الرسالة.
- ۳۹- جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، تأليف: للشيخ محمدحسن النجفي، المتوفى سنة: ۱۲۶۶هـ، دارالنشر: دار إحياء التراث العربي.
- ۴۰- حاشية ابن عابدين، اصل كتاب رد المحتار الدر المختار شرح تنوير الابصار ط: دار عالم الكتب لطباعة والنشر والتوزيع الرياض.
- ۴۱- الحاوي في الفقه الشافعي، تأليف: ابوالحسن الماوردي البصري البغدادي، ناشر: دار الكتب العلمية – بيروت لبنان ، عام الطبع: ۱۴۱۴هـ .
- ۴۲- الحسبة في الاسلام أو وظيفة الحكومة الإسلامية، تأليف: شيخ الاسلام احمد بن عبدالحليم بن تيمية: ط: مكتبة العلمية، بيروت – لبنان .
- ۴۳- حقبة الاقتصادية لطالب العلم، تأليف: أستاذ الدكتور على محي الدين قره داغي، اصدارات: وزارت اوقاف و شئون اسلامي، دولت قطر، طبع اول ۲۰۱۰م
- ۴۴- حكم تسعير الجبري في الفقه الاسلامي، د. ابراهيم على الله جوهر القيسي- كلية الشريعة.
- ۴۵- روضة الطالبين وعمدة المفتين، نووي، أبوزكريا يحيى بن شرف الحوراني الشافعي.
- ۴۶- رياض الصالحين، ترجمه از عبدالله خاموش هروي، ناشر: سايت عقيدہ- انتشارات حرمين www.aqeedeh.com .
- ۴۷- سايت د افغانستان بانک.
- ۴۸- سنن ابن ماجه، للحافظ أبي عبد الله محمد بن يزيد القزويني بن ماجه المتوفى سنة ۲۷۵هـ - طبعة دار الكتب العلمية – بيروت – لبنان .
- ۴۹- سنن أبي داود، للإمام الحافظ أبي داود سليمان بن الأشعث السجستاني الأزدي المتوفى سنة ۲۷۵هـ - طبعة دار الجيل – بيروت – لبنان .

- ۵۰- سنن الترمذی، للحافظ أبی عیسیٰ محمد بن عیسیٰ بن سورة المتوفی سنة ۲۹۷هـ - طبعة دار إحياء التراث العربی - بیروت - لبنان.
- ۵۱- سنن الدارمی ، للإمام أبی محمد عبد الله بن عبد الرحمن بن الفضل بن بهرام الدارمی المتوفی سنة ۲۵۵هـ - طبعة دار الکتب العلمیة - بیروت - لبنان.
- ۵۲- شرح حدود ابن عرفة الموسوم الهدایة الکافیة الشافیة لبيان حقایق ابن عرفة الوافیة المتوفی سنة ۸۹۴ ، ط: دار العرب الاسلامی.
- ۵۳- صحیح ابن حبان، تألیف: ابوحاتم محمد بن حبان بستى سجستانی، المتوفی ۳۵۴ق ناشر: دار الرسالة.
- ۵۴- صحیح البخاری، للإمام الحافظ أبی عبد الله محمد بن إسماعیل بن إبراهيم بن المغيرة بن بردزیه البخاری الجعفی ، طبعة الريان للتراث.
- ۵۵- صحیح مسلم، للإمام أبی الحسين مسلم بن الحجاج القشیری النیسابوری المتوفی سنة ۲۶۱هـ - طبعة دار الکتب العلمیة - بیروت.
- ۵۶- ضوابط المصلحة فی الشریعة الاسلامیة، تألیف: الدكتور محمد سعید رمضان البوطی، مؤسسة الرسالة.
- ۵۷- طرز العمل استفاده از مادیول قیمت گذاری در سیستم گمرکات. وزارت مالیه، ریاست عمومی گمرکات، سال چاپ: ۱۳۹۴هـ تمام ماده های این طرز العمل دیده شود.
- ۵۸- الطرق الحکمیة فی السیاسة الشرعیة لابن القيم ۲۶۲ مطبعة السنة المحمدیة.
- ۵۹- الطرق الحکمیة فی السیاسة الشرعیة، تألیف: أبو عبد الله محمد بن أبی بکر بن آیوب بن قیم الجوزیة، مشهور به ابن قیم الجوزی المتوفی: ۷۵۱، تحقیق : نايف أحمد الحمد، ناشر: دار عالم الفوائد مكة المكرمة، طبع اول سال: ۱۴۲۸هـ.
- ۶۰- العدة فی شرح العمدة ۱/۲۹۰، ط: بدون ذکر سال دار التدمری، الرياض- السعودیة.
- ۶۱- العزیز شرح الوجیز، تألیف: عبد الکریم بن محمد الرافعی الشافعی، ناشر: دار البشائر الإسلامیة.
- ۶۲- الفتاوی الکبری لابن تیمیة، تألیف: تقي الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم بن عبد السلام بن عبد الله بن أبی القاسم بن محمد ابن تیمیة الحرانی الحنبلي دمشقي المتوفی: ۷۲۸هـ الناشر: دار الکتب العلمیة.
- ۶۳- الفتاوی الهندیة، مشهور به فتاوی العالمگیریة فی مذهب الامام الاعظم أبی حنیفة النعمان، تألیف: العلامة الهمام مولانا الشیخ نظام و جماعة من علماء الهند الاعلام ترتیب دادند، ط: دار الکتب العلمیة.
- ۶۴- فرهنگ ده خدا (نشر انترنیٹی).
- ۶۵- فرهنگ معین (نشر انترنیٹی).



- ٦٦- الفروق أو أنوار البروق في أنواء الفروق (مع الهوامش)، تأليف: أبو العباس أحمد بن إدريس الصنهاجي القرافي متوفى: ٦٨٤هـ، ناشر: دار الكتب العلمية، سال نشر ١٤١٨هـ - ١٩٩٨م بيروت-لبنان .
- ٦٧- فصلنامه سیاست های مالی و اقتصادی. سال سوم، شماره ١٠؛ تابستان ١٣٩٤ .
- ٦٨- الفقه الاسلامی و ادلته، تأليف: د. وهبة الزحيلي أستاذ ورئيس قسم الفقه الإسلامي وأصوله، در پوهنتون دمشق - كلیة الشريعة، ناشر: دار الفكر - سوریه - دمشق .
- ٦٩- فقه البيوع على المذاهب الأربعة مع التطبيقات المعاصرة مقارنة بالقوانين الوضعي، محمد تقی العثماني، طبع مكتبة قارى محمد ميرويس بلخ- افغانستان ١٣٩٧هـ الموافق: ١٤٤٠هـ .
- ٧٠- فقه السنة، تأليف: سيد سابق متوفى: ١٤٢٠هـ نشر انترنتي.
- ٧١- قانون گذارى، تأليف: استاد دكتور عبدالباقي امين - رحمه الله- ناشر: مركز تحقيقاتي قاصد كابل- افغانستان، سال چاپ: ١٣٩٧هـ- ٢٠١٨م .
- ٧٢- كشف القناع عن متن الإقناع، منصور بن ادريس النهوتى، متوفى ١٠١٥، تحقيق: هلال مصيلحي و مصطفى هلال، ناشر: دار الفكر- بيروت سال چاپ: ١٤٠٢ تعداد جلد ٦ .
- ٧٣- لسان العرب، تأليف: ابن منظور، تحقيق: عبد الله علي الكبير + محمد أحمد حسب الله + هاشم محمد الشاذلي، ناشر: دار المعارف قاهرة، تعداد جزء: ٦ ، ١٤١٦ .
- ٧٤- مجله البحوث الإسلامية، تأليف: د. محمد بن أحمد الصالح.
- ٧٥- مجمع الأنهر في شرح ملتقى الأبحر ، للفتية المحقق عبد الله بن الشيخ محمد بن سليمان المعروف بداماد أفندي - طبعة دار إحياء التراث العربي للنشر والتوزيع.
- ٧٦- مجموعة الفتاوى المؤلف : تقي الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم بن تيمية الحراني (المتوفى : ٧٢٨هـ)، المحقق : أنور الباز - عامر الجزار، الناشر : دار الوفاء الطبعة : الثالثة ، ١٤٢٦ هـ / ٢٠٠٥ م، مصدر الكتاب : موقع الإسلام، ربط الكتاب مع مصورة دار الوفاء وعلى هامشها أرقام طبعة الشيخ ابن قاسم .
- ٧٧- مجموعه قوانین افغانستان (١٦) قوانین شهر سازی و شاروالی، ناشر: وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان، سال: ١٣٩٦هـ.
- ٧٨- المحلى، أبو محمد علي بن أحمد بن سعيد بن حزم الأندلسي القرطبي الظاهري (المتوفى : ٤٥٦هـ) الناشر: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع ابن حزم.
- ٧٩- مختصر المزنى على الأم ، للإمام محمد بن إدريس الشافعى المتوفى سنة ٢٠٤هـ - اختصره أبو إبراهيم إسماعيل بن يحيى المزنى - وهو مطبوع مع كتاب الأم - طبعة دار الكتب العلمية - بيروت - لبنان.
- ٨٠- المسند، تأليف: امام احمد بن حنبل، ناشر: دار الفكر للطباعة والنشر، بيروت - لبنان، طبع دوم ١٤١٤
- ٨١- مسند الآثار، إمام ابويوسف.

- ۸۲- المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي، تأليف: احمد بن محمد بن علي المقرئ القيومي متوفى ۷۷۰هـ، مكتبة المعارف الطبع الثاني. لسان العرب از علامه ابو الفضل جمال الدين محمد بن مكرم ابن منظور الافريقي المصري، طبع: دار صادر بيروت : ۳۶۵/۴ - ۳۶۷ ، تاج العروس من جواهر القاموس تأليف: السيد محمد مرتضى الحسيني تحقيق: الدكتور نواف الجراح، ط: دار صادر- بيروت..
- ۸۳- مُصنّف ابن أبي شيبة، مصنف : أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة العبسي الكوفي (۱۵۹ - ۲۳۵ هـ).
- ۸۴- المعجم الكبير، تأليف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، ناشر: مكتبة العلوم والحكم - الموصل، طبع دوم ۱۴۰۴ - ۱۹۸۳، تحقيق : حمدي بن عبدالمجيد السلفي، عدد الأجزاء : ۲۰ .
- ۸۵- معجم الصغير، تأليف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، ناشر: مكتبة العلوم والحكم - الموصل، طبع دوم ۱۴۰۴ - ۱۹۸۳ .
- ۸۶- معجم المصطلحات الفقهية والقانونية.
- ۸۷- معجم مقاييس اللغة تأليف: أبو الحسين أحمد بن فارس بن زكريا، المحقق : عبد السلام محمد هارون، ناشر : دار الفكر، الطبعة : ۱۳۹۹هـ - ۱۹۷۹م، عدد الأجزاء : ۶، مصدر الكتاب : موقع صيد الفوائد.
- ۸۸- معجم مقاييس اللغة.
- ۸۹- معين القضاة لمعرفة الاحكام دراسة مقارنة تأليف الاستاد الدكتور احمد حميد سعيد النعيمي والدكتور احمد ابراهيم احمد البدراني، الطبعة الاولى ۱۴۳۸هـ دار المعنتر للنشر و التوزيع .
- ۹۰- المغرب في ترتيب المعرب باب الجيم مع اللام المغرب في ترتيب المعرب، تأليف: أبو الفتح ناصر الدين بن عبد السيد بن علي بن المطرز، الناشر : مكتبة أسامة بن زيد - حلب، الطبعة الأولى ، ۱۹۷۹، تحقيق : محمود فاخوري و عبد الحميد مختار.
- ۹۱- المغنى على مختصر الخرقى ، للإمام أبي محمد عبد الله بن أحمد بن قدامة المتوفى سنة ۶۲ هـ - تحقيق د/ عبد الله التركي ، د / عبد الفتاح الحلو - طبعة دار هجر للطباعة والنشر والتوزيع.
- ۹۲- المقدمة في منهج الفقه الإسلامي للاجتهد والبحث.
- ۹۳- المقنع، الشرح الكبير لشمس الدين ابي الفرج عبدالرحمن بن محمد بن احمد بن قدامة المقدسي المتوفى: ۶۸۲، ناشر: دار الفكر.
- ۹۴- المنتقى شرح موطأ الإمام مالك بن انس، تأليف: القاضي سليمان بن خلف بن سعد بن أيوب الباجي الاندلسي المتوفى: ۴۹۴هـ، ناشر: دار الكتب العلمية بيروت- لبنان، الطبعة الاولى ۱۴۲۰ .
- ۹۵- منهج عمر بن الخطاب في التشريع دراسة مستوعبة لفقه عمر و تنظيماته، تأليف: الدكتور محمد بلتاجي، مدرس الشريعة الإسلامية بكلية دار العلوم - جامعة القاهرة، ناشر: دار الفكر العربي، ۱۳۹۰هـ

- ۹۶- المذهب فی فقه الإمام الشافعی، للعلامة أبی إسحاق إبراهيم بن علی بن یوسف الفیروز أبادی المتوفی سنة ۴۷۶ هـ طبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده.
- ۹۷- الموسوعة الفقهية الكويتية.
- ۹۸- موطأ الإمام مالك، لأبى عبد الله مالك بن أنس الأصبحی المتوفی سنة ۱۷۹ هـ - طبعة دار القلم - بیروت - لبنان.
- ۹۹- نتائج الأفكار (تکملة الفتح) ۸ / ۱۲۶ ، ۱۲۷ ط الأولى الأميرية بمصر ، والدر المنتقى على شرح الملتقى ۲ / ۵۴۸ ، وحاشية ابن عابدين ۵ / ۲۵۵ ط بولاق ۱۲۷۲ هـ.
- ۱۰۰- نهاية المحتاج إلى شرح المنهاج، تأليف الرملى شمس الدين محمد بن احمد الشهير بالشافعی الصغير، ناشر: دار الفكر للطباعة ۱۴۰۴ هـ بیروت - لبنان.
- ۱۰۱- نیل الأوطار: لمحمد بن علی بن محمد الشوكاني المتوفی ۱۲۵۵، طبعة دار الجیل بیروت ۱۹۷۳.
- ۱۰۲- الهداية في شرح بداية المبتدي، تأليف: شيخ الاسلام برهان الدين أبي الحسن علي بن أبي بكر بن عبدالجليل المرغيناني المتوفی سنة: ۵۹۳ هـ، ناشر: جمعية إحياء التراث العربي، تاريخ نشر: ۲۰۱۵ م.
- 103- بخش مقالات: برداشت حقوقی دوگانه از مفهوم اقتصاد بازار، dailyafghanistan.com، نیشته قانونیار حسن خاوری، دوشنبه ۲۸ حوت ۱۳۹۶).
dailyafghanistan.com/opinion_detail.php?post_id=142994
- 104- dollarization، currency Boards، Monetary Union، Single Currency Peg، Bascet Peg، Cooperative Regimes، Crawling Peg، Target Zones and Bands، Managed Floating، Independend Floating. فصلنامه سیاست های مالی و اقتصادی. سال سوم، شماره ۱۰؛ تابستان ۱۳۹۴
- 105- <https://blog.faradars.org>.
- 106- ریاست تنظیم مارکیت ها/ KM.GOV.AF
- 107- Price Setting Behaviour of Pakistan Firms: Evidence from Four Industrial Cities of Panjab, By: Wasim Shahid Malik & Ahasan Ul Haq, published By: Pakistan institute of development economica Islamabad 2010.
- 108- Price Stabilization Mechanism in Pakistan's Food Market: Exploring Issues and Potential Challenges, By: Asma Khalid, April 2020.
- 109- Wikipedia incicalpedia .org

Abstract

This research has been written on government intervention in price fixation from the perspective of Sharia and law. It starts from the definition, types, situations, and Shariah method of pricing and its ruling from the Shariah point of view are expressed in two separate chapters. Three major opinions of Islamic scholars regarding the subject have been quoted: absolute permissibility of pricing, permission with its details, And the prohibition of pricing, along with narrative and rational reasons, has been stated by mentioning the main opinion of scholars about the permission and its prohibition along with the main reasons.

From the law perspective, the pricing in Afghanistan is influenced by the constitution of the previous system (The Islamic Republic of Afghanistan) which has determined the nature of the country's economy. This effect has not been on the pricing of all the economic affairs of the country, but only in some cases has the pricing and intervention of the government taken place. Article 10 of the Constitution, which is relevant to the issue, has been reviewed by some jurists and economists, which is worth considering, and the paper also mentions pricing in the laws of Pakistan and Iran for the sake of clarity. That they have their own procedures in this regard. And in the last chapter of this research, a comparison has been made between Sharia and law regarding pricing. As a result, the differences in Sharia and law in relation to the subject are very small and less, most of the mentioned subject parts are the same. The reason is that the countries under this research are Islamic and the research has been conducted from the Shariah perspective, so the source of all the Islamic countries are almost the same.



Salam University
Faculty of Sharia & Law
Master Program in Jurisprudence
& Law



Islamic Emarat of Afghanistan
Ministry of Higher Education
DM of Academic affairs

Price Fixtion [By Government]

in Sharia & Law

A Master's Thesis

Submitted By: AMAULLAH MUFAWIZ

Supervisor: Dr. MISBAHULLAH ABDULBAQI

Year 2021



Salam University
Faculty of Sharia & Law
Master Program in
Jurisprudence & Law



Islamic Emarat of Afghanistan
Ministry of Higher Education
DM of Academic affairs

Price Fixtion [By Government]

in Sharia & Law

A Master's Thesis

Submitted By: AMAULLAH MUFAWIZ

Supervisor: Dr. MISBAHULLAH ABDULBAQI

Year 2021